

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هزارویک مسأله

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (مدظله العالی)
ناشر: مهدی موعود علیه السلام ● چاپ و صحافی: مجتمع چاپ قدسیان
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه ● قیمت: ۳۰۰۰ تومان

هزار و یک مسأله فقہی

(مجموعه استفتاءات)

با تجدید نظر و اضافات

جلد دوم

مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی

حاج شیخ حسین نوری همدانی (دام ظلّه عالی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ

فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا

وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا

حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

فهرست مطالب

۱۵.....	احکام تقلید.....
۱۷.....	تبعیض در تقلید.....
۱۸.....	احکام نجاسات.....
۲۰.....	عرق جنب از حرام.....
۲۲.....	احکام طهارت.....
۲۳.....	آیا آسفالت پاک کننده است؟.....
۲۵.....	احکام وضوء.....
۲۷.....	نیت.....
۲۹.....	کسی که دستش قطع شده.....
۲۹.....	مسح سر و پا.....
۳۰.....	کسی که تقطیر بول دارد.....
۳۲.....	وضوی جبیره.....
۳۳.....	احکام غسل.....
۳۴.....	نیت.....
۳۵.....	غسل جبیره.....
۳۵.....	جنابت.....
۳۷.....	احکام حیض.....
۳۹.....	احکام میت.....
۳۹.....	مس میت.....
۴۰.....	غسل میت.....

حنوط میت	۴۱
نماز میت	۴۱
دفن میت	۴۱
نبش قبر	۴۱
احکام تیمم	۴۳
احکام مسجد	۴۴
فروش اموال مسجد	۴۶
عزاداری در مسجد	۴۷
تبدیل و تخریب مسجد	۴۹
گرفتن جا در مسجد	۴۹
سیگار کشیدن در مسجد	۵۰
احکام نماز	۵۱
اوقات نماز	۵۲
لباس نماز گزار	۵۳
موارد معفو بودن نجاست در نماز	۵۴
مکان نماز گزار	۵۴
اذان	۵۴
قرائت	۵۵
جهر و اخفات	۵۶
رکوع	۵۷
قنوت	۵۷
سجده	۵۷
تشهد	۵۹
تسبیحات اربعه	۵۹
سلام نماز	۶۰

- ۶۰ مبطلات نماز
- ۶۱ سجده سهو
- ۶۲ نماز آیات
- ۶۳ نماز قضا
- ۶۴ نماز و روزه قضای پدر و مادر
- ۶۴ نماز استیجاری
- ۶۵ نمازهای نافله
- ۶۵ احکام جماعت
- ۶۸ شرائط امام جماعت
- ۷۰ امام جماعت در چند محل
- ۷۱ قصد فرادی در جماعت
- ۷۱ نماز جمعه
- ۷۳ احکام مسافر
- ۷۷ حد ترخص
- ۷۷ سفر معصیت
- ۷۷ سفرهای طولانی
- ۷۸ احکام وطن
- ۸۰ احکام روزه
- ۸۱ اگر روزه ضرر داشته باشد
- ۸۲ باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح
- ۸۳ قضا و کفاره
- ۸۵ احکام اعتکاف
- ۸۷ خروج از مسجد
- ۸۸ چیزهایی که اعتکاف را باطل می کند
- ۸۹ رها کردن اعتکاف

۹۰ قضا و کفاره اعتکاف
۹۱ احکام زکات
۹۲ زکات طلا
۹۲ زکات فطره
۹۴ احکام خمس
۹۷ فیش حج
۹۷ پس انداز جهت تهیه نیازمندیها
۹۹ خریدهای اقساطی
۱۰۰ نیازهای زندگی
۱۰۳ خرید به ذمه
۱۰۳ خمس هبه
۱۰۴ بالا رفتن قیمت
۱۰۶ درآمدها
۱۰۸ خمس کسی که در بین سال می‌میرد
۱۰۸ طلب کاریها
۱۰۹ سرمایه و ابزار کسب
۱۰۹ خمس شهریه
۱۱۰ خمس جهیزیه
۱۱۱ خمس افراد صغیر
۱۱۱ مصرف خمس
۱۱۳ احکام انفال
۱۱۴ احکام حج
۱۱۴ احرام
۱۱۵ طواف
۱۱۶ رمی جمره

۱۱۶.....	قربانی
۱۱۷.....	عمره
۱۱۷.....	حج و عمره نیابتی
۱۱۸.....	حج بانوان
۱۱۹.....	افطار در حج
۱۲۰.....	احکام معاملات
۱۲۴.....	خرید و فروش چک
۱۲۵.....	خرید و فروش حق امتیاز
۱۲۶.....	خرید به ذمه
۱۲۶.....	خرید و فروش مسکرات
۱۲۷.....	معاملات نسبیّه
۱۲۸.....	ربا
۱۲۹.....	اسکناس
۱۲۹.....	مالکیت دولت و شرکتهای
۱۳۰.....	خیارات
۱۳۲.....	شروط باطل و مبطل
۱۳۳.....	احکام محجور
۱۳۴.....	احکام شفعه
۱۳۵.....	احکام بانکها
۱۳۷.....	سود بانکها
۱۳۹.....	جوائز بانکها
۱۴۰.....	احکام مضاربه
۱۴۲.....	شرط در مضاربه
۱۴۳.....	تخلف عامل از تعهدات
۱۴۵.....	احکام هبه

۱۴۸.....	احکام قرض
۱۴۹.....	احکام رهن
۱۵۰.....	احکام وکالت
۱۵۱.....	احکام ضمان
۱۵۲.....	احکام اجاره
۱۵۳.....	احکام کسب و کار حرام
۱۵۷.....	شعر، غنا و موسیقی
۱۵۹.....	عکس، نقاشی و تصویر
۱۶۰.....	قمار
۱۶۱.....	مواد مخدر و دخانیات
۱۶۲.....	شعبده، سحر و هیپنوتیزم
۱۶۲.....	اوراق مسابقه
۱۶۳.....	مجسمه
۱۶۳.....	نمایش
۱۶۴.....	مجالس و آلات لهو
۱۶۵.....	رقص
۱۶۵.....	آرایش
۱۶۶.....	لباس
۱۶۷.....	کف زدن
۱۶۷.....	تراشیدن ریش
۱۶۷.....	خوردن شیر انسان
۱۶۸.....	ضرر و زیان به غیر
۱۶۸.....	رشوه
۱۶۹.....	رعایت مقررات حکومتی
۱۷۰.....	احکام عزاداری، سینه زنی و تعزیه خوانی

۱۷۳.....	احکام نکاح
۱۷۷.....	اولیاء عقد و اذن آنان
۱۷۸.....	مهریه و شیربهاء
۱۸۱.....	شرط ضمن عقد
۱۸۲.....	کسانی که ازدواج با آنها حرام است
۱۸۲.....	محارم
۱۸۲.....	عقد موقت
۱۸۴.....	نکاح با اهل کتاب
۱۸۵.....	عیوب
۱۸۶.....	نگاه و لمس
۱۸۷.....	شیردادن
۱۸۷.....	نشوز
۱۸۸.....	فرزند نامشروع
۱۸۹.....	احکام واجب التّفقه
۱۹۱.....	احکام بانوان
۱۹۲.....	بلوغ دختران
۱۹۲.....	حجاب اسلامی
۱۹۴.....	احکام طلاق
۱۹۵.....	خروج مطلقه رجعیه از منزل
۱۹۵.....	عده
۱۹۷.....	طلاق محاکم قضائی
۱۹۸.....	حضانة
۱۹۹.....	ظهار
۲۰۰.....	احکام ردّ مظالم و حق الناس
۲۰۱.....	احکام ذبح

۲۰۲.....	ذبح با دستگاه
۲۰۲.....	شکار و صید
۲۰۳.....	ذبیحه اهل کتاب
۲۰۴.....	احکام نذر
۲۰۷.....	احکام وقف
۲۱۰.....	فروش عین موقوفه
۲۱۱.....	تبدیل و تغییر موقوفه
۲۱۴.....	خروج عین موقوفه به محل دیگر
۲۱۵.....	وقف عام
۲۱۵.....	وقف معاطاتی
۲۱۵.....	حبس
۲۱۶.....	احکام خوردنیها و آشامیدنیها
۲۱۹.....	احکام وصیت
۲۲۱.....	اختیارات وصی
۲۲۱.....	نفوذ وصیت بیشتر از ثلث
۲۲۴.....	احکام ارث
۲۲۶.....	ارث زن و شوهر
۲۲۷.....	ارث پدر و مادر
۲۲۷.....	ارث عمو، عمه، دایی و خاله
۲۲۸.....	ارث جد و جدّه
۲۲۸.....	ارث کسانی که با هم می‌میرند
۲۲۹.....	اختیارات ولی
۲۳۰.....	احکام امر به معروف و نهی از منکر
۲۳۱.....	احکام قضاوت
۲۳۱.....	علم قاضی

۲۳۲.....	قضاوت بانوان
۲۳۳.....	احکام حدود
۲۳۳.....	حد زنا
۲۳۴.....	حد سارق
۲۳۵.....	حد مرتد
۲۳۵.....	حد معاونت در قتل
۲۳۵.....	تأخیر حد
۲۳۶.....	تعزیرات
۲۳۸.....	احکام قصاص
۲۳۹.....	شرایط اجرای قصاص
۲۴۰.....	اولیاء دم
۲۴۱.....	قاتل زنا زاده
۲۴۱.....	اختیارات حاکم
۲۴۲.....	تأخیر قصاص
۲۴۳.....	قسامه و لوث
۲۴۶.....	احکام دیه
۲۴۸.....	اولیاء دیه
۲۴۸.....	دیه دندان
۲۴۹.....	دیه اهل کتاب
۲۴۹.....	دیه صدمات متعدد
۲۵۰.....	مخارج مازاد بر دیه
۲۵۲.....	دیه جنایت بر میت
۲۵۳.....	عاقله
۲۵۳.....	ارش
۲۵۴.....	کسانی که از دیه ارث نمی‌برند

۲۵۴.....	فاضل ديه
۲۵۶.....	احكام سقط جنين
۲۵۸.....	احكام اهل كتاب
۲۶۰.....	احكام پزشكي
۲۶۰.....	تشریح
۲۶۱.....	پيوند اعضا
۲۶۲.....	تلفیح
۲۶۶.....	تشبيه سازي
۲۶۶.....	جلوگيري از حاملگي
۲۶۷.....	تغيير جنسيت
۲۶۸.....	عقيم کردن
۲۶۹.....	احكام متفرقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام تقلید

س ۱: اگر شخصی تقلید نکند و حاضر هم نیست تقلید کند آیا عمل او مثل نماز و روزه و... صحیح است یا نه؟

ج: اگر طبق فتوای مجتهدی که می‌بایست از او تقلید کند باشد صحیح است.

س ۲: آیا با اجازه همه مراجع زنده‌ای که بقاء بر میت را جائز می‌دانند می‌شود باقی بر میت ماند یا باید با اجازه یک مرجع تقلید این کار صورت پذیرد؟
ج: بلی می‌شود با اجازه مراجعی که بقاء بر میت را جایز می‌دانند باقی بماند و تعیین لازم نیست.

س ۳: حکم رجوع کردن را بیان بفرمائید؟ آیا کسی که مقلد جنابعالی است می‌تواند در مسائلی مانند روزه و نماز به مرجعی دیگر رجوع کنند؟
ج: در صورتی که عمل نکرده می‌تواند.

س ۴: آیا حکم کسی که از مرجعی به مرجع دیگر در ماه مبارک رمضان رجوع می‌کند تا بتواند نماز خود را کامل و روزه بگیرد مختص به همان زمانی است که معلم جهت ادامه تحصیل مثلاً از ایلام به کرمانشاه آمده است یا خیر؟

ج: اگر به فتوای مرجعی که تقلید از او جایز است عمل کرد نمی‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل نماید مگر اینکه مجتهد دوم اعلم باشد.

س ۵: اینجانب در سال ۱۳۷۳ در خدمت مقدس سربازی بودم و مقلد آقای اراکی

بودم بعد از رحلت ایشان بعثت مشکلات و عدم آگاهی نتوانستم از یک مجتهد تقلید کنم، اول مدتی (حدود چند ماه) از مجتهدی تقلید کردم، بعد از آن حدود یک سال نیز از یک مجتهدی دیگر تقلید کردم دوباره با اجازه آن مجتهد به آقای اراکی باقی بر میت ماندم، حال چون آگاهی پیدا کرده‌ام و شناختم از مجتهدین بیشتر شده چند سؤال دارم:

۱. آیا من الان می‌توانم از جنابعالی یا مجتهد دیگری تقلید کنم؟

۲. تکلیف من در مورد تقلیدهای بالا چیست آیا اشکالی وجود دارد؟

ج: هر فردی که ثابت شده اعلم است از او تقلید کنید و اعمالی را که انجام داده‌اید اگر با فتاوی آن اعلم مطابق باشد صحیح است و اگر چند نفر مساوی باشند از هر یک می‌توانید تقلید کنید.

س ۶: آیا موقتاً می‌شود از یک مرجع، تقلید کرد تا مرجع مورد نظر پیدا شود؟
ج: در صورت امکان باید از متعهد اعلم تقلید کرد و اگر تشخیص اعلم مشکل باشد و چند نفر در علم و اجتهاد مساوی باشند می‌توان از یکی از آنها تقلید کرد.

س ۷: آیا کسی می‌تواند فقط نیت تقلید از مجتهدی را بکند و به فتاوی او عمل نماید؟

ج: تا عمل به فتاوی مجتهد نکرده تقلید محقق نشده است.

س ۸: آیا شخصی که تازه به سن بلوغ رسیده است می‌تواند از امام (قدس سره) تقلید نماید؟

ج: کسی که تازه بالغ شده واجب است از مرجع حیّ تقلید کند.

س ۹: فرق اجتهاد کامل و ناقص چیست؟

ج: اجتهاد کامل و مطلق آن است که فقیه در تمام ابواب فقه قدرت استنباط داشته باشد و اجتهاد ناقص و متجری آن است که فقیه در برخی از ابواب فقه قدرت استنباط را دارا باشد.

س ۱۰: آیا زن می‌تواند علوم اسلامی را تحصیل نماید و به مقام اجتهاد برسد؟
ج: بلی

تبعیض در تقلید

س ۱۱: در صورت تساوی مراجع تقلید و عدم علم به اعلیت آنها آیا تبعیض در تقلید را اجازه می‌فرمائید؟

ج: در صورت تساوی مراجع تقلید، تبعیض در تقلید در مسائلی که هنوز به فتوای مرجعی عمل نکرده باشد جایز است.

س ۱۲: رجوع از مجتهد زنده به زنده چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که مجتهد دوم اعلم باشد رجوع به او واجب است و اگر مساوی باشد و تا حال در آن مسأله به فتوای مجتهد اول عمل نکرده رجوع جایز است و اگر عمل کرده رجوع جایز نیست.

س ۱۳: بنده به علت عدم دسترسی به فتوای جنابعالی در چندین مسأله از حضرت آیت الله خامنه‌ای تقلید می‌کردم آیا این مورد یعنی با توجه به اینکه حقیر مقلد جنابعالی هستم، تقلید از مقام معظم رهبری در چند مسأله جائز است یا خیر؟

ج: اگر قبلاً مسائل فوق را از این جانب تقلید نکرده‌اید جایز است.

س ۱۴: رجوع از مجتهد مساوی به مجتهد مساوی چه حکمی دارد؟

ج: در مسائلی که عمل نکرده است اشکال ندارد.

احکام نجاسات

س ۱۵: فضله لاک پشت حکمش چیست؟

ج: لاک پشت اگر دارای خون جهنده است یعنی اگر رگ آنرا ببرند خون از آن جستن می‌کند فضله آن نجس است.

س ۱۶: مسلمانی برای مسلمان دیگری از آلمان کفشی بعنوان هدیه می‌فرستد که آن کفش چرمی بوده و از مغازه غیر مسلمان خریداری شده، با توجه به اینکه واردات چرم به کشور آلمان از ممالک اسلامی و غیر اسلامی صورت می‌گیرد و ما هم اطلاعاتی از پاک بودن یا نجس بودن چرم نداریم، حکم آنرا بیان فرمائید؟

ج: چنین کفشی محکوم به نجاست است.

س ۱۷: پوستهای لب و جاهای دیگر بدن که وقت جدا شدن آنها رسیده یا نرسیده است، اگر جدا شوند نجس هستند یا خیر؟ اجزای کوچکی که از بدن جدا می‌شود، مثل زیگیل، دانه‌های ریز، آبله و چیزهایی که هنگام خاراندن از بدن جدا می‌شوند چه حکمی دارند؟

ج: در صورتی که موقع افتادنشان رسیده باشد، پاک می‌باشند، ولی بنا بر احتیاط واجب باید از چیزهایی که وقت افتادنشان نرسیده و آن را کنده اند، اجتناب نمایند.

س ۱۸: سرمی که از فرآورده‌های خونی باشد و یا خونی که بر اثر ریختن دارو در آن رنگش تغییر یافته است نجس است یا خیر؟

ج: سرم مذکور اگر استحاله شده باشد، طاهر است ولی خون مزبور نجس است.

س ۱۹: اگر از روی تصادف موش داخل منبع بزرگ نفت بیفتد و بمیرد که مسلماً

موجب نجس شدن منبع می‌گردد حال بدلیل پر و خالی شدن این ظرف از نفت و رسیدن نفت آن به دیگر ظروف که از پیت های نفت گرفته تا ته سماور و چراغ نفتی و منبع های بزرگ مانند بشکه ها و تانک ها، آیا تمامی آنها نجس می‌شود؟ در این صورت وظیفه چیست؟ آیا باید نفت داخل منبع بزرگ را دور ریخت؟

ج: ظرفهایی که نفت نجس به آنها می‌رسد نجس می‌شوند ولی دور ریختن نفت نجس لازم نیست بلکه می‌توان از آن برای روشنائی و... استفاده نمود.

س ۲۰: اگر انسان در مورد نجس شدن چیزی کوچکترین شکی کند آیا آنچه قبلاً پاک بوده نجس است؟

ج: چیزی که پاک بوده و در نجس شدن آن شک شود پاک است.

س ۲۱: اگر انسان شک کند که چیزی نجس شده یا نه ولی با فکر کردن و تجسس فیزیکی و مشاهده می‌تواند بفهمد که نجس شده، یا خیر؛ آیا لازم است که واریسی کند و فکر خود را مشغول سازد که آن چیز در آن لحظه نجس شد یا خیر مثلاً به عین نجاست خورد یا خیر یا تر بود یا خیر و...؟

ج: لازم نیست واریسی کند.

س ۲۲: چرا شراب نجس و حرام است؟

ج: با ادله شرعی نجاست و حرمت آن ثابت شده است و در همه شرایع ممنوع بوده است.

س ۲۳: نجاست و حرمت استفاده از الکل اتیلیک (اعم از منابع تخمیری، شیمیایی و صناعی) در طب و داروسازی به صورت موضعی (زداینده، خشک کننده، ضد عفونی کننده) و خوراکی اعم از اینکه خوردن آن جنبه دارویی داشته باشد مثل سم زدایی متانول و یا به صورت جزئی فرعی در یک فرآورده دارویی مایع به عنوان حلال یا محافظ وارد شده باشد را تعیین فرمایید.

ج: در صورتی که مایع و مست کننده باشد، نجس است و خوردن آن هم حرام است مگر اینکه به عنوان دارو مورد استفاده قرار گیرد و راه درمان

منحصر به آن باشد. و اگر شک داشته باشید که آیا مست کننده هست یا خیر، طاهر است و خوردن آن هم اشکال ندارد.

عرق جنب از حرام

س ۲۴: فرموده‌اید که «عرق جنب از حرام، نجس نیست ولی بنابر احتیاط باید با بدن و لباسی که به آن آلوده شده نماز نخوانند» پس در این صورت فرق آن با نجاست چیست؟

ج: اجتناب از عرق جنب از حرام به احتیاط واجب در نماز لازم است ولی نجس نیست و اشیاء دیگر مانند لباس و ظرف و گوشی تلفن و... را نجس نمی‌کند.

س ۲۵: اگر عرق جنب از حرام چنین حکمی داشته باشد که دارد، پس تکلیف و وظیفه کسانی که از این حکم بی‌خبرند یا مدتی بی‌خبر بوده‌اند و بعداً با خبر شده‌اند (اعم از انسانهای مکلفی که بعد از چند سال از این آگاهی یافته‌اند) چیست؟

ج: در صورتی که یقین دارد با عرق جنب از حرام نماز بجای آورده باید نمازها را قضا کند و هر اندازه شک دارد قضای آنها لازم نیست و همانطور که اشاره شد عرق جنب از حرام وسائل زندگی مانند کیف و دفتر و دستگیره در... را نجس نمی‌کند و بطور کلی وقتی آثار عرق در بدن با لباس از بین برود شستن آنها لازم نیست بلکه می‌توان با آنها نماز نیز بجای آورد.

س ۲۶: آیا منظور از عرق جنب از حرام، عرق خود شخص در بدن و لباس خویش می‌باشد و یا عرق هر شخص دیگری هم در بدن و لباس شخص دیگری مورد نظر است.

ج: فرقی بین آن دو نمی‌باشد.

س ۲۷: آیا عرق جنب از حرام عرقی است که فقط هنگام جنب شدن از انسان

ترشح می‌شود و یا عرقهائی که بعدها هم از بدن انسان جنب از حرام غسل نکرده ترشح می‌شود نیز عرق جنب از حرام محسوب می‌شوند؟
ج: فرقی بین آن دو نیست.

س ۲۸: آیا عرق جنب از حرام فردی که مکلف نشده نیز حکم عرق جنب از حرام شخص مکلف را دارد و باید از آن در نماز و کارهایی که نیاز به وضو دارد اجتناب نمود؟

ج: فرقی بین آنها نیست در صورتی که انسان جنب شود به حد تکلیف رسیده گرچه سنّ وی کمتر از حدّ بلوغ باشد.

احکام طهارت

س ۲۹: اگر شخصی از مرجع خودش سؤال کرد که مثلاً: آیا برای پاک کردن شیء نجس در آب جاری فشار لازم است یا خیر؟ و آن مرجع هم جواب داد که در پاک کردن فشار لازم نیست و آن شخص هم مدتی بر این فتوی عمل کرد اما بعداً در رساله دید که فشار دادن لازم است و ظاهراً آن مرجع در موقع گفتن فتوی اشتباه نموده است، در این صورت وظیفه مقلد چه خواهد بود؟ و تکلیف نمازهای او چگونه است؟ با توجه به اینکه نظر مرجع عوض نشده و همان طور که در رساله نوشته شده است می‌باشد و آن شخص هم می‌خواهد که بر تقلید آن مجتهد باقی بماند و اگر نمی‌خواهد باقی بماند، و اگر چنین قصدی ندارد وظیفه چیست؟ در پایان نظر جناب عالی در مورد پاک کردن با آب جاری چیست مرقوم فرمایید؟

ج: در صورتی که شما از گفته مرجع تقلید خود یقین کردید و بر اساس آن عمل نمودید ولی بعد متوجه شدید که فشار لباس نجس لازم است باید بر اساس آن عمل نمائید و نمازهایی را که یقین دارید با آنها خوانده اید باید در وقت اعاده و در خارج وقت قضاء نمائید و باقی ماندن شما بر فتوای آن مرجع تقلید لازم است مگر اینکه اطمینان و علم پیدا کنید که دیگری از او اعلم است و بر اساس نظر ما بنا بر احتیاط واجب باید فرش و لباس و مانند اینها را طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود.

س ۳۰: آیا آب دریا با توجه به شوری آن حکم آب مطلق را دارد و طهارت با آن صحیح است یا خیر؟ و کلاً آب شوری که قابل شرب نباشد مطلق است یا مضاف؟
ج: آب دریا از جهت شوری مضاف نیست و همینطور آب شور.

س ۳۱: آیا عفو از خون جروح و قروح مواردی را که - رطوبات خارجی وارد منطقه زخم بشود بطوریکه ورود این رطوبات لازمه معالجه و درمان باشد و این باعث

متنجس شدن بخشی از بدن گردد و تطهیر آن حرجی باشد - شامل می‌شود یا خیر؟

ج: چون این رطوبات لازمه معالجه و درمان است و تطهیر آن حرجی است مشمول عفو است.

س ۳۲: در مواردیکه علاوه بر خون جروح نجاست دیگری از قبیل بول و غائط در بخش مجروح بدن دخالت داشته باشد و تطهیر حرجی باشد عفو شامل می‌شود یا خیر؟

ج: چون تطهیر حرجی است - میزان هم حرج شخص است - مشمول قاعده لاحرج می‌باشد.

س ۳۳: آیا الکل صنعتی که در انواع اذکنها، عطرها، برخی رنگها و داروها بکار می‌رود پاک است یا خیر؟

ج: پاک است.

س ۳۴: هر گاه سوزن و چاقو را وارد بدن انسان کنند و خارج کنند پاک است یا خیر؟

ج: اگر وقت بیرون آمدن به همراه آن خون نباشد، پاک است.

س ۳۵: با توجه به احتمال بودن لباسهای نجس آیا همه لباسشوئی های تمام اتوماتیک از لحاظ طهارت، لباسها را پاک می‌کنند؟

ج: اگر بعد از برطرف شدن عین نجاست به آب لوله وصل باشد، پاک است.

آیا آسفالت پاک کننده است؟

س ۳۶: در صورتی که کفش یا پای فردی آلوده به نجاست باشد آیا به واسطه راه رفتن روی آسفالت پاک می‌شود؟ در صورتی که پاک نشود با کفش یا پای نجس وارد مسجد شدن جایز می‌باشد؟

ج: روشن است که ورود به مسجد با ته کفش نجس که موجب نجاست

مسجد شود حرام است و راه رفتن بر روی آسفالت ته کفش نجس را پاک نمی‌کند. البته چون احترام مسجد در هر حال باید رعایت شود، متناسب است که با کفش وارد مسجد نشد گرچه کفش طاهر باشد.

احکام وضوء

س ۳۷: آیا فرقی که در وضو بین زن و مرد در مورد شستن دست از آرنج است - که اگر مرد است پشت آرنج آب بریزد و بشوید و اگر زن است از جلوی دست - در ابطال وضو دخالتی دارد؟

ج: خیر در بطلان وضو تأثیری ندارد.

س ۳۸: لمس کردن القاب معصومین علیهم السلام مثل رضا، صادق، کاظم و... برای شخص جنب و نیز شخص بدون وضو چه حکمی دارد؟ آیا لمس کردن پول منقش به القاب معصومین علیهم السلام جایز است؟

ج: اگر هتک احترام آنان باشد، نباید بدون وضو لمس شوند، و بنابر احتیاط مستحب اگر بی احترامی هم نباشد، لمس ننمایند.

س ۳۹: اگر صورت و دستها در وضوء دو مرتبه شسته شوند وضوء باطل می شود یا خیر؟

ج: اگر بقصد شستن سه بار بشوید وضوء باطل است.

س ۴۰: آیا دست زدن بدون وضو (بنابر فتوای کسانی که مشکل می دانند «فتوا یا احتیاط واجب») به مانند این اسمها اشکال دارد یا خیر؟ «عبدالحسین، غلام حسین و قربان علی، رضوی (منسوب به امام رضا علیه السلام)»

ج: مس اسمی مذکور اشکال ندارد مگر (رضوی) که اگر منظور امام رضا باشد و مس موجب هتک باشد حرام است و اگر موجب هتک هم نباشد بنا بر احتیاط مستحب مس نکنند.

س ۴۱: تحقق یکبار شستن در وضوء آیا با نیت یک بار محقق می شود اگر چه تمام عضو را چند بار آب فراگیرد و یا تحقق یک بار شستن تنها با فراگرفتن آب محقق می شود بنحوی که اگر یک بار آب تمام عضو را فرا گرفت یک بار محسوب

می‌شود اعم از اینکه یک بار را نیت کرده باشد یا یک بار نیت نکرده باشد؟

ج: معیار چند بار شستن قصد شستن (بار اول یا دوم یا سوم) است نه چند بار آب ریختن.

س ۴۲: شخصی داخل حمام در حالی که تمام اعضای بدنش خیس هست متوجه می‌شود که وقت نماز تنگ است، آیا می‌تواند بجای وضو غسل کند و با آن نماز بخواند در صورتیکه هیچ غسلی بر ذمه او نیست؟

ج: در فرض سؤال که غسل واجب به ذمه او نیست و وقت هم تنگ است اگر در اوقاتی باشد که دارای غسل مستحبی است مثل غسل جمعه و غیر آن می‌تواند به قصد آن، غسل مستحبی کند و با آن نماز بخواند. و در غیر این صورت اگر ممکن است باید محل مسح را خشک نموده و وضوء بگیرد و اگر ممکن نیست لازم است با تیمم نماز را بخواند.

س ۴۳: در هنگام وضوء گرفتن قطراتی چند از آب شیر بر روی آن قرار می‌گیرد آیا دست زدن به آن، آب خارج از وضوء می‌شود یا خیر؟

ج: در هنگام وضوء مانعی ندارد که دست را به شیر آب بگذارید ولی بعد از تمام شدن شستن اعضاء وضوء پیش از مسح کشیدن نباید آبی که خارج از آب وضوء است بدست‌ها برسد چون لازم است که مسح سر و پاها فقط با رطوبت آب وضوء باشد.

س ۴۴: آیا رساندن آب به زیر پوست موهای مژه‌های چشم لازم است - در صورتی که رساندن آب به زیر موهای صورت لازم نباشد - یا نه؟

ج: در صورتیکه پوست از زیر مو پیدا باشد شستن آن در وضوء لازم است و اگر پیدا نباشد لازم نیست.

س ۴۵: در صورتی که صورتم را برای وضو شستم و بعد مشغول دست راست شدم آیا در این صورت قبل از تمام شدن وضو خشک کردن صورت موجب بطلان وضو نمی‌شود؟

ج: در صورتیکه موالات بین اعضاء بهم نخورد اشکال ندارد.

س ۴۶: اگر کسی قبل از وضو ملتفت پاک بودن اعضاء وضو نبود و وضو گرفت چنانچه در مسئله ۲۷۹ رساله توضیح المسائل نوشته شده است: وضوء او باطل است اما آیا آب این وضوء بدن یا اعضاء دیگر را نجسمی نماید یا خیر؟

ج: به هر مقدار از بدن و لباسکه یقین دارد آب متنجس رسیده نجس است و در جاهائی که شک دارد طاهر است.

س ۴۷: گاهی اوقات کلر مخلوط با آب آنقدر زیاد است که وقتی در دست می‌گیریم کف دست پیدا نیست در این صورت آیا آب مضاف است یا خیر؟ و وضوء با آن چه حکمی دارد؟

ج: کلر در آب آنقدر ریخته نمی‌شود که آب را مضاف کند بنابراین وضو با آن صحیح است.

س ۴۸: آیا کسی که هر از چند گاهی در هنگام نماز شک کند که وضوی او هنوز باقی است یا باطل شده تکلیف شخص چیست؟ آیا نماز را بشکند و تجدید وضو کند؟ یا احتیاجی به وضو نیست و اعتنایی به شک نکند؟

ج: تا هنگامی که به باطل شدن وضو و صادر شدن حدّث یقین پیدا نکرده است، به شک و وسوسه اعتنا نکند.

س ۴۹: دور انداختن و بی‌احترامی به کاغذی که در آن عبارت «باسمه تعالی» نوشته شده چه حکمی دارد؟ به ضمیر «ه» در بasmه تعالی باید مانند نام خداوند با وضو دست زد و بی‌احترامی نکرد؟

ج: در فرض مذکور مسّ نمودن بدون وضو اشکال ندارد اما بی‌احترامی به آن جایز نیست.

نیت

س ۵۰: شخصی تا حال قبل از وقت نماز چه در غسل و چه در وضو آنها را بقصد

نماز واجب بجا می‌آورد آیا نمازهائی که بعد از آن طهارت بجا آورده محکوم به بطلان است؟

ج: در صورتی که با قصد قربت غسل و وضوء را بجا آورده صحیح است و نمازهایش بی اشکال می‌باشد.

س ۵۱: با وضویی که به نیت نماز قبل از اذان (مثلاً دو ساعت قبل از اذان) گرفته شده است آیا می‌توان نماز خواند و اگر نماز بخوانیم چه حکمی دارد؟

ج: اشکال دارد، مگر آنکه به نیت با طهارت بودن وضو بگیرد که می‌تواند با آن نماز بخواند.

س ۵۲: اینجانب در هنگام شروع وضو هیچ گاه علم بماوجب پیدا نمی‌کنم یعنی نمی‌توانم شروع کنم و وقتی هم که شروع می‌کنم نمی‌توانم نیتم را معطوف به وضو کنم، هر چند بارها آب بصورتم بزنم، و بعضی مواقع نیز متحیر می‌گردم. مثلاً هنگام آب زدن به صورتم: بعضی از مواقع احساس خارج شدن باد می‌کنم که ممکن است خیالات و واکنشهای روده و معده باشد که در بعضی مواقع بیشتر و در بعضی مواقع کمتر می‌باشد و گاه در اثناء نماز یکدفعه پیش می‌آید که گاه در اثر عدم توانایی روحی و بی اختیار بودن صورت می‌پذیرد. لطفاً راهنمایی فرمایید.

ج: وضو را برای «با طهارت بودن» یا سایر چیزهائی که وضو برای آنها لازم است، و در رساله توضیح المسائل ذکر شده بگیرید و در موارد مذکور وضوی شما باطل نمیشود و به وسوسه و شک اعتنا نکنید.

س ۵۳: اینجانب طلبه حوزه علمیه قائمیه می‌باشم صبح که برای نماز صبح بیدار می‌شوم و وضوء می‌گیرم با همین وضوء نماز ظهر و عصر را می‌خوانم، و چیزهائی که باطل کننده وضو است برایم پیش نمی‌آید، اولاً بیان کنید نیت وضو به چه نحوی است؟ ثانیاً آیا می‌توان با این وضو نمازهای واجب و قضا و مستحبی خواند؟ ثالثاً از مسجدی وضو گرفتن و در مسجدی دیگر نماز خواندن چه حکمی دارد؟

ج: تا هنگامی که وضو دارید، می‌توانید با آن تمام اعمالی که مشروط به وضو

است، انجام دهید هر چند مدت طولانی باشد و اگر پیش از وقت نماز به قصد اینکه با طهارت باشید وضو بگیرید صحیح است و همچنین اگر وضو را بقصد اعمالی که در توضیح المسائل مسئله ۳۱۷ به بعد ذکر شد انجام دهید کافی است و وضو گرفتن از آب یک مسجد و خواندن نماز در مسجد دیگر اگر وقف خاص نباشد اشکال ندارد.

کسی که دستش قطع شده

س ۵۴: کسی که دو دستش قطع شده، چگونه باید وضو بگیرد؟
ج: در صورتی که مقداری از دو دست باقی است همان مقدار را بشوید و اگر تا مرفق قطع شده با شستن صورت وضو بگیرد و شستن بالاتر از مرفق لازم نیست و اگر قسمتی از ذراع باقی باشد در صورت امکان لازم است با باطن ذراع مسح جلو سر و روی پاها را نیز انجام دهد.

مسح سر و پا

س ۵۵: آیا در مسح سر باید با کف دست، سر را مسح کرد و یا با نوک انگشتان نیز می‌توان این عمل را انجام داد؟
ج: لازم است مسح با کف دست که شامل کف انگشتان نیز می‌شود انجام گیرد.

س ۵۶: در صورت کتیرا زدن به موی سر آیا در هنگام مسح موجب بطلان وضو می‌شود یا خیر؟
ج: اگر کتیرا مانع از مسح موی سر باشد یا باید آن را برطرف نمود یا آن را کنار زند و زیر آن را مسح نمود.

س ۵۷: آیا مسح سر را باید دقیقاً از وسط سر کشید یا آنکه از کنار (جایی که معمولاً فرق باز می‌کنند) می‌توان مسح کشید؟

ج: مقابل پیشانی جای مسح می‌باشد و هر جای آن مسح شود کفایت می‌کند اگر چه وسط نباشد.

س ۵۸: در هنگام وضو قبل از مسح سر، دست نجس می‌گردد چه کنیم؟

ج: اگر نتواند با انگشتان دست مسح سر و روی پاها را انجام دهد احتیاط آن است که دست را طاهر کند و مجدداً وضو بگیرد.

کسی که تقطیر بول دارد

س ۵۹: جوانی است مجرد ۱۸ الی ۱۹ ساله که دچار عارضه‌ای است به این شکل: وقتی به توالت می‌رود و بعد از ادرار و استبراء و بعد از بلند شدن پس از چند دقیقه مایعی از محل ادرار بیرون می‌آید و یقین پیدا می‌کند ادرار است اما بعد از شستشو باز هم ادامه می‌یابد، ناگفته نماند به دکتر رفته ولی خوب نشده و طبق آزمایش بدن سالم بوده است. و همچنین هر روز بدون اینکه که به توالت رفته باشد مایعی بیرون می‌آید که شک دارد که آیا ادرار است یا منی تا غسل انجام دهد. و الآن سه یا چهار ماه به این درد مبتلا می‌باشد و واقعاً برای او موجب حرج شده است، تکلیفش در مورد نماز، روزه و غسل و یا غیره چیست؟

ج: رطوبتی که از وی خارج می‌شود و نمی‌داند منی است یا چیز دیگر و نشانه‌هایی که در مسئله ۳۴۷ توضیح المسائل ذکر شده را ندارد حکم منی ندارد و وضو را باطل نمی‌کند و موجب غسل هم نمیشود ولی رطوبتی که از وی خارج می‌شود و یقین دارد که ادرار است بدن و لباس را نجس کرده وضو را باطل می‌کند.

س ۶۰: احتراماً راجع به تقطیر بول (که یک نوع مرضی است) راجع به نماز و وضو وظیفه چیست؟ و دیگر اینکه همین وضعیت اگر برای سرباز در حال خدمت پیش بیاید که برایش عسر و حرج زیاد داشته باشد وظیفه‌اش چگونه می‌باشد؟

ج: در صورتی که باندازه وضو و نماز نتواند خود را کنترل نماید و در بین نماز

هم بول خارج می‌شود برای نماز وضو بگیرد و با کیسه‌ای که در آن پنبه یا چیز دیگری که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند خود را حفظ نماید و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد. برای اطلاع بیشتر به توضیح المسائل مسأله ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۴۱۳ مراجعه فرمائید.

س ۶۱: کسی که نمی‌تواند باد شکم را نگه دارد یا ادرارش را کنترل کند و کسی که نمی‌تواند هر دو را کنترل کند چطور باید وضو بگیرد؟ و چگونه نماز بخواند؟

ج: در صورتی که می‌تواند وضو بگیرد و فوراً نماز را بدون مستحبات آن بجای آورد باید چنین کند و اگر چنین چیزی هم مقدور نیست؛ در مورد خروج بول یک وضو بگیرد و نماز را بجای آورد و اگر بعد از نماز بول خارج شد برای نماز بعد هم وضو بگیرد و نماز را بجای آورد، و در مورد خروج باد معده در صورتی که مشقت نداشته باشد بعد از خروج در بین نماز وضو بگیرد و بقیه نماز را انجام دهد و اگر مشقت داشته باشد مانند کسی که بول از او خارج می‌شود عمل کند.

وضوی جبیره

س ۶۲: حضرت امام راحل علیه السلام در مسئله سوم از احکام وضو جبیره در تحریر الوسیله می فرمایند: «لو كانت (الجبیره) مستوعبة لمعظم الاعضاء لا يترك الاحتياط بالجمع بين عمل الجبیره والتيمم ان امکن ذلك بلا حائل وان لا تبعد كفاية التيمم» و نیز در فصل مسوغات تيمم می فرمایند: «ومنها الحرج والمشقة الشديدة التي لا تتحمل عادة في تحصيل الماء او استعماله» حال آيا در مواردی که به دليل استيعاب جبیره نسبت به اعضاء متعدد وضو و نجس بودن بعضی از زخمها و شرایط خارجی از قبیل وصل بودن سرم و امثال آن انجام وضوی جبیره دارای حرج نوعی یا شخصی و یا احتمال ضرر برای زخم باشد تيمم کافی است یا خیر؟

ج: چنانکه اگر وضو گرفتن مستلزم حَرَج باشد وظیفه تيمم است و اگر وضوی جبیره ای نیز که مرتبه ای از وضو است مستلزم حرج باشد وظیفه به تيمم انتقال پیدا می کند. و میزان حَرَج شخصی و یا ضرر است.

احکام غسل

س ۶۳: جوانی که چندی پیش با دختری عقد بسته است و هنگام صحبت یا دیدن او یا تماس تلفنی با او بی اختیار مایعی به اندازه یک یا دو قطره از محل ادرارش بیرون می‌آید که هیچ نشانه‌ای از منی بودن را ندارد و فقط چسبندگی جزئی در آن دیده می‌شود. و در مورد نماز و روزه و غسل وظیفه‌اش چیست؟ و اصلاً آیا این کار حلالست یا خیر؟ و نمازها و روزه‌هایی که در این مدت انجام داده چه حکمی دارد؟

ج: رطوبتی که از وی خارج می‌شود اگر نشانه‌هایی که در مسأله ۳۴۷ توضیح المسائل ذکر شده نداشته باشد موجب غسل نمیشود و آن رطوبت طاهر است و وضو را هم باطل نمی‌کند و این کار از نظر شرعی هم اشکال ندارد و نماز و روزه‌هایی که انجام داده اگر آن رطوبت نشانه‌های مذکور را نداشته باشد صحیح است.

س ۶۴: چند سال قبل فردی برای مسجدی سنگی خریده که در ساختمان آن به کار نرفته و اضافه آمده است. سنگ اضافی را در حمام همان روستا بکار برده اند، آیا در آن حمام غسل کردن جایز است؟، در صورت اشکال آیا می‌شود پول سنگ را به مسجد برگرداند یا خیر؟

ج: در فرض سوال، صاحبان سنگ اگر رضایت بدهند مانعی ندارد و در صورتی که صاحبان آنها معلوم نباشد سنگها مجهول المالک به حساب می‌آیند که با اجازه حاکم شرع استفاده در حمام بلا مانع است.

نیت

س ۶۵: کسی که سه غسل بر او واجب باشد: غسل جنابت، مسّ میت و غسل نذر، آیا می‌تواند به نیت غسل مسّ میت، غسلی انجام دهد و این غسل از بقیه آغسال مُجزی باشد؟ و با فرض اجزاء، آیا برای نماز نیاز به وضو دارد؟

ج: در صورتی که به نیت غسل جنابت غسل کند از بقیه غسلها مجزی است و کفایت از وضو هم می‌کند.

س ۶۶: در موقع غسل ترتیبی باید نیت کند که اول سر و گردن و بعد سمت راست و بعد سمت چپ را یا لازم نیست که این نیت را کند؟

ج: همین اندازه که نیت کند غسل ترتیبی انجام دهد کافی است قهراً در این نیت ترتیب بین سر و گردن و سمت راست و چپ نهفته است.

س ۶۷: انسانی که غسل جنابت بر او واجب است ولی می‌خواهد غسل مستحبی هم مانند غسل جمعه انجام دهد آیا یک غسل به نیت غسل جنابت کفایت می‌کند یا اینکه دو غسل باید انجام دهد؟

ج: می‌تواند یک غسل به نیت جنابت و جمعه بجا آورد.

س ۶۸: با توجه به اینکه غسل جنابت به خودی خود مستحب است، اگر انسان بدون اینکه جنب باشد و فقط به عنوان غسل مستحبی غسل جنابت انجام دهد، می‌تواند بدون وضو نماز بخواند یا خیر؟

ج: در فرض مذکور غسل جنابت مشروع نیست و نمی‌تواند بدون وضو نماز بخواند.

س ۶۹: کسی که تا مدتی وجوب غسل را نمی‌دانست و بعد از بلوغش نیز به این مسئله آگاه نشد و مثلاً جماع کرده و خیال می‌کرد که بعد از انزال منی غسل واجب می‌شود نه تنها با دخول و وسائل تحقیق هم نداشت یا ملتفت نبود که از کسی سؤال کند و مدت زیادی هم نماز خوانده و روزه گرفته و بعدها چندین بار با

نیت غسل ما فی الذمه غسل را انجام داده در این صورت وظیفه نماز و روزه‌هایی که قبل از غسل ما فی الذمه خوانده چه خواهد بود؟
ج: لازم است نمازهایی که قبل از غسل در حال جنابت انجام داده است قضا کند. و روزه‌های وی صحیح است.

س ۷۰: آیا کسی که غسل جنابت یا حیض بر او واجب است می‌تواند با تیمم بدل از غسل به مسجد بیاید؟
ج: در صورتی که تیمم بخاطر عذر شرعی باشد نه تیمم برای تنگی وقت می‌توان با آن به مسجد رفت.

س ۷۱: در شب شنبه می‌فرمایند می‌شود رجاء قضاء غسل جمعه را بجا آورد حال اگر شخصی آن را در شب شنبه رجاء بجا آورد آیا می‌تواند روز شنبه قضاء آن را بجا آورد یا خیر؟ (اعاده کند غسل را)
ج: اگر در شب شنبه غسل جمعه را به صورت قضا انجام دهد کافی است.

غسل جبیره

س ۷۲: شخصی که مریض است و دست یا پایش سوخته است و غسل جنابت بگردنش آمده و یا غسل دیگر، اگر از روی مشماً یا نایلون در حال غسل آب جاری نماید غسلش صحیح است یا نه؟
ج: غسلش صحیح است و چنین غسلی که جبیره ای می‌باشد باید ترتیبی انجام شود.

جنابت

س ۷۳: اگر در صورتی که از روی علائم سه گانه (فشار و شهوت و سست شدن بدن) نتوان منی و غیر منی را تشخیص داد، آیا از روی علائم ظاهری همچون

رنگ و غیره می‌توان تشخیص داد؟

ج: از هر طریق که انسان یقین کند که منی از او خارج شده جنب می‌شود.

س ۷۴: آبی که دو نشانه از نشانه‌های مذکور را داشته باشد و یک نشانه را نداشته باشد یا انسان شک کند که آن یک نشانه را نیز دارد یا خیر (در صورتی که آن شخص مریض نباشد) در حکم منی است یا نه؟

ج: در فرض مذکور حکم منی را ندارد.

س ۷۵: آیا از طریق کتب علم پزشکی می‌توان آبھائی را که از انسان دفع می‌شود اعم از منی، ودی، وڈی و غیره را تمیز و تشخیص داد؟

ج: از هر طریق که انسان یقین کند که مایعی که از او خارج شده منی است جنب شده و باید غسل کند.

س ۷۶: آبی که شکل و مشخصات ظاهری منی را دارد ولی انسان شک می‌کند که آیا تمامی علائم سه گانه را داشته یا نه، در حکم منی است یا خیر؟

ج: در فرض سؤال حکم منی را ندارد.

س ۷۷: چهار یا پنج سال قبل گاهی اوقات که جنب می‌شدیم، به علت اعتراض پدر یا مادر به حمام عمومی نمی‌رفتیم در حالی که نمی‌دانستیم تیمم بدل از غسل هم وجود دارد؛ حکم نمازهایی که خوانده ایم چیست؟

ج: نمازهایی که در موقع جنابت بدون غسل یا تیمم انجام داده‌اید باطل و باید آنها را قضا نمائید.

احکام حیض

س ۷۸: زنی که ۵۰ سال او تمام شده (یا سیده ای که ۶۰ سال او تمام شده) اگر با مصرف داروهای هورمونی که متداول است و پزشکان بعد از یائسگی تجویز می‌کنند خونریزی با مشخصات حیض پیدا کند آیا این خونریزی حیض محسوب می‌شود یا استحاضه است؟

ج: بعد از یائسگی خونی که زن می‌بیند استحاضه است گرچه صفات خون حیض را داشته باشد.

س ۷۹: گاهی ۸ روز و گاهی ۶ روز خون می‌بینم آیا در مدتی که ۸ روز خون می‌بینم (در آن دو روز) هم حیض حساب می‌شود یا نه؟
ج: در فرض سؤال کل ۸ روز حیض است.

س ۸۰: عده از خانم‌ها جهت جلوگیری از بارداری قرص جلوگیری از حاملگی مصرف می‌کنند و در اثر مصرف آن قرص عادت ماهانه ایشان قطع می‌شود لذا مادامیکه بایست در آن ایام خون می‌دید حالا نمی‌بینند، در ایام ماه مبارک رمضان در آن روزها که عادت این خانم است و خون نمی‌بیند حکم روزه و نمازش چیست و آیا می‌تواند آن اعمال که در ایام عادتش حرام بود انجام بدهد از قبیل مس قرآن و مسجد رفتن و همبستر شدن با شوهرش و غیره یا خیر؟

ج: در فرض سؤال نماز و روزه او صحیح است و چیزهایی که بر حائض حرام است بر وی حرام نمی‌باشد.

س ۸۱: یکی از راههای جلوگیری از انعقاد نطفه این است که ابزاری در دهانه رحم نصب می‌کنند که این عمل موجب خونریزی می‌شود و ممکن است این خونریزی مدت زیادی طول بکشد با توجه به اینکه این خونریزی عمدی می‌باشد آیا حیض محسوب می‌شود و به طور کلی این عمل جایز است یا خیر؟

ج: اگر مستلزم عمل حرامی باشد، جایز نیست و خونی که بیرون می آید در صورتی که نشانه‌های حیض داشته باشد، حیض محسوب می شود.

احکام میّت

مسّ میّت

س ۸۲: برای چه غسل مسّ میّت واجب است؟

ج: شاید حکمت آن این باشد که اگر غسل واجب نشده بود بعد از رحلت متوفّی بستگان و دوستان وی او را در آغوش می گرفتند و می بوسیدند و خود را به او نزدیک می کردند بطوریکه در مواردی به سختی می شد آنها را از بدن میّت جدا کرد که این عمل خود مشکلاتی ایجاد می کرد، بعلاوه از نظر بهداشتی نیز ممکن بود عوارضی بوجود آورد.

س ۸۳: آیا برای مسّ جنین مرده یا سقط شده (قبل از ۴ ماه تمام) توسط مادر یا فرد ثالث غسل مسّ میّت واجب می شود؟

ج: در فرض سؤال غسل مسّ میّت واجب نیست گرچه بهتر است.

س ۸۴: آیا در مسّ موارد زیر، غسل مسّ میّت واجب می شود؟ الف: قطعه جدا شده از بدن مرده؟

ج: اگر همراه با استخوان باشد و غسل داده نشده باید غسل مسّ میّت نماید.

ب: قطعه جدا شده از بدن اعم از دارا بودن یا نبودن استخوان، گوشت و...

ج: اگر قطعه جدا شده همراه استخوان باشد برای مسّ آن غسل واجب می شود، اما اگر استخوان تنها باشد و گوشت نداشته باشد، مسّ آن موجب غسل نمی شود.

س ۸۵: فرد روحانی که دست به میّت زده و با تیمّم بدل از غسل مسّ میّت می خواهد نماز بخواند، آیا مردم می توانند به او اقتدا نمایند؟

ج: در صورتی که از انجام غسل معذور باشد مانعی ندارد.

غسل میّت

س ۸۶: غسل دادن میّت مسلمان توسط اهل کتاب چه حکمی دارد؟

ج: در صورتیکه مماثل مسلمان یا غیر مماثل محرم پیدا نشود و منحصر باشد مماثل در آنان جایز است.

س ۸۷: به چه دلیل میّت را غسل می‌دهند؟

ج: غسل دادن میّت مسلمان یک نوع احترام به میّت است و در ضمن مُسْعِر به این است که انسان با مردن از بین نمی‌رود بلکه از جهانی به جهان دیگر منتقل می‌شود لذا جسم او باید با احترام و تشریفات خاصی دفن شود بعلاوه چون بنا است او را وارد جهان دیگر نمایند که در حقیقت یک نوع لقاء پروردگار است مناسب است با بدن پاک و مطهر و در حالی که غسل داده شده است وارد آن جهان گردد و البته باید توجه داشت که به فلسفه و حکمت احکام و دستورات الهی هر چند بطور دقیق نمی‌توانیم پی ببریم ولی بطور قطع تمام دستورات الهی دارای مصالح و آثار و فوائد مهمی است که بر اساس آنها انجام آن احکام لازم می‌شود.

س ۸۸: در توضیح المسائل نوشته شده اگر زن پیدا نشد تا میّت را غسل دهد، کسانیکه نسبت دارند و محرمند می‌توانند از زیر لباس غسل دهند لطفاً شرح فرمائید از زیر لباس یا از روی لباس یعنی پارچه نازک باشد؟

ج: در فرض سؤال واجب است که عورت میّت با پارچه غیر نازک پوشیده باشد.

س ۸۹: آیا غسل میّت طبق ضوابط و شرایط مقرر با دستگاه اتوماتیک جایز است؟

ج: اگر غسل دهنده نیّت کند مانعی ندارد بشرط اینکه مطابق دستور شرع انجام بگیرد.

حنوط میّت

س ۹۰: در حنوط که واجب است کافور در کف دست هم گذاشته شود (علاوه بر دیگر اعضای سجود) آیا مقدار مسّمی کفایت می‌کند یا خیر؟ (یعنی باید همه کف دست را کشید یا خیر)؟

ج: واجب است کافور به کف دست نیز گذاشته شود و مقدار مسّمی کفایت می‌کند.

نماز میّت

س ۹۱: اگر بخواهیم نماز میّت بر متوفای اهل سنت بخوانیم پنج تکبیر بگوئیم یا چهار تکبیر؟ و گفتن ذکر «اللهم اغفر للمؤمنین» و «اللهم اغفر لهذا المیّت» و «ما نعلم منه الاّ خیرا» بر او کفایت می‌کند یا اذکار خاصی دارد؟

ج: در وجوب پنج تکبیر در صلاه میّت فرقی بین شیعه و سنی نیست.

دفن میّت

س ۹۲: مجوّز نقل میّت به اماکن مقدّسه و مشاهده مشرفه آیا اختصاص به این نیت دارد که دفن در حرم مطهر صورت گیرد یا اعمّ از اینکه در حرم دفن شود یا در مقبره‌های شهری که حرم در آن واقع است؟

ج: منظور از دفن در حرم اعمّ است.

نبش قبر

س ۹۳: شخصی که در حال احرام فوت کند و به نیت غسل کافور زده‌اند و همچنین حنوط هم کرده‌اند و بعد از دفن میّت متوجّه مسئله شده‌اند، حالا

وظیفه شرعی چیست؟ آیا نبش قبر کنند؟

ج: در صورت امکان اگر توهین به میت نباشد و بدن هم پوسیده نشده باشد بنا بر احتیاط واجب نبش قبر نموده بدن را بیرون آورده میت را با آب خالص دو مرتبه غسل بدهند و بدون کافور او را دفن نمایند.

س ۹۴: بچه ای در سن پنج و یا شش سالگی از دنیا رفته و پدر و مادر بدون اطلاع از مسئله بچه را بدون غسل و نماز دفن کرده‌اند و از این موضوع دو سال می‌گذرد تکلیف پدر و مادر اکنون چه می‌باشد آیا جایز است نبش قبر نمایند؟

ج: در فرض سؤال چون دو سال از جریان می‌گذرد و بدن تغییر کرده است، نبش قبر مستلزم بی‌احترامی به بدن میت و اذیت و ناراحتی مردم است و لذا جائز نیست، ولی نماز را بر قبر میت بخوانند.

احکام تیمم

س ۹۵: به نظر جنابعالی یک نفر که تیمم بدل از غسل کرده چند بار می‌تواند به مسجد برود یعنی به چه مدت با توجه به اینکه آب موجود نباشد؟

ج: تا هر وقت که دسترسی به آب پیدا نکرده معذور می‌باشد و می‌تواند با تیمم نماز خوانده و به مسجد برود.

احکام مسجد

س ۹۶: کسی که زمینی را وقف مسجد نموده، ایستادن فرد جنب در این زمین چه حکمی دارد؟

ج: اگر مسجد بودن آن محقق شده یعنی آن زمین را بقصد مسجد بودن وقف کرده‌اند و بعد از وقف اقلاً دو رکعت نماز بعنوان مسجد بودن در آنجا خوانده شده، آنجا مسجد است و جنب نمی‌تواند در آن توقف نماید.

س ۹۷: آیا اموالی که تعلق به مسجد دارد می‌شود به صورت عاریه (بدون اجرت و یا با اجرت) در اختیار افراد قرار داد یا خیر؟
ج: خیر.

س ۹۸: آیا دانشجویان می‌توانند از مسجد بعنوان محلّ مطالعه به صورت شبانه روزی استفاده نمایند یا خیر؟
ج: اگر مزاحم نمازگزاران نشوند مانعی ندارد.

س ۹۹: در صندوق مسجد مقداری پول موجود است و کسانی نیز وجود دارند که قابل اطمینان بوده و نیازمندند آیا می‌توانیم بعنوان قرض الحسنه از این موجودی برای مدتی به چنین اشخاصی بدهیم؟
ج: اگر منظور اهداء کنندگان، کمک به مسجد بوده، دادن آن به عنوان قرض الحسنه به افراد جایز نیست.

س ۱۰۰: چنانچه حضرتعالی اطلاع دارید که چندی قبل از طرف مسئول امور مساجد اعلام گردید که می‌شود در مساجد برنامه‌های عقد و جشن ازدواج برپا نمود و این موضوع در صدا و سیمای جمهوری اسلامی قرائت گردید و همچنین در بعضی از روزنامه‌های کشور به چاپ رسید. با توجه به اهمّیت و احترام مساجد و

حفظ شوون آن در قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام و اینکه چنین برنامه‌هایی با شوون مساجد منافات دارند و همچنین مقدمه بر بعضی از منکرات از قبیل لهو و لعب و موسیقی و غیره و عواقب و اثرات سوء را بدنبال دارد. با تشکر از جنابعالی نظر مبارک را در این گونه برنامه‌ها در مساجد بفرمائید؟

ج: چون مسجد جایگاه عبادت خداوند است و رعایت احترام آن لازم است بنابراین اگر به اجراء صیغه عقد در مسجد و اجتماع تنها برای این منظور باشد مانعی نیست بلکه رجحان دارد و اما انجام مراسم جشن و عروسی مخصوصاً با همراه بودن با جریانهایی که در سؤال ذکر شده است و متعارف است جائز نیست. و لازم است مسؤولین محترم برای سهولت امر ازدواج و فراهم کردن وسائل زندگی جوانان اهتمام بیشتری بخرج بدهند.

س ۱۰۱: شخصی از لته‌هایش خون می‌آید آیا می‌تواند دهان خود را در یک ظرف بشوید و بعداً آن را در بیرون از مسجد دور بریزد؟ آیا تسریع در این امر واجب است و یا شستن دهان باید در بیرون از مسجد صورت بگیرد؟

ج: تسریع در آن واجب نیست همچنین اگر با شستن دهان مسجد نجس نمیشود می‌تواند آن را در مسجد بشوید و نیز اگر بی‌احترامی به مسجد نباشد می‌تواند دهان را در ظرفی بشوید و آب آلوده به خون را در بیرون مسجد بریزد.

س ۱۰۲: فردی در محلی ساکن می‌باشد که غیر مسلمان هم می‌باشد و دین دیگری دارد اما در موقع ساختن مسجد کمک می‌کند، آیا شرعاً می‌شود پول چنین افرادی را دریافت کرد و خرج مسجد نمود یا خیر؟

ج: اشکال ندارد، مگر اینکه موجب نفوذ آنان در مسلمانان شود که در این صورت جایز نیست.

فروش اموال مسجد

س ۱۰۳: فرش و وسایلی از مسجد موجود است که نزدیک به فرسودگی می‌باشد و اکنون شاید به قیمت بالائی بخرند و بعد از مدت زمانی باید به دور انداخته شود آیا می‌توانیم آنها را فروخته و تبدیل به احسن نمائیم؟

ج: در فرض سؤال فروش فرش و وسایل مسجد و تبدیل آنها به احسن جایز است.

س ۱۰۴: چندی پیش مسؤلان مسجدی در همدان فرش کهنه‌ای از مسجد را به مبلغی می‌فروشنند، بعداً یک نفر از اعضاء هیئت حسینه همان محل متوجه می‌شود فرش به قیمت پائین فروخته شده و از مسؤلان مسجد می‌خواهد که فرش را از خریدار پس بگیرند ولی آنها اعتنا نمی‌کنند و می‌گویند کاری انجام شده و تمام شده. آن شخص خودش به عنوان عضو هیئت حسینه به خریدار مراجعه و فرش را با زحمت زیاد پس می‌گیرد و در جای دیگری با قیمت بسیار خوبی بفروش می‌رساند در حال حاضر مسؤلان مسجد ادعا دارند پول باید به مسجد داده شود ولی اعضاء هیئت حسینی معتقدند پول مربوط به حسینه است و باید در حسینه صرف شود چونکه مسؤلان مسجد فرش را فروخته بودند و عضو حسینه آنرا پس گرفته و برای حسینه فروخته. خواهشمند است در این مورد از نظر شرعی تکلیف را مشخص فرمائید که وجه دریافتی از فروش فرش به مسجد می‌رسد یا حسینه؟

ج: از آنجا که فرش مال مسجد بوده است پس از فروش قیمت آن کلاً به مسجد می‌رسد.

س ۱۰۵: با توجه به اینکه تعدادی فرش کوچک نذری در این مسجد می‌باشد و احتمال این می‌رود که به راحتی بتوانند به آن دست برد زده و از بین برود، لذا از آن مرجع عزیز درخواست می‌شود در صورت امکان اجازه بفرمایید تا جهت بهتر استفاده کردن و حفظ این اموال فرشها را فروخته و به فرش بزرگتر تبدیل کنیم، همچنین مقداری در و پنجره دست دوم و مقداری اموال غیر قابل استفاده در

مسجد وجود دارد که با گذشت زمان از بین می‌رود، خواهشمند است اجازه فرمائید تا جهت مخارج مسجد بفروش برسد.

ج: مجازید فرشها را تبدیل به احسن نمائید و آن اشیائی که مورد استفاده

مسجد نیست را فروخته و اشیاء مشابه مورد نیاز مسجد را تهیه نمائید؟

عزاداری در مسجد

س ۱۰۶: نظر به اینکه در ایام ماه مبارک رمضان و ماههای محرم و صفر مراسم مختلفی در مساجد جهت تعظیم شعائر اسلامی برگزار می‌گردد و غالباً مراسم تا پاسی از شب ادامه دارد و صدای بلند گوهای مسجد نیز تا پاسی از شب برای بیرون از مسجد پخش می‌شود و بالطبع همسایگان مسجد بیشتر از همه در معرض شنیدن صدای بلندگوها می‌باشند و غالباً اظهار نارضایتی می‌کنند به طوری که صریحاً مخالف پخش صدای بلندگوی مسجد برای بیرون مسجد می‌باشند خواهشمند است از لحاظ شرعی تکلیف هیأت امنای مسجد را در این مورد مشخص فرمائید؟

ج: برگزار نمودن مجالس وعظ و تبلیغ و تعلیم معارف اسلامی و برپا کردن مجالس عزاداری اهل بیت عصمت و تعظیم شعائر دینی لازم و بسیار مهم است ولی بر همه مسلمانان مخصوصاً هیأت محترم امنای مساجد نیز لازم است که رعایت همسایگان مخصوصاً در صورتی که بعضی از آنها بیمار باشند بنمایند و صدا را فقط در داخل مجالس منعکس کنند. زیرا اذیت و ناراحت کردن مسلمانان یکی از گناهان کبیره است.

س ۱۰۷: با توجه به تأکیدات فراوانی که مبنی بر حفظ حرمت مسجد شده و با نظر به اینکه با کفش وارد شبستان مسجد شدن نوعی بی‌احترامی و هتک حرمت مسجد محسوب می‌شود لطفاً بفرمایید این امر در خصوص عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب هتک شود، اشکال دارد.

س ۱۰۸: با توجه به اینکه در بنیاد مساجد آنچه اصل است نماز و اقامه جمعه و جماعت است در صورتی که جمع آوری فرشهای شبستان مسجد و اجرای برنامه شبیه خوانی و عزاداری سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام مانع برگزاری نماز جماعت و یا نماز فرادی اصناف و کسبه اطراف مسجد و یا رهگذران در شبستان مسجد باشد آیا این امر جایز است؟

ج: اگر مانع از برگزاری نماز باشد، اشکال دارد.

س ۱۰۹: بر فرض که جمع آوری فرشهای شبستان مسجد و ورود عزداران با کفش به داخل مسجد جایز باشد، لطفاً بفرمایید آیا جایز است همزمان با وقت برگزاری نماز جماعت در ایوان مسجد که حکم مسجد را ندارد، در شبستان مسجد نیز برنامه شبیه خوانی و عزاداری برگزار شود یا اینکه این امر نوعی بی توجهی به جماعت و نماز جماعت می باشد؟

ج: با توجه به اهمیتی که نماز اول وقت مخصوصاً اگر با جماعت باشد دارد و تأکیدی که ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به انجام فرضیه نماز فرموده اند و خود نیز عملاً چنین می کردند همانطور که حضرت امام حسین علیه السلام در ظهر روز عاشورا در میدان نبرد نماز اول وقت را به جماعت اقامه فرمود؛ سزاوار است عزداران آن حضرت احترام مسجد را رعایت کرده در وقت نماز، آنها نیز مشغول نماز شوند و از عزاداری در وقت نماز خوداری نمایند. روشن است که ورود به مسجد با ته کفش نجس که موجب نجاست مسجد شود حرام است و راه رفتن بر روی آسفالت ته کفش نجس را پاک نمی کند. البته چون احترام مسجد در هر حال باید رعایت شود، مناسب است که با کفش وارد مسجد نشد گرچه کفش طاهر باشد.

تبدیل و تخریب مسجد

س ۱۱۰: الف: آیا در صورت عدم امکان گسترش ساختمان یک مسجد می‌توان مسجد را در محل دیگری غیر از مکان مسجد فعلی بنا نهاد یا خیر؟ ب: در صورت مجاز بودن آیا تخریب مسجد جائز است یا خیر؟ در صورت بدون استفاده ماندن مسجد قبلی (به علت عدم تکافوی جمعیت) مسجد چه حکمی خواهد داشت؟ ج: مسجد در هر حال مسجد است. ولی می‌توان در محل دیگری نیز مسجد ساخت.

س ۱۱۱: در صورت تخریب مسجد (به هر علت ممکن) آیا زمین همان مسجد حکم مسجد را دارد. ج: بلی حکم مسجد را دارد.

س ۱۱۲: آیا مسجدی که مثلاً بیست سال قبل ساخته‌اند می‌شود داخل آن برای آشپزخانه و انباری زیر زمین درست کنند یا خیر؟ ج: در فرض سؤال جایز نیست.

س ۱۱۳: آیا می‌توان مسجد کم جمعیت را به عنوان کانون فرهنگی و بسیج مسجد انتخاب کرد و در آنجا کتابخانه، سالن مطالعه، نوارخانه نوارهای مذهبی (قران و مداحی) دایر و عکس و پوستر و برچسب شهدا، علما، امام و رهبری عرضه نمود؟

ج: مسجد را نمی‌توان از حالت مسجد بودن، خارج کرد.

گرفتن جا در مسجد

س ۱۱۴: در مساجد جهت جا گرفتن، رحل، مهر یا تسبیح قرار می‌دهند، اگر فاصله زمانی قرار دادن رحل یا... تا اقامه جماعت زیاد باشد (مثلاً از شب گذشته تا ظهر فردا) آیا موجب حق اولویت و در نتیجه غصبی بودن مکان می‌گردد؟

ج: برای حق اولویت در مکان لازم است چیزی مانند سجاده باشد، مهر یا تسبیح یا مسواک کافی نیست و این حق اولویت در صورتی است که زیاد طولانی نباشد، بنابراین در وقت اقامه نماز اگر صاحب سجاده خود را به محل نرساند که مستلزم تعطیل مکان شود حقی نسبت به آن ندارد بنابراین دیگری می‌تواند سجاده را کنار گذاشته و خود جای او را بگیرد ولی موظف است که سجاده را به صاحب او برساند و اگر نرساند ضامن است.

سیگار کشیدن در مسجد

س ۱۱۵: کشیدن سیگار در مسجد اشکال دارد یا خیر؟

ج: در صورتی که مضر باشد یا آثار سوء تربیتی ایجاد نماید اشکال دارد.

احکام نماز

س ۱۱۶: عده‌ای از اهالی روستایی بابت پاک کردن قنات روستا پول پرداخت نموده‌اند و عده کمی هنوز پرداخت ننموده‌اند این مطلب از نظر شرعی چه حکمی دارد و آیا نماز و روزه آنهایی را که پرداخت ننموده‌اند درست است یا نه؟
ج: سزاوار است که تمام اهالی محترم برای اصلاح و مرمت قناتها همکاری نموده و مخارج لازم را فراهم نمایند ولی نماز و روزه آنها که تا حال پول پرداخت نکرده‌اند باطل نیست.

س ۱۱۷: کسی که یک مدتی منی را نمی‌شناخت و خیال می‌کرد که از کلیه‌های او رطوبت خارج می‌شود و مدت زیادی گذشت و غسل نمی‌کرد، در این صورت تکلیف نماز و روزه‌های او چه خواهد بود؟

ج: واجب است آن اندازه از نمازها که یقین دارد در حال جنابت انجام داده قضا نماید، و روزه‌های وی صحیح است.

س ۱۱۸: کسی که خواب است و اگر برای نماز بیدارش نکنیم نمازش قضا می‌شود، آیا واجب است بیدارش کنیم یا نه؟ و آیا بین اعضاء خانواده و دیگران در این صورت فرق است یا نه؟

ج: بیدار کردن واجب نیست و در این جهت فرقی بین اعضاء خانواده و غیر آنها نیست.

س ۱۱۹: چرا باید نماز بخوانیم؟

ج: امر پروردگار متعال است و برای رسیدن انسان به تکامل می‌باشد.

س ۱۲۰: رابطه نماز با اینکه جلوگیری کننده از فحشا و منکرات است چگونه است؟

ج: به هر مقدار که نماز ما مورد قبول باشد جلوگیری از فحشاء و منکر می‌نماید.

س ۱۲۱: بستن چشمها جهت کسب تمرکز حواس چه حکمی دارد؟
ج: کراهت دارد.

اوقات نماز

س ۱۲۲: وقت نماز ظهر و عصر تا غروب آفتاب است یا تا اذان مغرب؟
ج: تا مغرب می‌باشد، ولی اگر باندازه چهار رکعت به مغرب مانده باشد، وقت مخصوص نماز عصر است.

س ۱۲۳: کسی که مشغول نماز ظهر است و در نماز شکی عارض او می‌شود که نماز احتیاط به او واجب می‌شود ولی وقت نماز عصر هم تنگ است به طوریکه اگر نماز احتیاط را بخواند وقت نماز عصر فوت می‌شود. آیا نماز عصر مقدم است یا نماز احتیاط مربوط به ظهر؟

ج: اگر بعد از خواندن نماز احتیاط حداقل به اندازه یک رکعت به آخر وقت باقی بماند، باید اول نماز احتیاط بخواند بعد نماز عصر را بجا آورد و اگر نه باید اول نماز عصر را بخواند و آن گاه نماز ظهر را نیز قضا نماید.

س ۱۲۴: اگر فردی در صبح هنگامی که از خواب بلند می‌شود خورشید را نمی‌بیند در حالی که می‌تواند با مختصر تفحصی اطلاع یابد یا به ساعت و یا به تقویم نگاه کند ولی نماز را بجا می‌آورد، حکم نمازش چیست؟ (احتمال قوی می‌دهد که خورشید طلوع کرده باشد)

ج: اگر اطمینان به طلوع خورشید پیدا نکرده باشد نمازش صحیح است.

لباس نمازگزار

س ۱۲۵: پوشش زن در نماز چگونه باید باشد؟

ج: به جز صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دستها و پاها تا مچ، بقیه بدن باید پوشیده باشد، و برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پائین تر از مچ را هم بپوشاند.

س ۱۲۶: استفاده از پوست حیوانات بحری حرام گوشت از قبیل تمساح و مار و نهنگ در نماز چگونه است؟ آیا نجس است؟

ج: نماز خواندن در چنین لباسی جایز نیست و نماز را باطل می‌کند، و در صورتی که معلوم نیست که خون جهنده دارد یا نه، محکوم به طهارت است.

س ۱۲۷: پوشیدن لباس سیاه در نماز چه حکمی دارد؟

ج: کراهت دارد.

س ۱۲۸: اینجانب در نماز صورت خود را به طور کامل به اندازه‌ای که زن باید بپوشد کمتر می‌پوشاندم آیا نمازهایم باطل است؟

ج: اگر جاهل مقصر باشید و جائی از بدن که پوشاندن آن لازم است، نپوشانده‌اید، نمازتان باطل است.

س ۱۲۹: آیا استفاده از لباسهایی که معلوم نیست از پشم حیوانات حرام گوشت و یا حلال گوشت در کارخانه‌های ممالک غیر اسلامی بافته می‌شود جایز است؟ و

نماز خواندن در آنها چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از آنها و همچنین نماز خواندن در آنها اشکال ندارد.

س ۱۳۰: در هر موردی که از شمول معفو بودن خون قروح و جروح خارج باشد

ولی تطهیر بدن یا لباس بدلیل زخم یا بیماری دارای حرج شخصی یا نوعی یا دارای ضرر برای زخم باشد تکلیف شخص از نظر نحوه اقامه نماز چیست؟

ج: میزان همانطور که ذکر شد حرج شخصی و یا ضرر است در این صورت نماز با همان حال صحیح است.

موارد معفو بودن نجاست در نماز

س ۱۳۱: اگر رطوبت خارجی بطور اتفاقی وارد شود و لازمه درمان نباشد مثل اینکه داروئی نشت کند یا مایعی روی زخم بریزد عفو در نماز شامل آن می شود یا نه؟
ج: عفو در نماز شامل بند دوم نمی شود.

مکان نماز گزار

س ۱۳۲: نماز در معابد اهل کتاب چه حکمی دارد؟
ج: جایز است.

س ۱۳۳: نظر مبارکتان را در مورد استفاده غیر قانونی از شبکه برق در منازل و اماکن تجاری و ارگانهای دولتی و مؤسسات امور خیریه را بیان فرمایید و آیا نماز خواندن در چنین جاهایی که با برق غیر مجاز سرد و گرم می شوند اشکال دارد یا خیر؟ و همچنین غسل کردن با آب آبگرمکنی که از این نوع برق استفاده می کند باطل است یا صحیح؟ و آیا فرقی بین فقیر و غنی وجود دارد؟
ج: استفاده غیر قانونی از برق اشکال دارد و موجب ضمان است ولی نماز خواندن و غسل کردن اگر مکان و آب مباح باشد صحیح است.

اذان

س ۱۳۴: آیا جایز و مستحب می باشد به جای دو مرتبه اشهد ان علیاً ولی الله در اذان یک مرتبه اشهد ان علی ولی الله و یک مرتبه اشهد ان علیاً حجة الله بگوید؟
ج: جایز است.

قرائت

س ۱۳۵: بلند خواندن قرائت حمد و سوره نماز ظهر روز جمعه (برای مرد و زن) حکمش چیست؟

ج: اشکال ندارد.

س ۱۳۶: کسی که در نماز «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌گوید آیا قصد سوره مربوط به آن بسم الله، لازم است یا نه، توضیح فرمایید.

ج: لازم است بسم الله الرحمن الرحيم هر سوره به قصد همان سوره خوانده شود.

س ۱۳۷: کسی که در ادای حرف (ص) صدای شبیه به حرف (ش) خارج می‌کند، آیا نمازش صحیح است؟

ج: اگر در ادای حرف (ص) حرف (ش) خارج شود نماز اشکال دارد ولی اگر ایجاد صغیر شود صحیح است.

س ۱۳۸: کسی که نمی‌تواند مخارج حروف را بصورت صحیح ادا کند و علی‌رغم تلاش قادر بر تعلّم نیست، آیا نمازش صحیح است؟

ج: در فرض سؤال که قادر بر تعلّم نیست، همان طور که می‌تواند صحیح است ولی تا آن مقدار که می‌تواند تلاش کند بصورت درست ادا کند.

س ۱۳۹: منظور از «آیت الکرسی» در مثل نماز وحشت از ابتدای آیه «الله لا اله الا هو الحی القيوم» تا «العلی العظیم» است یا اینکه باید تا «هم فیها خالدون» خوانده شود؟

ج: تا هم فیها خالدون باید خوانده شود.

س ۱۴۰: مدّتی است هنگامیکه سوره اخلاص در نماز تمام می‌شود یکبار «کذک الله ربّنا» می‌گفتم و فکر می‌کردم در رساله اینطور آمده اما اخیراً دیدم که این ذکر سه بار باید گفته شود، تکلیف نمازهایم چیست؟

ج: نماز صحیح است.

جهر و اخفات

س ۱۴۱: ملاک اخفات در حمد و سوره و نیز ملاک جَهْر را بیان فرمائید.

ج: جهر و اخفات عبارت است از آن صدای معمولی که نه آن قدر بلند باشد که عرفاً بگویند فریاد کشید و نه آن قدر آهسته باشد که گفته شود جوهر ندارد.

س ۱۴۲: بعضی افراد در نماز فرادا و همچنین بعضی از ائمه جماعت در مدارس، بعضی از کلمات حمد و سوره را آهسته و بعضی کلمات حمد و سوره را بلند می‌خوانند آیا چنین عملی اشکال دارد؟

ج: در نمازهای ظهر و عصر باید حمد و سوره را آهسته بخوانند و در نمازهای مغرب و عشاء و صبح واجب است که حمد و سوره را بلند بخوانند.

س ۱۴۳: کلّ موارد نماز اعمّ از واجب رکنی و مستحب را عمداً آهسته و یا با صدای بلند و یا خواندن یک کلمه آرام و کلمه دیگر را بلند خواندن اشکالی دارد؟
ج: در نماز مستحبی مانعی ندارد و در نمازهای یومیه از سؤال قبل روشن شد.

س ۱۴۴: در جاهایی که نماز را واجب است آقایان با صدای بلند بخوانند مثل نماز صبح و مغرب و عشاء آیا تمام نماز را شامل می‌شود و یا فقط شامل واجب و واجب رکنی می‌باشد؟

ج: فقط شامل حمد و سوره می‌شود.

س ۱۴۵: نماز پنجگانه را که خواندن آن با صدای آرام برای خواهران واجب می‌باشد خواهی برای تعلیم فرزندان با صدای بلند می‌خواند آیا این کار جایز است یا خیر؟

ج: اگر نامحرم نشنود می‌تواند در نمازهای صبح و مغرب و عشاء حمد و سوره را بلند بخواند.

س ۱۴۶: اگر کسی در نماز جماعت مغرب در رکعت سوم غافل شده و بجای

تسبیحات اربعه حمد و سوره را جهراً بخواند در صورتی که او خیال می‌کرد که
 جهر واجب است آیا نمازش باطل است؟
 ج: در فرض سؤال نماز صحیح است.

رکوع

س ۱۴۷: ذکر «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» اگر در حین برخاستن از رکوع گفته شود
 صحیح است یا خیر؟ بیان فرمائید؟
 ج: مستحب است بعد از آنکه از رکوع برخاست و راست ایستاد در حال
 آرامی بدن سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ را بگوید.
 س ۱۴۸: اگر عمداً اذکار رکوع و سجود را بجای یکدیگر بگوید مجزی است یا
 خیر؟ مثلاً در رکوع بگوید «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى...»؟
 ج: کافی نیست.

قنوت

س ۱۴۹: خواندن دعا در قنوت به زبان فارسی یا ترکی یا غیر آن جائز است یا نه؟
 ج: خواندن قنوت در نماز به زبان فارسی و غیر فارسی جایز است.

سجده

س ۱۵۰: آیا هنگام سجده گذاشتن سائر انگشتان پا همراه با انگشت ابهام بر زمین
 جائز است یا نه؟
 ج: در فرض سؤال جایز است ولی اگر سایر انگشتان را بدون ابهام به زمین
 بگذارد کافی نیست.
 س ۱۵۱: احتراماً مستدعی است نظر مبارک خود را در مورد سجده کردن بر

سجاده‌هائی که از الیاف کنف طبیعی «صد درصد گیاهی» تهیه می‌شود را بیان فرمائید؟

ج: در صورتی که پیشانی در موقع سجده بر روی الیاف گیاهی قرار می‌گیرد و مواد دیگری که در ساختمان آن سجده با ترتیبی که مرقوم شده است مانع رسیدن بشره پیشانی بر الیاف گیاهی نباشد سجده بر آن جائز است.

س ۱۵۲: آیا جلسه استراحت بین دو سجده واجب است یا خیر؟

ج: بنا بر احتیاط واجب لازم است.

س ۱۵۳: در حال سجده آیا انگشت شست پا (بزرگ پا) باید به زمین بخورد؟ و اگر پنج انگشت پا را به زمین بگذارد چطور است؟

ج: باید هر دو انگشت بزرگ پا را به زمین بگذارد و گذاشتن سایر انگشتها همراه انگشت بزرگ مانعی ندارد ولی لازم نیست.

س ۱۵۴: سجده بر کدامیک از موارد زیر جایز است؟ «شیشه، چوب، آهن، پلاستیک، چرم، پارچه‌ها».

ج: در فرض سؤال، در حال اختیار فقط بر چوب می‌توان سجده کرد.

س ۱۵۵: شخصی جاهل به مسئله بوده در حال سجده تمام انگشت پاهایش را بزمین می‌گذاشته نماز خوانده و یا انگشت بزرگ پا ناخن او بلند بوده نماز خوانده و یا پشت سر همسرش یا مساوی همسرش نماز خوانده و با بدن و لباس کثیف نماز خوانده و خیال می‌کرده نمازش صحیح است؟ حالا نمازهایش صحیح است یا باطل؟

ج: در صورتی که ناخن پای شست بقدری بلند بوده که سرانگشت به زمین نرسیده احتیاط واجب آن است که نمازها را اعاده نماید و اگر حکم شرعی را جاهل باشد و با بدن و لباس نجس نماز خوانده نمازش باطل است ولی اگر حکم شرعی را بداند ولی نداند که لباس و بدنش نجس شده و نماز بخواند نمازش صحیح است و در سایر موارد مذکور در سؤال نماز صحیح است.

تشهد

س ۱۵۶: در تشهد فراموش شده بفرمایید: الف) آیا پس از اتیان قضای تشهد فراموش شده، سلام هم لازم است؟

ج: سلام لازم نیست.

ب) در این حکم آیا بین جایی که تشهد فراموش شده، تشهد اول باشد یا جایی که تشهد دوم باشد (مثلاً در نمازهای ۳ و ۴ رکعتی) فرق وجود دارد؟

ج) آیا سجده سهو نیز لازم است؟

ج: احتیاط واجب آن است که اگر تشهد یا سجده از رکعت آخر فراموش شده و بعد از سلام متوجه شود سلام را نیز بگوید و سجده سهو نیز لازم است.

س ۱۵۷: گفتن و عجل فرجهم از باب استحباب بعد از تشهد رکعت دوم و تشهد رکعت آخر چه حکمی دارد؟

ج: گفتن این جمله بعد از تشهد اگر بقصد ورود نباشد اشکال ندارد.

تسبیحات اربعه

س ۱۵۸: آیا به جای تسبیحات اربعه می‌توان سه بار الله اکبر گفت؟

ج: در رکعت سوم و چهارم یا باید حمد بخوانید یا اقلأ یک مرتبه تسبیحات اربعه و بهتر آن است که سه مرتبه خوانده شود و ذکر دیگری کفایت نمی‌کند.

س ۱۵۹: لطفاً بفرمائید: «کسی که در سوّمین تسبیحات اربعه شک می‌کند که درست گفته یا نه و آنرا تمام می‌کند و برای بار چهارم تسبیحات می‌گوید و قصد ورود و یا ذکر مطلق ندارد، بلکه به این نیت می‌خواند که هر طور که خدای متعال راضی است از او قبول کند و یا هر طور که درست است به پای او نوشته شود، نماز

او چه حکمی دارد؟

ج: در فرض سؤال شک در صحّت دارد و نمازش درست است و آن طور که نوشته‌اید لازم نیست نیت کند.

س ۱۶۰: دو بار گفتن تسبیحات اربعه بویژه در نماز جماعت با توجه به اینکه باید به رکوع امام رسید چه حکمی دارد؟

ج: یک بار گفتن واجب و سه مرتبه مستحب است و گفتن دو مرتبه به عنوان ورود اشکال دارد، ولی می‌تواند مرتبه دوم را به عنوان ذکر مطلق بگوید.

سلام نماز

س ۱۶۱: درباره کسی که «السلام علینا و علی عباد اللّٰه الصالحین» را سهواً غلط بگوید، آیا تکرار اشکالی دارد یا ندارد؟

ج: تکرار آن اشکال ندارد، بشرط اینکه به حدّ وسوسه نرسد.

مبطلات نماز

س ۱۶۲: اگر کسی در نماز «السلام علیک یا ابا عبدالله» و یا «یا علی» و یا امثال اینها بگوید و یا در نماز برای اهل بیت و مظلومیت آنها گریه کند، نماز او چطور است؟ اگر در نماز به یاد اهل بیت باشد چطور؟

ج: بنابر احتیاط لازم هر دو (سلام و گریه) جایز نیست.

س ۱۶۳: مادر بزرگ من موقعی که نماز می‌خواند یا در سوره حمد یا بعد از سوره حمد می‌گوید به قربان تو یا امام خمینی، حکم نماز او چگونه است؟

ج: در صورت عمد نمازش باطل است و در صورت سهو نماز باطل نیست ولی سجده سهو لازم است.

س ۱۶۴: در بین نماز حالت ناله داشتن و کلمات «آخ، هی» گفتن چگونه است؟
ج: در بین نماز عمداً ناله کشیدن و یا آخ گفتن نماز را باطل می‌کند.

سجده سهو

س ۱۶۵: اگر انسان در نمازهای چهار رکعتی و سه رکعتی اشتبهاً در رکعت دوم سلام دهد (بعد از تشهد) چه کار باید بکند؟
ج: باید دو سجده سهو بجا آورد.

س ۱۶۶: با عنایت به مسئله سجده سهو به سؤالات زیر پاسخ دهید: الف) آیا در تشهد سجده سهو باید به مقدار واجب اکتفا کرد یا خیر؟ و اگر کسی از روی ندانستن مسئله و یا سهواً قبل از تشهد «الحمد لله» و یا هر دو را می‌گفته حکم سجده‌های سهو و نمازهایش چه می‌باشد؟

ج: تشهد سجده‌های سهو مانند تشهد نمازهای واجب است و اضافه کردن مقداری که در رساله‌های مذکور است مانعی ندارد.

ب) اگر کسی اذکاری را به قصد ذکر مطلق قبل از تشهد سجده سهو بگوید چطور است؟ و اگر مبطل است اگر کار او از روی ندانستن مسئله بوده چطور؟
ج: سجده سهو او صحیح است و مبطل نیست.

ج) در سلام سجده سهو آیا می‌توان هر سه سلام را داد؟ و اگر نمیشود کسی که مدتی هر سه سلام را می‌گفته (سهواً و یا از روی ندانستن مسئله و یا به قصد ذکر مطلق) حکم سجده‌های سهو و نمازهای او چیست؟

ج: می‌تواند هر سه سلام را بگوید و سجده‌های سهو و نمازهای او صحیح است.

س ۱۶۷: آیا قضای سجده و تشهد فراموش شده در تمام نمازها اعم از واجب و مستحب صورت می‌گیرد یا فقط مختص به نمازهای واجب یومیه است؟
ج: قضای سجده و تشهد فراموش شده فقط در نمازهای واجب لازم است.

س ۱۶۸: اگر نمازگزار کلمه‌ای را اشتبهاً بخواند و بعد از محل متذکر شود و یا در محل متذکر شود و صحیح آن را بگوید آیا سجده سهو بر او واجب است؟
ج: سجده سهو واجب نیست.

س ۱۶۹: اگر کسی سجده سهوی بجا آورد و بعد از سلام پی برد که یک سجده بجا آورده است تکلیف او چیست؟
ج: باید مجدداً سجده سهو را انجام دهد.

س ۱۷۰: آیا ممکن است شخص در بین بجا آوردن سجده سهو، دچار موجب سجده سهو شود؟

ج: اگر در حال انجام سجده سهو موجبات سجده سهو انجام داد مثلاً سهواً حرف زد چیزی بر او واجب نمی‌باشد.

س ۱۷۱: آیا قضای سجده و تشهد فراموش شده و همچنین بجا آوردن سجده‌های سهو، نیاز به تکبیر الاحرام دارند یا خیر؟
ج: لازم نیست ولی احتیاط آن است که تکبیر بگوید.

س ۱۷۲: آیا همین که در رکعت دوم از نماز چهار رکعتی بعد از تشهد بگوید السّلام علیک ولی ادامه ندهد و برخیزد و یا اینکه این ذکر را تمام کند و السّلام علینا را نیز بگوید و بعد بلند شود، موجب سجده سهو می‌شود یا خیر؟
ج: اگر السّلام علیک بگوید سجده سهو واجب نیست و اگر السّلام علینا بگوید احتیاط مستحب است که دو سجده سهو بجا آورد

نماز آیات

س ۱۷۳: آیا پس لرزه‌های بعد از زلزله، سبب واجب شدن نماز آیات می‌شوند یا خیر؟ و آیا شدت و ضعف آنها تأثیری در حکم دارد؟
ج: هر زلزله ای موجب نماز آیات است و فرقی بین شدید بودن یا ضعیف

بودن آن نیست.

س ۱۷۴: اگر در هنگام نماز آیات بین رکوعها، شک بین تعداد آنها پیش آید تکلیف چیست؟

ج: در صورتی که محلّ بجا آوردن رکوع باقی باشد باید رکوع را انجام دهد مگر اینکه شک کند که پنج رکوع انجام داده ام یا شش رکوع که در این صورت موجب بطلان نماز است و اگر محلّ آن گذشته اعتنا نکند.

س ۱۷۵: آیا وجوب قضاء نماز آیات فوری است یا خیر؟

ج: قضای نماز آیات مانند قضای نمازهای یومیّه وجوب فوری ندارد در صورتی که موجب مسامحه و سستی در ادای تکلیف نشود.

نماز قضا

س ۱۷۶: در سنین ۱۳ تا ۱۷ سالگی بخاطر اینکه کسی نبود که برای نماز صبح مرا بیدار کند و خودم هم نمی توانستم بیدار شوم موقتاً به خواندن نماز صبح شدم حالا فهمیدم که باید قضای نمازهایی که نخوانده ام را بجا بیاورم، اما نمی دانم دقیقاً چند روز نماز قضای صبح برگردن من است؛ حکم را بیان فرمایید؟

ج: هر مقدار که یقین دارید از نمازتان قضا شده است واجب است قضای آنرا بجا بیاورید و هر مقدار که شک دارید قضای آن واجب نیست.

س ۱۷۷: شخصی در اوائل سن تکلیفش (۱۵-۱۶ سالگی) عمداً نمازش را نخوانده، مثلاً نماز صبح را در خانه از ترس پدر و مادر می خوانده ولی نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را نمی خوانده، الآن وظیفه او به غیر از قضاء نمودن نمازها چیست؟

ج: توبه کند و نمازهایی را که نخوانده باید قضا نماید.

س ۱۷۸: اگر انسان نزدیک اذان صبح بیدار شود و بداند، یا احتمال قوی بدهد که اگر دوباره بخوابد نماز صبحش قضا می شود آیا جایز است بخوابد؟

ج: سعی کند برای نماز صبح از خواب بیدار شود.

س ۱۷۹: قبل از اذان یا در وقت اذان چه نماز جماعت و چه فرادی آیا می‌شود نماز قضاء خواند؟ نماز مستحب چطور؟
ج: مانعی ندارد.

نماز و روزه قضای پدرومادر

س ۱۸۰: فردی از دنیا رفته و روزه قضا به عهده اوست ولی در این مورد هیچ وصیت نکرده است و پسر بزرگ از این مطلب با اطلاع است. حال خرج این نماز و روزه از کل مال کسر می‌شود یا از ثلث؟
ج: از هیچکدام.

س ۱۸۱: آیا فرزند بزرگ مسئولیت گرفتن روزه و نماز فوت شده پدر را دارد یا خرجش بعهدده خود او است؟
ج: اگر ترک نماز و روزه از روی طغیان و تمرد نبوده، بر پسر بزرگتر واجب است که یا خود به جای آورد یا برای وی اجیر بگیرد.

نماز استیجاری

س ۱۸۲: آیا برای نماز و روزه استیجاری اخذ اجرت اشکال ندارد و با قصد قربت تنافی ندارد؟

ج: اشکال ندارد و منافی با قصد قربت نمی‌باشد.

س ۱۸۳: آیا کسی که روزه و نماز قضا دارد می‌تواند از طرف دیگری نماز و روزه استیجاری بجای آورد؟
ج: مانعی ندارد.

نمازهای نافله

س ۱۸۴: آیا افرادی که به مکه و مدینه مسافرت می‌کنند اگر نماز غفیله یا نوافل را بقصد رجاء بخوانند، اشکال دارد؟

ج: نافله نمازهایی که قصر است می‌توانند بقصد رجاء انجام دهند و نماز غفیله و شب، نافله صبح و مغرب را می‌توان به عنوان مستحب بجا آورد.

س ۱۸۵: نماز وتیره را بعد از نصف شب تا اذان صبح به چه نیت باید خواند، به نیت ما فی الذمه یا به نیت قضا؟
ج: قصد ما فی الذمه نماید.

س ۱۸۶: نافله صبح را بعد از اذان صبح و قبل از نماز صبح به چه نیت بخوانیم؟
ج: بعد از طلوع فجر تا طلوع سرخی طرف شرق اداء است و بعد از آن قضاء است.

س ۱۸۷: نافله ظهر را بعد از نماز عصر و قبل از اذان مغرب به چه نیت باید خواند؟
ج: به قصد قضا باید خواند.

س ۱۸۸: نافله مغرب را بعد از نماز عشاء و قبل از نصف شب به چه نیت بخوانیم؟
ج: به قصد قضا باید خواند.

احکام جماعت

س ۱۸۹: چنانچه شخصی از اول نماز جماعت را درک کند لیکن در سجده طول بدهد تا امام نصف یا تمام حمد رکعت دوم را بخواند، بعد بلند شده و به جماعت ملحق شود نماز او چه صورتی دارد؟

ج: اگر عمداً مدتی بعد از امام برای رکعت دوم بلند نشود معصیت کرده ولی نمازش صحیح است.

س ۱۹۰: اینجانب امام جماعت یکی از اداره جات شهرستان می‌باشم در این اداره

هر دو ماه یک بار سهمیه ای برای کارمندان در نظر گرفته می شود آیا امام جماعت می تواند از آن سهمیه ای که برای کارمندان در نظر گرفته شده استفاده نماید؟ با توجه به اینکه آن سهمیه با پولی که از امام جماعت گرفته شده داده می شود.

ج: در صورتی که آن سهمیه مخصوص کسانی باشد که پولی پرداخته اند جایز نیست، مگر اینکه تمام آن افراد راضی باشند که سهمی به امام جماعت داده شود، یا بر اساس مقررات آن اداره بلامانع باشد.

س ۱۹۱: شخصی امام جماعت مسجدی می باشد، اما گاهی بعلت کسالت و بی میلی احساس می کند که انگیزه و محرک او برای رفتن به مسجد قریه الی الله نمی باشد، و چنین شخصی مردّد می شود که آیا این احساس یک وسوسه شیطانی است که می خواهد او را از فضل جماعت بی بهره سازد یا واقعاً قصد قربت ندارد، در چنین مواقعی شخص چه وظیفه ای دارد؟

ج: امامت جماعت را ادامه دهد تا از فضل جماعت بهره مند شود.

س ۱۹۲: آیا امام جماعت می تواند در نماز جماعت نیت فرادا کند؟ و اگر جایز است باید به مأمومین اعلام کند؟

ج: این قصد برای مأمومین اثری ندارد و اعلام هم لازم نیست.

س ۱۹۳: آیا جایز است امام جماعت نیت کند؟ «خدا یا اگر عادل واقعی هستم نیت جماعت برایم بنویس و اگر نه، نمازم را به فرادا حساب کن» (به جهت فرار از مسؤولیت شرعی نماز گزاران)؟

ج: این گونه نیت در امامت جماعت لازم نیست.

س ۱۹۴: اگر در نماز جماعت به تشهد رکعت آخر رسید و برای درک ثواب «الله اکبر» گفت و نشست، آیا در این حال تجافی کند و یا معمولی بنشیند؟ و در موقع سلام امام چطور؟

ج: هر دو صورت صحیح است ولی تجافی مستحب است و در وقت سلام هم

همین طور است؟

س ۱۹۵: اگر انسان بخواهد در رکعت دوم یا چهارم امام اقتدا کند آیا می‌تواند زمانیکه امام تکبیر رفتن به رکوع را می‌گوید و یا وقتی امام در حال رفتن به رکوع است، اقتدا کند (یعنی تکبیر بگوید) یا اینکه صبر کند تا امام به رکوع رود و بعد تکبیر بگوید؟

ج: صبر کند تا امام به رکوع رود.

س ۱۹۶: اگر در رکعت دوم اقتدا کند آیا واجب است با تشهّد امام تشهّد بخواند یا مستحب است؟

ج: مستحب است با امام تشهّد بخواند.

س ۱۹۷: در نماز جماعت، هنگامیکه شخص در رکعت سوم یا چهارم به امام اقتدا می‌کند، اولاً مأموم؛ آیا باید حتماً حمد و سوره، هر دو را بخواند و بعد به رکوع رود و یا خواندن حمد تنها کفایت می‌کند و ثانیاً در این صورت، در خصوص نمازهای مغرب و عشاء، مأموم، حمد و سوره را باید بلند بخواند یا آهسته نیز کفایت می‌کند؟

ج: اگر می‌تواند به رکوع امام برسد باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد به حمد اکتفا کند و در نماز جهریه هم مأموم لازم است حمد و سوره را آهسته بخواند.

س ۱۹۸: اگر چند نفر ایرانی در خانه خدا بعد از اذان ظهر که هنوز نماز جماعت اهل سنت شروع نشده خودشان نماز جماعت بخوانند و عده‌ای هم اینها را تماشا می‌کنند آیا نمازشان صحیح است؟

ج: در صورتی که موجب وهن مذهب شود اشکال دارد.

س ۱۹۹: اینجانب مشغول خواندن نماز صبح به جماعت بودم و زمانی که امام جماعت حمد و سوره را می‌خواند بخاطر اینکه حواسم نبود من هم حمد را خواندم وقتی که متوجه شدم حمد را بطور کامل نخوانده و رها کردم در نماز من اشکال دارد؟

ج: نمازتان صحیح است.

س ۲۰۰: در نماز جماعت بعضی از مؤمنین نماز گذار زودتر از امام جماعت بعضی از کلمات مثل سلام را اداء می‌نمایند، آیا اشکالی دارد یا خیر؟
ج: مانعی ندارد.

س ۲۰۱: اگر کسی در نماز جماعت توجه کافی نداشته باشد ولی در منزل و به طور فرادا نمازش را به دلایلی با توجه بیشتری می‌خواند، می‌تواند خواندن نماز در منزل را به جماعت ترجیح دهد؟

ج: چون حضور قلب همانند روح نماز است رعایت آن اولی است.

س ۲۰۲: فردی که نماز مغرب خود را به نماز عشاء امام اقتداء می‌کرده و پس از آن در حال قیام و قرائت تسبیحات اربعه شک می‌کند که رکعت ۳ است یا ۴، چه تکلیفی دارد؟

ج: در صورتی که فکرش به یک طرف شک نرسد در حال قیام صبر کند تا امام رکوع و سجودش را انجام دهد و چنانچه امام بعد از سجود بلند شود برای رکعت چهارم آن شخص رکوع و سجود را انجام دهد و نمازش صحیح است و اگر امام بعد از سجود تشهد خواند آن شخص رکوع و سجود نماز را تمام کند و بعد از سلام دو سجده سهو جهت قیام زیادی بجا آورد و نمازش صحیح است.

شرائط امام جماعت

س ۲۰۳: گاهی افرادی پیش امام جماعت رفته و بخیال اینکه خود را دوستدار او قلمداد کنند، شروع به غیبت و بدگوئی اشخاص می‌نمایند و امام هم علیرغم تلاش برای نشنیده گرفتن آن سخنان گاهی مجبور می‌شود به سخن مغتاب گوش بدهد، آیا صلاحیت امامت را از دست می‌دهد؟

ج: اگر بغیبت گوش کند و یا با غیبت کننده غیبت کند مرتکب حرام شده است.

س ۲۰۴: آیا شخصی که مرتکب گناهان کبیره شده در صورت توبه از آنها و تصمیم به عدم رجوع می‌تواند امامت جماعت را عهده دار شود؟ در صورت ارتکاب مجدد چه صورت دارد؟

ج: در فرض سؤال می‌تواند امام جماعت شود و نیز در ارتکاب بعدی اگر عزم به رجوع ندارد مثل اول توبه کند.

س ۲۰۵: اگر کسی با وجود صحیح بودن قرائتش در نماز دچار وسواس شود که آیا تمام حروف را بدرستی توانسته است ادا کند یا نه، نمازش صحیح است؟ ثانیاً امامت جماعت توسط چنین شخصی چه صورت دارد؟

ج: نمازش صحیح است ولی اگر علم دارد که این حالت وسواس است که مثلاً کلمه را چند مرتبه تکرار می‌کند بنابراین احتیاط امامت نکند.

س ۲۰۶: منظور از عدالت مشروط در امام جماعت از نظر جنابعالی چیست؟ ضمناً گناهان کبیره از نظر جنابعالی کدام گناهان است؟ ذکر نمائید.

ج: در امام جماعت حسن ظاهری که مفید و ثوق اطمینان باشد کفایت می‌کند و گناهان کبیره زیاد است و تعدادی از آنها را امام خمینی قدس سره در تحریر الوسيله جلد اول ص ۲۷۴ ذکر فرموده است مراجعه فرمائید.

س ۲۰۷: شخصی در روستایی امامت جماعت را بعهده گرفته که در آنجا حدود یک چهارم (۱/۴) مردم او را قبول ندارند و بخاطر امامت او، حتی به مسجد نیز نمی‌آیند، ضمناً غیر از او کسی نیست که در صورت ترک امامت جماعت بجای او امامت را بعهده بگیرد، این امام جماعت با چنین وضعی چه تکلیفی دارد؟

ج: اگر ادامه امامت او موجب هتک خودش و اختلاف اهالی نمیشود، ادامه اشکال ندارد.

س ۲۰۸: آیا شروطی که برای امام جماعت ذکر شده در امامت برای نماز میت نیز شرط است؟

ج: شروط امام جماعت برای نماز میت لازم نیست.

س ۲۰۹: اگر شخصی با علم به شرایط امام جماعت، غافل باشد از اینکه شرط عدالت در او موجود نیست، و مدتی نماز جماعت خواند، آیا بعداً باید نمازهایی را که خوانده اعاده نماید؟ با عدم غفلت چگونه است؟

ج: در فرض سؤال اگر قبلاً عدالت او محرز نبوده نمازها را که با او خوانده باید قضا کند.

س ۲۱۰: اگر کسی خودش را عادل نداند ولی دیگران او را عادل می‌دانند آیا می‌تواند امام جماعت شود؟

ج: بنابر اقوی می‌تواند برای امامت نماز جماعت حاضر شود گرچه مستحب است برای این کار خود را عرضه نکند.

س ۲۱۱: در برخی اجتماعات کوچک، خصوصاً در بعضی روستاها شرایط اقامه نماز جماعت فراهم است ولی در آن اجتماع فرد روحانی وجود ندارد، اگر فرد عادل غیر روحانی در میان باشد، می‌توان به او اقتدا نمود؟ و امامت غیر روحانی در مساجد چه حکمی دارد؟

ج: شخص عادل غیر روحانی می‌تواند امام جماعت باشد و اگر در آن مسجد اقامه نماز جماعت بوسیله روحانی ممکن نیست امامت غیر روحانی نیز اشکالی ندارد.

امام جماعت در چند محل

س ۲۱۲: اینجانب امام جماعت مسجد جامع می‌باشم نماز ظهر و عصر را در این مسجد می‌خوانم و همان روز نماز ظهر و عصر را در اداره دیگری اعاده می‌کنم آیا در مکان دوم و سوم خواندن نماز جماعت اشکال دارد؟

ج: در صورتی که مأمومین غیر از مأمومین جماعت اول باشند، اشکال ندارد.

س ۲۱۳: اینجانب امام جماعت هستم و بعد از هر ماه یک بار به من مبلغی می‌دهند آیا گرفتن آن محل اشکال است یا نه؟

ج: اشکال ندارد.

قصد فرادی در جماعت

س ۲۱۴: درباره حکم نماز کسی که بعنوان مثال به نماز جماعت ظهر نرسیده و به جهت بهره و ثواب بیشتر قصد دارد در نماز جماعت عصر ۲ رکعت از نماز ظهر و ۲ رکعت از نماز عصر را به جماعت بخواند با توجه به تعاریف مختلف مراجع معظم تقلید در مسأله فوق نظر احتیاط را بفرمائید.

ج: جایز است ولی احتیاط مستحب آن است که قصد فرادی نکند.

نماز جمعه

س ۲۱۵: در زمان غیبت که نماز جمعه به امامت نایب عام و یا نماینده نایب عام امام برگزار می‌شود: الف: اقامه نماز جمعه چه حکمی دارد؟ ب: شرکت در آن چه حکمی دارد؟

ج: نماز جمعه واجب تخییری است ولی افضل است و نماز ظهر احوط است و احتیاط بیشتر در آن است که هر دو را بجا آورد.

س ۲۱۶: نماز جمعه در عصر حاضر چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه افرادی اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی‌نمایند.

ج: نماز جمعه در عصر غیبت واجب تخییری است که اگر انسان بخواند کفایت از نماز ظهر می‌کند و بهتر آن است که انسان در نماز جمعه شرکت نماید.

س ۲۱۷: با خواندن نماز جمعه خواندن نماز ظهر چه حکمی دارد؟

ج: واجب نیست ولی خواندن آن احوط است.

س ۲۱۸: اگر انسان به خطبه‌های نماز جمعه نرسد، نماز جمعه از نماز ظهر کفایت می‌کند؟

ج: بلی، از نماز ظهر کفایت می‌کند.

س ۲۱۹: در مواردی که احوط (احتیاط مستحب) با افضل در مقابل هم قرار می‌گیرند ما به کدام عمل کنیم؟ مثال: نماز جمعه افضل است و نماز ظهر احوط است.

ج: مقصود از (افضل) آن است که مکلف برای رسیدن به ثواب بیشتر آن را انجام می‌دهد ولی منظور از (احوط) آن است که با عمل به آن مکلف اطمینان بیشتری پیدا می‌کند که وظیفه خود را انجام داده است و به هر کدام عمل نماید صحیح است.

احکام مسافر

س ۲۲۰: زائرانی که در ماه مبارک رمضان به عمره مشرف می‌شوند، گاهی شب به مدینه و یا مکه می‌رسند که در نتیجه قصد کرده روزه می‌گیرند، خواهشمند است بفرمایید: اگر در بین روز رسیدند، آیا از همان ساعتی که می‌رسند باید ده روز را به حساب آورند؟ و یا آن که ده روز کامل است و شب‌ها به حساب نمی‌آید؟

ج: در بین روز هم می‌توانند قصد ده روز نمایند و اگر چند ساعت کم باشد باید از روز یازدهم جبران شود. و اگر اول صبح به مقصد رسیده و قصد ده روز نماید تا پایان روز دهم کافی است و شب آخر لازم نیست که به حساب بیاید.

س ۲۲۱: آموزشگاهی است شبانه روزی در یکی از روستاهای استان همدان که دانش آموزان روستاها از مسافتهای بیشتر از حد ترخص به آنجا می‌آیند و تحصیل علم می‌کنند و کمتر از ۱۰ روز در آنجا اقامت می‌کنند. سؤال این است که نماز و روزه آنان در مدت اقامت در مدرسه چه حکمی دارد؟ و آیا مقلدین حضرت امام قدس سره در این مسأله می‌توانند به مجتهد زنده رجوع کنند؟

ج: در فرض مسأله نماز آنان تمام و روزه‌شان صحیح است و کسانی که قبلاً از حضرت امام و یا غیر ایشان تقلید می‌کرده‌اند می‌توانند در این مسأله به فتوای دیگری رجوع کنند.

س ۲۲۲: مغازه داری که ساکن روستایی است و برای تهیه اجناس مغازه خود مجبور است که در هر هفته یکبار به شهر برود که بیشتر از حد مسافت باشد. آیا این شخص کثیر السفر است. یعنی آیا در سفری که برای خرید جنس می‌رود باید نماز و روزه او تمام باشد یا خیر؟

ج: در فرض سؤال کثیر السفر است نماز وی تمام و روزه‌اش صحیح است.

س ۲۲۳: فردی که شغل او مسافرت نباشد مانند معلّم، طلبه، پرستار و کارمندان ادارات که برای کار خود از شهری به شهر دیگری می‌روند و هر هفته چند روز در محل کار هستند، نماز و روزه آنها به چه صورت می‌باشد؟

ج: افراد مذکور اگر ده روز در وطن خود یا جائی دیگر قصد اقامه ننمایند حکم دائم السفر دارند و نماز آنها تمام و روزه آنها صحیح است و اگر ده روز بمانند در غیر سفر اول نیز حکم دائم السفر را دارند.

س ۲۲۴: اینجانب امام جماعت یکی از کارخانه‌های همدان می‌باشم و وطنم همدان می‌باشد. مابین همدان و آن کارخانه رفت و برگشت بیش از مسافت شرعی می‌باشد و این راه را هر روز تردد می‌نمایم. اگر اتفاقاً به مسافرت روم مثلاً به شهر مقدس قم بقصد زیارت بروم و موقع برگشتن هدفم این باشد که در کارخانه نمازم را با جماعت بخوانم و بعداً به همدان روم آیا نمازم شکسته است یا تمام؟

ج: در فرض سؤال اگر بقصد شغل وارد کارخانه شده‌اید نماز تمام است.

س ۲۲۵: شخصی در ماه چندین روز را به عنوان مأموریت به مسافرت می‌رود و دائم السفر تلقی می‌گردد. اگر در یکی از این سفرها که قبلاً ۴ روز است یک روز دیگر نیز علاوه بر آن ۴ روز برای کارهای شخصی در آنجا بماند حکم نماز او در آن روز چیست؟ (با توجه به اینکه آن روز جزء مأموریت او به حساب نمی‌آید)؟

ج: اگر آن شخص دائم السفر باشد در فرض مذکور بیشتر از آن چهار روز نیز نماز تمام و روزه را باید بگیرد.

س ۲۲۶: ما در کارخانه‌ای که ۵ کیلومتر از وطنمان فاصله دارد کار می‌کنیم در بعضی مواقع برای کار شخصی از قبیل خرید یا مهمانی به شهر همدان که فاصله آن از محل کارمان بیشتر از مسافت شرعی است می‌رویم و به محل کارمان بر می‌گردیم نماز و روزه ما چگونه است؟ و گاهی با قصد قبلی از وطن خود به محل کار می‌آییم و از آنجا به شهر می‌رویم و بر می‌گردیم به محل کارمان در این صورت چطور؟

ج: در هر دو صورت نمازتان شکسته است.

س ۲۲۷: در صورتی که با قصد کار شخصی از وطن به محل کار (۵ کیلومتری وطن) آییم تا بعد از انجام کارمان به جایی که بیشتر از هشت فرسخ از محل کارمان فاصله دارد برویم آیا نماز و روزه ما در محل کار قصر است یا تمام؟ و اگر در محل کار از قصد خود برگردیم چگونه؟

ج: در فرض اول مسافر می‌باشید. و در صورتی که در محل کار از قصد سفر منصرف شوید نماز و روزه شما تمام است.

س ۲۲۸: عده‌ای که در کارخانه‌ای کار می‌کنند که بیشتر از مسافت شرعی (هشت فرسخ) با وطنشان فاصله دارد نماز و روزه ایشان در خصوص حرکتشان به طرف محل کارشان با قصد کار شخصی یا به قصد شغل چیست؟

ج: عده‌ای که محل کارشان تا وطن بیشتر از مسافت شرعی است در صورتی که بعنوان شغل به محل کار آمد و رفت دارند روزه آنان درست و نمازشان هم تمام است.

س ۲۲۹: طلاب و دانشجویانی که به مدت چند سال (دو سال یا بیشتر) در یک شهر می‌مانند آن شهر برایشان چه حکمی دارد؟

ج: اگر تحصیل شغل آنها باشد در صورتی که ده روز پشت سر هم در وطن خود نمی‌مانند و در مقصد هم ده روز قصد اقامه نمی‌کنند در سفر اول نمازشان قصر و در سفر دوم به بعد نمازشان تمام است و این جریان ادامه دارد مگر اینکه دوباره ده روز در وطن خود بمانند یا در مقصد، قصد اقامه ده روز داشته باشند که باز هم در غیر سفر اول نمازشان تمام است.

س ۲۳۰: کسی که هفده کیلومتر برای انجام کاری می‌رود و از همان راه بر می‌گردد ولی در دوازده کیلومتری در بین مسافت توقف می‌کند و مجدداً به همان محل قبل بر می‌گردد، نماز و روزه او چه حکمی پیدا می‌کند؟

ج: در فرض سؤال نماز تمام و روزه صحیح است.

س ۲۳۱: من از آمریکا به اروپا سفر کردم و ۱۴ روز در انگلستان اقامت داشتم، می‌خواستم بدانم تا چند روز می‌توانم نمازم را شکسته بخوانم؟
ج: اگر در یکی از شهرهای انگلستان قصد اقامه ده روز نداشته باشید، نمازتان در آنجا شکسته است.

س ۲۳۲: و اگر مسافری با هواپیما بعد از ظهر نماز نخوانده به شهر دیگری برود ولی در آن شهر بعد از نیم ساعت حرکت کرده دوباره هنگام عصر به شهر خودش برسد، نمازش را چگونه باید بخواند؟
ج: در فرض سؤال نمازش تمام است.

س ۲۳۳: در سال ۱۳۶۴ در جبهه مستقر شدیم فرمانده گفته بود که شما کمتر از ۱۰ روز در اینجا می‌مانید اما من فکر کردم که می‌گوید ۱۰ روز در اینجا می‌مانید لذا در ماه رمضان یک روز روزه گرفتیم و روز بعد حدود ۵ کیلو متر از آنجا دور شدیم و بعداً یعنی بعد از ۴ ساعت به مقرّ اول که بودیم برگشتیم و بعد از آن دیگر روزه نگرفتم در این صورت آیا فقط قضای آن روزه بر من واجب است یا کفاره هم دارد؟ (در ضمن مقلد مرحوم امام هم هستم)
ج: در صورتیکه قصد ده روز ماندن در یک مکان نداشته‌اید فقط قضاء لازم است.

س ۲۳۴: کسانی که مانند دانشجویان هر هفته یک یا چند روز به منظور تحصیل به شهر دیگری می‌روند که بیش از چهار فرسخ است، تکلیف نماز و روزه آنان چگونه است؟

ج: بعد از سفر اول نماز آنها تمام و روزه صحیح است و در صورتی که ده روز در محل خود توقف نمایند یا ده روز با قصد اقامه در غیر محل خود بمانند در سفر اول قصر و در سفرهای بعد تمام می‌باشد.

حد ترخص

س ۲۳۵: نظر تان را در مورد حَدِّ ترخص بنویسید؟

ج: منظور از «حدِّ ترخص» آن است که: دیوار محل را نبیند و صدای اذان آن را هم نشنود ولی باید در هوا، غبار و یا چیز دیگر نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند.

سفر معصیت

س ۲۳۶: چنانچه شخص علم اجمالی و یا تفصیلی دارد که سفر به اروپا ملازم است با ارتکاب برخی از گناهان، آیا قصد چنین سفری موجب صدق سفر معصیت و تحقق احکام سفر معصیت از جمله اتمام نماز می‌شود یا خیر؟

ج: در فرض مذکور سفر معصیت نیست و نماز او با سایر شرایط سفر شکسته است.

سفرهای طولانی

س ۲۳۷: اینجانب راننده هستم که کارم در طول سال رانندگی به شهرهای کشور است. چنانچه پس از مدتی بعد از اینکه ده روز در وطن ماندم در اولین سفر اگر یکماه یا بیشتر این سفر اول تا بازگشت به وطن طول بکشد نمازم شکسته است یا خیر؟ در صورت مصادف شدن با ماه مبارک رمضان در اولین سفر بعد از ده روز هم تا برگشتن به وطن روزه چه صورتی دارد؟

ج: در فرض سؤال تا دو روز باید نماز را قصر و روزه را نگیرید و بعد از دو روز، نماز شما تمام و روزه تان صحیح است.

احکام وطن

س ۲۳۸: منظور از وطن اصلی و غیر اصلی چیست و چه حکمی بر آنها مترتب است؟

ج: محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده وطن اوست چه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد که اولی را وطن اصلی و دومی را وطن اتّخاذه یا غیر اصلی می‌گویند و حکم آن اینست که در آنجا روزه و نمازش درست و تمام است و نیاز بقصد ده روز ندارد.

س ۲۳۹: اعراض از وطن با چه شرایطی محقق می‌شود؟

ج: منظور از اعراض اینست که انسان از وطن اصلی یا غیر اصلی خودش صرف نظر کند و بنای زندگی و اقامت در آنجا را نداشته باشد.

س ۲۴۰: شخصی است که در طول سال تردد بین دو شهر دارد و در هر دو شهر نیز دارای مسکن می‌باشد و معمولاً در هر ماه سه الی ۵ روز در یکی از شهرها و مابقی را در شهر دیگر است حکم نماز و روزه نامبرده چیست؟

ج: در صورتی که هر دو شهر وطن او باشد نماز و روزه در هر دو جا تمام و صحیح است ولی اگر شهری که زیاد توقف می‌کند وطن او باشد نماز در محل دیگر قصر است مگر این که قصد اقامه ده روز کرده باشد.

س ۲۴۱: اینجانب ده سال قبل از روستای خود به شهر مقدس قم کوچ کردم و مدت ۲ سال ساکن قم بودم پس از دو سال مجدداً به روستا باز گشتم ولی خانه‌ای که در قم ساخته بودم فعلاً باقی است و در دست مستأجر است. سؤال حقیر این است که حکم نماز و روزه بنده و خانواده‌ام در قم چگونه است؟ آیا قصد اقامه لازم است یا اینکه نماز تمام و روزه درست است؟ اگر در ماه رمضان به قم آمده و ده روز بمانیم حکم چیست؟

ج: جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده و ماندن خود را در آنجا

محدود به مقدار معین نکرده آنجا وطن او حساب می‌شود و در صدق وطن بودن قصد همیشه ماندن معتبر نیست بلی لازم است که ماندن خود را محدود به مقدار معین نکند و گرنه وطن صدق نمی‌کند بنابراین اگر در قم به قصد وطن بودن مانده‌اید و بعد از آن از این قصد اعراض نکرده‌اید قم وطن شما است و هر موقع که به آنجا بروید نماز و روزه شما تمام و درست است.

س ۲۴۲: آیا حوزه برای طلابی که موقتاً اقامت می‌کنند حکم وطن دارد؟

ج: خیر، حکم وطن ندارد.

احکام روزه

س ۲۴۳: آیا شرب سیگار، یا شرب اشیائی که بصورت مایع نیستند و مطلق دود بشمار می‌روند برای روزه اشکالی دارد؟
ج: اگر به حلق برسد جایز نیست.

س ۲۴۴: شخصی که در ماه رمضان صبح از وطن خود به جائیکه بیشتر از چهار فرسخ است برود و قبل از ظهر همان روز به وطن خود برگردد، روزه این شخص چگونه است؟

ج: در فرض سؤال اگر پیش از ظهر به محل خود برگردد و چیزی نخورده باشد باید قصد روزه نماید روزه او صحیح است.

س ۲۴۵: اگر در یک کشور برای افطار روزه، اذان یک شهر بزرگ آن کشور را در تلویزیون پخش کنند، آیا برای همه کسانی که در حال شنیدن اذان هستند جایز است افطار نمایند؟

ج: جایز نیست مگر اینکه با شهری که انسان در آن زندگی می‌کند هم افق باشد.

س ۲۴۶: اگر انسان سر را با چیزی بپوشاند مانند غواصان و زیر آب برود موجب بطلان روزه می‌شود یا خیر؟
ج: بلی، موجب بطلان است.

س ۲۴۷: اگر شخص نذر کند که در روز معین روزه بگیرد و در آن روز مبتلا به مرضی شود که روزه برای آن ضرر داشته باشد آیا نذر او ساقط است و اگر نذر او ساقط نیست تکلیفش چیست؟
ج: نذر او ساقط است.

س ۲۴۸: آیا انسان می‌تواند در ماه مبارک رمضان برای فرار از روزه عمداً مسافرت کند؟

ج: بلی می‌تواند، ولی کراهت دارد.

س ۲۴۹: خانمی ۱۰ سال پیش سقط جنین کرده که به طور تصادفی بوده است، نمازها و روزه‌هایی که در طول این مدت خوانده و گرفته، چه حکمی دارد؟ و اگر خانمی با این اوصاف به خانه خدا رفته باشد چه؟

ج: اگر غسل جنابت انجام داده، کفایت از غسل نفاس می‌کند، و اعمالی که بعد از غسل جنابت انجام داده صحیح است.

س ۲۵۰: مبتلایان به بیماریهای تنفسی (بخصوص آسم) جهت پیشگیری و درمان تنگی تنفس خود ناچارند روزانه چند مرتبه از اسپری‌های مخصوص استفاده کنند که از طریق دهان پودرهای دارویی را به مجاری تنفسی و ریه می‌رسانند که در این مسیر این مواد به حلق نیز می‌رسند، آیا استفاده از این وسیله مبطل روزه می‌باشد یا خیر؟

ج: استفاده از آن در حد ضرورت مبطل روزه نیست.

س ۲۵۱: برای فرد روزه دار خون دادن (اهداء) و خون گرفتن (بشکل درمانی) چه حکمی دارد؟

ج: اگر خون دادن موجب ضعف باشد، کراهت دارد ولی روزه را باطل نمی‌کند و خون گرفتن مانعی ندارد.

اگر روزه ضرر داشته باشد

س ۲۵۲: در مواردی که از پزشک در مورد ضرر روزه سؤال می‌شود، آیا فقط ضرر حتمی آن باید به اطلاع بیمار رسانده شود یا احتمال وجود خطر و ضرر نیز باید ذکر شود؟

ج: خوف ضرر کافی است

س ۲۵۳: ملاک در تشخیص ضرری که مانع از روزه می‌شود نظر دکتر است یا خود انسان؟

ج: ملاک خوفی است که منشاء عقلائی ضرر است، از هر راه که پیدا شود.

باقیمانندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

س ۲۵۴: بنده الان طلبه هستم، قبل از طلبگی در روستا بودم و از احکام نماز و روزه زیاد اطلاعی نداشتم که یکی از آنها جنابت بود، نمی‌دانستم که اصلاً جنابت چیست. فقط یکبار روحانی روستا که احکام می‌گفت به مسأله جنابت رسید، در ذهنم خطور کرد آیا جنابت هم برای من پیش آمده یانه؟ چون اصلاً نمی‌دانستم جنابت یعنی چه؟ به همین علت من وقتی جنب می‌شدم نمی‌دانستم جنابت است تا غسل کنم، و در ذهنم نیز اصلاً خطور نمی‌کرد که باید پرسید. بجز همان یکبار که به ذهنم خطور کرد؛ بنده الان شک می‌کنم آیا در ماه رمضان هم جنب می‌شدم یا نه؛ حالا شما بفرمائید مسأله روزه و نماز بنده چگونه بوده؟ روزه بنده کفاره دارد یا قضا دارد؟ بنده الان روزه استیجاری هم گرفته و همچنین نماز استیجاری و الان پولش را هم خرج کرده ام، در صورت اشکال داشتن چه باید بکنم؟

ج: آن اندازه از نمازها که یقین دارید در حال جنابت بجا آورده اید، باید آنها را قضا نمائید ولی روزه‌هایی که گرفته اید صحیح است.

س ۲۵۵: کسی که در شب ماه رمضان جنب است و یا زنی که در شب ماه رمضان از حیض پاک شده است، اگر اینها یقین دارند تا اذان صبح آب پیدا نمیشود تا غسل کنند، آیا می‌توانند قبل از اینکه اذان صبح شود، تیمم کنند و بخوابند و یا اینکه باید تا اذان صبح بیدار بمانند و نزدیک اذان صبح تیمم بکنند و بخوابند؟

ج: در فرض مذکور لازم است، تیمم بدل از غسل بجا آورده شود و بیدار ماندن تا اذان صبح واجب نیست.

قضا و كفارة

س ۲۵۶: کسی که سحری می خورد و احتمال می دهد اذان را گفته باشند ولی تفحصی نمی کند مثلاً به ساعت نگاه نمی کند، حکم روزه این فرد چیست؟

ج: روزه اش صحیح است مگر اینکه بعداً معلوم شود که صبح بوده که در این صورت قضای روزه بر او واجب است.

س ۲۵۷: اگر شخصی دیگری را اکراه بر افطار در ماه مبارک رمضان نمود، آیا علاوه بر گناه، كفاره هم بر عهده اش می باشد یا خیر؟

ج: خیر كفاره به عهده او نمی آید.

س ۲۵۸: در روزه استیجاری، اگر بعد از ظهر افطار کند، كفاره دارد یا خیر؟

ج: كفاره ندارد.

س ۲۵۹: کسی که به علت مرض تا رمضان سال آینده نتواند روزه سال گذشته را قضا نماید تکلیفش چیست؟

ج: قضا ساقط شده و باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد

س ۲۶۰: آیا می شود روزه قضا و روزه مستحبی را با هم در یک روز نیت کرد؟

ج: خیر، نمیشود.

س ۲۶۱: فرق كفارات مالیّه و كفارات مخیره چیست لطفاً توضیح فرمائید؟

ج: كفاره مخیره آن است که انسان بین چند چیز مخیر است و هر کدام را به عنوان كفاره انجام دهد مجزی است و منظور جنابعالی از كفاره مالیّه چیست؟ باید توضیح بدهید.

س ۲۶۲: اینجانب چندین مورد در ماه رمضان محتلم شده ام آن هم قبل از سحری و قبل از اذان صبح و این مسئله را این طور یاد گرفته بودم که اگر کسی جنب شود تا اذان ظهر وقت دارد غسل کند و فقط معصیت کرده است که تا اذان ظهر بر جنابت مانده و نیز مسأله تیمم را نمی دانستم و ندانسته و بی اطلاع نسبت به

مسأله به حالت جنابت وارد اذان صبح می‌گردیدم و بعد از اذان صبح و قبل از اذان ظهر غسل می‌کردم اکنون خواهشمندم بفرمائید آیا علاوه بر قضای این روزها کفاره‌ای بر گردن بنده است یا خیر؟

ج: قضا و کفاره بر شما واجب نمی‌شود.

احکام اعتکاف

س ۲۶۳: آیا محوطه اطراف مسجد که به عنوان حیاط استفاده می‌شود برای اعتکاف حکم مسجد را دارد؟

ج: اگر حیاط مسجد جزء مسجد نباشد جایز نیست.

س ۲۶۴: قسمتی از بدن در حال اعتکاف خونی شده است آیا ازاله آن در بیرون مسجد ضرورت فوری دارد؟ یا تأخیر نیز جایز است؟

ج: ضرورت فوری ندارد و فقط باید هنگام نماز بدن و لباس پاک باشد.

س ۲۶۵: عطر زدن، شانه زدن و در آینه نظر کردن معتکف چه حکمی دارد؟

ج: بوئیدن عطریات برای معتکف حرام است ولی شانه زدن و نگاه در آینه کردن مانعی ندارد.

س ۲۶۶: شخصی نیت شش روز اعتکاف کرده است، آیا می‌تواند در روز سوم اعتکاف را تمام کرده و دوباره سه روز دیگر در وقت دیگر از سر بگیرد؟

ج: می‌تواند بعد از اتمام سه روز اول بقیه را انجام ندهد و اعتکاف مجددی انجام دهد.

س ۲۶۷: آیا زن می‌تواند با امر شوهرش روزه سوم اعتکاف خود را بشکند؟ و اگر شوهر او را مجبور به این کار کند، آیا برعهده شوهر کفاره می‌آید یا خیر

ج: اگر با تمام شرایط صحت، اعتکاف را شروع کرده، با درخواست شوهر نمی‌تواند روزه سوم را رها کند و کفاره ندارد.

س ۲۶۸: آیا معتکف می‌تواند شش روز یا ده روز نیت اعتکاف بکند؟

ج: انسان می‌تواند نیت اعتکاف بیشتر از سه روز نماید لکن احتیاط واجب

آنست که بعد از سه روز اول هر دو روز را که ماند روز سوم را نیز بماند.

س ۲۶۹: شخصی نذر (یا شبه نذر) کرده معتکف بشود، اگر عمداً و بدون عذر

اعتکاف خود را بشکنند آیا کفاره نذر بر عهده‌اش می‌آید یا کفاره اعتکاف و یا کفاره جمع؟

ج: اگر به غیر جماع، اعتکاف خود را باطل کند، فقط کفاره تخلف از نذر واجب است، که همانند کفاره باطل کردن روزه ماه مبارک رمضان است.

س ۲۷۰: آیا اعتکاف در مسجد جامع در ردیف اعتکاف در مساجد چهارگانه است یا باید در مسجد جامع به امید ثواب و رجاء مطلوبیت باشد؟
ج: بلی در ردیف مساجد چهارگانه است ولی احوط آن است که در صورت امکان در یکی از مساجد اربعه باشد.

س ۲۷۱: بهترین وقت اعتکاف در روایات، دهه آخر رمضان ذکرشده، آیا ایام البیض ماه رجب نیز چنین خصوصیتی دارد؟
ج: بهترین اوقات اعتکاف ماه مبارک رمضان است، خصوصاً در دهه آخر آن.

س ۲۷۲: نجس کردن مسجد در حال اعتکاف چه حکمی دارد؟
ج: در صورتی که عمدی نباشد اشکال ندارد ولی باید در صورت امکان فوراً اقدام به تطهیر آن نماید و اگر عمدی باشد حرام است.

س ۲۷۳: اگر معتکف در معامله پول ندهد و نسیه بخرد یا نسیه بفروشد (مثلاً اسمش را روی کاغذ مخصوص می‌نویسد) و یا برای معامله نائب بگیرد، و یا به دست خود فروشنده ندهد پول را، یا مستقیماً از دست خریدار پول نگیرد (مثل اینکه صندوق مخصوصی برای اینکار گذاشته باشند) اعتکاف چه حکمی پیدا می‌کند؟

ج: اگر عرفاً صدق بیع و شرا نماید اشکال دارد.

س ۲۷۴: اگر کسی حشرات موذی داخل مسجد را بکشد اعتکافش چه حکمی پیدا می‌کند و اگر در این حال مسجد را نجس کرده باشد چطور؟

ج: کشتن حشرات موذی در مسجد اشکال ندارد ولی اگر مسجد نجس شود باید آن را تطهیر نماید.

س ۲۷۵: آیا در سفر حرام می‌توان اعتکاف کرد؟

ج: بلی می‌توان.

خروج از مسجد

س ۲۷۶: آیا جایز است معتکف برای شرکت در درسهای حوزه از مسجد خارج شود؟

ج: جایز نیست.

س ۲۷۷: خروج معتکف جهت شرکت در نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج: خروج برای نماز جماعت مشکل است مگر در مگه مکرمه.

س ۲۷۸: حکم خروج معتکف از مسجد برای تشییع جنازه مؤمن و تودیع و استقبال برادر مؤمن خود چیست؟

ج: در صورتی که به صورتی ارتباط با وی داشته باشد که از ضروریات عرفیه بحساب آید می‌تواند از مسجد خارج شود.

س ۲۷۹: خروج معتکف از مسجد برای تهیه غذا و شستن لباسها و ظروف خود چه

حکمی دارد و اگر شخص غیر معتکفی این کارها را برای او بکند چطور؟

ج: اگر ضرورت ندارد و فردی هست که این کارها را انجام دهد جایز نیست.

س ۲۸۰: شخصی در یک مدرسه یا مسجد امام جماعت است آیا در حال اعتکاف

جهت اقامه نماز جماعت می‌تواند از مسجد خارج شود؟

ج: خروج از مسجد برای معتکف جهت نماز جماعت در غیر مگه محل

اشکال است.

س ۲۸۱: نذر کردن در حال اعتکاف که نیاز به خروج از مسجد دارد چه حکمی

دارد؟

ج: در غیر مواردی که خروج از مسجد برای معتکف جایز است اشکال دارد.

س ۲۸۲: خروج از مسجد برای کارهای غیر واجب از قبیل غسل مستحبی، وضو، مسواک زدن و غیره چه حکمی دارد؟

ج: جایز نیست.

س ۲۸۳: خروج از مسجد جهت ادای دین و وفای به عهد چه حکمی دارد؟ جهت اقامه شهادت چگونه؟

ج: جایز است.

س ۲۸۴: آیا شخص معتکف می‌تواند برای کمک به ستم‌دیده و مظلومی از مسجد خارج شود؟

ج: اگر فرد دیگری نتواند وظیفه او را انجام دهد مانعی ندارد.

س ۲۸۵: آیا معتکف می‌تواند با امر پدر و مادر برای انجام کاری در بیرون مسجد، از مسجد خارج شود؟

ج: اگر اعتکاف وی مستحبی باشد روز اول و دوم می‌تواند.

س ۲۸۶: آیا انسان در حالی که معتکف است می‌تواند در اعمالی مانند راهپیمایی و نماز جمعه شرکت کند یا خیر؟

ج: نمی‌تواند مگر آنکه حضورش ضرورت داشته باشد.

س ۲۸۷: شخصی مسئول پخش اذان در یک مسجدی است بطوری که غیر از او کسی دیگر برای این کار نیست، آیا در حال اعتکاف می‌تواند در اوقات اذان از مسجد خارج شود و اذان را پخش کند و برگردد؟

ج: در فرض سؤال مانعی ندارد.

چیزهایی که اعتکاف را باطل می‌کند

س ۲۸۸: اگر معتکف عادت به این داشته باشد که در حال استمناء یا راه دادن بعضی از فکرها بخود از او منی خارج می‌شود و با این کارها منی از او خارج

می‌شود چه حکمی دارد و اگر عادت نداشته باشد و منی بیرون بیاید چطور و اگر عادت داشته باشد ولی منی بیرون نیاید چه حکمی پیدا می‌کند؟

ج: اگر عادتش این باشد که با استمتاع از بعضی فکرها منی از او خارج می‌شود و منی خارج شود اعتکاف و روزه او باطل است همچنین اگر به قصد بیرون آمدن منی کاری انجام دهد روزه و اعتکاف وی باطل است چه منی خارج شود یا خارج نشود.

س ۲۸۹: کدامیک از محرّمات اعتکاف، باطل کننده آن نیز می‌باشد؟

ج: تمام چیزهایی که روزه را باطل می‌کند، موجب بطلان اعتکاف نیز می‌باشد، همچنین هر گونه عمل شهوانی مانند آمیزش جنسی، بوسیدن، لمس کردن نیز موجب بطلان اعتکاف است، گر چه در شب واقع شوند، خرید و فروش و استشمام بوها و گلهای معطر نیز اعتکاف را باطل می‌کنند.

س ۲۹۰: آیا تأخیر غسل واجب مثل غسل جنابت یا مسّ میت در حال اعتکاف، مبطل اعتکاف است؟

ج: اعتکاف باطل نمیشود ولی ماندن جنب در مسجد حرام است؛ البته در صورتیکه عمداً با حال جنابت صبح کند اعتکاف باطل می‌شود.

رها کردن اعتکاف

س ۲۹۱: انسان چه موقع می‌تواند اعتکاف خود را به هم بزند و چه موقع نمی‌تواند؟

ج: اگر اعتکاف مستحب باشد قبل از اتمام دو روز می‌تواند آنرا بهم بزند ولی بعد از تمام شدن دو روز، روز سوم واجب می‌شود.

س ۲۹۲: کسی که در حین اعتکاف مریض بشود می‌تواند روز سوم اعتکاف خود را بهم بزند؟

ج: در صورتی که ادامه اعتکاف برای او مشقّت دارد می‌تواند آن را بهم بزند.

س ۲۹۳: اگر کسی شرط کند اگر کاری برایش پیش آمد اعتکاف خود را (اگر چه در روز سوم) بهم بزند آیا می‌تواند در روز سوم اعتکاف خود را بهم بزند و آیا قضای آن لازم می‌آید یا نه؟

ج: در فرض سؤال در صورتی که برای او پیش آمدی حادث شود می‌تواند اعتکاف را بهم بزند و قضا ندارد.

قضا و کفاره اعتکاف

س ۲۹۴: کسی عمدتاً و بدون عذر اعتکاف مستحبی خود را در روز سوم می‌شکند؟ آیا بر او قضا و کفاره لازم می‌آید یا فقط معصیت کرده است؟

ج: در صورتی که اعتکاف را بغیر جماع بهم بزند کفاره ندارد ولی واجب است در فرض سؤال قضای اعتکاف را انجام دهد.

س ۲۹۵: معتکف در روز سوم اعتکاف از مسجد خارج می‌شود آیا تنها قضاء لازم است یا کفاره هم باید بدهد؟

ج: قضاء واجب است و بنا بر احتیاط مستحب کفاره هم بدهد، و کفاره آن مانند کفاره ماه مبارک رمضان است.

احکام زکات

س ۲۹۶: آیا افرادی که زکات بدهکارند می‌توانند بدون اجازه مجتهد به مسجد بپردازند.

ج: مانعی ندارد.

س ۲۹۷: آیا برای تأسیس و بناء مراکز تفریحی، ورزشی مورد نیاز جامعه، از مال زکات، موقوفات عامه و یا وجوهات شرعی می‌توان هزینه کرد؟

ج: استفاده از زکوٰه و موقوفات عامه در موارد فوق جایز است و در وجوهات شرعی احتیاج به اجازه مرجع تقلید دارد.

س ۲۹۸: آیا می‌شود در زکات مخارجی را که برای گندم هزینه شده از حاصل کسر نمود و اگر می‌شود چگونه باید باشد؟

ج: بعد از اخراج مخارج از گندم اگر باقی مانده به قدر نصاب باشد زکوٰه آنرا بدهد و گاه هم محاسبه نمی‌شود.

س ۲۹۹: آیا تصرف در مالی که متعلق زکات واقع شده و هنوز زکاتش پرداخت نشده جایز است؟

ج: تصرف در مالی که متعلق زکات است در صورتی که باقی مانده آن به اندازه زکات باشد مانعی ندارد ولی باید در مقدار زکات که باقی مانده دیگر تصرف نکند و آنرا بعنوان زکات به مستحقین بپردازد.

س ۳۰۰: کشاورزان مخارج خود را از خود گندم کم کنند یا اینکه گاه را هم بحساب آورند مثلاً اگر گاه را بفروشد تمام مخارج را کافی است آیا در اینصورت باز هم این مخارج از خود گندم کم می‌شود؟ یا نه؟

ج: گاه را هم لازم است به حساب بیاورد.

زکات طلا

س ۳۰۱: آیا در حال حاضر، زکات طلا و نقره، فرض تحقق دارد یا خیر؟ و آیا طلا و نقره‌های ساخته شده، مانند دست بند، گردن بند و سگه‌های بهار آزادی، متعلق زکات هستند؟

ج: طلا و نقره سکه داری که معامله با آن رائج باشد اگر به حد نصاب برسد بنا بر احتیاط واجب باید زکات آن را بدهند.

زکات فطره

س ۳۰۲: سربازانیکه در پادگان هستند یا دانشجویانیکه در خوابگاه هستند زکوة قطریه اینها بعهدہ چه کسی است؟

ج: در صورتی که نان خور پدر به حساب می‌آید بعهدہ پدر است و اگر هزینه او به عهده اداره مربوطه باشد زکات فطره او بر کسی واجب نیست.

س ۳۰۳: همانطور که استحضار دارید سازمان بهزیستی کشور بعنوان تنها ارگان دولتی وظیفه نگهداری و رسیدگی به وضعیت ایتام، معلولین، منحرفین اجتماعی و... را بعهدہ دارد، با عنایت به مراتب فوق و با توجه به امکانات محدود سازمان در برابر نیازمندان جامعه مستدعی است مرقوم فرمائید نظر حضرتعالی درباره دریافت زکات فطره، صدقه و کفاره برای مصرف مددجویان سازمان بهزیستی چیست؟

ج: در صورتی که مردم مسلمان مطمئن باشند که زکوة فطره در راه تأمین مخارج مستحقین زکوة از قبیل ایتام بی سرپرست و معلولین مصرف می‌شود می‌توانند زکوة فطره خود را به سازمان بهزیستی دهند.

س ۳۰۴: شب عید فطر و قبل از آن فرزندانم، که هنوز مستقل نشده و نان خور من هست در پادگان بوده زکات فطره او بر عهده کیست؟

ج: در فرض سؤال زکات فطره او بر شما واجب نیست.

س ۳۰۵: شب عید فطر فرزندانم در خانه پدرم افطار کردند زکات فطره آنها بر عهده من است یا بر عهده پدر بزرگشان؟

ج: اگر پیش از غروب وارد منزل پدر شما شده باشند و نان خور او حساب شوند فطره آنها به عهده اوست.

س ۳۰۶: اگر مهمان فقط شب عید فطر و قبل از غروب وارد خانه من شود و افطار کند و صبح بعد صبحانه و نهار خورده و برود زکات فطره او بر عهده کیست؟

ج: اگر میهمان پیش از غروب عید فطر وارد شود و نان خور شما به حساب آید، فطره او بر شما واجب است.

س ۳۰۷: اگر در فرض فوق بدون نهار برود زکات فطره او بر عهده کیست؟

ج: خوردن نهار یا صبحانه اثری در وجوب و عدم وجوب زکات فطره ندارد.

س ۳۰۸: آیا استفاده از فطریه جهت مصارف آموزشگاههای دولتی با توجه به مشکلات و کمبودهای مالی موجود در مدارس در صورت تمایل اولیای دانش آموزان به پرداخت آن به مدرسه، جایز است؟

ج: جایز است ولی بهتر است که زکات فطره به فقراء داده شود.

س ۳۰۹: آیا برای مسئولین مدارس جایز می باشد فطریه کسانی را که مایل هستند جمع آوری و به خانواده های دانش آموزانی که شرعاً مستحق می باشند، برسانند؟

ج: جایز است.

احکام خمس

س ۳۱۰: سال خمسی از چه زمانی شروع می‌شود؟ و ملاک یک سال شمسی است یا قمری؟

ج: یک سال بعد از اولین درآمد و فرقی بین آن دو نیست.

س ۳۱۱: زمینی را به علت سفت بودن قبل از شخم زدن مجبوریم آبیاری کنیم تا خاک نرم گردد و بعداً شخم بزنیم آیا پولی که بابت خرید آب می‌دهیم جزء مخارج سال است؟ و می‌توان آنرا از محصول کسر نمود یا خیر؟

ج: اگر از درآمد همان سال پرداخت نموده باشید جزء مخارج همان سال است.

س ۳۱۲: آیا هنگام پرداخت خمس قصد قربت واجب است؟ و چنانچه قصد قربت نکرد برئ الذمه می‌شود یا خیر؟

ج: قصد قربت در آن شرط است.

س ۳۱۳: افرادی که از مراجع تقلید وکالت در امور حسبیّه دارند به چه مقدار می‌توانند دستگردان و مصالحه کنند؟

ج: در مواردی که معلوم نیست متعلق خمس قرار گرفته است می‌تواند مصالحه نماید و در صورتی که نقداً نمی‌تواند پرداخت کند می‌تواند دستگردان و به وی مهلت بدهد.

س ۳۱۴: آیا انسان می‌تواند به عنوان قرض از پول مخمس خود بردارد و خرج مؤونه کند و در همان سال یا سال بعد، از درآمد سال جایگزین نماید؟

ج: اگر در همان سال باشد که برای مؤونه بابت قرض برداشت کرده، می‌تواند از درآمد آن سال جایگزین نماید گرچه احتیاط آن است که این کار را نکند و از پول مخمس هزینه نماید.

س ۳۱۵: آیا مراجع عظام یا نمایندگان آنان، می‌توانند به شیعیانی که وضع معیشتی خوبی ندارند، خمس مالشان را به آنان ببخشند؟
 ج: در صورتی که فقیر باشند و راه دیگری نداشته باشند در حدّ ضرورت می‌توانند به آنان ببخشند.

س ۳۱۶: پولی که در حدّ شأن عرفی، و برای رفع نیازهای پیش بینی نشده و اتفاقی، پس انداز می‌شود، آیا متعلق خمس است یا خیر؟
 ج: بلی، متعلق خمس است.

س ۳۱۷: در شهر یا آبادی که مردم یکدیگر را می‌شناسد و می‌دانند که خمس و زکات نمی‌دهند، معامله با آنان چگونه است؟
 ج: در صورتی که نمی‌دانید به عین آن چیز مورد معامله خمس یا زکات تعلق گرفته اشکال ندارد.

س ۳۱۸: کسی که درآمدی ندارد، یا اگر دارد به مخارج او کفایت نمی‌کند، آیا لازم است برای خود سال خمسی قرار دهد؟
 ج: در فرض مذکور قرار دادن سال خمسی لازم نیست.

س ۳۱۹: حقوق بگیران و افرادی که ماهیانه مبلغی دریافت می‌کنند آیا می‌توانند برای هر حقوق دریافتی، سال جداگانه‌ای قرار دهند؟
 ج: بلی می‌توانند ولی بهتر این است که برای خود یکسال را در نظر بگیرند چون حفظ و نگهداری چند سال مشکل است.

س ۳۲۰: آیا می‌توان سال خمسی را تغییر داد؟ چگونه؟
 ج: می‌تواند سال خمسی را جلوتر قرار دهد و اگر عقب تر قرار داد باید مدت اضافی را محاسبه نماید و این تاخیر با اجازه فقیه باشد.

س ۳۲۱: شخصی که همیشه حساب سال خود را داشته اما بر اثر یک حادثه به مدت سه سال وجوه شرعی را حساب نکرده است؛
 ۱. نسبت به مدت سه سال شرعاً چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: در صورتی که در این مدت اضافه بر آنچه قبلاً خمسش را داده است بدست آورده باید خمس مازاد را پرداخت نماید؟

۲. نسبت به وسائل خانه چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: در فرض مذکور باید با مرجع تقلیدش یا کسی که از طرف او وکالت در گرفتن خمس دارد مصالحه نماید.

س ۳۲۲: کسی که برای دادن خمس سال قرار داده، آیا در وقت حساب باید آذوقه‌ای را که ممکن است هنوز قیمت بعضی از آنها را پرداخت نکرده به حساب بیاورد؟ و ضمناً چه نوع بدهکاریهائی را می‌تواند از موجودی کسر نماید؟ و در اینمورد آیا فرقی بین کارمند و کارگر یا کاسب و تاجر هست؟

ج: آن مقدار از آذوقه که قیمت آنرا بدهکار است و امسال باید پردازد و جزء مخارج امسال است خمس ندارد و بدهکاریهائی که امسال باید پرداخته شود و برای تامین مخارج امسال بوجود آمده است، خمس ندارد و فرقی میان کارمند و کاسب نیست، محصول کار هر کس که عائدات او اضافه از مخارج سالیانه او باشد خمس دارد.

س ۳۲۳: بانک مسکن در قالب عقود جعاله، مشارکت مدنی، و بیع اقدام به پرداخت تسهیلات مسکن می‌نماید. جهت پرداخت تسهیلات بدین صورت عمل می‌شود که به ازای هر دوره (که دوره‌ها بر اساس سقف تسهیلات پرداختی و نوع استفاده آن که جهت خرید خانه دست دوم باشد یا جهت خرید منزل نوساز دست اول و یا تکمیل ساختمان تفاوت می‌کند. و فعلاً دوره‌ها شش، پنج و چهار ماهه هستند) یک برابر متوسط موجودی صاحب حساب به وی تسهیلات در غالب عقود فوق تعلق می‌گیرد. لازم به ذکر است که مشترک وقتی تسهیلات را دریافت می‌کند همزمان کل موجودی حساب خود را نیز برداشت می‌نماید و البته سودی به این گونه سپرده‌ها تعلق نمی‌گیرد؛ گرفتن سود از بانک چه حکمی دارد؟ و آیا به ماندن پول بیش از یکسال در بانک خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: در صورتی که به آنچه در پشت ورقه بانکی نوشته شده عمل شود گرفتن سود از افراد مانعی ندارد و همچنین اگر خرید خانه جز از طریق پس انداز پول بیش از یکسال امکان پذیر نیست به آن پول خمس تعلق نمی‌گیرد.

فیش حج

س ۳۲۴: پولی که فرد در سال ۶۳ جهت ثبت نام حج تمتع به بانک داده ولی امسال مشرف می‌شود، آیا آن پول خمس دارد؟

ج: پولی که برای سفر حج پرداخته است اگر از عایدات آن سال است که در آن مستطیع شده است خمس ندارد. اگر چه چند سال پس از پرداخت پول به حج مشرف شود.

س ۳۲۵: کسی که برای عمره یا حج مستحبی مبلغی برای ثبت نام پرداخت کرده و پس از یک سال یا بیشتر از دنیا رفته است آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟
ج: بلی.

س ۳۲۶: کسی که قبلاً سال خمسی نداشته آیا به پول فیش مکه‌اش خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر یقین ندارد که فیش را از پولی که متعلق خمس بوده است خریده است خمس ندارد.

پس انداز جهت تهیه نیازمندیها

س ۳۲۷: آیا برای خرید مایحتاج زندگی مثل خانه می‌توان بدون پرداخت خمس پول جمع کرد ولو اینکه چند سال بر آن بگذرد؟

ج: اگر راهی برای خرید خانه جز پس انداز نباشد، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۲۸: کسی که پول و سرمایه خود را در سپرده‌های دراز مدت می‌گذارد و هدفش این است که پولهایش روی هم جمع شود تا بتواند چیز لازمی مانند خانه تهیه نماید برسد، آیا با توجه به اینکه این شخص در حقیقت پول اضافی و مازادی ندارد بلکه مجبور شده برای خرید خانه پس انداز چندین سال را روی هم بگذارد تا بالاخره بتواند چیزی که می‌خواهد بخرد آیا بعد از سپری شدن دوره دراز مدت سپرده‌اش باید خمس بدهد؟

ج: اگر جهت تهیه منزل مورد نیاز راهی جز پس انداز چنین مبلغی نباشد خمس بر آن واجب نیست ولی اگر در آینده آن مبلغ صرف خرید منزل نشود خمس آن را باید بدهد.

س ۳۲۹: در یکی از مراکز تحقیقاتی و پژوهشی عده‌ای از اساتید معتقد و متدین دانشگاه‌ها که تحصیلاتشان را در خارج از کشور گذارنده‌اند حضور دارند، بعضی از ایشان در طول چند سالی در داخل و خارج کشور اندک اندک مبلغی را با قصد خرید مسکن پس انداز نموده‌اند با فرض نداشتن مسکن و عدم امکان خرید مسکن از غیر این طریق، بفرمائید:

۱. آیا به این پس انداز ویژه مسکن، خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج: در فرض سؤال خمس ندارد.

۲. اگر از این مبلغ پس انداز، گاه برای هزینه‌های مناسب شأن خود مقداری را مصرف کرده باشند آیا به این مقدار مصرف شده خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج: اگر سال بر آن گذشته باشد خمس دارد.

س ۳۳۰: اینجانب دانشجوی دانشکده علوم قضایی (وابسته به قوه قضائیه) هستم و از بدو ورود به این دانشکده برای حدود ۸ سال کار در دادگستری از ما تعهد گرفته‌اند و به همین جهت، ضمن تحصیل مبلغی حدود ۳۰ هزار تومان به عنوان حقوق ماهیانه دریافت می‌کنیم که بطور معمول مبلغی از آن در ماه پس انداز

می‌شود، با توجه به اینکه اینجانب در آینده برای امر ازدواج و تهیه مسکن و... مخارج معلوم الوصفی خواهم داشت: الف: آیا با فرا رسیدن سال شرعی، بر مبلغ پس انداز شده خمس تعلق می‌گیرد؟ اگر با پس اندازها وسایل و ملزومات زندگی، که برای سالهای بعد مورد نیاز است خریداری شود، چطور؟

ج: در فرض سؤال در صورتی که تهیه خانه جز از طریق پس انداز چند سال امکان پذیر نیست به مبلغ پس انداز شده به این قصد و نیت، خمس تعلق نمی‌گیرد و همچنین به ملزومات زندگی در صورتی که بعداً تهیه آنها را توانائی نداشته باشد خمس تعلق نمی‌گیرد ولی اگر با این پولها بعداً خانه و یا لوازم تهیه نکرد باید خمس آن را بپردازد.

ب: معیار تهیّه وسایل و ملزومات چیست؟ معیار را «نوعی یا شخصی» قرار دهیم؟
ج: معیار موقعیت و شئون افراد می‌باشد.

ج) با توصیفات فوق الذکر اگر مبلغی به عنوان قرض الحسنه به شخصی داده باشیم، خمس دارد یا خیر؟

ج: در صورتی که آنچه طلب دارید، وقت فرا رسیدن سال خمس، می‌توانید آن را دریافت کنید، خمس دارد.

خریده‌های اقساطی

س ۳۳۱: اگر کسی به صورت قسطی ملک یا چیزی بخرد که مورد نیاز فعلی او نباشد آیا باید سر سال خمس مقدار قسطی که پرداخت کرده تخمیس نماید؟ و در صورتی که قیمت شیء خریده شده در این مدت افزایش پیدا کرده باشد، آیا اضافه قیمت آن را هم باید محاسبه کند؟

ج: خمس مقدار اقساطی که پرداخت کرده باید سر سال بدهد و اضافه قیمت هم اگر آن جنس را خریداری نموده که بعد از اضافه شدن قیمتش آن را بفروشد باید خمس اضافه آن را نیز پرداخت نماید.

س ۳۳۲: آیا به وامی که باید طی چند سال قسط آن را پرداخت نماید، خمس تعلق می‌گیرد؟ چه مقدار؟

ج: به آن مقدار وامی که اقساط آن را پرداخت کرده و آن را داده و جنسی تهیه نموده که سال بر آن گذشته است خمس به آن تعلق می‌گیرد و آن مقدار که تا حال پرداخت نکرده یا پرداخت کرده و خرج نیازمندیهای زندگی نموده خمس تعلق نمی‌گیرد و در ضمن باید توجه داشت که پرداخت قسط هر سال جزء مؤونه آن سال است.

نیازهای زندگی

س ۳۳۳: آیا انسان می‌تواند با نیت از حساب مشترک پول مخمس و غیر مخمس نیازمندیهای زندگی را تأمین نماید؟

ج: می‌تواند با نیت از آن حساب پرداخت کند.

س ۳۳۴: در شهر ما مرسوم شده که جهیزیه را (معمولاً اقلام گران قیمت مثل فرش و کمد و...) را مرد تهیه می‌کند آیا اگر شخص وسیله‌ای به قصد وسایل زندگی آینده‌اش خریداری نماید به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر راهی غیر از این ندارد که لوازم آینده زندگی را به تدریج بخرد چنانچه از منافع آن سال باشد و از شأنش زیاد نباشد اشکال ندارد.

س ۳۳۵: شک در تعلق خمس (البته بعد از تحقیق و تفحص) چه حکمی دارد؟

ج: خمس ندارد.

س ۳۳۶: اینجانب طلاجاتی به ارزش یک میلیون تومان را دارا می‌باشم آیا به آنها خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر جهت زینت مورد نیاز باشد و از شأن شما اضافه نباشد خمس ندارد.

س ۳۳۷: بنده بعلت درآمد شغلی قادر نیستم لوازم خانگی از قبیل یخچال و فرش و غیره را یکجا بخرم لذا فرشی بطور قسطی خریدم و از آن استفاده می‌کنم و

فرشی را که مال پدرم بود جمع کرده کنار گذاشتم و هم اکنون بلااستفاده مانده به کدام یک از فرشها خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: به هیچکدام از دو فرش خمس تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۳۸: اگر کسی باغی دارد که هم از میوه آن برای نیازمندیهای خود استفاده می‌کند و هم با درآمد آن کسب و تجارت می‌نماید، خمس آن را چگونه محاسبه نماید؟

ج: هر مقدار که مصرف نیازمندیهای بین سال نماید از مؤونه حساب می‌شود و هر چه از سال اضافه آورد باید خمس آن را بدهد.

س ۳۳۹: آیا به وسیله نقلیه که هم کارهای شخصی خود را انجام می‌دهد و هم با آن کار می‌کند، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: به آن مقدار از آن وسیله که با آن کار می‌کند خمس تعلق می‌گیرد و به آن مقدار که جهت نیاز شخصی مورد استفاده قرار می‌دهد و با موقعیت او تناسب دارد خمس تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۴۰: آیا مخارجی که برای اعیاد و وفیات مذهبی هزینه می‌شود، هر چند زیاد باشد جزء مؤونه سال محسوب می‌شود؟

ج: بلی از مؤونه حساب می‌شود.

س ۳۴۱: کتابهایی که انسان می‌خواهد در آینده از آنها استفاده نماید و فعلاً مورد نیازش نیست و مطمئن است که نمی‌تواند آنها را بعداً یکجا تهیه کند، آیا به این کتابها خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: خیر، خمس تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۴۲: کسی که خانه یا ماشین یا سایر چیزهایی که مورد نیازش بوده فروخته و خانه جدید یا وسایل مورد نیاز دیگری خریده آیا به پول آنها خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: در فرض سؤال اگر اشیائی را که خریده است باندازه احتیاج و موقعیت

اجتماعی او باشد خمس تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۴۳: اگر خانه کوچکی دارد که تا کنون از آن استفاده می‌کرده و حال بر اساس نیاز خانه وسیع تری تهیه کرده و خانه کوچک را اجاره می‌دهد تا چند سال دیگر که فرزندش ازدواج کرد به او بدهد آیا این خانه مورد تعلق خمس است؟

ج: در فرض سؤال خمس به آن تعلق می‌گیرد.

س ۳۴۴: آیا به پولی که بطور قرض الحسنه در ضمن قرار داد اجاره به صاحبخانه داده می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر نتواند خانه را از راه دیگری اجاره نماید به مبلغ مذکور خمس تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۴۵: کسی که از اوّل تکلیف خمس نداده و الان می‌خواهد خمس بدهد آیا بر منزل و تمام وسائل آن و همچنین بر دو چرخه، موتورسیلکت، ماشین و حیوانات اهلی مثل گاو شیرده و امثال آنها خمس تعلق می‌گیرد؟ در حالیکه همه این چیزها نیاز روزانه انسان است؟

ج: اگر از درآمد بین سال تهیه کرده که سال بر آن نگذشته باشد و مطابق شأنش باشد خمس ندارد.

س ۳۴۶: اینجانب سر سال خمسی‌ام رسیده است و می‌خواهم خمس اموال خود را حساب کنم، اما مبلغی برای سال آینده بدهکار هستم، آیا این مبلغ مذکور را هم اکنون کسر نمایم یا از درآمد سال آینده حساب می‌شود؟

ج: بدهکاری شما آنچه مربوط به امسال است می‌توانید کسر نمائید و آنچه مربوط به سالهای آینده است در همان سالها باید کسر شود.

س ۳۴۷: شخصی مقداری کتاب خریده و هنوز همه کتابها را مطالعه نکرده و به مرور زمان مطالعه می‌کند، اگر سر سال رسید خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟ ج: در صورتی که کتابها مورد نیازش بوده خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد.

خرید به ذمه

س ۳۴۸: اگر چیزی را به ذمه بخرد و پول آن را از پول غیر مخمس بدهد، چگونه باید خمس آن را محاسبه کند؟ و در همین فرض اگر لباس است آیا می‌تواند با آن نماز بخواند و یا در آن طواف واجب انجام دهد؟

ج: در فرض سؤال باید خمس قیمتی را که خریده بدهد و خواندن نماز یا انجام طواف در چنین لباسی اشکال ندارد.

خمس هبه

س ۳۴۹: شخصی زمین و مغازه‌ای خریده و به فرزندش که دانشجو هست بخشیده آیا خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج: در صورتی که مدت یکسال بر زمین یا مغازه یا پول آن نگذشته باشد و بخشش از شأن و موقعیت پدر بیشتر نباشد خمس ندارد و این بخشش فرار از خمس نباشد.

س ۳۵۰: آیا جایزه بانکها و صندوقهای قرض الحسنه جزء ارباح است و به آنها خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر به عنوان هبه باشد خمس ندارد.

س ۳۵۱: این جانب در تابستان سال ۷۶ ازدواج نموده‌ام و تا الان که حدود دو سال از این زندگی مشترک می‌گذرد تا کنون هیچگونه حساب سالی نداشته‌ام و در رابطه با مواد غذایی از قبیل برنج و روغن و غیره خمس پرداخت نکرده‌ام، الان تکلیف بنده را در رابطه با دو مورد زیر مشخص نمائید؟ الف: در رابطه با مواد غذایی که طی این دو سال مصرف شده است؟ ب: در رابطه با برنج و روغنی که از طریق سازمان به عنوان بن دریافت کرده ایم؟

ج: لازم است افراد متدین برای خود سال خمسی قرار دهند تا در زندگی دچار مشکل شرعی نشوند و در فرض سؤال اگر مواد غذایی یا پول آنها

مدّت یکسال نزد شما موجود بوده باید یک پنجم قیمت آن را بابت خمس بدهید و اگر شک داشته باشید چیزی به شما تعلق نمی‌گیرد. در صورتی که بن‌ها به عنوان هبه و بخشش باشد خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۵۲: آیا جایز است انسان قبل از رسیدن سال خمسی برای فرار از خمس، اموال خود را به دیگری ببخشد یا صرف خرید لوازم زندگی کند؟
ج: در صورتی که هبه یا تهیّه لوازم منزل به اندازه شأن و موقعیت وی باشد و برای فرار از خمس نباشد اشکال ندارد.

س ۳۵۳: حقوق یا دیه‌ای که بعد از رحلت یا شهادت فرد، از سوی بنیاد شهید یا سازمان تأمین اجتماعی و یا اداره مربوطه و... به خانواده‌اش پرداخت می‌شود، خمس دارد یا نه؟

ج: اگر هدیه محسوب شود، یا دیه باشد خمس ندارد.

س ۳۵۴: آیا به پولی که پدر و مادر به فرزندانشان جهت هزینه تحصیل می‌دهند خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج: اگر به عنوان هبه باشد خمس تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۵۵: آیا به هدایا و جوایز مسابقات ورزشی و مسابقات قرآن نیز خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: خیر.

بالا رفتن قیمت

س ۳۵۶: چیزی که خمس به آن تعلق نمی‌گیرد، اگر قیمت سوقی آن اضافه شود، آیا به اضافه قیمت، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر هدف تجارت و اضافه شدن قیمت باشد بعد از فروش به اضافه قیمت خمس تعلق می‌گیرد.

س ۳۵۷: اگر با پول خمس داده شده سهام کارخانه را بخرد آیا به اضافه قیمت

سهام (در صورت ترقی) خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر به این قصد خریده که بعد از بالارفتن قیمت آنها را بفروش برساند به زیادی خمس تعلق می‌گیرد.

س ۳۵۸: کالایی بر اثر کاهش ارزش پول، قیمتش افزوده می‌شود؛ آیا به مقدار زیاد شده، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: اگر آن را به جهت بالارفتن قیمت خریده باشد، به افزایش قیمت، خمس تعلق می‌گیرد.

س ۳۵۹: شوهرم ۵ میلیون تومان به من هبه کرده و اینجانب آن مبلغ را صرف ثبت نام برای خرید ماشین نمودم، الان ماشین را ۷ میلیون تومان می‌خواهم بفروشم وضعیت خمس این ماشین چگونه است؟ فقط برای فروختن و سود کردن این کار را کرده‌ام و اگر یقین حاصل شود که ۵ میلیون هبه شده از طرف شوهرم خمسش داده نشده باشد، چه مبلغی خمس بدهکارم؟

ج: بعد از فروش ماشین باید خمس مازاد بر پنج میلیون تومان را در سر سال پرداخت نمائید و همچنین اگر یقین دارید که پول هبه شده متعلق خمس بوده و خمسش داده نشده، باید خمس آن را نیز پردازید.

س ۳۶۰: اگر شخص ارثیه‌ای را که به وی رسیده (مانند: زمین و...) به چند برابر قیمت یوم الارث بفروشد، آیا به مازاد قیمت؛ خمس تعلق می‌گیرد؟ و آیا بین اینکه آن را برای اضافه شدن قیمت یا غیر آن نگهداشته باشد، تفاوتی وجود دارد؟

ج: اگر بجهت اضافه شدن قیمت آن را نگهدارد به مازاد آن خمس تعلق می‌گیرد وگرنه خمس آن واجب نیست.

س ۳۶۱: کسی که از پول خمس نداده اراضی را برای زراعت خود خریداری کرده، در هنگام خرید، قیمت آن کم بوده ولی الان قیمتش چندین برابر از قیمت خرید اضافه شده است و الان می‌خواهد خمس آن را بدهد آیا قیمت خرید حساب کند یا قیمت فعلی؟

ج: باید قیمت فعلی را حساب کند.

س ۳۶۲: مدت ۸ سال قبل کفنی برای خودم از مشهد مقدس خریده ام اگر بخواهم امروز خمس آنرا بدهم آیا باید قیمت روز خرید را در نظر بگیرم یا قیمت بازار فعلی را، همچنین اگر یکبار خمس آنرا دادم دیگر دادن خمس آن لازم نیست؟

ج: در پرداخت خمس کفن خریداری شده میزان قیمت آن روزی است که می‌خواهید خمس بپردازید و اگر یکبار خمس آن داده شده هر چند سال هم که بماند خمس ندارد.

س ۳۶۳: پول قبری که چند سال قبل خریداری شده خمس دارد یا خیر؟
ج: در صورتی که از پول خمس نداده باشد باید خمس آن را به قیمت فعلی بدهد.

درآمدها

س ۳۶۴: مدت بیست سال است که شوهر اینجانب فوت کرده و بنده با خیاطی سه فرزند بزرگ نموده‌ام و زینت آلات خودم را که از خانه پدرم آورده‌ام و مقدار کمی هم مرحوم شوهرم خریده بود، فروختم و مبلغ دویست هزار تومان پول نقد دارم که این دویست هزار تومان پس انداز کار کرد خودم می‌باشد، امسال به یاری خداوند متعال می‌خواهم به مکه بروم، مرحوم پدرم می‌دانم که حق الله را پرداخت می‌نمود و لی نمی‌دانم که شوهرم پرداخت کرده یا نه، بنده از بابت خمس و یا سهم امام باید چه مبلغی پرداخت کنم و یا اینکه معاف می‌باشم؟

ج: به مبلغ دویست هزار تومان در صورتی که سال بر آن گذشته باشد خمس تعلق می‌گیرد که لازم است چهل هزار تومان آن بابت سهم امام و سهم سادات پرداخت نمائید و به مالی که از پدر و شوهر به شما رسیده چون نمی‌دانید که متعلق خمس بوده یا نه چیزی تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۶۵: آیا به پولی که به عنوان باز خرید و بازنشستگی به افراد داده می شود خمس تعلق می گیرد؟

ج: در صورتی که از مخارج سال زیاد بیاید خمس به آن تعلق می گیرد چون در حقیقت حکم فائده آن سال را دارد.

س ۳۶۶: شخصی برای انجام کاری اجیر شده است و طبق قرارداد، پس از چند سال که کار تمام شود، اجرتش را دریافت می کند؛ آیا اجرت همه سالهای قرارداد، متعلق خمس است یا فقط خمس اجرت سال آخر به عهده اوست؟
ج: وقت رسیدن سال خمسی، خمس همه آنها را باید بپردازد.

س ۳۶۷: مبلغی در بانک بعنوان پس انداز پول داشتم پدرم که سال خمسی داشت؛ سر سال خمس آن پول را دادم و بعد از مدتی پول را گرفته خرج نمودیم و سال بعد در همان وقت به همان مقدار پول در بانک داشتم آیا خمس بر آن تعلق می گیرد؟

ج: با فرض اینکه مبلغ دوم از درآمد سال است باید خمس آن را داد.

س ۳۶۸: کسانی که در یک اداره دولتی کار می کنند مثل اینکه در آموزش و پرورش معلم هستند یا در اداره دیگری کارمند هستند و دولت از حقوق ماهیانه شان حدود ده درصد کم کرده و پس انداز می کند و بعد از اتمام خدمتشان (مثلاً ۳۰ یا ۴۰ سال بعد) همه پس انداز شده را به آنها یکجا می دهد آیا بر آنها خمس تعلق می گیرد؟

ج: در صورتی که پیش از پایان سال آنها را برای نیازمندیهای زندگی صرف کند خمس ندارد.

س ۳۶۹: دانشجویی که حقوق می گیرد یعنی مقداری که از طرف دانشگاه به عنوان حقوق دریافت می کند یا از طرف مرکز تربیت معلم و... اگر مقداری از پول خود را به عنوان پس انداز و برای آینده خویش، در بانک بگذارد آیا بر پولش خمس تعلق می گیرد؟

ج: اگر بعنوان حقوق گرفته و از مخارج سال اضافه آمده است، خمس دارد.

خمس کسی که در بین سال می‌میرد

س ۳۷۰: کسی که در بین سال از دنیا می‌رود خمس مال او را چگونه حساب کنند؟ و آیا بین کسی که حساب سال دارد و کسی که حساب سال ندارد، فرقی وجود دارد؟ و در این فرض اگر حقوق بگیری باشد که تنها با حقوقش می‌تواند نیازهای زندگی را تأمین کند، چنانچه در آخر ماه از دنیا برود، آیا به حقوق وی خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: در صورتی که اموالی داشته باشد که متعلق خمس باشد به مجرد از دنیا رفتن باید خمس آن را بدهند و فرقی نیست سال داشته باشد یا نداشته باشد و به حقوق فردی که از دنیا رفته خمس تعلق می‌گیرد.

طلب کاریها

س ۳۷۱: در منطقه ما شغل اکثر مردم منبت کاری است و کارهای خود را معمولاً به چکهای مدت دار می‌فروشند. آیا به این چکهای مدت دار خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ آیا می‌شود آنها را جزء درآمد سال بعد حساب کرد یا خیر؟

ج: این نوع چکها که حاکی از طلب شخص است مانند سایر طلب هاست در صورتی که اطمینان به وصول باشد خمس به آن تعلق می‌گیرد و اگر اطمینان به وصول نیست در موقع وصول، خمس آنرا می‌پردازد.

س ۳۷۲: مبلغی به کسی قرض داده‌ام که هنوز پول به دستم نرسیده و سال خمسی نداشته‌ام آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر از تاریخی که آن پول را بدست آورده‌اید تا کنون یک سال گذشته است و اطمینان به وصول آن دارید باید خمس آن را بپردازید و اگر اطمینان به وصول آن ندارید موقعی که وصول گردید خمس آن را بپردازید.

سرمایه و ابزار کسب

س ۳۷۳: آیا سرمایه مورد نیاز مانند مغازه و اجناس داخل آن که از درآمد سال تهیه شده، خمس دارد؟

ج: در صورتی که امرار معاش وی فقط از راه این سرمایه تأمین می‌شود و با دادن خمس آنها نتواند با باقیمانده آن نیازهای خود را از طریق کسب مناسب به حالش تأمین کند خمس ندارد.

س ۳۷۴: اگر انسان ناچار باشد درآمد چند سال را برای تهیه سرمایه و ابزار کار پس انداز کند، آیا خمس آن واجب است؟ و نیز اگر ناچار باشد برای خرید خانه یا وسیله نقلیه مورد نیاز، چند سال پولش را پس انداز کند، آیا خمس آن لازم است؟
ج: در فرض مذکور، اگر امرار معاش و تهیه خانه و وسیله نقلیه او متوقف بر آن باشد خمس ندارد.

س ۳۷۵: کسبیکه برای کشاورزی احتیاج به ماشین آلات جدید دارد مثل تراکتور و امثال آن و ماشینهای که وسیله آبیاری و زراعت است آیا به این وسایل خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر با دادن خمس آنها زندگی او مختل می‌شود در این صورت آن ماشین و امثال آن جزء مؤونه است و خمس ندارد وگرنه لازم است خمس آنها را بدهد.

خمس شهریه

س ۳۷۶: در مورد شهریه طلبه‌هایی که آنها آنرا در بانک به مدت یکسال نگهداری می‌کنند آیا خمس واجب است؟
ج: خمس ندارد.

س ۳۷۷: کتابهایی که پولش با پول شهریه و غیر شهریه مخلوط شده یعنی

تعدادی از کتابها با پول شهریه گرفته شده و تعدادی با پول غیر شهریه؛ آیا این کتابها خمس دارد؟

ج: در فرض سؤال، خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد مگر آنکه کتابها مورد نیازش نباشد و از پول غیر شهریه که متعلق خمس بوده تهیه شده باشد که در این صورت باید خمس آنها را بدهد.

س ۳۷۸: شهریه گرفتن طلابی که در نهادها کار می‌کنند اما کارهای ارشادی و تبلیغی عادی را دارند ولی درس حوزه نمی‌روند جایز است یا خیر؟
ج: در صورتی که افرادی مستحق و شایسته باشند اشکال ندارد.

س ۳۷۹: اگر طلبه‌ای در درس جدی باشد ولی از نظر مالی نیازمند نباشد، آیا می‌تواند شهریه بگیرد؟
ج: بلی می‌تواند.

خمس جهیزیه

س ۳۸۰: شخصی برای تهیه خانه، جهیزیه و مانند آن مجبور است درآمد چند سال خود را پس انداز کند؛ آیا با گذشت چند سال از این پس انداز، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟
ج: خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد.

س ۳۸۱: اگر جهیزیه دختر را نتواند یکجا بخرد و مجبور باشد که بتدریج در طی چند سال تهیه کند در صورتی که سال خمسی مشخصی نداشته باشد؟ و یا سال خمسی را فراموش کرده خمس تعلق می‌گیرد؟
ج: در صورتیکه تهیه جهیزیه مطابق شأن خانوادگی آنها باشد خمس ندارد.

خمس افراد صغیر

س ۳۸۲: عده‌ای از جوانان و یا نوجوانان هستند که بعضی از آنها نیز به سن تکلیف شرعی هم نرسیده اند؛ کارگری می‌کنند و پولهای کارگری را بدست پدران و بزرگان خودشان می‌دهند و آنان را مالک پولهایشان می‌دانند و پدران هم برای ایشان خوراک و لباس و خوابگاه تهیه می‌نمایند و گاه بدلیل اینکه باید در آینده ازدواج نمایند و... این پولها را جمع می‌کنند حال وقتی سال پدر رسید، خمس آن پولها به عهده پدران و بزرگانشان است یا به عهده خودشان؟

ج: ولی آنان، باید خمس مال بچه را بدهد و اگر ندهد تصرف در آن مال برای او جائز نیست و بر خود صغیر واجب است که پس از بلوغ خمس خود را بدهد.

مصرف خمس

س ۳۸۳: آیا پرداختن خمس به سیدی که واجب النّفقه خمس دهنده است جایز است؟ و با این فرض که آن مبلغ را صرف مخارجی کند که نفقه واجب او حساب نمیشود (مثل سفرهای زیارتی)، چه حکمی دارد؟

ج: اگر به آن نیاز داشته باشد، و صرف مخارجی که نفقه واجب نیست، نماید اشکال ندارد ولی بنا بر احتیاط واجب دادن سهم سادات محترم نیز باید با اجازه مرجع تقلید باشد.

س ۳۸۴: آیا خمس را می‌توان در مراسم عزاداری بکار برد یا خیر؟
ج: جایز نیست.

س ۳۸۵: با اجازه مجتهد عادل جامع الشرائط اشخاصی که خمس به ذمه دارند می‌توانند کتاب دینی و نوار مذهبی خریداری نمایند؟
ج: با اجازه مجتهد جامع الشرائط اشکال ندارد.

س ۳۸۶: شخصی از کار افتاده و قادر نیست مخارج عیال و اولاد را تأمین کند و در ضمن همسرش سیّده می‌باشد، آیا می‌تواند از خمس استفاده نماید یا خیر؟
 ج: در صورتی که شوهر او از تأمین مخارج او عاجز باشد می‌تواند از سهم سادات استفاده نماید.

س ۳۸۷: اگر «مادر کسی سید است و پدرش غیر سید است»؛

۱: این شخص سیّد محسوب می‌شود؟

ج: به نظر فقهای مشهور، چنین فردی سید محسوب نمیشود.

۲: آیا این شخص حقّ عمّامه سیاه پوشیدن دارد؟

ج: خیر.

۳: آیا در نظر حضرتعالی در عرف عمّامه سیاه، علامت سادات بودن است یا خیر؟

ج: بلی.

۴: آیا این شخص حق استفاده از سهم سادات را دارد؟

ج: خیر.

احکام انفال

- س ۳۸۸: حکم ادای خمس در خصوص معادن دولتی را بفرمائید؟
- ج: جزء انفال است که باید در زمان کنونی با اجازه فقیه جامع الشرائط و حاکم اسلامی استخراج و طبق نظر وی عمل شود.
- س ۳۸۹: آیا چاههای نفت، حکم معدن را دارند؟
- ج: بلی.

احکام حج

س ۳۹۰: اینجانب خانمی ۲۵ ساله هستم که شوهرم ۱/۶۰۰/۰۰۰ تومان بابت مشرف شدن به حج برایم حج خریده، این حج من چه حجی است؟
ج: این حج بذلی است و کفایت از حج واجب می کند.

س ۳۹۱: اگر مدیر کاروان با توجه به این که می داند توقف زائران در مدینه یا مکه کمتر از ده روز است به آنها اعلام می کند که ده روز می مانیم و آنان به اعتماد گفته او نمازشان را تمام می خوانند و روزه می گیرند ولی قبل از ده روز از آنجا می روند، حکم شرعی نسبت به مدیر که این مطلب را اعلام می کند و نماز و روزه زائران چیست؟

ج: در صورتی که از گفته مدیر کاروان اطمینان پیدا کردند و بر آن اساس قصد ده روز کرده و نمازشان تمام خواندند و روزه گرفتند نماز و روزه آنها صحیح است و لازم است از گفتن خلاف واقع اجتناب شود.

س ۳۹۲: شخصی برای رفتن به حج تمتع ثبت نام نموده پس از دو سال موقع رفتن به حج با مشکلات زندگی مواجه شده و نمی تواند ادای دین واجب خود را بنماید با رضایت خودش آمادگی پیدا کرده سهمیه رفتن به حج تمتع خود را به دیگران بدهد و سهمیه حج تمتع دیگری که پس از دو سال دیگر می باشد با رضایت طرفین جابجا نمایند آیا اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج: در فرض مذکور که رفتن به حج برای شما فعلاً مشقت دارد جابجا نمودن آن اشکال ندارد.

احرام

س ۳۹۳: شخص محرمی که وارد مکه شده می تواند در روز برای انجام اعمال با ماشین مسقف به حرم برود؟

ج: می تواند.

س ۳۹۴: در رساله مناسک حج فرموده اید مستحب است که تلبیه عمره تمتع تا پیدا شدن خانه های مکه معظمه و تلبیه حج تمتع تا ظهر روز عرفه ادامه داشته باشد آیا ادامه تلبیه عمره مفرده هم استحباب دارد یا خیر و در صورت استحباب تا کجا ادامه داشته باشد؟

ج: در عمره مفرده ادامه تلبیه تا دخول حرم ثابت است.

س ۳۹۵: شخصی در مشعر الحرام رتیلی را کشته آیا کفاره به عهده اش می آید در صورتیکه کفاره واجب باشد مقدار کفاره چه اندازه است؟
ج: از محرّمات احرام نیست و کفاره هم ندارد.

طواف

س ۳۹۶: آیا ریاء در ادعیه طواف موجب بطلان طواف می شود؟

ج: موجب بطلان نمی باشد.

س ۳۹۷: شخصی در طواف عمره مفرده بعد از چند دور به وسوسه افتاده که آیا شروع طواف وی دقیقاً از محاذی حجر الاسود بوده و همچنین دورها صحیح انجام گرفته یا خیر؟ هفت دور را با همین کیفیت تمام کرده اما غفلت نموده و نماز آنرا نخوانده، لذا مجدداً یک طواف کامل انجام داده و نماز آنرا بلافاصله در پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بجا می آورد و روز بعد دو رکعت نیز بقصد نماز طواف اول در همان مقام می خواند، آیا این قران بین طوافین بحساب می آید و موجب بطلان طواف می گردد؟ البته این شخص قصد انجام دو طواف پشت سرهم نداشته بلکه عملش صرف احتیاط بوده است.

ج: در فرض سؤال طواف صحیح می باشد.

رمی جمره

س ۳۹۸: رمی جمره عقبه از چهار طرف حتی آن طرف که سیمانی است جایز است یا خیر؟

ج: رمی جمره عقبه در قسمتی که دیوار سیمانی و پشت جمره است کافی نیست.

قربانی

س ۳۹۹: چند سالی است دولت عربستان با همکاری بانک توسعه اسلامی مسلخهای جدیدی در خارج مِنی احداث نموده که در نتیجه ذبایح حجاج در آنجا انجام و با روشهای جدید منجمد می شود و گوشت آنها جهت استفاده مسلمانان فقیر به کشورهای محروم اسلامی ارسال می گردد. لیکن شیعیان به جهت محدود بودن این مسلخها و فراهم نبودن شرائط و لزوم مراعات ترتیب بین اعمال روز عید به ناچار در همان مسلخهای قدیمی که آنها نیز خارج مِنی می باشند ذبح می کنند؛ در نتیجه گوشت بسیاری از این قربانی ها تلف می شود (سوزانده و از بین می رود). علاوه بر این، عرضه حیوانهای دارای شرایط در مسلخهای قدیم بسیار کمتر از مسلخهای جدید است و نیز به دلیل ازدحام زیاد آنجا در عصر روز عید بسیاری از شیعیان عملاً ذبح را تا روز یازدهم تأخیر می اندازند. حال با این توصیف چنانچه زائران ملزم به رعایت ترتیب در اعمال مِنی نباشند، بدین معنی که بتوانند قبل از رمی، قربانی و سپس حلق و تقصیر کنند و از احرام خارج شوند و یا سازمان حج و زیارت به نیابت آنان از صبح روز دهم ذبح را انجام دهد، با توافق به عمل آمده با کشور عربستان می توان گوشتهای قربانی را به ایران حمل و میان فقرا توزیع نمود، مستدعیست نظر مبارک را در این خصوص مرقوم فرمایید.

ج: با توصیفی که در فوق مرقوم شده است جائز است که قربانی را بر رمی

جمره مقدّم بدارند و پس از آن رمی و حلق یا تقصیر را به انجام برسانند و بعد از آن از احرام خارج شوند.

عمره

س ۴۰۰: بین دو عمره چقدر باید فاصله باشد؟ و اگر بقصد رجاء انجام دهد اشکال دارد؟

ج: فاصله میان دو عمره معتبر نیست و هر روز می‌تواند یک عمره بجا آورد.

س ۴۰۱: فردی قبل از غروب آفتاب شب اول ماه به احرام عمره مفرده محرم شده و طبعاً اعمال مکه را در ساعات اولیه ماه جدید انجام داده است، آیا این عمره به حساب کدام ماه لحاظ می‌شود؟ در همین فرض اگر بعد از غروب آفتاب محرم شد، چگونه محاسبه می‌شود؟

ج: در این فرض عمره به حساب آن ماهی می‌باشد که در آن احرام بسته است

س ۴۰۲: اگر زوج، زوجه عقد بسته خود را از رفتن به عمره منع کند، با توجه به اینکه هنوز زوجه در خانه پدرش هست و نفقه خور همسرش عرفاً به حساب نمی‌آید؛ عازم سفر گردیده آیا سفر زوجه سفر معصیت است یا نه؟ و آیا احرام او صحیح می‌باشد؟

ج: در فرض مذکور سفر زوجه سفر معصیت می‌باشد و احرام وی صحیح نیست.

حجّ و عمره نیابتی

س ۴۰۳: آیا در نیابت از چند نفر در یک عمره، یک نماز کفایت می‌کند؟ و یا می‌بایست به تعداد منوب عنهم نماز طواف بجای آورد؟

ج: یک نماز کفایت می‌کند.

س ۴۰۴: شخصی که برای حج بیت الله الحرام ثبت نام کرده بود قبل از آنکه نوبتش برسد از دنیا رفت و بعد از آن یکی از فرزندان او این عمل را نیابتاً انجام داد و مخارج بعدی حج را خودش داد و شخص فوت شده در زمان حیات خود اموال و زمینهای کشاورزی را بین فرزندان خود تقسیم کرده و سهم هر کدام را جداگانه داده و مقداری نیز برای خود نگه داشته بود آیا این فرزندی که عمل حج را نیابتاً انجام داده است می‌تواند در مقابل مخارج حج پدرش کلیه زمینها را یا ثلث آنها را بفروشد و حق خود را بردارد یا خیر؟

ج: فرزندی که عمل حج را انجام داده نمی‌تواند از اموال آن مرحوم چیزی بردارد مگر اینکه سایر ورثه اجازه دهند.

س ۴۰۵: آیا نائب می‌تواند نماز طواف منوب عنه را بعد از رفتن وی به مسعی و انجام سعی توسط منوب عنه، به جا آورد؟

ج: خیر باید ترتیب رعایت شود.

حج بانوان

س ۴۰۶: بنده زنی هستم که دو سال قبل مشرف به حج شدم و بخاطر ناتوانی و مریضی و خوف از ازدحام و ترس از حیض، اعمال بعد از منی را قبل از وقوفین بجا آوردم؛ لکن در اثر جهل به مسئله که می‌بایست با احرام انجام می‌دادم بدون احرام اینها را انجام دادم و بعد محرم به احرام حج شدم و به عرفات و مشعر رفتم و اعمال منی را انجام دادم، الان متوجه اشتباه کار خود شده‌ام، لطفاً تکلیف حج بنده را روشن فرمائید با توجه به اینکه از تشریف مجدد عاجزم یعنی استطاعت مالی ندارم، آیا باید نائب بگیرم تا برایم انجام دهد و در صورت لزوم نائب باید در ماه ذیحجه نیابتاً بجا آورد یا در غیر آن هم می‌تواند؟

ج: در فرض سؤال حج صحیح است و نسبت به اعمال مکه و طواف و نماز طواف و سعی و طواف نساء و نماز طواف نساء اگر خودش نمی‌تواند برگردد باید نایب بگیرد تا اعمال مکه را برایش انجام دهد و لازم نیست در موسم حج باشد و تا زمانیکه اعمال مکه برایش انجام نشده باید از استعمال عطریات و استمتاعات و زناشوئی خودداری نماید.

س ۴۰۷: زنی که خوف حیض داشته اعمال حج تمتع را قبل از عرفات انجام داده و از مینئ برگشته حیض نشده است، آیا واجب است اعمال را دوباره انجام دهد؟
ج: واجب نیست.

س ۴۰۸: اگر زن تلبیه را به جهر بگوید و اجنبی بشنود چه صورت دارد؟
ج: در صورتی که موجب تهییج نباشد اشکال ندارد.

افطار در حج

س ۴۰۹: اگر هنگام غروب در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله حضور یابند به لحاظ این که اهل سنت بلافاصله پس از اذان افطار می‌کنند، آیا زائران ایرانی می‌توانند همراه آنان افطار کنند یا نه؟ و آیا افطار کردن بر اساس تقیّه این مورد را نیز شامل می‌شود یا نه؟

ج: پیش از مغرب شرعی نمی‌توانند افطار نمایند چون آیه شریفه و اتموا الصیام انتهای روزه را شب معرفی می‌کند و بنظر حقییر تقیّه مداراتی در افطار روزه راه ندارد.

احکام معاملات

س ۴۱۰: خواهشمند است در صورت امکان قاعده کلی بیان فرمائید که در چه موارد شرط جزائی صحیح است و در چه مواردی صحیح نیست؟

ج: در صورتی شرط صحیح است که مخالف کتاب و سنت و مقتضای عقد نباشد و همچنین انجام آن ممکن باشد و در ضمن عقد ذکر شده باشد.

س ۴۱۱: فروختن آب قنات توسط شورای اسلامی در صورتی که مالکین مخصوصی دارد چگونه است؟

ج: در صورتی که مالکان آب راضی نباشند اشکال دارد.

س ۴۱۲: شخصی که با من شریک در ساختمان سازی بوده که پس از تسویه حساب طلب من مبلغ شش میلیون و صد هزار تومان شده که شریکم بابت بدهی دستگاه آپارتمان داده فردای آن روز اعلام نموده دیگر شرکای من راضی نیستند مجدداً ساختمان را به من بفروشید ساختمان با رضایت دو طرف فروخته شد به مبلغ هفت میلیون تومان به مدت آیا مبلغ نهصد هزار تومان اضافه شده با رضایت دو طرف چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که کسان دیگری در ساختمان شریک بوده اند و فروشنده بدون رضایت آنها فروخته است معامله اول باطل بوده است و مبلغ اضافه مربوط به تمام شرکاء می باشد.

س ۴۱۳: عده از مهاجرین افغانی فرد یا افرادی را بعنوان نماینده تعیین نموده همراه با مقداری پول برای خرید زمین در استان هرات افغانستان و یا نوارهای مرزی آنجا می فرستند، نمایندگان بعد از بازگشت ادعا می نمایند زمینی را به طور مشاع برای موکلین خود خریده اند حال یا به رؤیت یا بالوصف ولی مهاجرین به هر صورت که بود نتوانستند زمین مذکور را تصرف کنند، آیا این افراد از نمایندگان

مذکور می‌توانند مطالبه زمین یا پولشان را بنمایند؟

ج: اگر آنها از طرف صاحبان پول جهت خرید زمین وکالت داشته‌اند و زمین را هم خریداری کرده‌اند اکنون حق مطالبه پول یا زمین دیگری را ندارند.

س ۴۱۴: اینجانب در سال ۱۳۶۷ مبلغ نهصد و پنجاه هزار تومان پول به پدر عیال خود پرداختم تا نیابتاً سرقفلی یک باب مغازه را برای بنده خریداری نمایند. لیکن ایشان رسید سرقفلی را از صاحب ملک نگرفته. لذا صاحب ملک پس از گذشت ۷ سال اقدام به تخلیه مغازه نمود و قرار گذاشتند مغازه را به پدر عیال بنده واگذار نمایند و مغازه مذکور در اختیار پدر عیال بنده قرار گرفت و ایشان در قبال این واگذاری چکی به مبلغ شش میلیون تومان به بنده پرداختند. ولی متأسفانه دو ماه قبل از موعد، چک مفقود گردید. آیا در این خصوص پدر عیال بنده ضامن پرداخت وجه هستند یا نه؟

ج: در صورتی که چک مربوط به پدر عیال شما بوده، وی ضامن است که مبلغ مذکور در چک را به شما بدهد مگر اینکه چک مفقود شده به دست فرد دیگری برسد و آن شخص مبلغ چک را از بانک دریافت کند که در این صورت خود شما مسؤول هستید همچنین اگر چک مربوط به فرد دیگری باشد و کسی که آن را پیدا کرده مبلغ چک را از بانک بگیرد، مسئولیت متوجه خود شما می‌باشد.

س ۴۱۵: آیا معامله با فرقه بهائیت صحیح است؟

ج: اگر موجب تقویت آنان شود اشکال دارد.

س ۴۱۶: اهل محلّه ای مبالغی را جهت خرید فرش مسجد جمع آوری نموده بودند. برای اینکه هم از نظر قیمت و کیفیت جنس مناسب باشد، فرد یا افرادی را جهت خرید فرش‌های مورد نظر به شهرستان کاشان مأمور می‌نمایند. فروشنده چون متوجه شده است، خرید برای مسجد است و کلی نیز بوده تخفیف ویژه و مناسب را می‌دهد؛ سؤال اینجاست: آیا فرد یا افرادی که مأمور شده‌اند می‌توانند از

این موقعیت (تخفیف دادن قیمت به خاطر مسجد) استفاده نموده و چند تخته فرش با همان قیمت مسجد برای شخص خود خریداری نمایند؟
 ج: اگر کاری کرده اند لازم است با فروشنده تماس بگیرند و حقیقت امر را به وی بگویند و رضایتش را جلب کنند.

س ۴۱۷: در بخش عقود، فروش یک ملک به صورت زمانی به چند نفر چه حکمی دارد؟ مثلاً ملکی به ۴ نفر فروخته شده، این ملک در هر فصل سال در اختیار مالک همان فصل است که خودش استفاده کند یا اجاره دهد و یا...
 ج: جایز نیست و در این قبیل موارد که اشخاص متعدّد از ملک دیگری فائده می‌برند اگر بدون پول و رایگان باشد عاریه است و اگر در برابر پرداخت پول باشد، اجاره و یا مصالحه است.

س ۴۱۸: مشتبه شدن هر یک از امور زیر چه تأثیری در معامله دارد؟
 الف: موضوع معامله.

ج: چون سبب جهل به مبیع می‌شود، معامله باطل است.

ب: زمان و مکان اجرای معامله.

ج: اگر زمان و مکان تأثیری نسبت به شناخت عوضین و اوصاف آنها نداشته باشد، و همچنین در رغبت و میل طرفین نیز مؤثر نباشد، معامله صحیح است.

د: مقدار و قیمت موضوع معامله.

ج: اشتباه در مقدار و قیمت موضوع معامله، موجب بطلان آن است.

ه: مطالبه خسارت چه حکمی دارد؟ و خسارت را چه کسی باید متحمل شود؟

ج: موارد اشتباه، مختلف است که هر کدام حکم خاص خود را دارد، در صورتی که از قبیل خیار رؤیت باشد و آن را بر خلاف آنچه مشاهده نموده، دریافت کند و خسارتی پیش آید؛ خسارت بعهده فروشنده جنس می‌باشد.

و: اگر اشتباه از ناحیه وکیل یکی از طرفین صورت گرفته باشد، خسارت بر عهده کیست؟

ج: در صورتی که وکیل کوتاهی نکرده باشد، خسارت متوجه او نمی‌شود.

ز: آیا عدم النفع نیز خسارت است؟

ج: عدم النفع، خسارت نیست.

س ۴۱۹: آیا مشتری می‌تواند از قبول ثمن معامله‌ای که انجام شده خودداری و بائع را ملزم به تحویل مورد دیگری با همان کمیّت و کیفیت بنماید؟

ج: نمی‌تواند.

س ۴۲۰: احتراماً به استحضار می‌رساند در برخی حسینیه‌ها و تکایا در ایّام محرّم الحرام سهمیه نذورات برنج که از محل ارز شناور تأمین و با یارانه‌ای خاص در اختیار قرار می‌گیرد بصورت آزاد و به نیت تبدیل به احسن بفروش می‌رسد نظر به اینکه فروش اقلام سهمیه‌ای در بازار آزاد بنحوی مربوط به تخلفات عرضه خارج از شبکه بوده و مشمول قوانین تعزیرات حکومتی می‌گردد و همچنین وجود این نوع از کالا از بازار آزاد موجب آشفته‌گی بازار می‌شود متمنی است نظر حضرتعالی در خصوص این عملکرد در برخی از حسینیه‌ها اعلام گردد. لازم به توضیح است این قلم از کالاهای اساسی به قیمت حدود ۱۱۰۰ ریال به حسینیه‌ها عرضه شده که در بازار آزاد در هر کیلو گرم بیش از ۴۰۰۰ ریال فروخته می‌شود.

ج: در صورتی که برنج مذکور در فوق بعنوان صرف در حسینیه داده شده

است فروش آن جائز نیست.

س ۴۲۱: فردی زمینی را از شخصی دیگر خریداری و بعداً صاحب اصلی زمین فوت نموده و خریدار پول آن زمین را به وراثت مسترد نکرده است و حال قصد دارد بدون اذن و اجازه وراثت در زمین مذکور مسجد بسازد لذا نظر به اهمیّت و ارزش والای مسجد و نماز در جامعه اسلامی مستدعی است نظر مبارک را در این زمینه مرقوم فرمائید؟

ج: در صورتی که معامله با شرائط محقق شده باشد خریدار مالک زمین

است و هر گونه تصرفی می‌تواند در آن انجام دهد ولی قیمت زمین را به

ورثه متوفی بدهکار است و بهتر است که اول بدهی را پرداخت کند بعد مسجد بسازد.

س ۴۲۲: مردی سند مالکیت خودرو خود را بصورت صوری و بدون قصد تملیک به همسرش منتقل نموده، در حالیکه زن نیز از عدم قصد تملک مطلع بوده است، اکنون آیا زن می‌تواند ادعا یا تصرفی در خصوص این خودرو داشته باشد؟
ج: در فرض سؤال نمی‌تواند در آن تصرف نماید یا مدعی حقی باشد.

س ۴۲۳: آیا دادن مبلغی پول قبل از معامله به فروشنده به منظور نگهداری مال برای خرید تا زمان انجام معامله صحیح است؟ این کار برای هر یک از خریدار و فروشنده چه الزامی می‌آورد؟
ج: دادن بیعانه بدون انجام معامله، الزامی نمی‌آورد.

س ۴۲۴: خرید و نگهداری گندم چه حکمی دارد؟
ج: در صورتی که موجب احتکار نشود اشکال ندارد.

خرید و فروش چک

س ۴۲۵: آیا خرید و فروش چکی که راجع به بدهی واقعی است جایز است یا خیر؟

ج: خرید و فروش چکی که برای خرید اجناس و کالا داده شده و معامله جدی صورت گرفته مانعی ندارد.

س ۴۲۶: اگر شخصی چکی را که مبلغ آن معین است به طلبکار و یا شخصی ثالث به کمتر یا بیشتر بفروشد ربا است یا خیر؟

ج: اگر چک در مقابل خرید کالا و معامله جدی صورت گرفته باشد فروش چک به مبلغ بیشتر یا کمتر مانعی ندارد.

س ۴۲۷: آیا چکهای مدت دار را می‌شود نقداً به قیمت کمتر از چک خرید و فروش کرد؟ مثلاً چک یکصد هزار تومانی که زمان وصولش یک ماه دیگر است را

نقداً به ۹۰ هزار تومان فروخت؟

ج: اگر قبلاً جنسی فروخته شده و این چک پولی است که در ذمه مشتری است، این نوع چک را می‌شود به قیمت کمتر فروخت ولی اگر چک صوری است جایز نیست، آنرا به کمتر بفروشند.

س ۴۲۸: شخصی جنس خود را بصورت نسیه معامله می‌کند و در قبال آن چک مدت دار دریافت می‌نماید ولیکن قبل از تحویل جنس به هر دلیل معامله به هم می‌خورد و معامله دوّمی صورت می‌پذیرد به این نحو که همان چک مدت دار به کمتر از مبلغ قید شده در آن ولی بصورت نقد به همان شخص مذکور فروخته می‌شود. آیا این نوع معامله معامله ربوی بوده و اشکال دارد؟

ج: در مفروض سؤال که معامله به هم خورده معامله چک باطل است بلی اگر کسی در ذمه شخصی طلبی دارد و به او متاعی فروخته و از او چک گرفته که این چک حاکی از ما فی الذمه است می‌تواند چک را کمتر یا بیشتر بفروشد بشرط اینکه تبانی قبلی نداشته باشند.

س ۴۲۹: نقد کردن چک مدت دار با کسر مبلغ که در بازار به عنوان خرد کردن چک معروف است چه حکمی دارد؟

ج: اگر چک صوری نباشد و در برابر طلب واقعی باشد می‌تواند آن را به کمتر از مبلغ بفروش برساند.

خرید و فروش حق امتیاز

س ۴۳۰: در مورد دو نفر که پدر و فرزند می‌باشند و در سرقفلی مغازه‌ای شریک اند و فرزند سهم سه دانگ خود را فروخته، آیا پدر حق شفعه دارد؟
ج: خیر ندارد.

س ۴۳۱: کسی که مبلغی را بمدّت معینی در بانک گذاشته و امتیاز وامی را بدست آورده، آیا فروختن آن امتیاز به دیگری جایز است؟

ج: خرید و فروش حق امتیازهای مشروع جایز است.

س ۴۳۲: آیا حقوق معنوی و به طور خاص حق تألیف (کپی رایت) مشروعیت دارد؟

ج: بلی حق التألیف، مشروعیت دارد.

خرید به ذمه

س ۴۳۳: اگر خرید منزل مسکونی مطابق شأن از وجهی باشد که به انحاء مختلف (کلاهبرداری، قرض و...) از مردم گرفته شده یا آن وجوه بصورت ودیعه نزد او باشد آیا:

الف: اگر خرید خانه به قصد فرار از دین یا به قصد عدم ردّ وجوه متعلق به دیگران باشد آیا اصل معامله چه حکمی دارد؟

ب: آیا بین صورتی که از ابتداء به قصد خرید واحد مسکونی اقدام به اخذ وجوه تحت عناوین مختلف نموده با صورتی که پس از اخذ وجوه بقصد فرار از دین اقدام کرده فرقی هست؟

ج: اگر خانه را بصورت کلی در ذمه خریداری کرده (که معمولاً معاملات به این صورت انجام می‌شود) و سپس قیمت آن را از اموال دیگران پرداخت نموده معامله صحیح است و خانه متعلق به خریدار است و تمام آثار ملکیت بر آن مترتب است ولی خریدار نسبت به اموال دیگران ضامن و بدهکار است که باید پول آنان را مسترد نماید.

خرید و فروش مسکرات

س ۴۳۴: فروختن مسکرات، گوشت خوک و دیگر خوراکیهای حرام از سوی مسلمان به کفار چه حکمی دارد؟

ج: جائز نیست.

س ۴۳۵: خرید، فروش و استعمال و حمل و نقل تمامی مسکرات چه حکمی دارد؟ آیا استعمال مسکرات در مواردی چون بیماری و برای درمان، تغییری در حکم ایجاد می‌نماید یا خیر؟

ج: خرید و فروش و نوشیدن تمام مسکرات و حمل و نقل آنها حرام است و اگر برای معالجه باشد و راه دیگری برای درمان وجود نداشته باشد در حد ضرورت مانعی ندارد؛ ولی خداوند در مسکرات شفا قرار نداده است.

معاملات نسیه

س ۴۳۶: فروش اقساطی اجناس به قیمتی بالاتر از قیمت نقد چه حکمی دارد؟ آیا روالی که هم اکنون در فروش اقساطی اجناس معمول است که مثلاً از یک جنس ۱۵۰/۰۰۰ تومانی، ۵۰/۰۰۰ تومان آن را نقد و باقیمانده را در شش ماه پرداخت می‌نمایند و مانده را در درصد معینی ضرب، مثلاً ۱۰۰/۰۰۰ تومان را در شش ماه ۱۲۰/۰۰۰ تومان محاسبه می‌کنند شرعاً درست است؟

ج: مانعی ندارد.

س ۴۳۷: سه سال قبل مقدار ۱۰۰ کیلو برنج به فردی دادم و قرار بود مدت ۱۰ روز وجه را پرداخت نماید ولی تا کنون نداده است آیا شرعاً باید مبلغ آن زمان را بدهد یا به قیمت امروز؟

ج: اگر شما مطالبه کرده‌ای و او قدرت پرداخت را داشته ولی مسامحه کرده و عمداً نپرداخته است لازم است ضرری را که به شما وارد شده است جبران کند.

س ۴۳۸: پیش خرید و سلف‌گندم چه حکمی دارد؟

ج: با رعایت شرائط معامله سلف اشکال ندارد.

س ۴۳۹: آیا از افرادی که در پرداخت به موقع اقساط خود قصور می‌کنند می‌شود مبلغی را به عنوان دیرکرد یا خسارت دریافت نمود.

ج: خیر

ربا

س ۴۴۰: گرفتن وام از بانکهای خارجی که مستلزم پرداخت ربا است چه صورت دارد؟

ج: معامله‌ای که متضمن دادن ربا به کفار باشد حرام و باطل است.

س ۴۴۱: احتراماً نظر به اینکه شغل بنده طلا فروشی می‌باشد و ظاهراً دو نوع طلا از نظر خرید و فروش داریم: نوع اول: طلائی که عیار آن مشخص و طبق عیار مشخص معامله می‌شود. نوع دوم: طلائی که با شمارش - که آن شماره هم جزء عیار می‌باشد - خرید و فروش می‌شود مثلاً طلای شماره ۷۴۵ را به قیمت طلای شماره ۷۴۲ از همکار آگاه خریداری نموده و همین شماره ۷۴۲ را به شخص همکار آگاه به شماره ۷۴۵ می‌فروشیم لذا مستدعی است نظر مبارک را در مورد اینگونه معاملات بفرمائید؟ آیا تفاوت در شماره و سود فروش طلاء جایز می‌باشد یا خیر؟ در صورت امکان طریقه صحیح خرید و فروش طلای فرسوده با همین شماره‌های عنوان شده را ذیلاً مرقوم فرمائید.

ج: در صورتی که از نظر وزن متفاوت نباشد اشکالی ندارد و شرط دیگری نیز در ضمن معامله نکنند.

س ۴۴۲: گرفتن ربا و یا دادن ربا به کفار چه حکمی دارد؟

ج: گرفتن ربا از کفار جائز است.

س ۴۴۳: آیا از افرادی که در پرداخت به موقع اقساط خود قصور می‌کنند، می‌شود مبلغی را به عنوان دیرکرد یا خسارت دریافت نمود؟

ج: خیر.

س ۴۴۴: شخصی چکی را به مبلغ یک میلیون تومان به دیگری می‌دهد و بعد از چند ماه فرد دوم به غیر از مبلغ چک، دویست هزار تومان نیز به صاحب چک بر می‌گرداند، آیا چنین عملی ربا محسوب می‌شود یا خیر؟
ج: اگر از آغاز بنا بر گرفتن مبلغ اضافی بوده ربا و حرام است.

اسکناس

س ۴۴۵: آیا اسکناس از مثلیات است یا از قیمیات یا نوع دیگری است؟
ج: مثلیات و قیمیات در امور حقیقی مانند گندم و برنج و اسب و گاو مورد نظر قرار می‌گیرد ولی اسکناس و مانند آن که یک امر اعتباری است و عملاً برای تنظیم امور زندگی مردم بمنظور تبیین و تعیین ارزشها برای یک قطعه کاغذ در حد معینی ارزش و بها قائل شده‌اند از دائره مثلیات و قیمیات خارج و تابع آن اعتبار است و لذا گاهی بکلی از ارزش می‌افتد و بالأخره اسکناس احکام خاصی دارد.

س ۴۴۶: آیا جایز است بر قرض گیرنده شرط کند تا ما به التفاوت کاهش قدرت خرید اسکناس را (ناشی از رشد قیمتها) به قرض دهنده بپردازد؟
ج: جائز نیست.

س ۴۴۷: خرید و فروش پول به قیمت کمتر یا بیشتر چه حکمی دارد؟
ج: جایز نیست.

مالکیت دولت و شرکتهای

س ۴۴۸: آیا دولت می‌تواند مالک باشد؟
ج: بلی.

س ۴۴۹: اگر دولت مالک شود، آیا مانند مالکیت شخصی است یا نظیر وقف بر

جهت می‌باشد؟

ج: دولت چون شخصیت حقوقی دارد مالکیت آن بعنوان شخصیت حقوقی است.

س ۴۵۰: آیا در این جهت فرقی بین دولت اسلامی و غیر اسلامی وجود دارد؟
ج: دولت‌های غیر اسلامی نیز اگر از نظر قوانین اسلامی دارای احترام باشند مالکیت دارند.

س ۴۵۱: حکم مالکیت سایر اشخاص حقوقی مثل شرکتها و مؤسسات چیست؟
ج: شرکتها و مؤسسات نیز با ضوابطی که دارند دارای شخصیت حقوقی می‌باشند.

خيارات

س ۴۵۲: عقد بیع در مورد ملکی به این صورت واقع شده که بیشتر ثمن به بایع پرداخت گردیده و کلّ ثمن در تصرف مشتری قرار گرفته است، ولیکن در ضمن عقد خارج لازم بین متعاملین شرعاً شرط شده که چنانچه خریدار یا فروشنده از انجام معامله عدول کردند با پرداخت مبلغ ۵ میلیون تومان به طرف مقابل شرعاً حق فسخ بیع را دارند و برای این شرط هم زمان معینی قائل نشده اند، اکنون با توجه به شرط شرعی منعقد شده فی مابین خریدار و فروشنده؛ چنانچه یکی از اینها بخواهند از انجام معامله عدول نمایند و معامله را فسخ کنند و حاضر شوند مبلغ پنج میلیون تومان را به طرف دیگر معامله پرداخت نمایند آیا حق فسخ این معامله را شرعاً دارند یا ندارند؟
ج: چنین شرطی صحیح نیست.

س ۴۵۳: شخصی اتومبیلی را از دیگری خریداری کرده و در قولنامه مبلغ معینی به عنوان واقولی قید می‌شود و خریدار بلافاصله اتومبیل را اجاره می‌دهد. فروشنده پس از ۱۷ ساعت اعلام خیار غبن میکند و خریدار قبول می‌کند اما چون اتومبیل را ۱۲

روز اجاره داده پس از ۱۲ روز آنرا بر می گرداند، سؤال این است: آیا مبلغ واقولی صحیح و برای خریدار حلال است؟ و درآمد حاصل از اجاره ماشین از آن کیست؟
 ج: در فرض سؤال حق گرفتن آن مبلغ معین (واقولی) را ندارد. بعد از فسخ، با بیع می تواند برای مدت باقیمانده از مشتری مطالبه اجرة المثل نماید و به هر حال اجاره به قوت خود تا انقضاء مدت باقی است.

س ۴۵۴: اگر دو نفر چند سال پیش معامله ای انجام دهند و الان یکی از آنها پشیمان شود مثلاً زید با عمرو هر کدام با هم معاوضه جنسی و یا ملک و یا..... داشته اند حالا زید بگوید پشیمانم و این معامله فرض کنیم ۱۰ سال پیش انجام شده آیا زید اختیار فسخ دارد یا خیر؟

ج: در فرض مذکور حق خیار ندارد و در خیار غبن بعد از علم به غبن اگر اقدام به خیار نکند یا در مال تصرف نماید خیار ساقط می شود.

س ۴۵۵: در خیار شرط اگر مدت معین نشده باشد، علاوه بر باطل بودن خیار، آیا بیع نیز باطل است؟
 ج: باطل است.

س ۴۵۶: اگر در ضمن عقد لازم شرط کند که هرگاه مبیع مستحقاً للغير درآمد فلان مبلغ به مشتری بدهد، آیا مشروط علیه مشغول الذمه می شود؟
 ج: بلی شرط صحیح است و باید براساس آن عمل شود.

س ۴۵۷: یک فرد یک رأس گاو شیرده می دهد یعنی می فروشد به دیگری و دو رأس گوساله می خرد در عوض آن گاو و بعد همان دو گوساله را می فروشد به کس دیگری ولی بعد از چند ساعتی اظهار پشیمانی می نماید، ولی این معامله قطعی شده است آیا هیچ راهی برای برگشت از معامله وجود دارد؟
 ج: در فرض مذکور فروشنده حق خیار ندارد.

س ۴۵۸: مطالبه وجه التزام که برای ضمانت اجرای تعهد معین می گردد، چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که در ضمن عقد لازمی صورت بگیرد، باید بر اساس التزام عمل شود.

شروط باطل و مبطل

س ۴۵۹: شرطهایی که باطل هستند و نیز شرطهایی که هم باطلند هم مبطل قرارداد است کدامند؟

ج: شرطهای باطل زیاد است از جمله:

۱. شرط عملی که توانائی انجام آن نداشته باشد، مانند اینکه در ضمن عقد شرط کند که این زراعت گندم را از شما خریداری می‌کنم بشرط آنکه آن را تبدیل به دانه گندم نمائی.
۲. شرط عملی که شرعاً جایز نباشد، مانند اینکه بگوید: این انگور را به شما می‌فروشم به شرط آن که با آن شراب درست کنی.
۳. شرطی که مخالف کتاب و سنت باشد، مثل این که در ضمن معامله شرط کند که این چیز را به شما می‌فروشم به شرط آنکه از تو ارث ببرم و حال اینکه وارث شرعی نباشد.
۴. شرطی که با مقتضای عقد منافات داشته باشد مانند این که بگوید: این کتاب را به شما می‌فروشم به شرط آنکه مالک نشوی.
۵. شرطی که مستلزم امر محالی باشد، مانند آنکه چیزی بفروشند و با خریدار شرط کند که آنرا به دو نفر در عرض هم بفروشی.
۶. آنکه پیش از اجرای عقد، طرفین نسبت به موضوعی توافق کنند ولی در ضمن اجرای صیغه عقد به آن اشاره نشود، و عقد مبتنی بر آن منعقد نشود.
۷. شرطی که هدف عقلائی نداشته باشد، مثل آنکه شرط کند با این زن ازدواج می‌کنم به شرط آنکه سواد نداشته باشد. از این شروط، شرطهای شماره ۲ و ۵ موجب بطلان عقد نیز خواهد شد.

احکام محجور

س ۴۶۰: آیا ولی محجور می‌تواند از اموال وی به نفع خود استیفای منفعت کند؟

ج: نمی‌تواند.

س ۴۶۱: آیا اجرت المثل متعلق به محجور، مثلاً دستمزد کارش، را می‌توان بعد از

فوت پدر یا ولی از ترکه متوقی از سایر وراث مطالبه نمود؟

ج: کار محجور برای ولی در صورتی که عرفاً دارای اجرت باشد موجب ثبوت

اجرت المثل است و می‌توان آنرا از وراث مطالبه نمود.

س ۴۶۲: اگر بستگان محجور از قبول قیمومیت وی امتناع کنند، آیا می‌توان آنان

را ملزم به قبول مسؤولیت قیمومیت کرد؟

ج: اگر پدر یا جد پدری یا قیمی از طرف آن دو نباشد تعیین به عهده حاکم

شرع است.

س ۴۶۳: آیا پدر ولایت در امور حسبی محجور یا ولایت در برخورداری و استیفای

منفعت به نفع خود را دارد؟

ج: پدر در هر تصرفی که بنفع و مصلحت محجور باشد ولایت دارد.

احکام شفعه

س ۴۶۴: در یک باب خانه مسکونی که دو برادر با سهام مساوی شریک هستند اما یکی از شرکاء بدون اطلاع شریک خود اقدام بفروش خانه کرده است و شریک دیگری بعنوان حق شفعه اقدام کرده است؛ آیا حق شفعه نیازی به قابل تقسیم بودن ملک دارد یا خیر؟

ج: حق شفعه در جایی است که قابل قسمت باشد و در موردی که قابل قسمت نباشد احوط آن است که خریدار و شریک با یکدیگر سازش نمایند.

احکام بانکها

س ۴۶۵: درباره ماهیت حسابهای بانکی از نظر اسلام؛ بفرمائید:

الف: آیا در بانکها اعتبار و ارزش قراردادی پول به نام اشخاص ثبت و جایجا می شود یا به عین اسکناس اجازه در تصرف داده می شود؟

ج: به عین اسکناس بعنوان وکالت اجازه تصرف داده می شود.

ب: آیا حکم شکلهای مختلف حسابهای بانکی (جاری، سپرده ثابت، مشارکتهای بانکی و...) یکسان است؟

ج: از نظر اینکه صاحبان پول، متصدیان بانکها را وکیل می کنند که از این وجوه در فعالیتهای اقتصادی بکارگیرند یکسان می باشند.

ج) حکم سودهای علی الحساب که در مشارکتهای بانکی به سپرده گذاری پرداخت می شود چیست؟

ج: اگر متصدیان بانکها را وکیل کنند که از آن پولها در فعالیتهای اقتصادی بکار گرفته شود و مبلغی از منافع را به صاحبان پول بدهند مانعی ندارد.

د: حکم جوائز و هدایائی که بانک به سپرده گذاری پرداخت می کند چیست؟
ج: اشکال ندارد.

س ۴۶۶: وام دریافتی از بانک و بازپرداخت آن چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که طبق مقررات بانک گرفته باشد مانعی ندارد.

س ۴۶۷: با توجه به اینکه ظاهراً در قوانین فعلی در مورد عدم انجام تعهد در موعد مقرر برای جبران خسارت نسبت به اصل بدهی، بمیزان ۱۲ درصد بعنوان خسارت تأخیر پیش بینی شده است و ظاهراً بانکها آن را عمل می کنند. آیا این خسارت شرعاً رباست؟

ج: در صورتی که طبق مقررات مربوطه بانکها عمل شود باید خسارت پرداخت شود.

س ۴۶۸: بانک برای تهیه ماشین آلات و مواد اولیه وامی بصورت زیر در اختیار صاحب کارگاه قرار می‌دهد. جنس مورد نیاز را باید صاحب کارگاه انتخاب نماید و فروشنده را به بانک معرفی کند، بانک با خرید نقدی جنس مذکور از فروشنده، آن را بصورت اقساط به صاحب کارگاه به زیاده می‌فروشد. سؤال اینست که اگر شخص نیاز به جنس مذکور ندارد و فقط برای گرفتن پول از بانک فاکتور صوری از فروشنده به بانک ارائه می‌دهد و پولی را که بانک به فروشنده بابت فاکتور می‌پردازد از او می‌گیرد.

۱. در صورتیکه مسئولین بانک علم به صوری بودن فاکتور داشته باشند پرداخت وجه چه صورتی دارد؟

۲. در صورتیکه مسئولین بانک علم به صوری بودن فاکتور نداشته باشد چه صورتی دارد؟

۳. دادن فاکتور صوری توسط فروشنده و دریافت وجهی در مقابل آن، جهت دریافت وام چگونه است؟

۴. دریافت اینگونه وام صوری و پرداخت زیاده در مقابل آن، ربا محسوب می‌شود یا خیر؟

ج: پرداخت وام توسط مسئولین بانکها در صورت دوم صحیح است ولی صورت اول و سوم اشکال دارد و صورت چهارم ربا می‌باشد.

س ۴۶۹: خرید سهام بانکها و مؤسسات اعتباری پولی که در بعضی موارد مرتکب ربا می‌شوند چگونه است؟

ج: در صورتی که خصوصیات سهام و مؤسسات اعتباری معلوم و مشخص باشد خرید آن اشکال ندارد و ارتکاب ربا در بعضی موارد موجب بطلان معامله ای که ارکان معامله در آن محقق است و علم به تحقق ربا در آن

حاصل نشده است نمی‌شود.

س ۴۷۰: با توجه به اینکه بانکهای جمهوری اسلامی قانوناً موظف هستند که تحت یکی از عناوین عقود اسلامی پول در اختیار متقاضیان قرار دهند، چنانچه قرار داد بجهتی باطل باشد تکلیف گیرنده و کارمند بانک را تعیین فرمائید که آیا کارمند و رؤسای بانک مجاز به پرداخت وام غیر مشروع هستند یا خیر؟ و گیرنده حق تصرف در پول دارد یا خیر؟

ج: بنا بر آنچه که در پاسخ یکی از سؤالات آن مرکز محترم گفتیم بنظر ما پولهایی که در اختیار بانکها گذاشته می‌شود تا در مجاری اقتصادی مشروع بکار بیندازند بعنوان وکالت بانکها از طرف صاحبان پول است و پولها در ملک صاحبان پول باقی است. بنابراین کارمند و رؤسای بانکها مجاز به پرداخت وام غیر مشروع نیستند و گیرنده نیز در صورت علم به بطلان و غیر مشروع بودن، حق تصرف در پول را ندارد.

س ۴۷۱: استخدام در بانکهایی که بعضاً کار ربوی دارند، برای کار ربوی و غیر ربوی چه صورت دارد؟

ج: دخالت و کمک به معامله ربوی به هر شکلی که باشد حرام است.

سود بانکها

س ۴۷۲: آیا سود گرفتن از بانک مسلمانان جایز است؟ از غیر مسلمانان چطور؟
ج: در صورتی که بانک را وکیل خود نماید تا متصدیان بانک پولهایی را که از اشخاص می‌گیرند در جریانهای اقتصادی بکار اندازند و سود حاصله را بین خود و صاحبان سرمایه پول تقسیم کنند، گرفتن سود مانعی ندارد و سود گرفتن از غیر مسلمانان اشکال ندارد.

س ۴۷۳: در وامهای جعاله که قانوناً بانک موظف است مورد قرار داد را انجام دهد، بانک فقط پول در اختیار جاعل قرار می‌دهد و از او می‌خواهد که بوکالت از طرف

بانک کار خود را انجام دهد و بعداً علاوه بر پول دریافتی مبلغی بعنوان حق الجعاله به بانک بپردازد که در حقیقت جاعل شخصاً مورد جعاله را با پول بانک به انجام رسانده و حق الجعاله را بانک دریافت می‌دارد، بفرمائید اینگونه قرار داد صورت شرعی دارد یا خیر؟

ج: دادن پول به بانکها و گرفتن پول توسط بانکها از صاحبان پول بعنوان جعاله نیست و موازین جعاله در این مورد متمشی نیست و ما رابطه صاحبان پول با بانکها را بر اساس عنوان دیگری می‌دانیم که در توضیح المسائل در صفحه ۶۰۶ ذکر کرده ایم.

س ۴۷۴: در وام مسکن، بانک نیمی از خانه مشتری را به مبلغی می‌خرد و بعد از پایان کار سهم خود را بصورت اقساط و به مبلغی زیادتر به او می‌فروشد و بعضاً انتقال بصورت رسمی در محضر هم انجام می‌گیرد. لکن در مواردی دیده شده که مشتری متوجه این خرید و فروش نشده یا قصد جدی در معامله نداشته، بفرمائید در این صورت پرداخت زیاده به بانک جایز است یا خیر؟ و تصرف مشتری در پول دریافتی چه صورت دارد؟

ج: در معامله توجه و قصد جدی لازم است و الا معامله باطل است و در گرفتن وام از بانک اگر به آنچه که در پشت ورقه بانکی نوشته شده است عمل شود و معامله بر آن اساس انجام بگیرد در این صورت دادن سود به بانک اشکال ندارد.

س ۴۷۵: گذاشتن پول در بانکهای خارجی و دریافت سود از آنها چه صورتی دارد؟ با فرض جواز دریافت سود از بانکهای خارجی، از آنجا که پس انداز در بانکهای خارجی موجب تقویت کفار و سلطه اقتصادی آنان و تضعیف اقتصاد کشورهای اسلامی می‌گردد حکم مسئله چگونه است؟

ج: در صورتی که موجب سلطه اقتصادی بر کشورهای اسلامی و یا تضعیف اقتصادی کشورهای اسلامی شود حرام است.

جوایز بانکها

س ۴۷۶: گرفتن جوایز بانکها در دو صورت (افتتاح حساب مشروط به شرکت در قرعه کشی، و بدون شرط) چه حکمی دارد؟

ج: بانکها برای اینکه افتتاح کنندگان حساب با آنها افزایش پیدا کند می‌خواهند برای جلب و تشویق آنها مبلغی را بعنوان هبه به آنها بدهند ولی چون نمی‌خواهند یا نمی‌توانند به همه آنها هبه کنند لذا با اقدام به قرعه کشیدن به کسانی که قرعه به نام آنها اصابت می‌کند جایزه می‌دهند (جایزه یک نوع هبه است) بر این اساس، جوایز بانکها در هر دو صورت مذکور در فوق اشکال ندارد.

س ۴۷۷: افتتاح حساب قرض الحسنه در بانکها مشروط به شرکت در قرعه کشی، و بدون شرط چه حکمی دارد؟

ج: اگر شرط مربوط به افتتاح حساب است و به قرض مربوط نیست اشکال ندارد.

احکام مضاربه

س ۴۷۸: اگر عامل از سرمایه گذار پولی دریافت نماید و همان پول را در بانکهای خارجی سرمایه گذاری و سود بانکی دریافت نماید و ضمن پرداخت سود علی الحساب به صاحب سرمایه اضافه آن را برای خود برداشت نماید چه حکمی دارد؟
ج: عامل می تواند مبلغی را ماهیانه به عنوان هبه به صاحب سرمایه پرداخت نماید ولی قرار دادن آن در بانک جایز نیست و در صورتی که تلف شود ضامن است.

س ۴۷۹: بانکها وامی تحت عنوان مضاربه در اختیار مشتریان می گذارند بدین ترتیب که مثلاً یک میلیون تومان برای خرید یکصد تخته فرش در اختیار مشتری قرار می دهند و در همان مجلس محاسبه می کنند که سود مشتری از فروش این فرشها چقدر است. سپس برای دریافت اصل و سود مورد نظر بانک قسط بندی می کنند و بانک هیچگونه مسئولیتی را نسبت به ضررهای احتمالی این معامله به عهده نمی گیرد و فقط خود را موظف به دریافت اصل و سود تضمین شده می داند. بفرمائید: اولاً این نوع مضاربه صورت شرعی دارد یا خیر؟ ثانیاً اگر مشتری پول را در مورد دیگری مصرف نماید و فقط متعهد به پرداخت وام و زیاده گردد چگونه است؟ ثالثاً تکلیف مسئولین بانک در صورت علم به صوری بودن قرار داد و عدم علم را بیان فرمائید؟

ج: در معامله قصد جدی لازم است و قرار داد فوق مضاربه نیست و مسؤولین بانک موظف به انجام معامله صحیح و غیر صوری می باشند.

س ۴۸۰: بازرگانی که دارای مجموعه های کاری متفاوتی بوده است و خود مشغول به کار بوده و مورد وثوق افراد معتمد می باشد، با نیت افزایش سرمایه طرفینی و نیز خیر رسانی به دوستان در فضایی کاملاً اعتقادی و با اطمینان طرفینی مقداری

سرمایه از چند نفر در قالب عقود اسلامی، به این شکل اخذ کرده است، که بابت تضمین اصل و نیز پرداخت علی الحساب سود، چکهایی را به صاحب سرمایه داده است و قرار داد با نسبت مشخص سهم طرفین در معاملات و قرار مصالحه، پس از رسیدن تاریخ چکههای مذکور (یعنی پایان قرارداد) صورت گرفته است و سرمایه گذار و کیل تام الاختیار در معامله بوده و معاملات نیز متعدد بوده و دقیقاً وجه، در معامله مشخصی بکار نرفته است (یعنی محاسبات بر سر جمع معاملات ممکن می‌باشد) این مسئله تا مدتی انجام شده و برخی چکهها نیز وصول می‌گردد و حتی دوره کار، تکرار و تمدید نیز می‌شود، منتهی بعلت اوضاع اقتصادی و مشکلات تجاری در ادامه امکان پرداخت سود در حد چکههای مذکور و در تاریخ مربوطه ممکن نمی‌باشد، خواهشمند است بفرمایید وظیفه طرفین معامله در این مورد چیست؟

ج: اگر منظور فرار از ربا بوده گرفتن اضافی حرام و ربا می‌باشد و اگر چنین قصدی در بین نبوده و تمکن از پرداخت ندارد باید به وی مهلت داده شود تا در وقت تمکن بدهی خود را پرداخت نماید.

س ۴۸۱: آیا مضاربه بر مال مشاع صحیح است؟

ج: بلی صحیح است.

س ۴۸۲: آیا در مضاربه، تعیین مدت شرط است؟

ج: تعیین مدت در مضاربه شرط نیست.

س ۴۸۳: شخصی پول خود را در اختیار فردی به عنوان عامل قرار می‌دهد تا این فرد ماهیانه مبلغی را به صاحب پول بپردازد آیا پرداخت سود تحت عناوین ذیل صحیح است؟

۱. عامل پول را در معاملات شرعی استفاده کند و ماهیانه سود ثابت بپردازد.

۲. عامل علی الحساب مبلغی را ماهیانه بپردازد و در پایان پس از محاسبه دقیق به همان مبلغ مذکور صلح کند.

۳. عامل علی الحساب مبلغی را ماهیانه بپردازد و در پایان بدون محاسبه به همان مبلغ مذکور صلح کند؟

۴. عامل پول را در کاری غیر از معاملات استفاده کند (مثلاً اداء قرض یا خرید ماشین جهت استفاده شخصی و غیره) و ماهیانه سود ثابت علی الحساب بپردازد.

ج: مضاربه شماره «۲» صحیح است.

س ۴۸۴: اگر صاحب سرمایه، سرمایه خود را از عامل طلب نماید ولی عامل سرمایه او را به صورت جنس در دست داشته باشد و در همین حال عامل از شخص ثالثی پول جهت انجام کار دریافت نماید و همان پول را به شخص اول بدهد و جنس را به حساب شخص ثالث بگذارد چه حکمی دارد؟

ج: عامل می‌تواند جنس را برای شخص ثالث خریداری نماید و پول را به صاحب سرمایه اولی بدهد.

س ۴۸۵: اگر صاحب پول به عامل پولی پرداخت کند اما هیچ‌گونه مطالبی پیرامون پرداخت سود به زبان نیاورد هر چند که در دل نیت گرفتن سود و عامل نیت پرداخت سود داشته باشد (و ماهیانه مبلغی بپردازد)

ج: اگر هدف فرار از ربا نباشد می‌تواند ماهیانه مبلغی به وی بعنوان هدیه بدهد.

شرط در مضاربه

س ۴۸۶: اگر صاحب سرمایه در همان ابتدای پرداخت پول به عامل، بخواهد اصل سرمایه خود را به طریقی از طرف عامل تضمین کند، آیا می‌تواند. در ضمن عقد مضاربه شرط کند که اگر خسارتی به اصل سرمایه وارد شد عامل آن را از مال خود بدهد؟

ج: بلی، می‌تواند.

س ۴۸۷: قرارداد مضاربه ای با توافق سود مثلاً یکساله علی الحساب منعقد می‌شود

البته بطور قرارداد مستقل یا در ضمن عقد مضاربه شرط می‌شود در صورتی که سود حاصل از مبلغ تعیین شده به صورت علی الحساب، بیشتر باشد، صاحب سرمایه مقدار اضافه را به عامل، هبه کند و در فرضی که سود حاصل کمتر از مقدار تعیین شده باشد، عامل نقصان را جبران کند. لطفاً از لحاظ شرعی حکم این نحوه قرارداد یا شرط مستقل یا ضمیمه را بیان نمایید.

ج: در مضاربه لازم است که مقدار سود میان مالک و عامل بر اساس کسر (صدی چند از سود، مال مالک و صدی چند، مال عامل باشد) معین شود، بلی می‌توان شرط کرد که اگر ضرری بوجود آمد عامل مثلاً آنرا از کیسه خود جبران کند.

تخلف عامل از تعهدات

س ۴۸۸: اگر صاحب سرمایه پول خود را جهت انجام معاملات (مضاربه) در اختیار عامل قرار دهد، اما عامل آن را مثلاً به عنوان پیش پرداخت اجاره منزل بپردازد و از جانب خود ماهیانه سودی به صاحب پول بدهد چه حکمی دارد؟

ج: عامل می‌تواند مبلغی را به عنوان هبه به صاحب پول بدهد ولی چون مال را در مضاربه به کار نبرده، خلاف کرده و اگر مال تلف شود ضامن است.

س ۴۸۹: آیا عامل می‌تواند سرمایه‌ای را که تحت عناوین مضاربه یا وکالت در اختیار اوست به دیگران قرض دهد؟
ج: خیر جایز نیست.

س ۴۹۰: اگر عامل در معاملات متضرر شود و اصل سرمایه را از دست دهد، اما بدون اینکه این مطلب را به کسی بگوید از اشخاص دیگر تحت عنوان مضاربه مجدداً پولی دریافت نموده و به اشخاصی که ابتدا از آنها پول دریافت کرده بپردازد، چه حکمی دارد؟
ج: جایز نیست.

س ۴۹۱: چنانچه عامل در معاملات دچار ضرر و زیان شود و اصل سرمایه از بین برود اما بدون اینکه این مطلب را به صاحب پول بگوید کماکان سود ثابت را بپردازد این سود برای پرداخت کننده و همچنین دریافت کننده چه حکمی دارد؟
ج: عامل می‌تواند ماهیانه هر مبلغی که بخواهد بدون شرط قبلی بعنوان هبه به صاحب پول بدهد.

س ۴۹۲: اگر صاحب سرمایه در همان ابتدای پرداخت پول به عامل بخواهد اصل سرمایه خود را به طریقی از طرف عامل تضمین کند آیا می‌تواند با پرداخت مبلغی به عنوان حق بیمه به عامل، سرمایه خود را بیمه کند که در صورت ضرر و زیان بتواند اصل سرمایه خود را تحت عنوان بیمه پس بگیرد؟
ج: می‌تواند در ضمن عقد مضاربه شرط کند که اگر خسارتی به اصل سرمایه وارد شد، عامل آن را از مال خود بدهد.

س ۴۹۳: آیا می‌توان در مضاربه به مقداری طلای آب شده را به عنوان سرمایه به عامل داد تا او پس از انجام اعمال تجاری اعم از خرید و فروش طلا و زیور آلات و امثال آن اصل سرمایه (مثل آن) و مقدار سهم سود مالک را تحویل دهد؟ اگر این عقد یا قرارداد مضاربه محسوب نمی‌شود آیا از نظر شرعی اشکالی بر آن و سود حاصله مترتب است؟

ج: در مضاربه لازم است که رأس المال طلا و یا نقره سگه دار و یا اوراق نقدیه باشد. علی‌هذا در غیر اینها مضاربه صحیح نیست چنانچه با همین حال عامل معاملاتی را انجام داده و مورد تأیید صاحب رأس المال باشد تمام سود آن متعلق به صاحب رأس المال خواهد بود، و عامل اگر به دستور وی این معاملات را انجام داده حق اجرة المثل را دارد.

احکام هبه

س ۴۹۴: در مدارس معمولاً به جهت قدر دانی از مربیان و معلمین هدایایی از طرف مدرسه یا از طرف دانش آموزان، به مناسبت روز گرامیداشت مقام معلم اهداء می کنند آیا گرفتن اینگونه هدایا شرعاً اشکال دارد؟

ج: دادن این گونه هدایا، به معلمان در هر دو مورد اشکالی ندارد، ولی اگر در موردی بدانیم که هدیه دهنده نظری دارد و می خواهد با او بر خلاف ضوابط عمل شود باید از گرفتن آن خودداری گردد.

س ۴۹۵: اخیراً مشاهده می شود که مسابقات مختلفی انجام می گیرد که شرط شرکت در این مسابقه پرداخت مبلغی معین به قید قرعه می دهند به کسانی که پاسخ صحیح می دهند و اضافه را به ادعای خودشان به مصرف آن مرکز یا امور خیریه می رسانند؟ سؤال این است اولاً شرکت در این مسابقه جایز است؟ ثانیاً پرداخت این مبلغ در صورت جواز، مسابقه و اخذ پرداخت وجه چگونه باید باشد؟

ج: چون اهداء کنندگان آن پول ها را هبه می کنند و از پولهای جمع آوری شده به عده ای از افراد با قرعه داده می شود و در راه مشروع صرف می شود اشکال ندارد.

س ۴۹۶: خانواده ای با پول شیربھائی که از داماد گرفته اند برای عروس جهیزیه خریدند پس از چندی امر آنان منجر به طلاق شده است. حال هنگام جدایی آیا لوازم و جهیزیه خانه از آن شوهر است یا زن؟

ج: بستگی به آداب و رسوم هر محل دارد که به چه نیت می دهند اگر بقصد هبه داده اند چنانچه عین آن باقی است و عروس هم رجم آنان نباشد می توانند پس بگیرند و اگر باقی نیست نمی توانند پس بگیرند و چنانچه بعنوان بخشی از مهر داده باشند متعلق به عروس است و نمی توانند پس بگیرند.

س ۴۹۷: شخصی بخاطر فعالیت و تلاش در مجموعه ای در سال ۷۷ به رتبه اول برگزیده شده است و در سال ۷۸ هدیه ای قابل توجه بخاطر رتبه اول به مجموعه اهداء گردیده است حال سؤال این است که هدیه برای شخص ساعی و تلاشگر است یا برای افراد دیگر؟ اگر شخص تلاشگر از مجموعه در سال بعد جدا شود آیا هدیه برای شخص جایگزین است یا شخص تلاشگر؟

ج: اگر هدیه به مجموعه اهداء شده متعلق به مجموعه است نه فرد، چنانچه اگر به فرد داده شده مربوط به شخص او می باشد.

س ۴۹۸: مردی برای زن خود مقداری زیور آلات و طلا که تقریباً به قیمت امروز پانصد هزار تومان می باشد، خریده و بعد از ۱۴ سال مرد زن خود را طلاق می دهد یا به عللی زن از مرد طلاق می گیرد اما مرد زیور آلات را همراه با آنچه از قبل برای خود زن بوده است را پس می گیرد و ادعا می کند که در حال همسری، برای شما خریدم و بخشیدم. و زن نیز ادعا می کند من در خانه تو خانه داری و بچه داری کرده ام، و مرد با وعده اینکه: ثلث خانه ای را که می سازم به نام شما خواهم کرد، طلاها را پس گرفته و او را طلاق می دهد. آیا مرد حق دارد زیور آلات را بگیرد یا به وعده خود عمل ننماید؟

ج: طلاهایی که شوهر به زن هبه نموده اگر عین آنها باقی است شوهر می تواند آنها را مسترد نماید و طلاهایی که مربوط به خود زن بوده و شوهر بر داشته که خانه بخرد یا بسازد باید یا خود آنها یا عوض آنها را به زن مسترد نماید و کارهایی که زن در خانه شوهر انجام داده و همچنین بچه داری اگر مجانی انجام نداده حق اجرت المثل از شوهر را دارد.

س ۴۹۹: آیا می توان به حمل (در شکم مادر) چیزی را هبه نمود؟ اگر هبه مزبور امکان پذیر است چه کسی باید آن را «قبول» کند؟ آیا پدر یا جد پدری قبل از تولد، بر حمل ولایت دارد؟

ج: خیر به حمل نمی توان هبه نمود.

س ۵۰۰: در ازدواج دختر و پسر پدر داماد مبلغی به پدر عروس بعنوان شیر بهاء داده و این کار بعد از آن که به محضر رفته بودند انجام شده است اما قبل از آزمایش بنا به عللی برنامه بهم می خورد، آیا این پول به صاحب اصلی یعنی پدر داماد می رسد یا خیر؟

ج: در فرض مذکور، اگر بعنوان حق الزحمه و جعاله به پدر دختر داده که موضوع ازدواج را عملی سازد بعد از آنکه امر ازدواج عملی نشد به پدر داماد مسترد می شود، همچنین اگر بعنوان هبه غیر معوضه به وی داده شده و آن مال باقی است باز هم پدر داماد می تواند آن را مسترد نماید ولی اگر بعنوان هبه معوضه به او داده یا هبه مطلق بوده و آن مال باقی نمانده است به پدر داماد مسترد نمیشود.

س ۵۰۱: مردی دو دانگ از شش دانگ ملک خود را به همسرش بصورت هبه غیر معوض و اگذار نموده (بدون منافع) و هنوز قبض صورت نگرفته بدلائل مختلف از قصد خود برگشته است، آیا زن می تواند او را ملزم به انتقال سند نماید یا اساساً ادعایی بنماید یا خیر؟

ج: در فرض سؤال زن نسبت به ملک مذکور حقی ندارد.

احکام قرض

س ۵۰۲: اخیراً در بین مردم مرسوم شده که عده‌ای پول روی هم می‌گذارند (مثلاً هر نفری ۵۰۰۰ تومان) و هر ماه یک مرتبه قرعه کشی می‌کنند و کل آن پول را به صورت وام به یکی از همان افراد صاحب پول می‌دهند بدون این که زیاده و بهره‌ای در کار باشد (یعنی به صورت قرض الحسنه) نظر مبارک در این باره چیست؟ لازم به ذکر است پول را به شرط قرعه کشی و این که نامشان در قرعه لحاظ شود می‌دهند.

ج: در فرض مذکور که منظور دهندگان پول، قرض الحسنه است اشکال ندارد.

س ۵۰۳: با توجه به تورم موجود در کشور و کاهش ارزش پول و مسائل نقدینگی حتی اگر تأخیری در ادای بدهی صورت نگیرد آیا قرض دهنده پول می‌تواند ارزش آن را مطالبه نماید؟

ج: خیر.

احکام رهن

س ۵۰۴: آیا عقد رهن از طرف راهن و مرتهن لازم است یا فقط از طرف راهن؟

ج: از طرف راهن لازم و از طرف مرتهن جایز است.

س ۵۰۵: آیا در رهن استمرار قبض شرط است؟

ج: استمرار شرط نیست.

س ۵۰۶: اخیراً رایج گردیده است که مردم، املاک خود از قبیل خانه و یا باغ را بعنوان رهن در اختیار دیگران قرار می‌دهند و مبلغی را تحت عنوان رهن برای مدتی مشخص تا زمانی که طرف مقابل از ملک استفاده می‌کند، دریافت می‌کنند و بنده نیز قطعه باغ اناری دارم که آنرا با خواهرانم و مادرم شریک هستیم و من سهم آنها را اجاره کرده و کل باغ را به شخصی به عنوان رهن داده‌ام تا در قبال عملیات و نگهداری باغ، محصول آن را برداشت نمایید، ولی بعداً از چند نفر از آقایان علماء راجع به این مسأله سؤال کردم در جواب می‌گویند که معامله رهن ملک در اصل باطل است، با توجه به اینکه بنده در زمان انجام این معامله بر مسأله جاهل بوده‌ام ضمن روشن نمودن مسئله رهن باغ و ملک، تکلیف بنده را در رابطه با این معامله روشن فرمایید.

ج: در فرض مذکور که شما باغ را در اختیار آن شخص قرار داده و از او پولی را بعنوان قرض گرفته و در ضمن شرط کرده‌اید که آن شخص در مقابل استفاده از باغ چیزی به مالک باغ نپردازد معامله ربوی و باطل و حرام است و اکنون حکم شرعی این است که پولی را که بعنوان قرض گرفته‌اید به صاحب پول بدهید و او هم عوض منافی را که از آن باغ برده است به صاحب باغ بپردازد و نسبت به کاری که در باغ انجام داده حق اجرت المثل را دارد.

احکام وکالت

س ۵۰۷: شخصی زمینی دارد که می‌خواهد آنرا بفروشد و کسی را وکیل می‌کند که از طرف او زمین را برایش بفروشد. وکیل بعلت آشنایی با خریدار زمین را به قیمت بیشتری می‌فروشد. آیا وکیل می‌تواند بدون اطلاع صاحب زمین مبلغ اضافی را تصاحب کند یا خیر؟

ج: اگر آن شخص، فقط وکیل در فروش بوده، بدون هیچگونه قرار و عقد لازمی، آن اضافه قیمت مال صاحب ملک است.

س ۵۰۸: صاحب پول به عامل وکالت می‌دهد که پول را در هرگونه معامله شرعی که صلاح می‌داند به کار برد و ماهیانه مبلغ مشخصی از سود به وی بپردازد و اضافه بر آن را به عنوان حق الوکاله، خود بردارد؟

ج: در صورتی که منظور فرار از ربا نباشد و به مقداری که سود به صاحب پول می‌دهد درآمد داشته باشد مانعی ندارد البته لازم است بعنوان قرض ماهیانه مبلغی به صاحب پول بدهد و بعد از پایان معامله از سود حاصله بعنوان طلب خود برداشت نماید.

احکام ضمان

س ۵۰۹: آموزگاری به دلیل اینکه دانش آموز تکالیف خود را انجام نداده یا در انجام آنها سهل انگاری نموده دفتر او را پاره می‌کند، در این صورت آیا ضامن می‌باشد و باید مثل آنرا تهیه نماید یا خیر؟

ج: بلی ضامن است.

س ۵۱۰: ضمانت غیر پزشکان (شکسته بندان، داندانسان و...) در موارد لطمه به بیمار چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که متخصص، مجاز باشد و کوتاهی نکرده باشد ضامن نیست.

س ۵۱۱: با توجه به اینکه تشخیص بیماری و تجویز دارو بعهدده پزشک معالج واگذار شده و طبق قوانین موجود داروساز موظف به تحویل داروی تجویزی می‌باشد، آیا داروساز نسبت به عوارض یا عواقب مفسده ناشی از تجویز غیر علمی یا غیر ضروری و احیاناً تجویز بر اساس سودجویی و غیره ضامن است؟ و با توجه به شرح فوق و با توجه به اطلاع علمی از عوارض مترقبه بعدی برء الزمه می‌باشد؟

ج: در صورتی که داروساز، علم و آگاهی نسبت به عواقب سوء استفاده دارو داشته باشد ضامن است.

س ۵۱۲: ماده ۳۲۹ قانون مدنی ایران، ضمان تخریب کننده خانه غیر، در صورت عدم امکان تجدید بنا به مثل اولیّه را بدون ذکر زمان آن، پرداخت قیمت دانسته است، با توجه به اینکه در موارد سکوت یا ابهام قوانین باید به فتاوی معتبر فقهی مراجعه نمود خواهشمند است نظر معظم له را در خصوص زمان و میزان ضمان تخریب کننده بیان فرمائید؟

ج: اگر عمداً تخریب کرده باید عالیتترین قیمت را از زمان تخریب تا زمان پرداخت بپردازد.

احکام اجاره

س ۵۱۳: اگر شخصی مغازه‌ای را بدون سرقفلی اجاره نماید که در ضمن عقد اجاره شرط شده باشد که حق انتقال به غیر ندارد آیا بدون جلب رضایت موجر می‌تواند مغازه را انتقال به غیر دهد؟

ج: در فرض سؤال انتقال بغير جایز نیست.

س ۵۱۴: اگر بعد از انجام انتقال به غیر و سپری شدن مدتی، موجر ناگزیر از اعلام رضایت گردد (زیرا مبلغ اجاره به او داده نمی‌شده) آیا انتقال مغازه از مستأجر قبلی به مستأجر فعلی صحیح است؟ و اشکالی ندارد؟

ج: اجاره دوم فضولی است و منوط به اجازه موجر است اگر اجازه بدهد و آنرا تنفیذ کند انتقال به مستأجر دوم صحیح است و الاً باطل است.

س ۵۱۵: اگر پس از سالها، نیاز شخصی موجر در دادگاه اثبات گردد، آیا مستأجر می‌تواند جهت تخلیه مغازه مبلغی را به هر عنوانی (حتی بیش از مبلغی را که از اول اجاره تا به حال به جهت اجاره داده است) طلب نماید؟

ج: در فرض سؤال حقی برای مستأجر پیدا نمی‌شود البتّه در صورت اختلاف و نزاع باید به محکمه صالحه مراجعه شود.

س ۵۱۶: کسی که تاکسی سوار شد، یا با کسی اجاره منزل را طی کرد و صاحب تاکسی یا صاحب خانه کرایه را گرفت و آن شخص خیال کرد که کمتر گفته است مثلاً او گفت صدو پنجاه - آن هم شنید پنجاه تومان و سوار شد - بعد نزاع شد آیا در این صورت اجرة المثل.... است یا چیز دیگری یا مصالحه و غیره؟

ج: یا مصالحه کنند یا اجرت المثل پرداخت نمایند.

احکام کسب و کار حرام

س ۵۱۷: اخیراً در جواهر فروشیها، انگشترهائی موجود می‌باشد که بنام طلای سفید و گویا آلیاژی است ترکیبی با طلای زرد که نقره‌ای رنگ می‌باشد، حال سؤال این است که استعمال طلای سفید برای مردان چه حکمی دارد؟

ج: استعمال طلای سفید که از لحاظ جنسیت با طلای زرد متغایر است برای مرد جائز است.

س ۵۱۸: کسی که با پارتی و رابطه مشغول به کار شود آیا حقوق آن حلال است؟ و کسی که اینگونه افراد را می‌شناسد چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: اگر بر خلاف مقررات حکومت اسلامی باشد، جایز نیست.

س ۵۱۹: تکلیف کسانی که مقداری از پرده کعبه را به عنوان تبرک کنده اند چیست؟

ج: نباید از پرده کعبه چیزی کند و اگر گناه کردند و مقداری از آن را کند با اجازه حاکم شرع می‌توانند در آن تصرف کنند.

س ۵۲۰: در چه صورت مراجعه مرد به دکتر زن و بالعکس اشکال ندارد؟

ج: اگر از جهت مهارت و حذاقت و امکان مراجعه و معالجه مساوی باشند و ضرورتی برای مراجعه به غیر همجنس در بین نیست نمی‌تواند به غیر همجنس مراجعه کند.

س ۵۲۱: احتراماً با عنایت به افزایش روز افزون مزاحمت‌های تلفنی در سطح جامعه مستدعی است حکم شرعی این عمل غیر انسانی را اعلام بفرمائید؟

ج: مزاحمت‌های تلفنی، کار حرام و بسیار ناپسندی است و لازم است از آن اجتناب شود.

س ۵۲۲: سگ بازی و آوردن آن به خانه‌ها و ماشین‌ها و خیابانها که نوعی تقلید از بیگانگان است چه صورت دارد؟

ج: اشکال دارد.

س ۵۲۳: نظر مبارک را در رابطه با سدّ معبر و مزاحمت‌هایی که در عبور و مرور عمومی ایجاد می‌شود ارائه فرمائید؟

ج: در صورتی که مزاحم عابرین باشند یا موجب زیان دیگران گردند جایز نیست.

س ۵۲۴: لطفاً بفرمائید آیا «جایز نیست» با «حرام است» مترادف است یا نه؟ در صورت اختلاف توضیح دهید.

ج: هر کجا حرام است جایز هم نمی‌باشد و بالعکس.

س ۵۲۵: بعضی از افراد در قسمت‌هایی از بدن و دست‌های خود خالکوبی می‌کنند، آیا اینان مرتکب گناه شده‌اند یا خیر؟

ج: اگر کلمات قرآن و نام خداوند و ائمه علیهم‌السلام نباشد و ضرر هم نداشته باشد، اشکال ندارد.

س ۵۲۶: حضور زنان در کوچه و بازار بدون وجود ضرورت و سر و کار داشتن بیش از حد با نا محرم چگونه است؟

ج: اگر مستلزم حرام نباشد اشکال ندارد.

س ۵۲۷: گدایی در صورت نیاز و در صورت بی‌نیازی چه حکمی دارد؟

ج: گدایی در صورت عدم نیاز اشکال دارد و در صورت نیاز و عدم توانائی کار و کسب از راه مشروع در حدّ نیاز مانعی ندارد ولی باید سعی کند و برای خود راهی برای امرار معاش پیدا کند چون *تَحَمَّلْ ذَلَّتْ سَوْأَلُ* بر خلاف حفظ شؤونات اسلامی است.

س ۵۲۸: استخدام شدن مسلمان در رستورانهای کفار جهت پذیرائی از آنان با محرّمات از قبیل گوشت خوک و مسکرات چه حکمی دارد؟

ج: جائز نیست.

س ۵۲۹: جعل پول چه حکمی دارد؟

ج: جایز نیست.

س ۵۳۰: در صورتیکه مرتکب غیبتی شدیم، اگر مفسده ای نباشد آیا لازم است از شخص مورد نظر حلالیت طلبید یا خیر؟ اگر این غیبت را شنیده ایم چه حکمی دارد؟

ج: اگر سبب اختلاف و ناراحتی نمیشود از کسی که غیبتش کرده‌اید حلیت بطلبید وگرنه استغفار نموده برای وی کار نیک انجام دهید تا انشاء... خداوند شما را مورد آمرزش قرار دهد، همچنین نسبت به کسی که غیبتش را شنیده‌اید باید رضایت او را در صورت امکان بدست آورید چون شنیدن غیبت نیز حرام است.

س ۵۳۱: در جلسه مشترک آقایان و خانمها اگر مجری جلسه زن باشد اشکال دارد یا خیر؟

ج: اگر همراه حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد.

س ۵۳۲: خرید و فروش حلقه یا ساعت طلا یا زنجیر طلا برای استفاده داماد توسط خانواده عروس چه صورت دارد؟ همچنین فروش این زنجیرها توسط فروشندگان جهت استفاده مردان و یا تولید آنها به همین منظور چگونه است؟ و مالی که از این راه بدست می‌آید چه حکمی دارد؟

ج: اشکال دارد و همچنین فروش و تولید آنها اگر بعنوان استفاده مردان باشد اشکال دارد.

س ۵۳۳: اگر کسی که شرایط بازنشستگی را ندارد با پارتی و یا رشوه دادن حقوق بازنشستگی بگیرد با توجه به اینکه هیچ کاری در قبال آن انجام نمی‌دهد حقوق آن چه حکمی دارد؟

ج: اشکال دارد.

س ۵۳۴: شخصی که به کشور غیر مسلمان سفر کرده و پولی از راه قمار و قاپچاق و دزدی بدست آورده است، اکنون پشیمان شده، وظیفه او چیست؟

ج: پولی که از این راهها بدست آمده حرام است و باید به حاکم شرع برساند.

س ۵۳۵: گوش دادن به رادیو مجاهد و بی بی سی و غیره جهت اطلاع از اخبارهای بیگانگان علیه ایران چه حکمی دارد؟

ج: اگر تأثیر منفی در او ایجاد نکند اشکال ندارد.

س ۵۳۶: هزینه کردن بیش از حد متعارف در ولادتها و شهادت‌های ائمه معصومین و ابا عبدالله علیه السلام چه حکمی دارد؟

ج: اگر بیش از حد شأن و موقعیت انسان باشد یا به حد اسراف برسد اشکال دارد.

س ۵۳۷: تنبیه بدنی در چه حدی جایز می‌باشد؟

ج: برای غیر ولی در هیچ حدی جایز نیست.

س ۵۳۸: آیا برای آموزگار جایز است دانش آموز را به جهت انجام ندادن تکالیف تنبیه بدنی نماید؟

ج: خیر.

شعر، غنا و موسیقی

س ۵۳۹: آیا گوش دادن صداهائی که همراه موسیقی اند و در مدح اهل بیت هم هستند جایز است؟

ج: در صورتی که بعداً غنا برسد اشکال دارد.

س ۵۴۰: بعضی از شعراء و مداحان در شعرهایشان جملاتی مانند قسم خوردن که تا ابد حیدر پرستم و یا زهرا پرستم بکار می‌برند آیا بکار بردن چنین جملاتی جایز است یا خیر؟ و اگر جایز است توضیحش چیست؟

ج: در صورتی که مورد سوء استفاده مخالفان قرار گیرد از بکار بردن چنین کلماتی اجتناب شود.

س ۵۴۱: گوش دادن به موزیکها و سرودهاییکه از رادیو یا تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می‌شود چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب فساد نباشد اشکال ندارد.

س ۵۴۲: آوازه خوانی زنان و یا استفاده از نوار مختص عروسی در محلی که فقط زنان حضور دارند چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که غنا باشد یا موجب فساد یا انحراف گردد اشکال دارد.

س ۵۴۳: خرید و فروش و توزیع و تکثیر نوارهای ترانه از خوانندگان طاغوتی و عکسهای مبتذل و مستهجن چه صورت دارد؟ و پولی که از این راه کسب می‌شود چگونه است؟ همچنین کسب درآمد از راه خرید و فروش مواد مخدر چگونه است؟

ج: خرید و فروش و تکثیر اشیاء مذکور در صورتی که موجب فساد باشد و همچنین خرید و فروش مواد مخدر حرام است و پولی که از این راه بدست می‌آید اشکال دارد.

س ۵۴۴: اخیراً نوار موسیقی و ترانه‌ای - که زنها به صورت همخوانی اجراء کرده‌اند

به عنوان نوای قریه... که در آن از مضامینی از قبیل عزیز بنشین کنارم و... استفاده شده - با مجوز شماره ۳/۲۷۴۰ وزارت ارشاد اسلامی پخش شده خرید و فروش و تکثیر و گوش دادن این قبیل ترانه‌ها از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: تکثیر و خرید و فروش هر آهنگی که موجب تهییج شهوت و ترغیب به فساد باشد حرام است.

س ۵۴۵: نوحه گری، قرآن خوانی، دعا خوانی خانمها بصورت دست جمعی یا فردی به صدای بلند بطوری که مردها بشنوند و موجب تلذذ باشد که صد در صد هم چنین است چه صورت دارد؟

ج: اگر موجب فساد باشد اشکال دارد.

س ۵۴۶: آیا واجب است فیلم های ویدیویی مبتذل از قبیل فیلمهای رقص شهوت انگیز و جنسی و نوارهای کاست حاوی موسیقی حرام را از بین برد؟

ج: اگر در دسترس افراد قرار می‌گیرد و موجب فساد و یا انحراف آنها می‌شود از بین بردن آنها لازم است.

س ۵۴۷: آیا پخش شدن برنامه‌هایی از صدا و سیما می‌تواند دلیل بر جایز بودن آن باشد، به عبارت دیگر آیا در حال حاضر تمام برنامه‌های صدا و سیما موافق با شرع مقدس است؟

ج: خیر.

س ۵۴۸: شنیدن موسیقی پاپ یا عدنی که اخیراً از صدا و سیما زیاد پخش می‌شود چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب فساد یا مهییج شهوت باشد اشکال دارد.

س ۵۴۹: شنیدن صدای زنان به طور عادی یا آواز به صورت دسته جمعی یا انفرادی چه حکمی دارد؟

ج: در فرض سؤال اگر از مصادیق غنا و لهو نباشد و باعث فساد نیز نگردد اشکال ندارد.

عکس، نقاشی و تصویر

س ۵۵۰: عکسهایی که در مورد امامان و ائمه می‌کشند چه حکمی دارد؟

ج: این عکسها و نقاشیها درست نیست واصلی ندارد.

س ۵۵۱: آیا با صرف ارائه عکسی که حضور دو مرد و دو زن را به صورت برهنه

بودن سر زنان نشان می‌دهد، می‌توان تلقی ارتباط نا مشروع نمود؟

ج: صرف ارائه چنین عکسی اگر همراه با قرائن و شواهد نباشد ارتباط نا

مشروع به حساب نمی‌آید ولی خلاف شرع است.

س ۵۵۲: اگر از فردی فیلم، عکس یا مجلات مستهجن و مبتذل کشف شود و

برای محکمه ثابت شود نگهداری و استفاده از آنها بمنظور رفع ضعف قوه جنسی او

در رابطه با همسرش بوده و هیچگونه اشاعه فحشا یا سوء استفاده دیگران را در بر

نداشته باشد آیا صرف نگهداری و استفاده از این موارد بمنظور فوق حرام و جرم

موجب تعزیر می‌باشد؟

ج: استفاده از چنین فیلمها و عکسها و مجلاتی حرام است.

س ۵۵۳: درج تصاویر غیر متعارف و مهیج زنان در نشریات که آثار منفی هم در

پی دارد شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: اگر موجب فساد و انحراف باشد، اشکال دارد.

س ۵۵۴: استفاده از نوارهای تصویری مبتذل و مستهجن توسط زن و شوهر جهت

تهییج قوه شهویه بدون اینکه مفسد دیگری بر آن مترتب باشد چه حکمی دارد؟

نگهدارنده این گونه نوارها برای استفاده فوق قابل تعزیر می‌باشد یا خیر؟

ج: در صورتی که اینگونه نوارها عامل فساد و انحطاط اخلاقی محسوب

می‌شود از بین بردن آن لازم و نگهداری آن اشکال دارد.

س ۵۵۵: نگاه کردن با لذت به زنان خارجی در تلویزیون و یا زنان این چینی که

به کشور می‌آیند چه حکمی دارد؟

ج: جائز نیست.

س ۵۵۷: در برخی از گورستانهای شیعیان رسم شده است که عکس زنان و دوشیزگان مرحوم را مانند عکس مردان در بالای قبر نصب می‌کنند. آیا این کار از نظر شرعی دارای اشکال است یا خیر؟ نظر مبارک چیست؟

ج: در صورتی که محجبه باشند و موجب فساد نشود اشکالی ندارد گرچه بهتر آن است که چنین عکسهائی در قبرستان نصب نشود.

س ۵۵۸: کوبلن‌هایی که با عکسهای زنان سر برهنه یا تصاویر رقاصی دسته جمعی توسط خانمها بافته می‌شود، یا عکسهای مینیاتوری با همین مضامین یا بافتن فرشهایی با همین تصاویر، تهیه، تولید و خرید و فروش و یا نصب آنها در منازل و خانه‌ها یا مغازه‌ها و محل کار چه حکمی دارد؟

ج: نصب اشیاء مذکور در منازل در صورتی که موجب فساد و انحراف باشد اشکال دارد و تولید و خرید و فروش آنها در صورتی که دارای منافع حلال مورد توجه باشد اشکال ندارد.

س ۵۵۸: عکس گرفتن نزد عکاس نامحرم و یا ظاهر کردن عکس توسط نامحرم چه آنکه عکس دارای حجاب باشد یا نباشد چگونه است؟

ج: اگر بدون حجاب باشد و ظاهر کننده وی را شناسد اشکال ندارد، همچنین اگر با حجاب باشد، مانعی ندارد.

قمار

س ۵۵۹: بازی با پاسور یا تخته نرد یا شطرنج یا دیگر آلات قمار توسط دو نفر حرام است. اما آیا بازی با آلات مذکور بوسیله کامپیوتر چه حکمی دارد؟ مثلاً یک طرف کامپیوتر است و یک طرف شخص مقابل و تخته نرد بازی می‌کنند.

ج: بازی با آلات قمار کلاً حرام می‌باشد مگر از آلت قمار بودن خارج شده باشد.

س ۵۶۰: به استحضار می‌رساند در مورد حمل و نگهداری پاسور یا تخته نرد

ابهامات زیر وجود دارد؟ الف) آیا وسائل ذکر شده (پاسور یا تخته نرد) جزء آلات قمار محسوب می‌شوند؟

ج: بلی از آلات قمار می‌باشد.

ب) فقط صرف نگهداری و یا خرید یا فروش آنها چه حکمی دارد؟

ج: نگهداری و خرید و فروش آنها جایز نیست.

ج) آیا بازی با آنها بدون قصد برد و باخت و تنها به قصد سرگرمی جایز است؟

ج: بازی با آنها به قصد سرگرمی نیز جایز نیست.

مواد مخدر و دخانیات

س ۵۶۱: حکم کشیدن یا خوردن تریاک چیست؟ و آیا در این مورد برای افراد

مریض و کسانی که پزشک مجوز استفاده را داده تفاوتی هست یا خیر؟

ج: کشیدن و خوردن تریاک حرام است و برای افراد مریض اگر راهی جز

استفاده از تریاک نباشد در حد ضرورت مانعی ندارد ولی واجب است که

سعی کند ترک نماید.

س ۵۶۲: نظر شما در مورد کشیدن سیگار چیست؟ کسب درآمد از این راه چگونه

است؟

ج: اگر ضرر معتنا به داشته باشد جایز نیست، ولی خرید و فروش آن جایز

است.

س ۵۶۳: شخصی که از کار افتاده و نمی‌تواند خرجی خود را درآورد و گرفتار به

تریاک می‌باشد و بچه‌هایش خرجی او را نمی‌دهند و دلیل می‌آورند که پدرشان

این پول را به تریاک می‌دهد، آیا دادن پول به این شخص جایز است؟ و ثوابی دارد

یا خیر؟

ج: در فرض سؤال جایز نیست.

شعبده، سحر و هیپنوتیزم

س ۵۶۴: آیا یاد گرفتن و یاد دادن سحر و جادو گری حرام است یا خیر؟

ج: حرام است مگر برای ابطال سحر و جادوگری.

س ۵۶۵: آیا شعبده بازی، احضار ارواح و هیپنوتیزم جایز است؟ این کارها در چه صورتی حرام است؟ شغل قرار دادن آنها و کسب درآمد از این طریق چه حکمی دارد؟

ج: جایز نیست و کسب درآمد نیز از این طریق اشکال دارد.

اوراق مسابقه

س ۵۶۶: برگه‌های همای رحمت در پوشش مسابقه قرآنی با طرح چند سؤال قرآنی که معمولاً توسط فروشندگان جواب داده می‌شود با عنوان کمک به مؤسسه مهد قرآن کریم فروخته می‌شود و افراد با نیت برنده شدن در جوایز میلیونی این برگه‌ها را خریداری می‌نمایند. با توجه به اینکه این پدیده تداعی کننده بلیطهای بخت‌آزمایی است نظر حضرتعالی را در خصوص خرید و فروش این اوراق بیان فرمائید؟

ج: اگر افرادی که در برابر برگه‌ها مبلغی پرداخت می‌کنند، آن را به مؤسسه هدیه می‌کنند و به مسؤلان مربوطه اجازه می‌دهند که بخشی از پول جمع آوری شده را به عنوان جایزه به عده ای از آنان بدهند، اشکالی ندارد، و در این فرض با اصابت قرعه، گرفتن جایزه هم، اشکال ندارد.

س ۵۶۷: در تبلیغات مکرر تلویزیون و مطبوعات مشاهده می‌شود که سازمان بهزیستی، مسابقه‌ی ارمغان بهزیستی برگزار می‌کند، با توجه به اینکه چنین مسابقه‌ای با مسابقه بلیط بخت‌آزمایی در زمان طاغوت شباهت بسیار دارد، لذا بفرمائید حکم شرعی آن چگونه است؟

ج: در صورتی که خریداران اوراق قصدشان این باشد که پول را به عنوان هبه در اختیار مسئولان برگزار کننده مسابقه قرار دهند که صرف کارهای خیر کنند و بخشی از آنرا هم جایزه بدهند خرید چنین اوراقی اشکال ندارد ولی اگر هدف از خرید اوراق برد و باخت باشد اشکال دارد.

مجسمه

س ۵۶۸: آیا ساخت مجسمه شخصیت‌های برجسته علمی برای بزرگداشت آنان و نصب در میادین شهر جایز است؟
ج: ساختن مجسمه در صورتی که برای هدف عقلانی باشد و اسراف محسوب نشود جایز است.

نمایش

س ۵۶۹: ما از خواهران دانشجوی مرکز تربیت معلم هستیم و یک واحد درسی به نام (هنرهای نمایشی) داریم. با توجه به اینکه هدف کلی ما هدایت و ارشاد نسل جوان به سوی آرمانها و ارزشهای اسلامی است، لطفاً نظر مبارک خویش را در مورد انجام امور ذیل از سوی ما خواهران و بدون حضور مرد نا محرم مرقوم بفرمائید:

۱. بازیگری در نقش مردان، مانند بازیگری زن در نقش یک پدر.

۲. پوشیدن لباس مخصوص مردان.

۳. تقلید صدای مردانه.

۴. گریم مخصوص مردان مانند گذاشتن محاسن. در صورت جایز نبودن امور مذکور، آیا طبق نظر حضرتعالی راهی شرعی برای اجرای اسلامی این نمایشها در جهت تبلیغ اسلام برای ما خواهران مسلمان وجود دارد یا خیر؟

ج: در رابطه با بند ۲ و ۴ مذکور در سؤال پوشیدن لباس مخصوص مردان و گذاشتن ریش و محاسن که از مختصات مردان است برای زن حرام است و امور محرّمه فقط در موقع ضرورت و معارضه با مصلحت اهمّ، جایز است؛ اگر کار شما تا این حدّ از ضرورت و مصلحت رسیده است ارتکاب آن اشکال ندارد و اگر نه حرام است و تبلیغ اسلام ظاهراً منحصر به این راهی که مرقوم داشته‌اید نیست.

مجالس و آلات لهو

س ۵۷۰: در یکی دو سال اخیر در محلّ، عده‌ای برای عروسی فرزندان خود از افرادی بنام مطرب که دارای ابزار آلات موسیقی بوده و در عروسی‌ها ضمن آواز خواندن به رقص و پایکوبی نیز می‌پردازند دعوت بعمل می‌آورند، با توجه به آثار منفی حضور مطربان در محل بفرمائید: دعوت از چنین افرادی (مطرب) و دادن پول به آنها شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: در فرض مذکور دعوت از آنان حرام است و پول دادن به آنها جایز نیست.

س ۵۷۱: خرید و فروش و استعمال و نگهداری تنبک، دایره، فلوت چه صورت دارد؟

ج: خرید و فروش آنها در صورتی که منافع معمولی آن حرام نباشد اشکال ندارد اما استعمال آنها اگر در مجالس لهو و لعب باشد اشکال دارد، و همچنین نگهداری آنها اگر بجهت استفاده حرام باشد اشکال دارد.

س ۵۷۲: شرکت در عروسیها و مجالسی که محرم و نامحرم مختلطند چه صورت دارد و اجازه دادن والدین فرزندانشان را جهت شرکت در این گونه محافل چگونه است؟

ج: در صورتی که مستلزم ارتکاب حرامی باشد اشکال دارد.

رقص

س ۵۷۳: حکم شرعی رقصیدن مرد و زن بطور کلی و همچنین هلله و کف زدن و رقص در مجالس عروسی و مولودی و اعیاد را بیان نمائید و حضور در این مراسم و تماشا کردن رقص دیگران چه حکمی دارد؟

ج: کف زدن اگر به حدّ جلف و سبکی نرسد و در غیر مساجد و حسینیه‌ها باشد اشکال ندارد و رقصیدن و شرکت در مجالس رقص نیز اشکال دارد.

س ۵۷۴: رقص مرد برای مرد و رقص زن برای زن و رقص زن برای محارم خود از قبیل برادر و غیره چه حکمی دارد؟

ج: اشکال دارد مگر رقص زن برای شوهر.

س ۵۷۵: در عروسی‌ها چنین مرسوم است که زنان در بین زنان و بعضی مردان در بین مردان که نامحرم در آنجا نیست می‌رقصند آیا این کار اشکال دارد؟

ج: اشکال دارد.

آرایش

س ۵۷۶: سرمه کشیدن برای مردها چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه سرمه نوعی آرایش تلقی می‌شود؟

ج: سرمه کشیدن برای مرد جایز است مگر در حال احرام.

س ۵۷۷: لباس رپی پوشیدن و به سر روغن زدن و به صورت کرم سفید کن زدن و لباسهایی که عکسهای غربی‌ها و یا ایرانیها، چه با حجاب و بدون حجاب را دارا می‌باشند، استفاده کردن چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که مورد تمسخر قرار نگیرد و تشبّه به کفار نباشد و مرد لباس زن و زن لباس مرد نپوشد اشکال ندارد.

لباس

س ۵۷۸: آیا مرد می‌تواند کفش و دمپایی زن را بپوشد و همچنین بالعکس؟
ج: اگر کفشی باشد که مخصوص زن یا مرد است پوشیدن آن برای دیگری اشکال دارد.

س ۵۷۹: در بعضی مواقع اینجانب لباسهایی که شوهرم دیگر نمی‌پوشد من در منزل می‌پوشم مثل پیراهن مردانه، شلوار مردانه یا بعضاً پیراهنی که از بازار خریداری کرده یا دوخته و مورد پسند واقع نشده است در منزل استفاده می‌کنم آیا این عمل حرام است؟ و همچنین با پارچه‌ای که خریداری می‌کنیم برای لباسهای خود و شوهرم، لباس مردانه و برای خودم لباس زنانه سفارش دوخت می‌دهیم با اینکه جنس پارچه هر دو یکی است ولی دوخت و مدل فرق می‌کند حکم این مسئله چگونه است؟

ج: اگر لباس یاد شده جزء لباسهای اختصاصی مرد نباشد پوشیدن آن برای زن مانعی ندارد و اگر از لباسهای اختصاصی مرد باشد چنانچه مدت کوتاهی بخاطر نیاز یا جهت عقلانی دیگر زن آنرا بپوشد باز مانعی ندارد و در غیر این صورت احتیاط واجب اینست که از پوشیدن آن اجتناب کند.

س ۵۸۰: فردی عام اگر لباس سادات را بپوشد چه حکمی دارد؟
ج: جایز نیست.

س ۵۸۱: پوشیدن لباس آستین کوتاه در مجامع عمومی علی‌الخصوص دانشگاه چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که مخالف عقّت عمومی نباشد و از نظر افراد متشرّع منکر محسوب نشود پوشیدن آن جایز است.

س ۵۸۲: آیا پوشیدن لباس سیاه در حالت عادی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
ج: اشکال ندارد و به کتاب حلیة المتّقین برای تفصیل بیشتر مراجعه بفرمائید.

س ۵۸۳: پوشیدن لباس سیاه برای فوت دوستان و بستگان چه حکمی دارد؟
ج: اشکال ندارد.

کف زدن

س ۵۸۴: در مجالس اعیاد ائمه اطهار آیا کف زدن جایز می‌باشد؟
ج: در غیر مساجد و حسینیه‌ها اگر سبک و جلف نباشد اشکال ندارد.

تراشیدن ریش

س ۵۸۵: آیا می‌شود برای بهتر درآمدن ریش و سبیل خود از تیغ استفاده کرد؟
ج: تراشیدن ریش اشکال دارد.
س ۵۸۶: تراشیدن ریش چه حکمی دارد و بلند کردن آن تا چه حد جایز است؟
ج: به اندازه صدق ریش داشتن مو بر چهره لازم است و بلندی آن بهتر است که در حد متعارف باشد.

خوردن شیر انسان

س ۵۸۷: استفاده غیر مباحی از شیر خانم نامحرم جهت معالجه کلیه چه حکمی دارد و ضمناً استفاده از شیر زن خود چه حکمی دارد چه برای معالجه و یا برای غیر معالجه؟

ج: استفاده برای معالجه اشکال ندارد و استفاده از شیر همسر برای زوج جهت معالجه اشکال ندارد. و در غیر معالجه جایز است ولی احتیاط آن است که چنین کاری انجام ندهند.

ضرر و زیان به غیر

س ۵۸۸: اگر شاخه درختان وارد حریم و زمین همسایه شود و باعث آزار و اذیت همسایه گردد، آیا همسایه می‌تواند این شاخه را ببرد؟

ج: در فرض سؤال با اذن مالک جایز است و در صورت خود داری مالک و ضرر، همسایه او می‌تواند با اجازه حاکم شرع در حد رفع ضرر اقدام کند.

س ۵۸۹: ورود فاضلاب انسانی، فضولات دامی و سایر مواد آلوده کننده به مخازن سدها و رودخانه‌های تأمین کننده آب شرب مردم از نظر شرعی چه وجهی دارد؟

ج: بر کلیه کسانی که محل زندگی آنها به هر شکلی در حاشیه این قبیله رودخانه‌ها قرار دارد واجب و لازم است که فاضلاب انسانی و فضولات دامی و سایر مواد آلوده کننده را به مخازن سدها و رودخانه‌ها وارد نکنند و از ورود آن جلوگیری نمایند و چون ضرر و زیان این مواد و اثر منفی آنها روشن است مسامحه در این مورد ظلم فاحش به اجتماع و گناه بزرگی است که موجب غضب و عذاب الهی خواهد بود.

رشوه

س ۵۹۰: در بعضی مواقع افرادی که برای کاری به کسی کمک می‌کنند و یا مشکل آنها را با توجه به موقعیتی که دارند حل می‌کنند در قبال این کار وجهی به آنها پرداخت می‌شود و یا شیء ای به آنها داده می‌شود این وجه و یا شیء شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: آنانیکه موظف هستند قانوناً مشکلات و کارهای مراجعین را رسیدگی نمایند اگر برای تسریع در انجام آن چیزی را بگیرند رشوه و حرام است.

رعایت مقررات حکومتی

س ۵۹۱: اینجانب روحانی شاغل در آموزش و پرورش هستم و تدریس می‌کنم، در پایان ترم تحصیلی بعضی از محصلین با کم آوردن حدود نیم نمره یا بیشتر در ماده درسی مورد تدریس رد می‌شوند و بخاطر اینکه باعث دلسردی یا ترک تحصیل دانش آموز نشود، در بعضی موارد برای قبولشدن به آنها نمره ارفاق می‌شود (حداقل ۵/ نمره و حداکثر ۱/۵ نمره) آیا این ارفاق شرعاً اشکال دارد و حرام است؟ ثانیاً چنین معلّمی می‌تواند امامت جماعت را بعهده بگیرد؟

ج: اگر بر خلاف مقررات آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی نباشد جایز است.

س ۵۹۲: در مدارس بعضی از معلّمین از وقت قانونی کلاس برای تدریس درس مورد نظر استفاده نمی‌کنند و به مسائل حاشیه‌ای می‌پردازند و شاید از بحث درس کلاس خارج شده و کم استفاده کنند، در هر صورت از وقت قانونی کلاس به جهت تدریس استفاده نکنند آیا اشکال دارد یا خیر؟

ج: معلّمین محترم موظف هستند بر اساس ضوابط و مقررات آموزش و پرورش در ساعتهای مقرر، تدریس نموده و از مطرح نمودن مطالب حاشیه‌ای در صورتی که به تدریس دانش آموزان لطمه وارد نماید، خود داری نمایند که این خلاف شرع و حرام است.

احکام عزاداری، سینه زنی و تعزیه خوانی

س ۵۹۳: آمدن زنان با وضع نامناسب در دنبال هیئتهای عزاداری که موجب بروز گناهان و آلودگیهایی می شود چه صورت دارد و برای عزاداری بانوان چه روشی را توصیه می فرمائید؟

ج: در صورتی که همراه با حرامی نباشد جایز است. بانوان محترمه باید سعی کنند ضمن شرکت در عزاداریها حجاب و عفاف خود را کاملاً رعایت نمایند.

س ۵۹۴: فلسفه سینه زنی چیست؟ کسی که لباسش را در می آورد البته به طوری که نامحرم نبیند و سینه بزند تا اینکه از سینه اش خون بیاید حکمش چیست؟

ج: سینه زنی یک نوع عزاداری و اظهار ارادت نسبت به خاندان عصمت و طهارت است که از طریق سینه زنی و روضه خوانی و... خاطره فداکاری و جانبازی امام حسین علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام برای همیشه در خاطره ها زنده می ماند. و سینه زدن بطور متعارف عملی ارزشمند و پسندیده است.

س ۵۹۵: دلیل سینه زدن برای ائمه علیهم السلام چه می باشد؟

ج: سینه زدن برای ائمه علیهم السلام بعنوان تعظیم شعائر دینی و زنده نگاهداشتن خاطره و مظلومیت آنان در طول تاریخ مورد توجه متشرعه بوده و سبب تقویت و احیاء حق و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام است.

س ۵۹۶: الف: برهنه شدن مردان در حال سینه زدن و زنجیر زدن در منظر زنان چگونه می باشد؟ ب: آیا تعزیه و شبیه خوانی در مراسم عزاداری جایز می باشد؟ ه: آیا تعزیه خوانی که مشتمل بر تشبیه مرد به زن و کوچک نمودن حضرت زینب علیها السلام و معرفی حضرت سجاد علیه السلام به یک فرد بیمار و پاشیدن نقل و نبات و زدن ساز و امثال آنها جایز می باشد؟ و شرکت در آن چه حکمی دارد؟ ج: آیا تشبیه به

اهلبیت علیهم السلام در نمایش و تعزیه و غیره جایز می‌باشد؟ د: آیا پوشیدن لباس زنان توسط مردان در شبیه خوانی و استفاده از دهل و شیپور جایز می‌باشد؟

ج: در تعزیه خوانی در صورتیکه مطالب را صحیح بخوانند و از غنا اجتناب شود و مرد لباس زن نپوشد و از اجتماع مرد و زن مفاصدی بوجود نیاید اشکالی ندارد و نواختن طبل و سنج نیز بطور متعارف مانعی ندارد و تشبّه به اهلبیت علیهم السلام اشکال دارد و همچنین اگر عملی موجب کوچک شمردن اهلبیت علیهم السلام باشد اشکال دارد.

س ۵۹۷: آیا قمه زدن جایز است چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد وظیفه چیست؟

ج: اشکال دارد.

س ۵۹۸: حکم علمهائی که در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام از آنها استفاده می‌شود و بعضی دارای نقش و نگارهائی هستند چیست؟

ج: طبق متعارف اشکال ندارد.

س ۵۹۹: در ایام عزاداری امام حسین علیه السلام نماز اول وقت مقدم است یا عزاداری؟

ج: همانطور که امام حسین علیه السلام و اصحاب و یارانش در وقت نماز، نماز را بر همه چیز مقدم داشتند، نماز اول وقت را مقدم دارند بهتر است.

س ۶۰۰: آیا برپا کردن مراسم عزاداری یا جشن ائمه علیهم السلام و یا میهمانی، بدون اذن شوهر جایز می‌باشد؟

ج: در صورتیکه از اموال شوهر باشد جائز نیست.

س ۶۰۱: لطمه زدن که در مجالس سینه زنی و زنجیر زنی انسان بخود وارد می‌کند در مصیبت سید الشهداء علیه السلام چه حکمی دارد؟

ج: عزاداری برای امام حسین علیه السلام طبق سنت متعارف و معمول بین شیعیان اشکال ندارد.

س ۶۰۲: پوشیدن لباس سیاه بعنوان عزاداری برای معصومین و ائمه هدی خصوصاً حضرت سید الشهداء علیه السلام چه حکمی دارد؟ خصوصاً اگر کسی بخواهد در طول سال به این عنوان و یا دو ماه محرم و صفر را لباس سیاه بپوشد.

ج: مانعی ندارد بلکه بعنوان اعلان حزن و اندوه در مصیبت امام حسین علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام رجحان هم دارد.

س ۶۰۳: آیا نذر در این موارد (پوشیدن لباس سیاه برای عزاداری...) منعقد می شود یا خیر؟

ج: در مواردی که رجحان داشته باشد نذر منعقد می شود.

س ۶۰۴: نظر مبارک در مورد اشکال و یا عدم اشکال شرعی استفاده از وسائلی مانند طبل و دهل و چنگ و علامتهایی که مزین به انواع زینتها می شود و در پیشاپیش دسته های عزاداری حرکت می دهند چیست؟

ج: استفاده از ابزار فوق در عزاداری در حدی که معمول است اشکال ندارد.

س ۶۰۵: نی زدن همراه با نوحه در مساجد که موجب حزن و نوعاً با گریه و زاری مستضعفین همراه است و موجب هتک حرمت مسجد نیز نمی گردد چه حکمی دارد؟

ج: به احتیاط واجب نوحه خوانی در مساجد، همراه نی زدن نباشد.

احکام نکاح

س ۶۰۶: نکاح دائمی چند رکن دارد و آیا صداق نیز از ارکان عقد دائمی است؟
ج: ارکان عقد عبارت است از اجرای عقد، رضایت طرفین یا اولیا آنها در صورت صغیر بودن و صداق جزء ارکان نیست چون با عدم ذکر آن عقد باطل نمی‌شود.

س ۶۰۷: در اروپا بسیاری از افراد تحت عنوان دوست دختر و پسر با همدیگر ارتباط زناشویی برقرار می‌کنند و صاحب فرزند نیز می‌شوند و پس از گذشت سالیان طولانی عقد ازدواج می‌خوانند، آیا چنین ارتباطی مصداق لکل قوم نکاح» هست یا نه؟

ج: خیر مصداق آن جمله نیست، لازم است عقد خوانده شود.

س ۶۰۸: در صورتی که بین مرد و زن نسبت به اصل نکاح و وقوع آن اختلاف باشد و مرد منکر نکاح دائم ولی زن قائل به آن باشد و هیچ راهی برای اثبات آن وجود نداشته باشد، آیا شهادت زن (به تنهایی و بدون انضمام شهادت مرد) نسبت به وقوع نکاح دائم، مثبت ادعا می‌باشد یا خیر؟

ج: شهادت زن در نکاح به شرط انضمام به شهادت مرد نافذ و مورد قبول واقع می‌شود.

س ۶۰۹: آیا زن دائم یا موقت می‌تواند رضایت دهد که شوهر در هر چهار ماه نزدیکی با او را ترک کند و در عوض شرط نماید که هر وقت بخواهد زوج باید با او نزدیکی کند؟

ج: می‌تواند.

س ۶۱۰: اگر زنی بدون اجازه شوهر پولی را از جیب شوهر بردارد و خرج خانه کند نه خرج بیرون خانه اشکال دارد یا نه؟

ج: اگر شوهر راضی باشد اشکال ندارد همچنین اگر شوهر از نفقه دادن زن امتناع کند و زن راهی نداشته باشد برای گرفتن نفقه ایکه بر مرد واجب است، می تواند به اندازه نفقه خود از مال شوهر بعنوان تقاضا بردارد.

س ۶۱۱: پسری با دختری پس از مشورت و جلسات متعدد تصمیم به ازدواج می گیرند و با رضایت پدر و مادر طرفین از یکنفر عاقد درخواست می کنند که عقد ازدواج آنها را بخواند، قبل از خواندن عقد، پدر پسر با این اعتقاد که چون زیاد با دختر (عروس او) و مادر دختر رفت و آمد دارند ابتداءً بخاطر آسان شدن رفت و آمدها یک صیغه به مدت ۱۵ دقیقه بدون هیچ اقدامی (اعم از نزدیکی و...) فقط به نیت محرم شدن پدر پسر با مادر دختر ببندد و عاقد اینکار را می کند و بعد از بسته شدن صیغه و اتمام ۱۵ دقیقه عاقد عقد ازدواجی بین دختر و پسر می بندد، حکم مسأله چیست؟

ج: چون دختر به عقد پدر در آمده بر پسر حرام است و نمی تواند پسر او را برای خود عقد نماید.

س ۶۱۲: خانمی در حین عده، زید را وکیل نمود تا او را بعد از انقضای عده اش در یک روز جمعه به عقد فلان مرد در آورد ولی خود همان خانم، در همان روز جمعه با یک مرد دیگر ازدواج کرد، البته بدون اطلاع و فسخ وکالت از زید، و زید نیز که وکیل آن خانم بود، ایشان را به عقد همان مرد اولی در آورد بخاطر عدم اطلاع، یعنی دو عقد در آن واحد در روز جمعه اتفاق افتاده، حال کدام از این دو عقد صحیح است؟ آیا هر دو باطل است؟ و خلاصه این زن، همسر کدام مرد می باشد؟

ج: هر کدام از آن دو عقد که زودتر انجام شده صحیح است و عقد بعدی باطل می باشد و اگر تقدم و تأخر محرز نباشد و احتمال تقارن وجود داشته باشد بر هیچ یک از آنها زوجیت مترتب نمیشود و احتیاط آن است که هر دو وی را طلاق دهند و آن گاه با رضایت زوجه یکی از آن دو او را به عقد خود در آورند.

س ۶۱۳: شخصی در حال احرام حج تمتع یا عمره واجب و یا مفرده ازدواج کرده است آیا عقد خوانده شد باطل است یا نه؟ و حرام مؤبد می شود یا خیر؟
ج: عقد باطل است و در صورت دخول، آن زن هم بر وی حرام دائمی می شود.

س ۶۱۴: به استحضار می رساند که شخص مجرد با زن متأهل متهم به زنا شد - خانواده زن متهم به زنا از برادر بزرگ زانی مطالبه دخترش را کردند تا تاوان زنا باشد که از فساد و جنگ مصون بمانند - و در آن زمان برادر بزرگ زانی دختر خود را که کوچک بود به عقد برادر شوهر زانیه در آورده که او نیز بسیار کوچک بوده و هنوز هم نا بالغ است. حال که دختر بزرگ و بالغ شده آن عقد را قبول ندارد، تکلیف مسأله چیست؟

ج: در صورتی که دارای مفسده باشد عقد فضولی است که اگر دختر بعد از بلوغ اجازه دهد عقد درست است و اگر اجازه ندهد عقد باطل است.

س ۶۱۵: زن و شوهری به علت اینکه از این مسئله شرعی اطلاع نداشته اند که باید قبل از خوانده شدن عقد دائم، مدت عقد موقت تمام شود یا از طرف شوهر بخشیده شود و بعد صیغه عقد دائم جاری شود، اکنون که به این مسئله پی برده اند، شک کرده اند و احتمال می دهند که قبل از عقد دائم خود، صیغه عقد موقت خوانده باشند و مدت آن تمام نشده صیغه عقد دائم خوانده باشند از نظر شرعی تکلیفشان چیست؟ و اگر در این میان که به این مسئله شک کرده اند بچه دار نیز شده باشند چه؟ اگر یک زمانی بخاطر آوردند که واقعاً چنین کاری کرده اند باز در آن مدت که از ازدواج آنها می گذرد بر هم حلال بوده اند؟ و آیا خواندن دوباره عقد دائم در دوران حاملگی اشکالی ندارد؟

ج: در فرض سؤال عقد دائمی که انجام گرفته صحیح است و آن دو به یکدیگر محرمند و فرزند حلال زاده است ولی می توانند احتیاطاً عقد دائم را مجدداً اجرا نمایند و در صورتی که علم حاصل شود که عقد دائم در زمان

عقد موقت انجام شده بر یکدیگر حرام می‌شوند و زن باید عده و طی به شبهه که همان عده طلاق است نگهدارد و بعد از انقضای عده او را به عقد دائم خود در آورد.

س ۶۱۶: مسلمانی از کشور جمهوری اسلامی با زنی در کشورهای دیگر ازدواج می‌کند که با روش و رسومات آن کشور صورت می‌گیرد و بعد از مدتی به کشور جمهوری اسلامی مراجعت می‌کنند، آیا لازم است که صیغه عقد خوانده شود یا خیر؟

ج: در صورتی که صیغه عقد اصلاً خوانده نشده، باید خوانده شود.

س ۶۱۷: آیا ازدواج با دختر زن پدر جائز است؟ و آیا فرقی وجود دارد بین اینکه دختر زن پدر از شوهر سابق بوده یا از شوهر لاحق؟

ج: جایز است و فرقی بین دو صورت نیست.

س ۶۱۸: آیا پسر شوهر که از زن اول می‌باشد می‌تواند با دختری که از زن دوم است ولی از شوهر دیگر می‌باشد ازدواج نماید؟

ج: ازدواج فرزند شوهر که از زن دیگری می‌باشد با دختر زن دومش که از شوهر دیگری می‌باشد اشکال ندارد.

س ۶۱۹: اگر خانواده پسری برای خواستگاری دختری یکی دو مرتبه به خانه دختر بروند و خانواده دختر با ازدواج آنها موافقت کند ولی بعداً خانواده پسر ازدواج را بنا بر عللی بر هم بزند، با توجه به اینکه طی این چند روز خاطراتی بین دختر و پسر ایجاد شده اما ازدواج بر هم خورده و خانواده دختر از خانواده پسر ناراضی است؛ آیا حق الناسی برگردن خانواده پسر آمده است؟ اگر جواب مثبت است چه باید کرد؟

ج: از نظر اخلاقی مناسب است که سعی کنند با احترام و رفت و آمد به خانواده دختر از آنان دلجوئی کنند و با توضیح علت انصراف از آن ازدواج، آنان را مطمئن کنند که نظر خاصی در کار نبوده است.

س ۶۲۰: شخصی وکیل شده و صیغه عقد نکاحی را به قصد دوام خوانده و مدت معین نکرده است و داماد و عروس و پدر عروس هم قصدشان عقد دائمی بوده، ولی به وکیل این مطلب را نگفته اند، آیا لازم است داماد و عروس و پدر عروس زبانه بگویند که عقد دائمی است یا لازم نمی‌باشد؟
ج: خیر، و عقد مذکور دائم است.

اولیاء عقد و اذن آنان

س ۶۲۱: شرط نفوذ نکاح را قانون، مصلحت مولی علیه بیان نموده حال آیا در صورتی که مصلحت مولی علیه رعایت نشود آیا مولی علیه می‌تواند بعد از رسیدن به سن بلوغ نکاح را فسخ کند؟

ج: اگر مصلحت مولی علیه مراعات نشود عقد باطل است.

س ۶۲۲: به نظر جناب عالی ولی باید مصلحت حال کودک را رعایت کند یا مصلحت آینده او را؟ (توضیح اینکه آیا پدر می‌تواند به بهانه اینکه عقد نکاح در حال حاضر به نفع صغیر است او را به عقد کسی در بیاورد در حالی که این عقد در آینده به مصلحت صغیر نباشد و بالعکس).

ج: اگر به مصلحت صغیر نباشد در حال یا آینده عقد باطل است.

س ۶۲۳: آیا صرف به بار نیامدن مفسده برای صحت عقد کافی است؟ و یا باید حتماً مصلحت کودک رعایت شود و همچنین در صورتی که احتمال مفسده داده شود می‌توان عقد را غیر نافذ دانست؟

ج: باید مصلحت رعایت شود.

س ۶۲۴: نظر حضرت‌عالی در خصوص «ازدواج موقت» دختر باکره رشیده «با شرط عدم دخول» چیست؟ آیا با وجود این شرط دختر می‌تواند بدون اجازه ولی ازدواج موقت کند؟

ج: اگر دختر رشیده باشد بطوری که بتواند مصلحت زندگی خود را کاملاً

تشخیص بدهد می‌تواند بدون اذن ولی ازدواج نماید ولی خوب است که با موافقت آنها اقدام کند.

مهریه و شیربهاء

س ۶۲۵: اگر شوهر زنی از دنیا برود در حالی که مهریه زنش را نداده و هیچ ما ترک نداشته باشد آیا مهریه زن به عهده مادر شوهر است یا خیر؟
ج: اگر میّت ما ترکی نداشته باشد، مادر شوهرش چیزی بدهکار نمیشود.

س ۶۲۶: نظر مبارکتان را در مورد شیر بها و مقدار آن و اینکه اگر مبلغ زیاد باشد مثلاً یک میلیون و دویست یا پانصد هزار تومان و یا اگر زیادتر از این مبلغ باشد چیست؟

ج: اگر به عنوان جعّاله یا هبه باشد اشکال ندارد.

س ۶۲۷: دختر باکره ای به دلیل اظهار علاقه پسری بالغ و وعده ازدواج آن پسر، از راه نا مشروع ازاله بکارت و سپس حامله گردیده و در زمانی که دارای حمل سه ماهه بوده در جلسه‌ای حضور والد آن دو صیغه عقد ازدواج دائم جاری گردیده و مهریه زن به دلیل اضطرار فقط مهر السنه تعیین گردیده و مرد بلافاصله با تولد نوزاد پسر برای نوزادش شناسنامه اخذ نموده و اکنون که نوزاد به سن چهار سالگی رسیده پدرش مرتکب ترک انفاق شده و به دلیل اعتیادش به مواد مخدر، زوجه‌اش در عسر و حرج متقاضی طلاق می‌باشد. لطفاً بفرمائید که:

۱. آیا عقد ازدواج بین آن دو، در زمانی که زن دارای حمل سه ماهه بوده است صحیح است یا خیر؟

۲. با توجه به اینکه زن دارای تحصیلات دانشگاهی است و اضطراراً به مهرالسنه رضایت داده و اکنون که عسر و حرج وی ثابت گردیده آیا مستحق مهر المثل می‌باشد یا خیر؟

۳. نفقه طفل نوزاد بر عهده چه کسی بوده و می‌باشد؟

ج ۱: در فرض مذکور عقد صحیح است.

ج ۲: در صورتی که در موقع عقد به مهر السنه رضایت داده است فقط استحقاق مهر السنه را دارد.

ج ۳: بر عهده شوهر آن زن است.

س ۶۲۸: آیا در شرع مقدس اسلام و احادیث و روایات وارده از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بر زیاد بودن مقدار مهریه یا کم بودن مقدار مهریه تاکید زیاد شده است؟ و آیا جایز است مهریه دختر را مهریه حضرت فاطمه زهراء علیها السلام قرار داد و در فرض جواز، مستحب نیز می‌باشد؟ و مهریه حضرت فاطمه زهراء علیها السلام (مهر السنه) چه مقدار بوده است؟

ج: در روایات اسلامی تاکید شده که مهریه از «مهر السنه» یعنی مهریه حضرت زهراء علیها السلام بیشتر نباشد و «مهر السنه» مبلغ پانصد درهم است و هر درهم ۱۲/۶ نخود نقره است (بیش از نیم مثقال نقره)

س ۶۲۹: آیا از نظر شرعی جایز می‌باشد که پدر زوجه (زن) و پدر زوج (شوهر) در تعیین مقدار مهریه دخالت کنند؟

ج: دخالت دیگران مخصوصاً بستگان زوج و زوجه در مقدار و میزان مهریه اشکالی ندارد.

س ۶۳۰: آیا از نظر شرعی جایز می‌باشد که زوج مهریه را به صورت قسطی به زوج بپردازد؟

ج: زوج موظف است مهریه را هر زمان که زوجه مطالبه نماید، پرداخت کند و در صورتی که زوج توانائی پرداخت آن را نداشته باشد حاکم شرع می‌تواند وی را موظف کند که بصورت قسطی آن را بپردازد.

س ۶۳۱: آیا از نظر شرعی جایز می‌باشد که پدر پسر مهریه زن پسرش را از مال خود به پدر زن پسرش بدهد؟

ج: مهریه متعلق به زوجه است و مانعی ندارد که پدر زوج مهریه را عوض فرزندش پرداخت نماید.

س ۶۳۲: امروزه متأسفانه خانواده‌ها با قرار دادن مهریه‌های سنگین برای دختران خود مانع از ازدواج جوانان پسر و دختر می‌شوند. و این کار خانواده‌ها باعث می‌شود که جوانان پسر و دختر نتوانند با هم ازدواج کنند و در نتیجه به راههای گناه و خلاف شرع مقدس اسلام کشیده شوند. ولی خانواده‌ها با قرار دادن مهریه‌های کم می‌توانند این مانع را از جلوی پای جوانان بردارند تا آنها بتوانند ازدواج کنند اکنون با توجه به مطالب فوق خواهشمند است بیان فرمائید از نظر شرعی و فقهی قرار دادن مهریه‌های سنگین و زیاد چه صورتی دارد؟

ج: در اسلام سفارشات زیادی نسبت به امر ازدواج شده تا آنجا که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «کسی که ازدواج نماید، نصف دین خود را حفظ کرده است و مراقب نصف دیگر دین خود باشد» لذا مناسب است که مؤمنین در امر ازدواج سخت‌گیری نکنند و مهریه‌های سنگین در نظر نگیرند تا این امر به سهولت انجام شود، البته ازدواج نکردن جوانان علی‌مختلفی دارد که ممکن است یکی از آنها مهریه‌های سنگین باشد، و علل دیگری نیز دارد که باید آنها را بررسی کرد و در صدد رفع آن برآمد.

س ۶۳۳: الف) آیا در زنا به عنف با ثیبه، زانی ضامن مهر المثل می‌باشد؟ ب) در صورت ثبوت مهر، آیا مهر المثل نکاح دایم را ضامن است یا منقطع؟

ج الف: در فرض سؤال زانی ضامن مهر المثل می‌باشد.

ج ب: ضامن مهر المثل نکاح دائم است.

س ۶۳۴: اگر زنی مهریه خویش را چه در ازدواج دائم و چه موقت، قبل از انعقاد عقد ببخشد آیا می‌شود خطبه عقد را بدون ذکر مهریه خواند؟

ج: خیر، و اگر موقت باشد عقد باطل است. و در عقد دائم باطل نیست و زوجه حق مهر المثل را در صورتی که دخول انجام شده باشد دارد و اگر

دخول نشده تفصیلی دارد که در کتابهای فقهی ذکر شده است.

س ۶۳۵: الف: دختری با اطلاع کافی از عدم استطاعت مالی پسر در پرداخت نقدی مهریه با وی ازدواج می‌نماید. با فرض اینکه در عقدنامه نوشته شده مهریه بر زوج دین لازم است و عندالمطالبه زوج باید اداء کند؛ آیا زوجه که غیر مدخوله است می‌تواند به بهانه عدم پرداخت مهریه‌اش از جانب زوج از ایفای وظایفش خودداری کند؟

ج: می‌تواند.

ب: آیا حق امتناع و منع زوجه منحصر به عدم انجام زناشویی (تمکین خاص) است یا می‌تواند از انجام کلیه تکالیف زوجیت (تمکین عام) استنکاف نماید؟

ج: فقط می‌تواند از تمکین خاص جلوگیری نماید.

شرط ضمن عقد

س ۶۳۶: لازم است خاطر عالی را مستحضر کنم که در سند ازدواج شرط شده اگر زوجه بدون تقصیر مطلقه شود باید زوج نصف دارایی خود را (که از تاریخ ازدواج بدست آورده است) عیناً، هر چه بدست آورده یا قیمت آن را بلاعوض به زوجه مطلقه بدهد. بر فرض اینکه زوج موقع ازدواج از نازایی زن اطلاع و آگاهی نداشته، آیا نازایی زن تقصیر حساب می‌شود تا زوجه از شرط مذکور در سند محروم شود (نصف دارایی زوج را نگیرد) یا نازایی زن تقصیر نیست و باید نصف دارایی زوج را بگیرد؟ یا مسأله دارای تفصیل دیگری می‌باشد؟

ج: در صورتی که زن باعث نازایی خودش نشده باشد نازایی تقصیر محسوب نمیشود.

س ۶۳۷: اگر در عقد نکاح زن و شوهر توافق کنند که شوهر زن دیگری نگیرد و اگر گرفت فلان مبلغ به زوجه بدهد، چه حکمی دارد؟

ج: عقد صحیح است ولی شرط باطل است و عمل به آن لازم نیست.

س ۶۳۸: اگر فردی به خواستگاری رفته و وعده ازدواج بدهد و در ضمن به عهده بگیرد که اگر منصرف شد مبلغی را به خانواده عروس یا خود عروس بدهد، آیا این شرط صحیح است؟

ج: اگر در ضمن عقد لازم نبوده این شرط صحیح نیست.

س ۶۳۹: آیا پدر عروس می‌تواند مخارج عروسی را یعنی عروسی دخترش را از خانواده داماد مطالبه نماید یا خیر؟

ج: در صورتی که بین آنان شرط قراردادی - مبنی بر اینکه مخارج بعهدده داماد و خانواده وی است - وجود داشته باشد پدر عروس می‌تواند مطالبه آن را نماید.

کسانی که ازدواج با آنها حرام است

س ۶۴۰: شخصی که نعوذ بالله با دیگری لواط انجام داده باشد، در صورت شک در دخول یا در مقدار دخول دارد آیا باز هم دختر یا خواهر فردِ مفعول بر فاعل، حرام می‌شود؟

ج: در فرض سؤال دختر و خواهر او بر وی حرام نمی‌شود.

محارم

س ۶۴۱: اگر کسی دو زن داشته باشد و از زن اولش چند دختر داشته باشد که ازدواج کرده باشند آیا دامادهای او با زن دوم محرم اند؟

ج: دامادهای زن اول بر زن دوم محرم نمی‌شوند.

عقد موقت

س ۶۴۲: برخی از جوانان مسلمان جهت رفع نیاز غریزه جنسی با زنان ارتباط

برقرار می‌کنند در حالی که هیچ راه شرعی را در نظر نمی‌گیرند آیا برای کسانی که زبان نمی‌دانند و امکان خواندن را ندارند قصد استرقاق و یا نکاح معاطاتی (تنها در این موارد) می‌تواند رافع معصیت باشد یا نه؟

ج: راهی جز اینکه مفهوم عقد موقت را بر او تفهیم کنند و او و یا بوکالت از طرف او و به اصالت از طرف خود صیغه را بخوانند و رعایت محتوای عربی را با انشاء به هر زبان که باشد با شرایط بکنند وجود ندارد.

س ۶۴۳: زن و مردی به داشتن رابطه جنسی با یکدیگر تمایل داشته‌اند و مرد فقط با توجه به اینکه زن به داشتن رابطه جنسی با او تمایل دارد، زن را برای مدتی که می‌دانسته و یقین داشته که به داشتن رابطه با او (مرد) رضایت دارد بدون اینکه به زن چیزی بگوید به عقد موقت خود در آورده و بعد بین آنها آمیزش صورت گرفته است. حال با توجه به مقدمه ذکر شده آیا عقد فوق باطل است و عمل انجام گرفته زنا محسوب می‌شود؟ توضیح اینکه زن مذکور از زنان فاسد و بی بندو بار بوده است؟

ج: در عقد موقت تعیین مدت و همچنین مبلغی که بعنوان مهر معین می‌شود باید با رضایت و اطلاع طرفین باشد و در غیر این صورت عقد باطل است.

س ۶۴۴: شخصی از کشور جمهوری اسلامی وارد کشوری اروپایی می‌شود و با زنی آشنا و علاقمند می‌شوند که با هم ازدواج کنند اما در آن کشور روحانی نیست که صیغه عقد را بخواند، دفترهایی مخصوص دارند که به آنجا مراجعه می‌کنند و مشخص است که صیغه عقد خوانده نمیشود و به روش و رسومات خود عمل می‌کنند، آیا این شخص از نظر اسلام با آن زن عقد بسته است؟ و عقد آنها صحیح و درست است؟

ج: باید خود یا وکیل آن دو به هر زبانی که می‌توانند صیغه عقد را بخوانند و بعد جهت انجام مراسم قانونی به مراکز مربوطه مراجعه نمایند.

س ۶۴۵: فردی زنی را برای مدتی مثلاً ده سال صیغه کرده و بعد از دو سال بقیه مدت صیغه را بخشیده، آیا زن در هنگام بخشیدن مدت مثل عقد دائم از حیض و نفاس باید پاک باشد یا خیر؟ و همچنین زوج در بین عده می‌تواند به همسرش رجوع کند؟

ج: پاک بودن از حیض و نفاس در عقد منقطع لازم نیست، همچنین زوج نمی‌تواند در بین عده رجوع نماید.

نکاح با اهل کتاب

س ۶۴۶: ازدواج بصورت دائم با اهل کتاب برای مرد یا برای زن جایز است یا خیر؟
ج: ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب بطور دائم بنا بر اقوی جایز است ولی احتیاطاً در صورتی اقدام به ازدواج به طور دائم با آنها نکند که متمکن از ازدواج با زن مسلمان نباشد، اما ازدواج زن مسلمان با اهل کتاب جایز نیست.

س ۶۴۷: آیا اهل کتاب پاک می‌باشند؟ ازدواج با آنها چگونه است؟
ج: اهل کتاب پاک می‌باشند و ازدواج با آنها بصورت موقت جایز است و بطور دائم نیز جایز است ولی احتیاط آن است که در صورت تمکن از ازدواج با زن مسلمان یا اهل کتاب ازدواج به طور دائم صورت نگیرد؟

س ۶۴۸: آیا نفقه همسری که اهل کتاب باشد واجب است؟
ج: نفقه واجب است.

س ۶۴۹: آیا بهائی‌ها نجس می‌باشند؟ حکم ازدواج با آنها چیست؟
ج: نجس می‌باشند و ازدواج با آنها جایز نیست.

عیوب

س ۶۵۰: در نکاح دائمی اگر زن قبل از نزدیکی، به علت عنین بودن مرد طلاق بگیرد یا به هر علت دیگری عقد نکاح فسخ شود در اینصورت شوهر نسبت به نصف مهر مشغول الذمه است و اگر هم قبلاً کل مهر را پرداخت کرده نسبت به نیمی از آن حق رجوع دارد. حال اگر قبلاً زن مهر خود را به طور کامل به شوهر خود هبه کرده باشد آیا در اینصورت نیز باید به میزان نصف مهر به شوهر سابق خود برگرداند؟

ج: اگر به جهت «عنّین» بودن مرد، عقد فسخ شود باید زوج نصف مهر را پرداخت نماید و اگر بجهت عیبهای دیگری که موجب فسخ است عقد فسخ می‌شود اگر نزدیکی انجام نشده چیزی بر زوج واجب نیست و اگر نزدیکی انجام شده باید تمام مهر را بدهد و در صورت هبه کردن مهر خود به شوهر لازم نیست نصف مهر را بشوهر برگرداند بلکه اگر هبه معوضه نباشد می‌تواند نصف مهر خود را از زوج مطالبه نماید.

س ۶۵۱: با توجه به موارد فسخ نکاح در صورتیکه زوجه دچار چسبندگی لب کوچک فرج باشد که امکان دخول نباشد ولی چسبندگی مزبور طبق نظریه پزشک متخصص بسهولت قابل جراحی باشد آیا عیب مزبور از موجبات فسخ نکاح می‌باشد یا خیر؟

ج: بلی از موجبات فسخ نکاح می‌باشد.

س ۶۵۲: زوج قبل از عقد مجنون بوده زوجه نمی‌دانسته در این صورت عقد باطل بوده یا منعقد شده و زوجه فسخ می‌کند و باز این مسئله چند صورت دارد جنون زوج قبل از عقد و بعد از عقد قبل از مقاربت و بعد از مقاربت لطفاً جواب چند صورت را بیان بفرمائید.

ج: در فرض مسأله زوجه حق فسخ نکاح را دارد چه اینکه قبل از عقد مجنون بوده و زوجه نمی‌دانسته یا اینکه بعد از عقد جنون عارض زوج شود

و اگر مقاربت صورت گرفته است زوجه استحقاق تمام مهر را دارد و اگر مقاربت صورت نگرفته است استحقاق چیزی را ندارد.

س ۶۵۳: در مورد عیوب موجب فسخ نکاح در زنان، در حال حاضر بیماریهای جدیدی بوجود آمده که خطر آنها ممکن است به مراتب از بیماریهای ذکر شده بیشتر باشد، به عنوان مثال: بیماری ایدز و یا بیماری سل و بیماریهای دیگر، حال سؤال این است که با توجه به مطالب فوق می شود موارد و مصادیق دیگری از عیوب و بیماریها را هم شمارش کرد و جزو عیوبی آورد که موجب فسخ نکاح است؟ ملاک این بیماریها برای قابل فسخ بودن نکاح چیست؟
ج: عیوب موجب فسخ نکاح در توضیح المسائل بیان شده است و غیر آن هر چند خطرناکتر باشد به آن اضافه نمیشود.

نگاه و لمس

س ۶۵۴: آیا در کشورهای اروپایی دست دادن و نگاه کردن به زنهایی که هیچ گونه خود را نمی پوشانند اشکال دارد یا خیر؟
ج: اگر بدون قصد لذت به آن قسمت از بدن زنهای کافر که معمولاً نمی پوشانند نگاه کنند در صورتی که نترسند به حرام بیفتند اشکال ندارد و دست دادن به آنها اشکال دارد.

س ۶۵۵: در موارد محذورات اخلاقی، اجتماعی، دست دادن با دستکش و بدون ریبه با زنان نامحرم چه حکمی دارد؟

ج: اگر بصورت معمولی و بدون ریبه باشد مانعی ندارد.

س ۶۵۶: حدّ گفت و گوی مجاز نامحرمان را بیان فرمائید؟

ج: در صورتی که موجب فساد نباشد اشکال ندارد.

س ۶۵۷: خیاطی کردن مردان برای زنان چه حکمی دارد؟

ج: جایز نیست چون مستلزم حرام می باشد.

شیردادن

س ۶۵۸: اگر زنی نوه دختری یا پسری خود را شیر دهد چه حکمی دارد؟
 ج: شیر دادن به نوه دختری موجب حرمت است ولی در نوه پسری موجب
 حرمت نمیشود، البته شیر دادن و حرام شدن، شرائطی دارد که در مسأله
 ۲۴۶۰ توضیح المسائل ذکر شده است.

س ۶۵۹: زنی، دختری نسبی داشته و سپس آن زن ازدواج مجدد می‌کند و در
 زمانی که نزد شوهر دوم بسر می‌برد پسر بچه‌ای به او می‌دهند که شیر به او دهد،
 حال بعد از انتشار حرمة رضاعی، آیا این پسر با دختر نسبی این زن که از شوهر
 قبلی داشته محرم است؟
 ج: بلی محرم می‌شود.

س ۶۶۰: زنی به بچه‌ای به طور کامل شیر داده به طوریکه آن زن، مادر رضاعی
 طفل محسوب می‌شود، آیا فرزندان این زن نسبت به برادر و خواهر طفل رضیع
 هستند یا خیر؟
 ج: خیر، محرم نیستند.

نشوز

س ۶۶۱: دختری پس از عقد رسمی و آشنائی با روحیات شوهر حاضر به عروسی و
 رفتن به خانه همسر نشده و از دادگاه تقاضای طلاق می‌کند. در این خلال او را از
 خیابان به عنف ربوده و به محلی مخفی برده می‌شود پس از تفحص معلوم می‌شود
 که رباینده همسر وی بوده و برای اجبار وی به تمکین و تشکیل زندگی مشترک
 دست به چنین کاری زده است. آیا در ایام عقد بستگی، نشوز زن صدق می‌کند؟
 ج: در فرض سؤال نشوز صدق می‌کند.

س ۶۶۲: آیا پرداخت نفقه زوجه‌ای که در عقد بستگی تمکین تام نمی‌کند بر زوج

لازم است؟

ج: در فرض مذکور پرداخت نفقه بر زوجه واجب نیست.

فرزند نامشروع

س ۶۶۳: احتراماً به عرض می‌رساند که بچه‌ای که از طریق زنا بوجود آمده است نسبت به عمّه خود چه حکمی دارد؟

ج: در فرض سؤال آن بچه و عمه اش از یکدیگر ارث نمی‌برند و ازدواج آنها با یکدیگر حرام است همانطور که محرم یکدیگر نیز نمی‌باشند.

احکام واجب النّفقه

س ۶۶۴: مادری دارای ۵ فرزند است و دیگر کسی ندارد و خودش هم ضعیف و ناتوان شده؛ آیا خرج و مخارج او بر فرزند بزرگتر واجب است یا بر همه فرزندان؟
 ج: بر هر کدام که تمکن مالی دارند واجب است مخارج مادر را بدهند و اگر همه آنها یا عده ای از آنها متمکن باشند باید مخارج وی را بین خود تقسیم کنند، لازم به ذکر است که خدمت به مادر و تهیه نیازمندیهای وی از اعمال بسیار ارزشمند و پسندیده است که باید فرزند به چنین خدمتی افتخار کند و خدمت به مادر را برای خود سعادت بزرگ به حساب آورد چون باعث برکت و طول عمر و وسعت رزق خواهد بود، اگر شما به پدر و مادر خدمت کنید مطمئن باشید که فرزندان شما هم به شما خدمت خواهند کرد بعلاوه خداوند اجر اخروی بزرگی به شما عنایت خواهد کرد.

س ۶۶۵: طلبه ای مجرد هستم که حدود بیست و دو سال سن دارم و در پایه چهارم و دور از محل اقامتم مشغول به تحصیل علوم دینی می باشم؟ شنیده شده که گفته اند پسر پس از رسیدن به سن تکلیف دیگر ولی او حق و وظیفه خرجی دادن او اعم از تحصیل و پوشاک و غیره را ندارد، آیا چنین است؟ در صورت مثبت بودن جواب لطفاً بفرمائید آیا با اینکه ولی تمکن دارد و می تواند تا اندازه ای هزینه های پسرش را پرداخت نماید و صرفاً به علت فوق سرباز می زند و مقررات مدرسه هم به نحوی است که صبح تا غروب تمام هفته، کلاس، مطالعه و مباحثه برقرار است (به استثنای عصر پنجشنبه ها و در طول روز جمعه که دارای وقت آزاد می باشیم) آیا با وجود آن باز هم ولی بنده چنین حقی دارد که به گفته خویش تکیه و اصرار نماید و آیا سزاوار است بجای ولی، اقوام و خویشاوندان نزدیک دیگر به شخص رسیدگی نمایند؟

ج: بر پدر واجب است که نفقه و مخارج فرزند را در صورتی که فرزند نیازمند باشد بدهد و در این حکم سن مطرح نیست، بلی اگر فرزند بتواند کسب مناسب با شأن خود را برای اداره زندگی بدست آورد و کوتاهی نماید در این صورت نفقه بر پدر واجب نیست، وگرنه زمان انجام کار سپری شده و فعلاً نیازمند است باید نفقه‌ی او را بدهد.

س ۶۶۶: آیا پرداخت نفقه محجور و زوجه اش و فرد واجب النّفقه وی (با توجّه به تمکّن مالی محجور) از ناحیه ولی وی واجب است؟

ج: پرداخت نفقه محجور و زوجه اش و افراد واجب النّفقه او از مال محجور بعهده ولی است.

احکام بانوان

س ۶۶۷: در مجالس زنانه در صورتیکه صدای سخنران و یا مدّاح زن بوسیله بلندگو به گوش مردان رهگذر برسد آیا این عمل جایز می‌باشد؟
ج: در صورتیکه موجب فساد و انحراف نباشد اشکال ندارد.

س ۶۶۸: آیا خانمها می‌توانند بدون تحقیق از وجود پزشک زن به نزد پزشک مرد بروند؟

ج: در صورتی که رجوع به مرد مستلزم انجام حرامی باشد اشکال دارد.

س ۶۶۹: پوشش انگشتر طلا یا النگوی طلا توسط بانوان در صورتیکه در معرض دید نامحرم باشد چگونه است؟

ج: در فرض مذکور پوشش النگو اشکال دارد.

س ۶۷۰: آیا زنان مسلمان می‌توانند با استفاده از کلاه گیس در مجامع عمومی حاضر شوند؟ این مطلب در امکانه ای که رعایت حجاب اسلامی ممنوع است مانند برخی از مدارس فرانسه چه حکمی دارد؟

ج: نمی‌توانند و جایز نیست.

س ۶۷۱: زنی که مهریه اش را از شوهرش گرفته باشد و به شوهرش حلال نکرده اگر بدون اجازه صدقه بدهد یا پولی را خیر اموات کند چه حکمی دارد؟

ج: زن می‌تواند از مال خود صدقه بدهد و یا در خیرات اموات صرف کند و نیازی به اجازه شوهر نیست.

س ۶۷۲: سوراخ کردن گوش دختر خانمها و زنان برای اینکه گوشواره گوش کنند مشروع است یا خیر؟

ج: اشکال ندارد ولی بانوان و دختران بالغ و ممیّز باید به محرم یا مماثل

مراجعه نمایند.

س ۶۷۳: از قدیم در مساجد حائلی مثل پرده بین زنان و مردان بوده است. اما اکنون عده‌ای می‌گویند پرده و دیوار بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزومی ندارد، نظر حضرت‌عالی در این مورد چیست؟

ج: بهتر است که پرده باشد.

س ۶۷۴: در مدارس دخترانه مردانی بعنوان بازرس و غیره در رفت و آمد هستند آیا صحیح است؟

ج: در صورتی که موجب ارتکاب حرامی نشود اشکال ندارد.

س ۶۷۵: تحصیل خانم‌ها بدون رضایت همسر آنان چگونه است؟

ج: در صورتی که موجب تضييع حق شوهر نباشد اشکال ندارد.

س ۶۷۶: در ایام عید نوروز زیاد پیش می‌آید که بعضی زنان با غیر محارم از اقوام دست می‌دهند (مصافحه) این مورد چه حکمی دارد؟

ج: جایز نیست.

بلوغ دختران

س ۶۷۷: سن بلوغ دختران در چند سالگی می‌باشد؟

ج: بعد از تمام شدن نه سال قمری دختران بالغ می‌شوند.

حجاب اسلامی

س ۶۷۸: آیا در حجاب اسلامی باید زیر چانه زن پوشیده باشد؟

ج: بلی، باید بپوشاند.

س ۶۷۹: آیا افزون بر مو و بدن (به جز موارد استثنا) پوشاندن برآمدگی‌های بدن

مانند سینه و ران بر زنان مسلمان واجب است؟

ج: اگر به نحوی باشد که جلب نظر و توجه اجنبی نماید واجب است.

س ۶۸۰: چگونگی پوشش و حجاب زن در مقابل پسر بچه غیر ممیز را مرقوم فرمایید؟

ج: در فرض سؤال وظیفه ای ندارد ولی بهتر است قسمتهائی که جزء عورت به حساب می آید بپوشاند.

س ۶۸۱: آیا بیرون گذاشتن «مو» به مقدار «کم» اشکال ندارد؟

ج: برای بانوان اشکال دارد.

س ۶۸۲: چادر نازک که سایه موها در مقابل نور از پشت آن پیداست از نظر حجاب مشروعیت دارد یا خیر؟ و نیز نماز خواندن با این چادر چگونه است؟

ج: در فرض مذکور اشکال دارد.

احکام طلاق

س ۶۸۳: با در نظر گرفتن این که در شرع مقدّس اسلام اختیار طلاق در دست مرد است و نمی‌توان با اجبار و اکراه، او را به طلاق دادن زنش وادار کرد، اگر مردی را بدون علل شرعی به طلاق دادن زنش مجبور کنند، آیا آن زن می‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند؟ اگر ازدواج کرد، فرزندان آن زن از مرد دوم چه حکم شرعی دارند؟

ج: طلاق‌ای که از روی اکراه و اجبار واقع شود صحیح نیست.

س ۶۸۴: معمولاً زوجه هنگام طلاق، مخصوصاً طلاقهای پیشنهادی از سوی زوج، اجرت خدمات خود در زمان زندگی مشترک را مطالبه می‌کند، مستدعی است بفرمایید: الف: در زندگی مشترک، آیا اصل در ارائه خدمات تبرعی و مجانی بودن است یا اصل عدم تبرع؟ ب: در صورتی که زن به امید زندگی مشترک دایمی در منزل شوهر خانه داری کند و بعداً بر خلاف انتظار وی طلاق روی دهد، آیا این امید به آینده راهی برای استحقاق زوجه نسبت به اجرت می‌باشد؟

ج: اگر زن به دستور شوهر کار کرده و قصد تبرع نداشته باشد حق اجرة المثل را دارد مگر اینکه بیّنه‌ای اقامه شود که مجاناً کار کرده است.

س ۶۸۵: اگر شخصی از روی عصبانیت به شخصی وکالت دهد تا همسرش را طلاق بدهد و فوراً پشیمان شود ولی وکیل در همان مدت کوتاه صیغه طلاق را جاری نموده باشد، آیا طلاق صحیح است یا خیر؟

ج: در صورتی که عصبانیت در حد سلب اختیار و اراده نباشد، طلاق انجام شده صحیح است ولی با وجود شرائط رجوع، زوج می‌تواند رجوع نماید.

خروج مطلقه رجعیه از منزل

س ۶۸۶: خروج مطلقه رجعیه از منزل شوهر به هنگام عده، و سکنی گزیدن در محلی غیر از منزل مرد بدون اذن وی چه حکمی دارد؟ آیا خروج زنی که قبل از طلاق رجعی از همسرش جدا شده و در منزلی دیگر سکنی نموده و در همان حال طلاق گرفته است، همان حکم را دارد؟ حکم اخراج زن توسط مرد در این دو صورت (قبل و بعد از طلاق) چیست؟

ج: خروج مطلقه رجعیه بدون اذن زوج از منزل جایز نیست و اگر بجای دیگری رفته، واجب است به خانه شوهر برگردد و اخراج زن توسط مرد از خانه نیز جایز نیست.

س ۶۸۷: در فرض بالا بنا بر اینکه زن مکلف به ماندن در منزل مرد بوده و خروجش بدون اذن مرد حرام باشد، آیا این تکلیف در ارتباط با حق مرد است تا با تراضی بتوان آن را اسقاط نمود، یا اینکه یک وظیفه شرعی برای زن است که ارتباطی به حق مرد ندارد؟

ج: جواز خروج از خانه شوهر حق مرد است و با رضایت وی اشکال ندارد.

س ۶۸۸: وظیفه مرد در مورد زن مطلقه اش که بی اذن وی خارج شده و در جای دیگری اسکان نموده چیست؟ و آیا می توان چنین زنی را ملزم به بازگشت نمود؟

ج: می تواند نفقه را به وی بدهد و به او تذکر دهد که به خانه مراجعت نماید.

عده

س ۶۸۹: آیا زنا عده دارد؟

ج: خیر، عده ندارد.

س ۶۹۰: آیا زنی که در عده طلاق است می تواند با مسافرت برای صلح رحم بدون اذن شوهری که از او طلاق گرفته برود؟

ج: اگر در عده رجعی باشد لازم است با اجازه شوهر از منزل خارج شود مگر برای انجام کارهای ضروری یا انجام عمل واجبی که وقت آن مضیق است.

س ۶۹۱: اینجانب شوهرم چندین سال قبل فوت کرده و مدتی بدون شوهر زندگی می‌کردم و بعداً با آقائی بعنوان عقد غیر دائم ازدواج نمودم مشروط بر اینکه اگر خواستگار دائمی برابم پیدا شد با او عقد ازدواج دائمی ببندم و بعد از مدتی با یکی از فامیلها که از سادات است از من خواستگاری کرد و شوهرم هم مدت را بذل کرده و بخشیده و بعد از آن عقد انقطاعی و بذل مدت یکمرتبه عادت ماهیانه شدم پاک شدم و فکر می‌کردم که با همان یکمرتبه عده تمام است و می‌توانم ازدواج کنم و ازدواج کردم الان هم زندگی مطلوبی دارم بعداً متوجه شدم که ازدواج ما مشکل شرعی داشته از آن مرجع عالیقدر استدعا دارم که نظر خودشان را در مورد حل مشکل اینجانب بیان فرمایند.

ج: در فرض سؤال اگر بعد از عقد با شوهر دوّم دخول انجام گرفته است بر او حرام مؤبد می‌شوید و اگر دخول صورت نگرفته است فقط عقد باطل است و می‌توانید با عقد جدید با آن ازدواج نمائید.

س ۶۹۲: اگر شخصی با زنی که در عده وفات و عده طلاق خلع و یا عده طلاق مبارات است ازدواج کند و آگاه از مسئله نبوده آیا عقد او باطل است یا خیر؟ و آیا آن زن حرام مؤبد می‌شود؟

ج: در فرض سؤال عقد باطل است و اگر دخول انجام شده آن زن بر وی حرام ابدی می‌شود.

س ۶۹۳: زن و مردی که صیغه عقد موقت شده باشند و از لحاظ آمیزشی تماسهای ظاهری با هم داشته باشند و هیچگونه دخولی صورت نگرفته باشد، بعد از تمام شدن صیغه آیا آن زن باید عده نگه دارد؟

ج: اگر دخول انجام نشده عده ندارد.

س ۶۹۴: اگر کسی با زنی عقد موقت بسته است، آیا بعد از اتمام مدت یا بخشش

مدت مقرر، مرد می‌تواند با این زن عقد مجدد ببندد در حالیکه زن در عده می‌باشد؟

ج: عقد مجدد برای همین مرد جایز است.

طلاق محاکم قضائی

س ۶۹۵: مردی معتاد و دارای مرض روانی بود و بیکار نیز می‌باشد برای سومین بار هم به زندان افتاده است، ولی مرد منکر است، البته اعتیاد و مریضی ایشان نزد دکترهای متعدّد و دکتر و پزشک قانونی به اثبات رسیده و همسرش تقریباً چهارده سال با مشکلات گوناگون با او زندگی کرده و دو فرزند او را بزرگ نموده، با توجه به شروطی که در عقدنامه‌ها نیز به آنها اشاره شده، آیا شرعاً حق طلاق را دارد یا خیر؟

ج: در صورتیکه زندگی برای او حرجی باشد می‌تواند به حاکم شرع مراجعه نماید تا او را طلاق دهد و اگر در عقد نکاح شرط کرده باشد که در صورت اعتیاد زوج و یا... زن از طرف مرد وکیل بلا عزل در طلاق است می‌تواند در صورت اعتیاد خود را طلاق دهد البته باید به محاکم شرعی مراجعه نماید.

س ۶۹۶: شخصی یکبار و یا سه بار با ذکر «والله» نزد همسرش قسم می‌خورد که اگر بدون اجازه برای رفتن به جایی از منزل خارج شود طلاقش می‌دهد، با عنایت به اینکه زن با اجازه رفتن به منزل پدرش پس از مراجعه از آنجا، بدون اجازه به منزل خواهر خود می‌رود، حال اگر شخص قسم خورده صیغه طلاق را جاری نکند (اصالتاً یا کالتاً) آیا کفاره بر ذمه وی قرار می‌گیرد؟

ج: این قسم باطل است و به آن ترتیب اثر داده نمیشود.

س ۶۹۷: زن بعلت شیر دادن بچه عادت نمیشود با توجه به اینکه زمان طلاق زنان بعد از طهر غیر موافقه می‌باشد، اکنون که زن در این وضعیت می‌باشد چه زمانی می‌توان صیغه طلاق را جاری نمود؟

ج: بعد از آخرین نزدیکی در صورتی که سه ماه تمام عادت نشود می‌توان بعد از آن زن را طلاق داد.

س ۶۹۸: اینجانب از تاریخ اول دی ماه ۱۳۷۶ که شوهرم از منزل خارج گردیده و اقدام به تقدیم دادخواست طلاق کرده‌ام تا کنون با نامبرده به هیچ وجه تماس نداشته‌ام و فقط یکبار در دادگاه با نامبرده حضوراً برخورد داشته‌ام، آیا از جهت شرعی به نامبرده حلال می‌باشم یا خیر؟

ج: به همان دادگاه که در فوق مرقوم داشته‌اید مراجعه کنید و تا طلاق از طرف شوهر صورت نگرفته است شما به او حلال می‌باشید.

س ۶۹۹: زنی با بذل نیمی از مهریه از شوهر خود طلاق خلعی گرفته است و یک روز به انقضای ایام عدّه باقی مانده به ما بذل خود رجوع می‌نماید ولی شوهر که از این رجوع بی اطلاع است از طلاق خود رجوع نمی‌کند. آیا این طلاق از نظر شرعی صحیح می‌باشد یا خیر؟ و آیا زن می‌تواند صاحب مابذل در فرض مذکور گردد؟

ج: در فرض مذکور طلاق محقق شده است و زوجه صاحب آنچه که بذل کرده نمی‌باشد بلکه (ما بذل) متعلق به زوج می‌باشد.

س ۷۰۰: در مواردی که حاکم شرع زوج را ملزم به طلاق دادن زوجه اش می‌کند و در صورت امتناع، حاکم شرع خود زن را مطلقه می‌کند در موارد زیر چه نوع طلاقی است و مهریه و حق نفقه ثابت است؟

ج: چنین طلاقی بائن است و حق مهر گرفتن خود را دارد ولی در صورتی که حامله نباشد حق نفقه ندارد.

حضانت

س ۷۰۱: اگر جدایی فرزند از مادر، خواهر یا برادرش به سلامت روانی طرفین خصوصاً طفل، لطمه وارد کند یعنی مشقت غیر قابل تحمل را سبب شود، آیا می‌توان حضانت فرزند را تا رسیدن به سن بلوغ یا رشد به یکی از والدین سپرد؟

ج: پسر تا دو سالگی و دختر تا هفت سالگی باید تحت سرپرستی مادر باشند و بعد از آن تحت سرپرستی پدر قرار می‌گیرند.

س ۷۰۲: آیا دادگاه اسلامی می‌تواند با توجه به شرایط خاص والدین و حفظ مصالح طفل بدون در نظر داشتن سن طفل (۲ و ۷ سال) حضانت وی را به پدر واگذار نماید؟

ج: با شرائطی می‌تواند.

س ۷۰۳: آیا پس از رسیدن فرزندان به سن بلوغ یا رشد، پدر و مادر هیچ تکلیفی درباره حضانت آنان ندارند؟

ج: پس از رسیدن فرزندان به سن بلوغ و رشد پدر و مادر نسبت به حضانت آنها تکلیفی ندارند.

س ۷۰۴: مردی که همسرش را طلاق می‌دهد، دختر ۱۲ ساله آنها با کدامیک از مرد یا زن زندگی کند (یعنی اگر پدر بخواهد دخترش با او زندگی کند آیا خود دختر می‌تواند مخالفت کند و اگر نزدیکان زن یا خود آن زن، دختر را فریب داده باشند یا ترغیب کرده باشند یا نسبت به پدرش بدبین کرده باشند) در این صورت دختر با پدر باید زندگی کند یا با مادرش؟

ج: در فرض مذکور چنانچه دختر عاقله و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد، اختیار با خود او است و در غیر اینصورت لازم است که نزد پدرش زندگی کند.

ظهار

س ۷۰۵: آیا بعد از ظهار و لعان دوباره با عقد جدید می‌شود زندگی کرد؟

ج: اگر کفاره را پرداخت نماید عمل زناشوئی بر وی حلال است و نیاز به عقد جدید نیست.

احکام ردّ مظالم و حق الناس

س ۷۰۶: ردّ مظالم یعنی چه و چه حکمی دارد و مصرف آن چگونه است؟ آیا در مصرف آن اجازه مجتهد لازم است؟

ج: مظالم عباد به اموال و حقوقی گفته می‌شود که از روی ظلم از بندگان خدا گرفته یا به حقوق آنها تعدّی شده است که در صورتی که عین آنها باقی باشد و صاحبانشان معلوم باشند باید به آنها داده شود و اگر عین موجود نیست باید مثل یا قیمت آنها را پرداخت نمود و اگر حقوق آنها مورد تعدّی قرار گرفته باید رضایت آنان را بدست آورد و در صورتی که صاحبان آنها معلوم نباشد از مصادیق مجهول المالک است و همچنین هر نوع مال و حقّی که از دیگران به عهده انسان تعلق گرفته است و صاحبانشان معلوم نباشد از موارد مجهول المالک به حساب می‌آیند که باید بعد از تلاش برای شناسائی صاحبان آنها و یأس از شناخته شدن آنان، بنا بر احتیاط با اجازه حاکم شرع به فقیر صدقه داد.

س ۷۰۷: اگر انسان قبل از بلوغ دزدی و یا حق کسی را ضایع و پایمال کرده باشد لازم است از صاحبان حق حلالیت بطلبد یا خیر؟

ج: بلی لازم است بعد از بلوغ از آنان درخواست حلیّت نماید یا حقوق ضایع شده آنان را پرداخت نماید.

احکام ذبح

س ۷۰۸: فلسفه استفاده از ذبح اسلامی چیست و آیا افراد خارج از کشور که استفاده از گوشت ذبح اسلامی برای آنان سخت است، چه تکلیفی دارند؟

ج: در صورتی که ذبح اسلامی محقق نگردد میت می‌باشد و میتی برای انسان ضرر معنوی و جسمی دارد. اما در رابطه با قسمت دیگر سؤال، در کشورهای غیر اسلامی باید احراز شود که ذبح اسلامی انجام گرفته است.

س ۷۰۹: گوسفند و یا گاو ماده که ذبح می‌نمایند جنین آن چه حکمی دارد؟
ج: چنانچه خلقت جنین مرده در شکم حیوان کامل باشد و مو یا پشم در بدنش روئیده باشد با سر بریدن مادرش، پاک و حلال است.

س ۷۱۰: آیا ذبح حیوان با استیل جایز است؟

ج: با هر فلز برنده‌ای صحیح است.

س ۷۱۱: هنگام ذبح حیوان، شوک وارد کردن به آن و یا خوراندن داروی بیهوشی برای جلوگیری از احساس درد جایز است یا نه؟ در صورت جواز، خون مانده درون بدن حیوان، چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که موجب از بین رفتن حیات طبیعی نشود جایز است و خون باقی مانده، حکم خون ذبیحه را دارد.

س ۷۱۲: اگر در ذبح سنتی مرغ، ذابح و یا ذابحین بسم الله نگویند و یا قبله را رعایت نکنند، آن ذبیحه حلال است یا خیر؟

ج: آن ذبیحه میتی است و خوردن گوشت آن حرام است.

س ۷۱۳: در ذبح حیوانات حلال گوشت اگر گلوی آن حیوان را از بالاتر و یا پائین‌تر از حد مشخص ببرند چه صورت دارد؟

ج: اگر چهار رگ در حد مشخصی بریده نشود، آن ذبح مردار و خوردن گوشت آن حرام است.

ذبح با دستگاه

س ۷۱۴: در برخی از کشتارگاههای صنعتی که در هر بار به تعداد چند هزار قطعه مرغ کشتار می‌کنند و فقط برای مرغ اول لفظ جلاله بسم الله گفته می‌شود؛ این سؤال پیش می‌آید که آیا مجموع این مرغها از نظر شرعی پاک می‌باشد و ذبح شرعی در مورد آنها اعمال گردیده است یا نه؟

ج: در صورتی که این تعداد از مرغها را با هم ذبح می‌کنند یعنی در عرض هم ذبح می‌کنند، یک دفعه بسم الله گفتن برای همه آنها کافی است ولی اگر در طول هم ذبح می‌شوند یعنی پس از اینکه ذبح اولی تمام شد ذبح دوومی شروع می‌شود و همچنین، در این صورت بسم الله که برای قبلی گفته می‌شود برای بعدی کافی نیست.

س ۷۱۵: ذبح گاو و گوسفند و مرغ با ماشین با یک بسم الله چه صورت دارد؟
ج: در صورتی که همه آنها هنگام ذبح با یک بسم الله ذبح شوند و شرایط دیگر هم رعایت شود کفایت می‌کند.

شکار و صید

س ۷۱۶: شکار و صید به جهت تفریح و تفنن چه حکمی دارد؟ صدور محووز از طرف سازمانهای ذیربط برای چنین عملی چگونه است؟
ج: در فرض مذکور صید اشکال دارد و صدور مجوز اسلحه تابع مقررات قانونی می‌باشد.

س ۷۱۷: از بازار ماهی خریدم از شکم آن ماهی، ماهی دیگری بیرون آمد آیا آن ماهی که از شکم دیگری بیرون آمده نیز حلال است؟

ج: حلال است.

ذبیحه اهل کتاب

س ۷۱۸: صید و ذبیحه اهل کتاب چگونه است؟

ج: صید و ذبیحه آنان پاک نیست.

احکام نذر

س ۷۱۹: احتراماً به عرض می‌رسانم که، بنده نذر کرده بودم اگر در حوزه علمیه شهر مقدس قم پذیرش و قبول شوم یک ماه را روزه بگیرم؛ اما اینجانب در مدرسه علمیه روستای حاجی آباد که در یازده کیلومتری شهر قم واقع است پذیرش و قبول شدم. سؤال از حضرت‌عالی اینست که: چون منظور بنده شهر قم بود نه جای دیگر، آیا باید به نذر خود عمل نمایم یا خیر؟

ج: در فرض مذکور عمل به نذر واجب نیست.

س ۷۲۰: نذر کرده‌ام تا هر زمان که زنده باشم بعد از نمازهای یومیّه دو رکعت نماز به نام امام زمان علیه السلام بخوانم آیا در ایامی که به علت عذر شرعی نمی‌توانم نماز یومیّه بخوانم باید قضای نماز نذری که در این ایام نتوانسته‌ام بخوانم بجا بیاورم؟

ج: این سؤال در مورد مرد که معذور از خواندن نماز یومیّه باشد مصداق ندارد ولی با فرض عذر باید آن را قضا کرد و عذر مذکور در مورد زنان مانند اصل نماز یومیّه قضا ندارد.

س ۷۲۱: آیا جایز است پارچه و دستمالهائی را که بعنوان اداء نذر بر روی علمها می‌بندند بفروش برسانند و در عزاداری و تعمیر حسینیه مصرف نمایند؟

ج: اگر نذر کننده مورد خاصی را در نظر نداشته جائز است.

س ۷۲۲: آیا می‌شود از وجوهات، مبرات و صدقات و نذورات جهت کمک به طلاب واجد شرایط پرداخت نمائیم؟

ج: صرف وجوهات احتیاج به اجازه مرجع تقلید دارد. صرف نذر در هر موردی تابع کیفیت نذر نادر است و در صورتی که طلاب محترم نیز مشمول نذر نادر باشند می‌توان به آنها پرداخت و در صورتی که استحقاق داشته باشند صدقات را هم می‌توان به آنها پرداخت.

س ۷۲۳: اینجانب بعنوان مسئول و خادم یک مؤسسه خیریه و هیئت معصومین علیهم السلام هستم با توجه به اینکه این مؤسسه دارای اعضاء شورا هم می باشد که کلیه اعضای آن فی سبیل الله بدون مزایا و حقوق داوطلبانه کار و فعالیت دارند آیا می شود بعنوان پاداش مبلغی وام بلاعوض به نامبردگان جهت دلگرمی. از صدقات، مبرات و نذورات و یا یک سوم سهم مبارک امام علیه السلام و سادات که اجازه آن گرفته شده که جهت مصارف کارهای دینی هیئت خرج شود. پرداخت نمائیم؟

ج: نذورات تابع کیفیت نذر کنندگان است و باید مراعات شود و صدقات و مبرات را اگر مستحق باشند به آنها می توان داد و در صرف سهم امام علیه السلام و سهم سادات از مرجع تقلید خود اجازه بگیرید.

س ۷۲۴: زنی فرزندی بدنیا آورده و نذر کرده اگر این فرزند سالم بماند هفت ماه روزه بگیرم، و فعلاً این زن یک روز هم روزه نگرفته، با توجه به اینکه از نظر جسمانی نیز ضعیف می باشد وظیفه او چیست؟

ج: لازم است بر اساس نذر عمل نماید و می تواند به مرور زمان و با فاصله روزه ها را بجا آورد.

س ۷۲۵: اگر شخصی نذری مانند قربانی کردن گوسفند یا گاو در ماه محرم داشته باشد، که آن را در بین مردم تقسیم نماید، ولی چون در مسجد شام یا نهار نذری وجود دارد و این نذریه به کلیه اهالی روستا داده می شود، آیا این شخص می تواند قربانی خود را به نذورات مسجد هدیه نماید؟ و همچنین اگر شخصی قدرت مالی برای اداء نذر خود ندارد، می تواند به همان مقدار توانایی خود به مسجد هدیه نماید؟

ج: به همان صورت که نذر کرده باید مصرف نماید.

س ۷۲۶: اگر پدری به طور مشخص نذری داشته باشد مثل آب گوشت و یا حلیم و غیره، آیا اولاد ملزم به عمل کردن این نذورات هستند یا خیر؟

ج: خیر، اگر پدر نذری کرده باشد بر اولاد واجب نیست که به آن نذر عمل نمایند.

س ۷۲۷: در دهه اول ماه محرم در روستای ما حسینیه ای هست جوانان در آنجا عزاداری و نوحه خوانی می‌کنند و از آنجا دسته عزاداری را به مسجد جامع می‌آورند و هر سال مبلغ بالائی پول بعنوان نذری برای حسینیه و برای راه اندازی دسته سینه زنی جمع می‌شود که یک دهم پولها صرف حسینیه نمیشود به نظر حضرتعالی آیا می‌شود همان پولها را صرف در امور مسجد مثل بلندگو و تعمیر و مرمت ساختمان و دیگر مایحتاج مسجد نمائیم چون اگر در این امور صرف نشود حیف و میل می‌شود. و آیا می‌شود از بلندگوهای مسجد در حسینیه و از بلندگوهای حسینیه در مسجد استفاده کنیم لازم به ذکر است عمده عزاداری و سینه زنی ماه محرم در مسجد واقع می‌شود. ضمناً مسجد نوسازی است احتیاج به پول دارد، صرف پولها در مسجد چگونه است؟

ج: در صورتی که صاحبان پول اجازه دهند یا در ضمن جمع آوری پول برای عزاداری مطرح شود که قسمتی از این پولها برای نیازمندان و مخارج مسجد است، مانعی ندارد ولی اگر پولها را مخصوص خرج عزاداری داده باشند باید در همان راه مصرف شود و بردن بلندگوی حسینیه به مسجد و بالعکس در صورتی که بلندگو مخصوص حسینیه یا مسجد است نمی‌توان آن را بجای دیگر برد.

احکام وقف

س ۷۲۸: گرفتن قرآنهای ممهور به مهر وقف از مسئولین سعودی چگونه است؟
ج: اگر وقف عام است اشکال ندارد.

س ۷۲۹: زمینی را به عنوان مسجد و حسینیه پایه ریزی نموده ایم، با توجه به اینکه تصمیم داریم ۲ طبقه باشد و یک طبقه به عنوان مسجد و طبقه دیگر به عنوان حسینیه، نظر جنابعالی در این رابطه چیست؟
ج: از اول هر قسمتی را به هر عنوانی که بسازید و وقف کنید اشکال ندارد.

س ۷۳۰: آیا مبلغی را که فرد مثلاً جهت تعمیرات مسجد وقف می کند می توان در جای دیگر مثلاً خرید فرش برای مسجد خرج کرد یا اینکه فقط برای موردی که وقف شده باید مصرف شود؟

ج: در صورتی که صاحب پول اجازه بدهد اشکال ندارد، ولی از موارد وقف نیست.

س ۷۳۱: در جنب مسجدی قدیمی ساختمانی وجود داشت که صاحبش وقف مسجد نموده بود و اکنون آن ساختمان را جزء مسجد نموده ایم پیش از تخریب ساختمان آب فاضلاب ساختمان همسایه از حیاط آن ساختمان وقف شده رد می شد الان که جلوی فاضلاب همسایه مسدود شده آیا می توانیم از زیر شبستان مسجد فاضلاب را هدایت کنیم؟

ج: عبور دادن فاضلاب از مسجد جایز نیست، مگر اینکه پیش از مسجد شدن، همسایه نسبت به عبور فاضلاب خود، ذی حق بوده باشد.

س ۷۳۲: آیا مستأجرینی که به موقع اجاره بها، رقبه مورد اجاره خود را پرداخت نمی نمایند و موجبات عدم اجرای به موقع نظر واقف می شوند فرایض دینی آنها در این رقبات اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج: اگر در ضمن اجاره شرط کرده‌اند که مستأجر در وقت معینی اجاره بها را بپردازد، و تخلف کرده است موجر می‌تواند اجاره را فسخ نماید و اگر اجاره فسخ شد عبادت در آنجا اشکال دارد، و بهر حال تأخیر اجاره بها از وقت مقرر، گناه و معصیت است.

س ۷۳۳: آیا اشخاصی که بدون مجوز اداره اوقاف و متولیان موقوفات اراضی وقفی را در تصرف دارند و متولی و اداره اوقاف به تصرفات آن‌ها راضی نیستند فرایض دینی آنها که در این رقبات انجام می‌دهند از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟
ج: در فرض مذکور، عبادت آنان در آنجا باطل است.

س ۷۳۴: شخصی زمینی را وقف مسجد نموده است و اهالی محل آن زمین را بنا نموده و از درآمد آن بنا مخارج مسجد از قبیل خادم و امام جماعت و... را اداره می‌نمایند، بیان فرمائید آیا از درآمد این بنا برای امورات فرهنگی و اعیاد و وفیات و اردوهای زیارتی، کلاسهای تابستانی که در مسجد برگزار می‌شود می‌توان مصرف نمود؟

ج: اگر واقف زمین و کمک کنندگان، مورد خاصی را در نظر نداشته‌اند صرف درآمد در موارد مذکور مانعی ندارد.

س ۷۳۵: آیا چیزی که وقف می‌شود باید هنگام وقف - حال چه بالفعل و یا بالقوه - منفعت داشته باشد؟

ج: در وقف شرط نیست که فعلاً دارای منفعت باشد بلکه اگر در آینده هم منفعت داشته باشد کافی است، مانند وقف درختی که در آینده دارای میوه می‌شود یا حیوانی که در آینده شیر می‌دهد یا می‌زاید.

س ۷۳۶: یک قطعه زمین زراعی بمدت ۹۹ سال اجاره داده شده است و ملک فوق‌الذکر وقف اولاد ذکور می‌باشد، مؤجر و مستأجر هر دو در قید حیات نیستند و مورد نظر در اختیار برادر مستأجر می‌باشد. آیا اجاره مذکور باطل می‌باشد یا خیر؟ در صورت جواز اجاره درآمد حاصله چگونه تقسیم می‌شود؟ در ضمن مؤجر دارای

پنج فرزند پسر نیز می‌باشد که در حیات هستند.

ج: در فرض مذکور اگر مؤجر متولی وقف بوده و با رعایت مصلحت وقف و مصلحت موقوف علیهم زمین را اجاره داده است با مَوْتُ وی اجاره باطل نمیشود و در آمد حاصل باید بر اساس نظر واقف میان اولاد ذکور تقسیم شود.

س ۷۳۷: شخصی در زمان حیات خویش با خود عهد می‌کند: ملکی که از دستش رفته است اگر باز گردد پنج هزار متر آن وقف حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بوده باشد، و اتفاقاً زمین به ایشان برمی‌گردد؛ آیا وقف به صورت مشاع و بدون تعیین و یا به نحو کلی فی المعین صحیح است؟

ج: وقف بصورت مشاع مانعی ندارد.

س: آیا پنج هزار متر از این زمین وقف است.

ج: بعد از آنکه صیغه وقف جاری شد و سایر شرائط نیز موجود بود پنجهزار متر زمین وقف می‌باشد.

آیا بر ورثه لازم است که طبق این عهد عمل کنند؟

ج: هر کس که عهد کرده واجب است به عهد خود عمل نماید.

س: آیا می‌توان زمین را فروخت و وجه آن را برای حضرت ابوالفضل علیه السلام و یا دیگر وجوه مصرف نمود؟

ج: بعد از تحقق وقف جایز نیست.

س ۷۳۸: و سائلی در آشپرخانه وجود دارد که مسجد به آن احتیاج ندارد آیا می‌توانیم آن را در کارهای خیر به اجاره داده و درآمد آنرا صرف مسجد کرد؟

ج: اگر منظور واقف استفاده از آنها برای خود مسجد بوده، اجاره آنها جایز نیست.

س ۷۳۹: آیا صحیح است که کسی پولی را برای نیازمند وقف کند تا در بانکی نگهداری شود تا هر نیازمندی در مدتی معین برای رفع حاجت از آن استفاده کند

سپس مثل آن را به بانک پردازد.

ج: از مصادیق وقف نیست ولی عمل مزبور بعنوان قرض مطلوب و دارای اجر است.

س ۷۴۰: مسجدی است که واقف آن متولی آنرا معین نموده و در این زمینه وصیت نموده است. شرعاً متولی دارای چه مسئولیتی است و در قبال مسجد چه وظائفی را باید انجام بدهد؟ آیا اداره مسجد و برنامه‌های آن به عهده متولی است و یا هیئت امناء مسجد این مسئولیتها را بعهده دارد؟

ج: اگر واقف وظیفه متولی را مشخص کرده است به همان نحو عمل می‌نماید اما اگر معین نکرده است آنچه را که متعارف است انجام دهد مثل حفظ و نگهداری و تعمیر و نحو آن.

فروش عین موقوفه

س ۷۴۱: اگر ملک وقفی را کسی به نفع خود بفروشد و خریدار آنرا صاحب شود، در صورتیکه افرادی به خریدار گفته باشند این ملک موقوفه است آیا خرید ملک موقوفه برای خریدار جایز است یا خیر؟ چگونه؟

ج: در فرض مذکور خرید ملک موقوفه جایز نیست.

س ۷۴۲: اگر فردی اراضی موقوفه را فروخته باشد آیا وراثت آن می‌تواند بجای آن اراضی، اراضی دیگری را به موقوفه واگذار کنند یا باید اراضی خود موقوفه به آن برگردد؟

ج: باید اراضی وقف شده مسترد شود ولی اگر امکان نداشته باشد باید مشابه آن به وقف عودت داده شود.

س ۷۴۳: آیا هیئت امناء مساجد اجازه فروش زمین قبرستان به منظور دفن افراد را دارند یا خیر؟

ج: خیر.

س ۷۴۴: اگر خریدار ملک موقوفه در هنگام خرید متوجه نبود و اطلاعی نداشته باشد ولی بعدها متوجه شود که این ملک موقوفه بوده است، خریدار چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: هر زمان که متوجه شده ملک موقوفه است باید آن را بوقف برگرداند.

س ۷۴۵: زمینی را برای دفن اموات وقف نموده‌اند که فعلاً نیز در آن محل کسی را دفن نمی‌کنند و آن مکان به زباله دانی تبدیل شده و قبرستان بجای دیگری منتقل گشته، تکلیف در مورد زمین مذکور چیست؟

ج: در فرض مذکور لازم است آن زمین را بفروشند و با پول آن در نقطه دیگری زمین خریده برای قبرستان وقف شود.

س ۷۴۶: آیا وسایلی که وقف مسجد نموده‌اند می‌توان در صورت عدم نیاز به آن وسایل آنها را با وسایل مورد نیاز مسجد تعویض نمود و یا اینکه آنها را فروخت و وسایل مورد نیاز خریداری شود و یا اینکه پس از فروش آنها مبلغ کسب شده را برای خرج تعمیرات مسجد گذاشت؟

ج: می‌توانید آنها را بفروشید و وسائل مورد نیاز که مشابه وسائل قبل باشد تهیه نمایید یا با وسائل مشابه مورد نیاز تعویض نمایید.

س ۷۴۷: حدود بیش از یکصد سال پیش فرد خیری آب انبار (حوض آب) ساخته و وقف کرده است و بیش از سی سال است که این حوض آب، مخروبه شده است و فرضاً اگر باز سازی هم بشود استفاده کننده‌ای ندارد. آیا می‌شود زمین آب انبار را فروخت و وجه آنرا در کار خیر دیگری بنام واقف صرف کرد؟

ج: در فرض سؤال فروش آن جایز است ولی باید آن را در راهی که نزدیک به عین موقوفه باشد صرف کرد.

تبدیل و تغییر موقوفه

س ۷۴۸: احداث ساختمان شخصی، ساختمان عام المنفعه از قبیل بهداری و

مدرسه و غیره در قبرستان جایز است یا خیر؟

ج: در صورتیکه زمین وقف برای دفن اموات می باشد جایز نیست.

س ۷۴۹: در شهر همدان قبرستان متروکه ای است که حدود شصت سال قبل، زمین آن برای قبرستان خریداری شده است و قسمتی از این قبرستان را شهرداری همدان جهت احداث مسجد به اهالی محل واگذار نموده است که ساخت مسجد نیز - به علت اینکه فاصله زمین مورد نظر با مسجد جامع محل حدود یک کیلومتر می باشد - ضرورت دارد، لکن هنوز صورت قبرها باقی است، نظر حضرتعالی در باره ساخت مسجد در این محل مذکور چیست؟

ج: اگر زمین وقف قبرستان نباشد و نیز خراب کردن قبرها توهین به مدفونین نباشد و زمین هم صاحب معین نداشته باشد با اذن حاکم شرع جایز است که در آنجا مسجد درست شود.

س ۷۵۰: در صورت نیاز شدید ورثه به اموال مورث و دچار شدن آنان به حرج و عسر شدید، در صورت وقف قطعه زمینی از مایملک وی، آیا چنان وقفی وجهه شرعی دارد یا خیر؟

ج: در صورتی که وقف محقق شده باشد صحیح است و ملک مذکور به ورثه بعنوان ارث نمی رسد ولی اگر ورثه یا بعضی از آنها مشمول مورد وقف باشند می توانند از وقف در حدّ خودشان استفاده کنند.

س ۷۵۱: آیا تبدیل کردن حسینیه به مسجد توسط عده ای از نمازگزاران جایز است؟

ج: جایز نیست.

س ۷۵۲: یکی از مساجد قدیمی شهر شاهرود که قدمت تاریخ احداث و دستور ساخت آن به امام یازدهم حضرت امام حسن عسگری علیه السلام منسوب می شود با توجه به قدمت تاریخ خود ضمن برگزاری نماز جماعت در شبانه روز، در تمام ایام سال کماکان برنامه هائی از قبیل جشنهای مذهبی ایام سوگواری و موالید ائمه

معصومین علیهم السلام برگزار و هزینه های مربوطه این مجالس صرفاً از محل نذوراتی که مردم این شهر از طیب خاطر و ارادت به آن امام همام بصندوق نذورات مسجد واریز می نمایند، برداشت و تأمین می شود. این مسجد دارای تعداد زیادی خدمه است که بعضی از آنان سابقه خدمتشان به بیش از نیم قرن می رسد که این خدمت امورات مسجد را با پنج نفر امناء منتصبه انجام می دهند. چند سالی است هیئت امناء مذکور که چهار نفر آنان از افراد خارج از خدمه اصلی مسجد هستند، ساختمان اداری و چند واحد مسکونی در زمین موقوفه ای مربوط به همین مسجد احداث و اکثر هزینه های ساختمان مذکور را از محل نذورات صندوق مورد اشاره برداشت و پرداخت نموده و سپس با تنظیم وقف نامه ای اعیانی احداثی را به نام خودشان بعنوان واقف به مسجد مذکور وقف نموده و تولیت آنرا برای یکی پس از دیگری از افراد پنج گانه خود به ثبت رسانیده اند. اکنون با توضیحاتی که فوقاً به استحضار رسید از محضر آن زعیم عالیقدر سؤال می شود که امناء مذکور شرعاً می توانند خود بنام واقف بوده و تولیت آنرا صرفاً بنام فرد فرد قرار دهند؟

ج: نمی توانند و صحیح نیست.

س ۷۵۳: وقف منزل به عنوان حسینه در مدت ۱۰ روز معین و تولیت برای اولاد واقف یا برادر ارشد پس از پایان روضه خوانی و عزاداری، ملکیت منزل، حسینه، از وفقیت خارج و به ورثه برمی گردد یا خیر؟

ج: در صورتی که وقف محقق شده باشد، از ملکیت واقف و وارث خارج شده و مجدداً به ملکیت آنان بر نمی گردد.

س ۷۵۴: آیا اداره اوقاف می تواند بر خلاف نظر واقف در دهه عاشورا اطعام نماید و حتی منزل واقف که بعنوان حسینیّه استفاده می گردیده بصورت مسجد درآورد یا خیر؟ با توجه به اینکه پس از دهه محرم هیچ گونه استفاده عام المنفعه ای ندارد.

ج: باید به همان صورت که وقف شده، مورد استفاده قرار گیرد و تغییر آن جایز نیست.

س ۷۵۵: زمینهایی که در روستاهای کشور جمهوری اسلامی ایران و یا در اطراف شهرها به منظور کشت و تولید محصولات کشاورزی و باغبانی و مانند آن، از طرف واقف، شرعاً وقف شده است، آیا از طرف افراد حقیقی و یا حقوقی می‌توان این زمینها به قطعات کوچکتری تبدیل شود؟ و نیز آیا می‌شود کاربری این زمینها را که برای زراعت و باغبانی وقف شده است، تغییر داد؟

ج: در صورتی که به مصلحت وقف باشد، می‌توان آنها را به قطعات کوچکتر تبدیل نمود. ولی تغییر آنها از حالت زراعی و باغی به چیز دیگر جایز نیست، مگر اینکه انتفاع از آن بصورت اولیه از بین برود یا به حداقل برسد که در این دو صورت می‌توان آنها را به چیز دیگر که حتی الامکان مشابه حالت اول و قابل انتفاع باشد، تبدیل کرد.

س ۷۵۶: مسجدی دارای موقوفه است آیا می‌توان وقفیات آن مسجد را در اموری غیر از مورد وقف در همان مسجد خرج نمود؟

ج: خیر

خروج عین موقوفه به محل دیگر

س ۷۵۷: آیا می‌شود لوازم مسجد را - همچون دیگ بزرگ برای پخت و پز غذای مجالس - از مسجد بیرون برد؟

ج: اگر آن لوازم بعنوان مسجد معین وقف شده است بیرون بردن آنها جایز نیست.

س ۷۵۸: با توجه به اینکه کتابخانه و مسجد هر دو مکان عمومی هستند آیا به علت وسایل کم کتابخانه می‌توانیم از وسایل مسجد استفاده بکنیم؟

ج: استفاده از وسایل و امکانات مسجد در صورتی که مطابق با نظر واقفین و اهداء کنندگان باشد مانعی ندارد.

وقف عام

س ۷۵۹: وقف مؤبد و حبس مخلد منزل واقف در مدت دهه محرم فقط برای تعزیه داری و روضه خوانی که بدون اطعام صورت گرفته، آیا بنظر حضرتعالی اینگونه وقف بر اشخاص مثل امام حسین وقف عام محسوب می‌شود یا وقف خاص؟

ج: وقف بر امام حسین علیه السلام وقف عام است.

وقف معاطاتی

س ۷۶۰: آیا وقف معاطاتی صحیح است؟
ج: وقف معاطاتی صحیح است ولی لازم است شرائط دیگر مراعات شود.

حبس

س ۷۶۱: بنظر حضرتعالی در وقف خاص مثل وقف بر اولاد یا وقف شخص مثل امام حسین با مدت معین ده روز که وقف منقطع الاخر می‌باشد ورثه واقف به صورت ملک غیر طلق مالک ملک می‌شود یا خیر؟

ج: در فرض مذکور، به عنوان وقف صحیح نیست ولی به عنوان «حبس» صحیح است و اگر حابس در قید حیات نباشد، ملکیت آن مربوط به ورثه است.

احکام خوردنیها و آشامیدنیها

س ۷۶۲: در اغلب موارد «ژلاتین» که یک ماده خوراکی است و با ترکیب با اسانسهای مختلف در ساخت شکلات، کاکائو یا شیرینی، بستنی و... به کار می‌رود از «کلاژین»های موجود در ساختمان استخوان، زردپی، رباط، پوست و جلد گاو یا گوسفند که بهترین نوع آن می‌باشد اخذ می‌شود، اما ممکن است این عمل از ساختمان حیوانات حرام گوشت و یا حیوانات حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده باشند نیز انجام پذیرد، با توجه به اظهار نظریه علمی پیرامون همین موضوع که استعمال شدن کلاژین و تبدیل شدن به محصول جدیدی بنام ژلاتین می‌باشد و امروزه در اکثر مواد خوراکی مصرف دارد، آیا فرقی بین حیوانات حلال گوشت یا حرام گوشت و ذبح شرعی یا ذبح شرعی نشده در این مسئله و تحصیل ژلاتین از ماده کلاژین که در ساختمان بدن حیوانات، موجود است می‌باشد یا خیر؟

ج: ماده مزبور در صورتی که از حیوانات حلال گوشت که ذبح شرعی شده است و از لابلای استخوانهای این قبیل حیوانات و از اجزای حلال آنها بدست آمده است حلال است ولی از اجزای حرام این حیوانات اگر بدست آمده است حرام است؛ اجزای حرام حیوانات حلال گوشت که حرام است به این شرح است:

۱. خون؛
۲. فضلہ؛
۳. آلت ذکوریت؛
۴. آلت انوثیت؛
۵. بچه دان و جفت احتیاطاً؛
۶. غدد که آنرا دشول می‌گویند؛

۷. تخم که دُنبلان نیز نامیده می‌شود؛
۸. چیزی که در مغز کله است و به شکل نخود می‌باشد؛
۹. مغز حرام که در میان تیره پشت است؛
۱۰. پی که در دو طرف تیره پشت است.
۱۱. زهره دان؛
۱۲. سپرز (طحال)؛
۱۳. مئانه؛
۱۴. حدقه چشم (مردمک)،
۱۵. چیزی که در میان سم است و به آن ذات الأشاجع می‌گویند.

س ۷۶۳: خوردن گوشت خرگوش نر و ماده چه حکمی دارد؟
ج: حرام است.

س ۷۶۴: اینجانب مدتی است که به مرض اسهال مبتلی گشته و هر چه مداوا نموده‌ام مفید واقع نگشته است و بر حسب تجربه در موارد مشابه و به گفته دکترها خوردن یک لیوان شراب برای این مرض مفید است، متمنی است که رأی حضرتعالی در این زمینه را مرقوم فرمایید؟

ج: خوردن شراب و کلیه مسکرات از محرّماتِ مسلم اسلام است ولی چنانچه طبق تشخیص پزشک متخصص و مورد اطمینان تجویز شود و معالجه بیمار نیز منحصر به آشامیدن آن باشد و (جایگزین) هم نداشته باشد می‌تواند برای درمان به مقدار ضرورت مصرف کند.

س ۷۶۵: خوردن کنسرو ماهی که پولک دار بودنش مشکوک است پس از احراز اینکه زنده از آب خارج شده چه حکمی دارد؟
ج: در فرض سؤال مانعی ندارد.

س ۷۶۶: با توجه به اینکه برخی از داروهای ضروری و حیاتی از منابع حرام یا نجس مثل اعضاء یا مدفوعات انسان یا حیوان تهیه می‌گردند و اصولاً اینگونه

داروها از کشورهای خارج و غیر مسلمان وارد می‌شوند حکم شرعی مصرف اینگونه داروها در انسان و نیز معامله بر روی آنها چیست؟

ج: خرید و فروش آنها اشکال ندارد و در صورتی که استحاله شده یا شک داشته باشیم که از اعیان نجسه تهیه شده باشد، خوردن آنها هم مانعی ندارد و در غیر این دو صورت خوردن آنها حرام است مگر اینکه به عنوان دارو مورد استفاده قرار گیرد و راه درمان منحصر در آن باشد که استفاده خوراکی از آن در حد ضرورت جایز است و استفاده غیر خوراکی در هر حال جایز می‌باشد.

احکام وصیت

س ۷۶۷: شخصی وصیت نموده خانه مسکونی خود را بعد از فوت خود به همسر دائمیش واگذار نماید، اما همسرش بعد از ۱۶ روز فوت نموده و ایشان وصیت کرده بعد از من در میان این خانه دعای ندبه و زیارت عاشورا و ماه رمضان جلسه قرآن بخوانند و دارای ۱ پسر و ۱ دختر نیز می‌باشد و پسر می‌گوید من می‌خواهم این خانه پدری را بفروشم و دختر قصد فروش خانه را ندارد، حکم مسئله چیست؟

ج: خانه مسکونی که وصیت کرده اگر به اندازه ثلث مال موصی باشد وصیت صحیح است و خانه متعلق به زوجه است، او نیز تا یک سوم اموالش می‌تواند وصیت کند و در صورتی که بیشتر از ثلث مالش باشد اگر ورثه اجازه بدهند به وصیت عمل می‌شود و اگر اجازه ندهند تا یک سوم نافذ است و مازاد بر آن مربوط به ورثه می‌باشد.

س ۷۶۸: شخصی در اثر تصادف ماشین فوت کرده و وصیت به ثلث نموده است. وصی میت ادعای دیه نموده است و بابت آن چکی از قاتل دریافت نموده است. بعد از آن بعضی از ورثه میت رضایت داده‌اند و بعضی سهمشان از دیه را گرفته‌اند. حال سؤال این است: حکم سهم میت و وظیفه وصی چیست؟

ج: میت از دیه سهمی ندارد و از سایر اموال میت به اندازه یک سوم که وصیت کرده حق دارد که باید طبق وصیت مصرف شود.

س ۷۶۹: پدر و مادر در زمان حیاتشان چندین مرتبه گفته‌اند که خانه‌ای که خودشان در آن زندگی می‌کنند مال دخترهای آنهاست (احتمالاً منظور پس از فوت پدر و مادر بوده است) و این مطلب را چندین نفر هم شنیده‌اند و شاهد بر این گفته می‌باشند. اکنون که پدر و مادر فوت کرده‌اند، دو پسر می‌گویند که این خانه هم مثل بقیه اموال پدر و مادر باید بین پسرها و دخترها تقسیم شود. حال با

توجه به اینکه وصیت نامه مکتوبی در این زمینه موجود نیست و نیز با توجه به اینکه پدر و مادر به غیر از این خانه املاک و اموال دیگری هم دارند تکلیف چیست؟

ج: به گفتن جمله مذکور وصیت محسوب نمیشود.

س ۷۷۰: اگر این گفته را وصیت حساب کنیم آیا لازم است که حتماً به صیغه وصیت باشد؟

ج: وصیت باید به کیفیتی باشد که معلوم باشد که موصی نظرش این است

که بعد از فوت وی فلان عمل انجام شود یا فلان مال برای فلان شخص باشد.

س ۷۷۱: شخصی وصیت نموده که از تمامی ماترک او که شامل اثاث منقول و ساختمان و املاک می باشد ثلث آنرا حساب نموده و وجه آن را ده قسمت نمایند دو سهم آنرا بزوجه دائمی خود پرداخت نموده و بقیه از حق تقسیمه آن الباقی هشت سهم آنرا جهت خیرات و مبرات مصرف نمایند سؤال این است:

۱. آیا این وصیت نافذ می باشد؟

ج: وصیت نافذ است.

۲. از املاک غیر منقول از قیمت هر یک آن باید پرداخت شود یا از کل قیمت

املاک آن هم باید پرداخت شود؟

ج: از تمامی اموالی که وصیت کرده منقول و غیر منقول باید به زوجه داده

شود.

س ۷۷۲: آیا پدر می تواند در مسئله ارث به دختر خودش مثل پسرانش یک سهم

بدهد یا باید به دختر نصف پسر را بدهد؟

ج: می تواند به دخترش هر اندازه که بخواهد ببخشد یا وصیت کند که به

دخترش به اندازه سهم پسر بدهند و در حال حیات پدر تمام ورثه وصیت

نامه را قبول نمایند واگر نه تا یک سوّم فقط نافذ است.

اختیارات وصی

س ۷۷۳: شخصی فوت نموده و دارای وصیت نامه شرعی می باشد و از آنجایی که دارای فرزند صغیر می باشد همسر خود را قیّم قرار می دهد در اینصورت در منزل آنمرحوم می شود نماز خواند یا چای خورد...؟

ج: بدون اسراف و با رعایت مصلحت صغیر و اذن وصی مانعی ندارد.

س ۷۷۴: آیا وصی می تواند با ملک یکی از ورثه که نزد او امانت است و با مطالبه مکرر عودت نداده، تجارت کند و آیا عوائد و منایع ملک از آن چه کسی است؟

ج: جایز نیست و درآمد ملک متعلق به مالک است نه وصی.

نفوذ وصیت بیشتر از ثلث

س ۷۷۵: آیا برای زوج و زوجه ای که فاقد اولادند و می خواهند از نظر ارث به گونه ای عمل نمایند که اگر هر یک از آنها زودتر از دیگری از دنیا رفت تمام اموالش به همسرش برسد و سایر اقوام و فامیلش هیچگونه حقی نداشته باشد، راه و طریق مشروعی وجود دارد؟

ج: هر کدام از آنها می توانند وصیت کنند که بعد از هر کدامشان تمام اموالشان برای دیگری باشد و وصیت نامه مربوطه توسط تمام ورثه هر کدام امضاء شود؛ اگر چنین کنند چون ورثه آنان در حال حیات وصیتشان را پذیرفته و امضاء کرده اند بعد از فوت یکی از آنان حق اعتراض و مطالبه چیزی از اموال را که مورد وصیت قرار گرفته است ندارند.

س ۷۷۶: پدری فوت نموده و دارای ۲ پسر و ۲ دختر می باشد که همه بزرگ و متأهل هستند، پدر در زمان حیات خود و در هنگام ازدواج پسرها برای آنها هر کدام یک خانه می خرد و بیان می دارد که خانه اش را که خود در آن ساکن است پس از مرگش متعلق به دختران باشد و این مسأله را چندین مرتبه و به عناوین

مختلف بیان می‌کند به طوریکه عده‌ای آنرا می‌شنوند یا به طور غیر مستقیم اطلاع پیدا می‌کنند. اگر چه پسرها در زمان حیات وی از این تصمیم ناراضی بوده و این نارضایتی را نیز به پدر اعلام می‌کنند ولی پدر چندان ترتیب اثری به حرف آنان نداده و در فرصتهای دیگر بر نظر خود پافشاری می‌نماید، حال با توجه به اینکه هیچ وصیت نامه مکتوبی وجود ندارد، سئوالات زیر مطرح است: الف) آیا پسرها در زمان حیات پدر شرعاً حق اعتراض به انتقال خانه به دخترها توسط پدر برای پس از مرگ پدر را داشته‌اند؟

ج: خیر نداشته‌اند.

ب) آیا نوشتن و عدم وجود وصیت نامه مکتوب را باید دال بر تغییر نظر و رجوع پدر از گفته‌های سابق خود مبنی بر انتقال خانه به دخترها دانست یا دال بر تأیید نظر و گفته‌های سابقش؟

ج: خیر دلالت بر تغییر نظر وصیت کننده نمی‌کند.

ج) آیا این جملاتی که پدر گفته مبنی بر انتقال خانه به دخترها که چندین مرتبه تکرار شده و چندین نفر هم آن را شنیده‌اند را باید چیزی غیر از وصیت شفاهی دانست و آیا شرعاً وصیت شفاهی صحیح است؟

ج: وصیت شفاهی صحیح است.

د) آیا اگر وصیت شفاهی شرعاً صحیح است باید حتماً به صیغه وصیت آمده باشد یا به هر لفظی که دال بر انتقال خانه برای پس از مرگ به دخترها باشد کافی است؟

ج: هر لفظی که دلالت بر وصیت کند کافی است.

ه) آیا شک در اینکه شاید پدر از نظر خود برگشته است (حالا شک به هر دلیلی باشد) می‌تواند اعتبار آن جماعت و گفته‌های سابق را از بین ببرد و به عبارت بهتر آیا شک لاحق، اعتبار یقین را مخدوش می‌کند؟

ج: خیر.

و) در نهایت آیا شرعاً خانه به دخترها می‌رسد - طبق اظهارات شفاهی پدر در زمان حیات - یا طبق ادعای پسرها باید بین پسرها و دخترها تقسیم شود؟
ج: در صورتی که آنچه وصیت کرده به اندازه ثلث مال میت یا کمتر باشد، باید به آن عمل شود و اگر بیشتر از ثلث باشد، با رضایت ورثه، وصیت نافذ است.

احکام ارث

س ۷۷۷: مردی که با زنی ازدواج نموده همسر دیگری دارد که دارای چندین فرزند دختر و پسر می‌باشد آیا اولاد از همسر دوم از اموال ایشان نیز سهم دارند (البته همسر دوم زندگی و اموالش جداگانه است) این مرد می‌گوید اینها (همسر دوم مرد همراه دو دخترش) از اموال من که قبل از ازدواج با همسر دوم داشتم حقی ندارند، شرعاً حکم چیست؟

ج: تمام اموال این شخص بعد از حیاتش به تمام فرزندان به عنوان ارث منتقل می‌شود و فرقی بین اولاد همسر قبل و بعد نمی‌باشد.

س ۷۷۸: اگر کسی بدون وصیت بمیرد اموال و دارایی او چگونه تقسیم می‌شود؟
ج: بعد از پرداخت بدهیها و حقوق واجب مالی، بر اساس قانون ارث بین ورثه تقسیم می‌شود.

س ۷۷۹: شخصی با دختری ازدواج می‌کند با پنج میلیون تومان پول، اکنون آن شخص مرده و کلّ دارائی او همان پنج میلیون تومان است و وراثت میت پدر و مادر و دو فرزند و همسر او می‌باشند؛ تقسیم مال چگونه است؟
ج: در فرض سؤال اگر پنج میلیون تومان، مهریه زوجه بوده تمام ماترک به زوجه داده می‌شود.

س ۷۸۰: شخصی نسبتاً ثروتمند و دارای اراضی کشاورزی بسیار و با داشتن همسران و تعداد زیادی فرزند، تمام اراضی کشاورزی و اشجار و باغات خود را کلاً به یکی از پسرانش واگذار کرده (بدون دلیل بلکه نشئت گرفته از عناد) و بقیه فرزندان و همسران را از ارث محروم می‌نماید و مسئله را به صورت خرید و فروش (در واقع کلاه شرعی) در یکی از دفاتر ثبت، بصورت ثبتی به نام همان یک فرزند

نموده است، مرقوم فرمایید از نظر شرعی تکلیف چیست؟ و آیا سایر ورثه در این اموال حقی دارند یا خیر؟

ج: سزاوار است که انسان سایر فرزندان خود را از اموال خویش محروم ننماید ولی اختیار اموال خود را دارد و می‌تواند تمام اموال یا بخشی از آن را به یکی از فرزندان یا فرد دیگری ببخشد یا بفروشد.

س ۷۸۱: شخصی از دنیا رفته و بجز یک خواهر مادری و چند خواهر زاده پدر و مادری وارثی ندارد. البته متذکر می‌شود که این مرحوم ارث پدری را تنها تصاحب نموده و در قید حیات، ارث خواهر خود را نداده است و همین خواهر چند سال قبل فوت نموده است، آیا فرزندان خواهر فوت شده می‌توانند از ترکه متوفی، حق مادرشان را مطالبه نمایند و در صورت داشتن حق، سهم آنان چقدر می‌باشد؟

ج: مسأله مورد سؤال در حقیقت دو مسأله است:

۱. اموال پدر میان یک پسر و یک دختر به این ترتیب تقسیم می‌شود که پسر دو برابر دخترانشان می‌برد.

۲. این شخص (یعنی پسر آن متوفی) هنگامی که از دنیا رفته چون یک خواهر بیشتر ندارد تمام اموال خودش مال خواهر می‌باشد و خواهرزاده‌ها از او ارث نمی‌برند. ولی در مسأله اول اگر آن مرد متوفی حق خواهر خود را نداده باشد فرزندان او حق دارند سهم الارث مادرشان را از وی بازستانند.

س ۷۸۲: پدری دارای چهار فرزند - دو پسر و دو دختر - و یک همسر می‌باشد. پدر که فوت نمود ارث تقسیم نشده بود که دو فرزند پسر نیز فوت نمودند و ارث به دو دختر و همسر رسید، آیا سهم دو پسر که فوت نموده‌اند به مادر می‌رسد یا اصلاً سهمی ندارند؟

ج: در ابتدا باید «ترکه» میت میان ورثه (همسر دو پسر و دو دختر) تقسیم شود و یک هشتم آن را با شرائطش که در رساله ذکر شده به همسر بدهند و باقی مانده به هر پسر دو برابر دختر داده شود، ولی چون دو پسر وارث دیگری غیر از مادر ندارند سهم آن دو به مادر می‌رسد.

س ۷۸۳: همین زن ازدواج نمود و از شوهر دوم نیز دو دختر و دو پسر دارد، آیا اولاد از همسر دوم از اموال شوهر قبلی (ما ترک) ارث می‌برند یا خیر؟
 ج: اولاد همسر دوم از اموالی که از شوهر اول به مادرشان رسیده، نیز ارث می‌برند.

ارث زن و شوهر

س ۷۸۴: شخصی مرحوم شده است که دارای دو برادر پدری و یک برادر پدر و مادری و یک همسر بدون فرزند می‌باشد برادر پدر و مادری چندین روز قبل از خود متوفی از دنیا رفته و دارای چندین فرزند می‌باشد در تقسیم ارث به چه نحوی باید رفتار کرد؟

ج: در فرض سؤال که برادر پدری و مادری قبل از متوفی فوت نموده است فرزندان او ارث نمی‌برند و وارث میّت فقط همسر و دو برادر پدری هستند که یک چهارم از اموال را همسر بر اساس آنچه در توضیح المسائل، مسأله ۲۷۶۹ ذکر شده، ارث می‌برد و بقیه اموال بطور مساوی بین دو برادر پدری تقسیم می‌شود.

س ۷۸۵: مادر اینجانب که پس از فوت پدرم با شخصی دیگری ازدواج کرده بود هم اکنون مرحوم شده است سؤال ما این است که مقدار سهم الارث باقی مانده از مادرم نسبت به شوهر دوم و بنده که فرزند او از شوهر اول هستم به چه مقدار می‌باشد؟ ضمناً بخشی از اموال باقی مانده از مادرم طبق سند، هبه شوهر دوم می‌باشد، حکم آن چیست؟

ج: در فرض سؤال چهار یک همه اموال مادران چه هبه و غیر هبه به شوهر دومش می‌رسد و بقیه را ورثه دیگر می‌برند.

س ۷۸۶: زنی که فوت کرده و ورثه او شوهرش و تنها دخترش می‌باشند، سهم الارث هر کدام چقدر است؟

ج: شوهر چهار یک از همه اموال را ارث می‌برد و بقیه مال دختر است.

ارث پدر و مادر

س ۷۸۷: پدر و مادر از اولاد چقدر ارث می‌برند و از چه می‌برند؟ البته غیر از پدر و مادر متوقی یک پسر و دو دختر هم دارد.

ج: در فرض سؤال پدر و مادر هر کدام شش یک از همه اموال به ارث می‌برند و بقیه مال پسر و دخترها است و به پسر دو برابر دختر باید داده شود.

س ۷۸۸: حدود چهار سال پیش یکی از دوستانم مبلغی پول (شصت و پنج هزار تومان) نزد اینجانب امانت گذاشت و بعد از مدتی مفقود شد و تا کنون اثری از شخص نامبرده بدست نیامده، بعد از این واقعه همسرش که حدوداً یکسال با وی زندگی کرده بود غیباً طلاق گرفت و فرزندى هم ندارند بنده را در این مورد راهنمایی فرمائید که امانت را به پدرش مسترد نمایم یا به همسرش؟

ج: در صورتی که اطمینان دارید که صاحب مال از دنیا رفته آن را به ورثه او یعنی پدر و همسرش تحویل دهید که یک چهارم مبلغ مذکور مربوط به همسرش می‌باشد و باقی مانده متعلق به سایر ورثه است.

ارث عمو، عمه، دائی و خاله

س ۷۸۹: شخصی که از دنیا رفته و وارث میت، عمو و عمه پدر و مادری و دائی هستند چگونه ارث می‌برند و اگر ورثه عمو باشد با دائی زاده و یا عمو یا خاله زاده چگونه ارث می‌برند؟

ج: مال را سه قسمت می‌کنند یک قسمت را به دائی و خاله می‌دهند که بطور مساوی بین خود تقسیم می‌کنند و دو سوم را به عمو و عمه می‌دهند که عمو دو برابر عمه می‌برد و با بودن عمو یا عمه به دائی زاده و خاله زاده ارث نمی‌رسد.

س ۷۹۰: خانمی فوت کرده و وراثت وی عبارتند از: شوهر، عمّه ابی، دایی ابوینی خواهشمند است نحوه تقسیم ما ترک متوفیه را ارشاد نمایید.

ج: در فرض مذکور نصف ترکه را به شوهر می‌دهند و نصف دیگر را سه قسمت می‌کنند یک قسمت را به دائی می‌دهند و دو قسمت را به عمّه می‌دهند.

ارث جدّ و جدّه

س ۷۹۱: شخصی از دنیا رفته وارث میت جدّ و جدّه پدری و مادری و جدّ و جدّه مادری و یک برادر و دو خواهر هستند اینان چگونه ارث می‌برند؟

ج: یک سوّم ترکه به جدّ و جدّه مادری می‌رسد که بطور مساوی قسمت می‌کنند و دو سوّم دیگر میان سایر ورثه بطوری که مرد دو برابر زن ببرد تقسیم می‌شود.

ارث کسانی که با هم می‌میرند

س ۷۹۲: کیفیت و نحوه ارث بردن افرادی که به طور دستجمعی در اثر حوادث طبیعی (زلزله و سیل یا...) و یا حوادث رانندگی (تصادف یا...) و یا حوادث جنگی (بمباران و...) کشته می‌شوند و تقدیم و تأخر موت آنان معلوم نیست چگونه می‌باشد؟

ج: در فرض سوآل در صورتی که از طریق زلزله، بمباران یا سیل از دنیا رفته باشند هر کدام از آنها از دیگری ارث می‌برد و اگر از طریق تصادف یا علل دیگری از دنیا رفته باشند نیز از یکدیگر ارث می‌برند ولی احتیاط آن است که در این صورت ورثه با یکدیگر مصالحه و سازش نمایند و راه تعیین ارث آن است که فرض شود زنده بودن یکی از آنها و مردن دیگری که از تمام ترکه ارث می‌برد و سپس این ارث به بازماندگان زنده می‌رسد.

اختیارات ولی

س ۷۹۳: کسی فوت شده و دو نفر صغیر از ایشان باقی مانده است، پدری دارد پیر که قدرت و توانائی سرپرستی صغار را ندارد، آیا برادر مرحوم می‌تواند سرپرستی صغار را بعهده گیرد ولی از عمارت و اموال از قبیل فرش و ظروف اثاث البیت استفاده نماید؟ نماز خواندن در آن خانه چه صورت دارد؟

ج: در فرض سؤال پدر که ولی صغار است می‌تواند کسی را به عنوان وکیل خود در نظر بگیرد تا امور مربوط به صغار را انجام دهد و خود در کارهای وی نظارت نماید و استفاده برادر از خانه و وسائل مذکور و نماز خواندن وی در آنجا با اجازه پدر و رعایت مصلحت صغار اشکال ندارد.

احکام امر به معروف و نهی از منکر

س ۷۹۴: امر به معروف و نهی از منکر مرد نا محرم به زن یا بالعکس چگونه باید باشد؟

ج: با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر اشکال ندارد.

س ۷۹۵: آیا برای آموزگار یا مسئولین آموزشگاه جایز است دانش آموز را به جهت آوردن تصاویر یا وسایلی مشابه آن که منافی عقّت عمومی باشد تنبیه بدنی نمایند؟

ج: خیر باید با شرائطش امر به معروف و نهی از منکر نمود و در صورتی که وسائل مذکور از ابزار لهُو باشد از بین بردن آنها اشکال ندارد.

س ۷۹۶: در موارد بالا در صورت تکرار و اصرار بر عمل توسط دانش آموز آیا حکم تغییر خواهد کرد؟

ج: با رعایت امر به معروف و نهی از منکر حکم تغییر می کند چون امر به معروف مراتبی دارد.

احکام قضاوت

س ۷۹۷: بدلیل حساسیت حقوقی بعضی شغلها مثلاً شغل قضاوت که ممکن است نادانسته حق کسی پایمال شده و حق الناس را در بر داشته باشد آیا اجتناب از این شغلها خوب و مصلحت می باشد یا نه؟

ج: در صورتی که انسان واجد شرائط قضاوت باشد اجتناب از پذیرفتن آن مصلحت نیست ولی باید سعی کند که حدود الهی و حقوق افراد را کاملاً رعایت کند.

علم قاضی

س ۷۹۸: اگر استناد علم قاضی به یکی از مواردی مانند قراین و محتویات پرونده یا عکس و فیلم از فرد هنگام ارتکاب جرم یا نوار ضبط وی از مکالمات که مشتمل بر برخی..... باشد یا تحقیقات محلی و یا گفتگوهای غیر رسمی طرفین در محکمه یا فیلم و عکس از مجرم حین ارتکاب جرم و یا استفاده از علائم غریبه‌ای مانند هیپنوتیزم و نظائرش و یا استفاده از روشهای نوین در کشف جرم و یا استفاده از دستگاه دروغ سنج یا... باشد، این علم مستند به موارد فوق حجیت شرعی دارد؟

ج: در صورتی که از موارد مذکور یا غیر آن برای قاضی علم حاصل شود حجیت شرعی دارد.

س ۷۹۹: الف: آیا قاضی می تواند در مقام قضاوت به علم خود عمل کند؟
ج: بلی.

ب: در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا علم قاضی در تمام موارد حجت است؟ (دعاوی جزایی و مدنی، حق الله و حق الناس و جرایم جنسی و غیر جنسی)

ج: علم قاضی در تمام موارد حجت است.

ج) آیا منظور از قاضی، قاضی مجتهد است یا قضات مأذون غیر مجتهد را نیز شامل می‌شود؟

ج: قضات مأذون غیر مجتهد را نیز شامل می‌شود.

د: آیا بین حصول علم برای قاضی، قبل از تصدی امر قضا و بعد از تصدی از نظر حجیت، تفاوتی وجود دارد؟

ج: در صورتی که قاضی در حین قضاوت علم داشته باشد فرقی نمی‌کند.

س ۸۰۰: در صورت تعارض علم قاضی با اقرار یا بی‌بینه کدام مقدم است؟

ج: علم قاضی بر اقرار و بی‌بینه مقدم است.

س ۸۰۱: چنانچه دلیل اثبات جرم، منحصر به نظریه کارشناس - مانند کارشناس انگشت‌نگاری یا پزشکی قانونی - باشد بفرمایید: الف) آیا از نظر شرعی چنین دلیلی حجیت دارد؟ ب) در صورت حجیت، آیا دلیل مستقلاً محسوب می‌شود یا حجیت آن منوط به داشتن شرایط بی‌بینه است؟

ج: الف: خیر مگر آنکه قاضی از این راه علم پیدا کند. ب: دلیل مستقلاً

حساب نمی‌شود.

قضاوت بانوان

س ۸۰۲: انتخاب شغل قضاوت برای زنان چه حکمی دارد؟

ج: از آنجا که قضاوت اسلامی یکی از شئون حکومتی اسلام است لذا قضاوت زنان و دخالت آنان در مراحل امور قضائی در مواردی که با تنظیم برنامه‌ای از طرف زعیم اسلامی صورت گیرد و در چهارچوب موازین اسلامی تنظیم شود جائز است.

احکام حدود

س ۸۰۳: آیا می‌توان تسهیلات پزشکی (استرلیته و بیحسی و...) برای اجرای حدود در قطع اعضاء ایجاد نمود؟

ج: جایز نیست مگر اینکه حاکم شرع مصلحت بدانند.

س ۸۰۴: اگر به تشخیص پزشکی قانونی اجرای حدّ (جلد، قطع ید یا...) یا قصاص عضو بر فرد بیمار یا سالمی که دچار ضعف شدید جسمانی است باعث مرگ یا ابتلای وی به بیماری یا تشدید آن می‌گردد، تکلیف چیست؟

ج: در فرض سؤال صبر کنند تا فرد مذکور بهبودی حاصل نماید و فرد ضعیف توانا شود و بعد از آن بر او اجرای حدّ نمایند.

س ۸۰۵: در صورت مساوی بودن تقصیر سبب و مباشر، تقسیم مسئولیت آن دو برای پرداخت خسارت چگونه خواهد بود؟

ج: در فرض سؤال، مباشر مسئول است و فرض هم بسیار بعید است.

حد زنا

س ۸۰۶: با توجه به مسائل جاری و مبتلا به در مورد رجم آیا در موارد زیر زانی مستوجب و مستحق رجم می‌باشد؟ الف: وقتی به قصد فرار از شرط احسان به مسافرت رفته و مرتکب زنا شده است؟

ج: مستوجب رجم نمی‌باشد.

ب: در شرایطی مرتکب زنا شده که همسر وی (زن یا شوهر) به علت بیماری توان جماع نداشته است؟ (گرچه دیگر استمتاع ممکن بوده)

ج: رجم نمی‌شود.

ج) زنا وقتی محقق شده که به علت اختلافات خانوادگی یا انزجار همسر از او، جماع با وی ممکن نبوده است؟

ج: در صورتی که امکان عمل زناشوئی برای وی نباشد رجم نمیشود.

د: ارتکاب زنا به هنگام روزه داری همسر بوده است؟

ج: عدم تحقق احصان در این مورد بعید است.

ه: زنی که در ایام عده طلاق رجعی مرتکب زنا شده است؟ (با عنایت به اینکه حق رجوع ندارد).

ج: احصان محقق می‌شود.

و: مردی که در ایام حیض یا نفاس همسرش مرتکب زنا شده است؟

ج: احصان محقق نمی‌شود.

حد سارق

س ۸۰۷: در صورتی که سرقت جامع شرایط حد، با اقرار سارق نزد حاکم ثابت

شود، آنگاه سارق توبه نماید، آیا عفو وی توسط ولی امر جایز است؟

ج: آری عفو وی توسط ولی امر مسلمین جایز است.

س ۸۰۸: اگر شخصی نزد حاکم به سرقت اقرار نماید، بفرمایید:

الف: آیا در صورت وجود سایر شرایط اجرای حد، صرف اقرار، برای قطع ید کفایت

می‌کند، یا نیاز به مرافعه مال باخته نیز دارد؟

ج: نیاز به مرافعه مال باخته نیز دارد.

ب: در صورت نیاز به شکایت، آیا برای اجرای حد، صرف مرافعه کافی است، یا

مطالبه قطع ید از سوی مال باخته نیز لازم است؟

ج: نیاز نیست.

حد مرتد

س ۸۰۹: آیا زن و مرد مسلمان با مرتد شدن به محارم خود نا محرم می‌شوند؟
ج: خیر.

س ۸۱۰: حکم توهین به انبیاء عظام را بیان فرمایید؟

ج: به اتفاق علماء اعلام کثر الله امثالهم کسی که به پیامبر گرامی اسلام ﷺ اهانت نماید باید کشته شود و اهانت به سایر انبیاء ﷺ هم بنابر نظر عدّه زیادی از آنها ملحق به اهانت به پیامبر اسلام ﷺ می‌باشد.

حد معاونت در قتل

س ۸۱۱: آیا می‌توان مُمسک در قتل (نگهدارنده مجنی علیه) را از مصادیق معاونت محسوب کرد؟ در اینصورت، با توجه به اینکه مجازات معاونت در قتل عمد در ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی (۳ تا ۱۵ سال حبس) تعیین شده است، چه نوع مجازاتی می‌توان برای ممسک در نظر گرفت؟ آیا می‌توان مجازات ممسک را تحت شمول اطلاق ماده ۲۰۷ قرار داد؟
ج: ممسک در قتل از مصادیق معاونت است و حکم شرعی وی حبس ابد می‌باشد.

س ۸۱۲: آیا برای اجرای مجازات مُمسک در قتل، وحدت قصد بین مباشر و ممسک لازم است؟
ج: بلی وحدت قصد لازم است.

تأخیر حد

س ۸۱۳: آیا حکم تأخیر حدّ جلد یا اجرای آن به صورت ضغث که در باب زنا

مطرح است به تعزیرات و سایر حدود نیز قابل تسری و تعمیم است؟
ج: ظاهراً قابل تسری می‌باشد.

س ۸۱۴: اگر مجرمی در حال اجراء جلد بر وی بی هوش شد آیا باید باقیمانده تازیانه‌ها را زد یا اجراء حد یا تعزیر را تا بهوش آمدن او به تأخیر انداخت؟
ج: در فرض مذکور تأخیر جایز است.

تعزیرات

س ۸۱۵: آیا نسبت مساحقه دادن به زنی مؤمنه قذف است؟

ج: موجب قذف نمیشود، ولی حاکم شرع می‌تواند او را تعزیر نماید.

س ۸۱۶: چنانچه تعزیر از نظر شرعی مصادیقی غیر از تازیانه (نظیر حبس، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و...) نیز داشته باشد، بفرمائید: الف: در مواردی که در شرع مقدس یا قانون، تعزیر با شلاق، منصوص باشد، آیا می‌توان شلاق را به نوع دیگری از تعزیر تبدیل نمود؟ ب: در مورد تعزیرات غیر منصوص، آیا پس از صدور حکم شلاق، می‌توان آن را به تعزیری غیر از شلاق تبدیل کرد؟
ج: اگر حاکم شرع مصلحت بداند مانعی ندارد.

س ۸۱۷: با توجه به اینکه اقدام به خودکشی مجازات ندارد، آیا معاونت در این عمل قابل تعزیر است؟ در اینصورت میزان تعزیر چقدر می‌باشد؟
ج: بلی قابل تعزیر است و مقدار آن با نظر حاکم اسلامی است.

س ۸۱۸: قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ برای خرید و فروش و... بیش از ۳۰ گرم هروئین و خرید و فروش و... بیش از ۵ کیلو گرم تریاک و... در صورت تکرار برای بار دوم مجازات اعدام مقرر نموده است. آیا مجازات اعدام (حتی برای مقدار مذکور) از باب حد است یا بر اساس مقتضیات زمان و مکان مجازات این جرایم را قانونگذار تعیین می‌نماید (احکام سلطانیه)

ج: مجازات اعدام در مورد مذکور از باب تعزیر است و تعیین آن بر اساس اقتضای زمان و مکان بستگی به نظر حاکم شرع دارد.

احکام قصاص

س ۸۱۹: اگر کسی که ربوده شده جاننش در خطر مرگ باشد و برای گریز از آن راهی جز مقابله نداشته باشد (مثل اینکه با ممانعت مسلحانه رباینده مواجه شده باشد تکلیف او چیست؟

ج: با رعایت مراتب، دفاع واجب است و اگر طرف کشته شد، مسئولیتی ندارد.

س ۸۲۰: آیا مکره بر امر حرامی مثل لواط و زنا خونش هدر است یا نه؟ خصوصاً اگر راهی جز کشتن نداشته باشد؟!

ج: اگر راهی برای دفاع جز کشتن مکره نباشد، خونش هدر است.

س ۸۲۱: شخص محقون الدمی به خاطر امر غیر قانونی آمر قانونی، توسط مأمور حکومتی به قتل می‌رسد. در مورد علم یا جهل به غیر قانونی بودن عمل یا دستور، چهار حالت فرض می‌شود خواهشمند است نظر معظم له را در خصوص عنوان جرم و میزان مجازات مربوط در هر مورد برای هر یک از آنها (آمر و مأمور) بیان فرمائید؟ الف: آمر عالم و مأمور جاهل است. ب: آمر جاهل و مأمور عالم است.

ج: هر دو جاهل هستند.

د: هر دو عالم هستند.

ج: در صورت علم یا جهل هر دو یا علم مأمور و جهل آمر، مأمور ضامن است

و اگر آمر عالم باشد و مأمور جاهل، ضامن به عهده آمر است.

س ۸۲۲: اگر مامایی با اخذ پول عمداً کاری کند که موجب مرگ نوزاد هنگام ولادت شود، آیا قصاص می‌شود؟

ج: اگر موجب شود که پیش از تولد، کودک بمیرد دیه لازم است ولی اگر بعد

از تولّد بمیرد قصاص می‌شود.

س ۸۲۳: فردی مقداری شراب با درصد بیش از مقدار حدّ متعارف از الکل را به سه نفر فروخته است؛ یکی از خریداران بعد از مصرف شراب فوت نموده، یکی نابینا و نفر سوم فلج شده است، در مورد میزان جرم و مسؤولیت فروشنده این سوالات مطرح است: الف: در صورت اطلاع از میزان بالای الکل موجود در شراب آیا جنایت عمدی است؟ ب: در صورت عدم اطلاع از مطلب فوق جنایت چگونه است و تکلیف چه می‌باشد؟ ج: آیا علم و جهل مصرف کننده‌ها با بالا بودن میزان الکل تاثیری دارد؟ د: آیا علم مصرف کننده‌ها به حرمت شرب خمر و بطلان این معامله در این مطلب نقشی دارد؟

ج: در فرض مذکور فروشنده شراب مسؤل قتل نمی‌باشد. و جواب ب و ج و د از سؤال الف روشن شد.

شرایط اجرای قصاص

س ۸۲۴: طبق ماده ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی؛ مقتول باید عاقل باشد تا قصاص اجرا شود پس اگر مجنون بود موجب اسقاط قصاص می‌شود، آیا این حکم شامل جنون ادواری هم می‌شود؟ به این صورت که، شخصی که دچار جنون ادواری است اگر به هنگام مجنون بودن به قتل رسید، باز هم قصاص ساقط می‌شود؟
ج: اگر قتل در حال جنون انجام شده باشد در جنون ادواری نیز قصاص نمیشود.

س ۸۲۵: برای شمول حکم قصاص آیا احراز قصد حین ارتکاب به عمل قتل (مبتنی بر قتل) شرط است یا نه؟

ج: اگر وسیله ای که نوعاً موجب قتل است با قصد، به کار ببرد گرچه قصد قتل نداشته باشد، قتل عمد به حساب می‌آید و همچنین اگر وسیله نوعاً

موجب قتل نباشد و به قصد قتل به کار ببرد، باز هم قتل عمد است.
 س ۸۲۶: چنانچه مسلمی، عمداً فرد ذمی (نصرانی، یهودی، مجوس) را بکشد،
 قصاص می‌شود یا خیر؟
 ج: خیر، قصاص نمی‌شود و لازم است که دیه بپردازد.

اولیاء دم

س ۸۲۷: الف: آیا حمل می‌تواند ولی دم واقع شود یا خیر؟
 ج: آری، حمل هم می‌تواند ولی دم واقع شود.
 ب: در صورتی که جواب مثبت است، تکلیف قاتل تا کبیر شدن حمل چیست؟
 ج: اگر مقتول ولی دیگری دارد می‌تواند قصاص کند و سهم دیه حمل را اگر
 راضی به قصاص شد پرداخت نماید، و اگر ولی دیگری ندارد، با ضمانت، قاتل
 را رها می‌کنند تا وضعیت حمل روشن شود.
 س ۸۲۸: آیا جدّ پدری نسبت به قصاص یا عفو به عنوان ولایت بر صغار مقتول
 (پدر صغار) اختیار دارد یا خیر؟ و آیا اساساً جدّ پدری در خصوص فردی که متهم
 به قتل است می‌تواند با استفاده از اختیار ولایت قهری خود شکایت را مسترد و از
 تعقیب متهم قبل از ثبوت اتهام صرفنظر نماید؟
 ج: در فرض سؤال جدّ ولایت ندارد.
 س ۸۲۹: آیا مجازات معاونت در قتل عمد، همچون قتل عمد، حق الناس است و
 قابل گذشت از سوی اولیاء دم، یا حق الله و عفو آن منحصرأ در اختیار ولی امر
 می‌باشد؟
 ج: حق الناس است و اولیای دم می‌توانند عفو کنند.

قاتل زنا زاده

س ۸۳۰: در مورد طفل متولد از زنا بفرمایید: الف: آیا طفل ناشی از زنا که والدین طبیعی او مسلمان می‌باشند، به تبعیت از پدر یا مادر تکوینی، حکم مسلمان را دارد؟

ج: حکم مسلمان را دارد.

ب: مجازات قتل چنین کودکی چیست؟ (قصاص، دیه، تعزیر، یا هیچکدام)

ج: قصاص است.

ج) چنانچه حسب مورد، قصاص یا دیه به او تعلق می‌گیرد، ولی دم وی چه کسی است؟

ج: حاکم شرع.

د: میزان دیه و مورد مصرف آن چگونه است؟

ج: همانند دیه یک مسلمان است و مصرف آن با نظر حاکم شرع است.

اختیارات حاکم

س ۸۳۱: در مواردی از قتل که نوبت به ولایت حاکم می‌رسد، آیا ولی امر همانند اولیا دم علاوه بر درخواست قصاص یا اخذ دیه، حق عفو نیز دارد؟

ج: در فرض سؤال بنا بر احتیاط قاتل را عفو نمایند.

س ۸۳۲: هرگاه ولی دم پس از صدور حکم قطعی قصاص، بدون اذن ولی امر قاتل را بکشد چه حکمی دارد؟

ج: بدون اذن حاکم شرع قصاص جایز نیست و اگر ولی دم چنین کند حاکم شرع می‌تواند وی را تعزیر کند اما این عمل موجب قصاص یا دیه نیست.

س ۸۳۳: آیا می‌تون تخفیف جرم محکومین به اعدام را موکول به اهداء عضوی برای نجات مسلمانی دانست؟

ج: در صورتی که اعدام فرد، مربوط به ولی دم باشد و همچنین در مواردی که حاکم شرع اختیار دارد که محکوم به اعدام را ببخشد، می‌توان چنین کاری را انجام داد.

س ۸۳۴: در مواردی که شارع مقدس شیوه یا ابزار خاصی را در اجرای مجازات در نظر گرفته است - مانند رجم یا کشتن با شمشیر - بفرمایید: الف) آیا شیوه یا ابزار یاد شده موضوعیت دارد؟ (به عبارت دیگر در اینگونه موارد آیا هدف شارع مقدس فقط ازهاق روح است ولو با استفاده از ابزار نوین؛ یا ازهاق به شیوه یا ابزار منصوص ضرورت دارد؟) ب) در صورت موضوعیت داشتن، چنانچه اجرای رجم یا مجازاتهایی نظیر مجازات لواط با شیوه‌های منصوص در شرائطی خاص به مصلحت اسلام و نظام مقدس اسلامی نباشد - مثلاً وهن اسلام و مسلمین باشد یا چهره خشنی از اسلام یا نظام اسلامی نشان دهد - آیا می‌توان ضمن اجرای اصل حکم، قتل، شیوه اجرای آنرا تغییر داد؟

ج: الف: قتل با ابزار یاد شده موضوعیت دارد. ب: در صورتی که که حاکم اسلامی مصلحت بداند مانعی ندارد.

تأخیر قصاص

س ۸۳۵: آیا قصاص عضو را می‌شود فوراً اجرا نمود یا اینکه لازم است صبر کرد تا وضع جرح مشخص شود؟

ج: آری می‌توان فوراً قصاص نمود مگر در دندان طفل، چون احتمال روئیدن دندان می‌باشد، و همچنین در گرما و سرمای شدید، گرچه احتیاط آن است که در سایر موارد نیز قصاص به تأخیر بیفتد مخصوصاً در جائیکه احتمال سرایت وجود داشته باشد، برای اطلاع بیشتر از جزئیات به کتب فقهی مراجعه فرمائید.

س ۸۳۶: اگر همه اولیاء دم مقتول، صغیر یا مجنون باشند، استیفاءِ قصاص یا مجازات قاتل به چه ترتیبی خواهد بود؟

ج: در صورتی که صغیر باشند باید صبر کنند تا به حدّ بلوغ برسند و نسبت به گرفتن دبه یا قصاص یا عفو تصمیم بگیرند و اگر مجنون باشند اختیار با ولی او خواهد بود.

قسامه و لوث

س ۸۳۷: شرایط کسانی که برای اقامه قسامه می‌خواهند اقدام کنند را بیان فرمایید.

ج: در قسامه چند شرط معتبر است:

۱. حالف نسبت به موضوع علم داشته باشد و اگر ظن داشته باشد کافی نیست.
۲. کسانی که قسم می‌خورند از بستگان و خویشان مدّعی باشند ولی خود مدّعی باید از ورثه مقتول باشد.
۳. آنکه مذکور باشند ولی اگر مدّعی مؤنث باشد می‌تواند درخواست قسامه نماید.

س ۸۳۸: آیا افرادی از فرقه اهل حق می‌توانند اقامه قسامه نمایند؟

ج: می‌توانند.

س ۸۳۹: در صورتی که مقتول از اهل حق باشد حکم آن در مورد قسامه را بفرمایید.

ج: مانند سایر موارد است و می‌توانند درخواست قسامه نمایند.

س ۸۴۰: فرق لوث و قسامه چیست؟

ج: (لوث) در موردی است که برای قاضی بر اساس شواهد، ظنّ بوقوع قتل و

جنایت حاصل شده باشد مانند آنکه یک شاهدهی شهادت دهد یا دو شاهدهی شهادت دهند که تمام شرائط در آنها نباشد یا از طریق دیگری برای وی ظن حاصل شود و منظور از قسامه آن است که اولیای دم در موارد لوث به طریق خاص سوگند یاد می‌کنند که قتل توسط فلان شخص انجام شده است.

س ۸۴۱: آیا قسامه زن مقبول است (با وجود سایر شرایط)؟

ج: قسامه زن اشکال دارد ولی زن می‌تواند درخواست قسامه نماید.

س ۸۴۲: در جنایت خطائی چنانچه جنایت باقسامه ثابت شود، به عهده خود جانی است یا عاقله؟

ج: اگر جنایت در قتل خطائی باقسامه ثابت شود، باز هم دیه به عهده عاقله می‌باشد.

س ۸۴۳: در قسامه، آیا تکرار قسم توسط یک نفر جایز است یا اینکه الزاماً بایستی پنجاه نفر باشند؟

ج: در صورت نبود پنجاه نفر به کمتر از آن هم اکتفا می‌شود و اگر یک نفر بیشتر هم نباشد به وسیله او قسم پنجاه مرتبه تکرار می‌شود.

س ۸۴۴: چنانچه مدعی بگوید چند نفر او را زده‌اند و پزشکی قانونی نیز گواهی نماید چند قسمت از بدن وی مضروب و مجروح شده است حال اگر بنظر دادگاه مورد لوث باشد و مدعی هم نتواند معین کند کدام جراحت یا ضربه را چه کسی به او وارد نموده است آیا بنظر حضرتعالی مورد لوث هست یا نیست در هر دو صورت به چه شکل فصل خصومت می‌شود بعبارت دیگر آیا ظن اجمالی نیز از مواردی است که موجب لوث می‌شود یا خیر؟ ضمناً در فرض سؤال آن چند نفر محصور و معین هستند.

ج ۱: مورد از مصادیق لوث است.

ج ۲: در صورتی که دیه جراحات به اندازه، دیه قتل نفس باشد، باید مدعی شش مرتبه قسم بخورد و اگر به اندازه نصف دیه باشد سه قسم و اگر کمتر

باشد بهمان نسبت تقسیم می شود.

ج ۳: چون ضربات وارده بطور دقیق معلوم نیست لازم است بین ضاربین و مضروب مصالح ایجاد گردد.

احکام دیه

س ۸۴۵: مردی که در اثر قتل عمد یا شبه عمد یا خطای محض فوت می‌شود و نتیجه موضوع به پرداخت دیه به یکی از شقوق شرعی منتهی می‌شود، آیا این مال (دیه) جزء ترکه محسوب است که دیون به آن تعلق گیرد و بدواً پرداخت شود سپس باقیمانده تقسیم گردد و یا اینکه دیون متوقی از آن استخراج نمیشود؟
ج: جزء اموال میّت محسوب می‌شود و در صورت بدهی، باید از بابت بدهی پرداخت شود.

س ۸۴۶: الف: چنانچه در اثر ضربه وارده یک مورد شکستگی حادث گردد، ولی به خاطر خون ریزی شدید مجامه مورد عمل جراحی قرار گیرد، آیا شکستگی ایجاد شده در استخوان مجامه توسط طیب، علاوه بر شکستگی ناشی از ضربه وارده، دیه جداگانه دارد؟ ب: در صورت مثبت بودن پاسخ، پرداخت آن به عهده چه کسی است؟ (جانی یا پزشک معالج). ج: در این مورد آیا بین جنایت عمدی و غیر عمدی نظیر تصادفات رانندگی، تفاوتی وجود دارد؟

ج: در صورتی که جانی مسبب به حساب آید و شکستگی توسط پزشک دیه خاصی داشته باشد بر جانی لازم است دیه را پرداخت نماید و در این جهت فرقی بین عمد و غیر عمد نمی‌باشد.

س ۸۴۷: اگر پدری یا ولی قهری بچه‌ای، او را به اندازه‌ای بزند، که اگر چه مختصر، اما دیه واجب شود، این دیه را باید به چه کسی پرداخت، اگر بخاطر تنبیه و تربیت فرزند باشد چه؟

ج: دیه متعلق به خود فرزند است ولی در صورتیکه غیر ممیز باشد در اختیار ولی قرار می‌گیرد تا بر اساس مصلحت بچه مورد استفاده قرار گیرد و در صورتی که موجب دیه شود فرقی نیست میان آنچه بجهت تنبیه او را بزند یا

به جهت دیگر.

س ۸۴۸: آیا ضرب و شتم و ناسزا گفتن فرزند توسط ولی او به بهانه تأدیب و تصور اینکه ولی از این حق برخوردار است، شرعاً جایز است؟

ج: پدر حق زدن فرزند خود را بصورتی که دیه واجب شود (بدن کبود یا سرخ یا سیاه گردد) را ندارد و همچنین حق ندارد که ناسزا به فرزند خود بگوید.

س ۸۴۹: در صورت علم اجمالی به وجود قاتل در بین افراد محدود و معین، بفرمایید: الف: آیا قاضی می‌تواند برای تعیین قاتل و اجرای قصاص از قرعه استفاده نماید؟ ب: در صورت منفی بودن پاسخ و لزوم پرداخت دیه، چه کسی باید دیه را بپردازد و نحوه پرداخت آن چگونه خواهد بود؟

ج: الف: خیر. ب: در صورتی که همه متهمین قسم بخورند که مرتکب قتل نشده‌اند یا هیچکدام قسم نخورند باید مشترکاً دیه را همه آنها بپردازند یا با توافق خود با قرعه یک نفر عهده دار دیه شود و اگر بعضی از آنها قسم بخورند و عده‌ای نکول کنند باید دیه را نکول کنندگان بپردازند.

س ۸۵۰: آیا حکمت اینکه «دیه زن نصف دیه مرد است» روشن شده است؟

ج: ممکن است یکی از علت‌های اینکه «دیه زن نصف دیه مرد است این باشد که اداره زندگی و تأمین نیازمندی‌های خانواده به عهده مرد است و یا با از بین رفتن مرد، خانواده بی سرپرست می‌شود و کسی نیست که بازماندگان را اداره نماید، لذا دیه مرد را دو برابر قرار داده‌اند که تا حدودی جبران بی سرپرستی خانواده را بنماید، و در صورتی که مرد عضوی از اعضای خود را از دست بدهد و به جهتی توانائی انجام کار را به طور کامل نداشته باشد، باز برای جبران کمبود درآمد خانواده، دیه او را دو برابر تعیین کرده‌اند، البته حکمت و فلسفه احکام دینی بطور دقیق روشن نیست ولی این معنی مسلم است که تمام احکام الهی دارای مصالح و آثار بس ارزشمندی است که بر

اساس آن مصالح، خداوند متعال اموری را بر جامعه فرض و لازم شمرده است.

اولیاء دیه

س ۸۵۱: فردی تصادف کرده و منجر به فوت خانمی شده است پدر، مادر، شوهر خانم مرحومه رضایت داده اند و از حق خود گذشته اند، آنمرحومه یک دختر صغیره دارد آیا پدر صغیره می تواند از طرف فرزند رضایت دهد یا خیر؟
ج: خیر نمی تواند.

س ۸۵۲: مواردی است که قاتل معین است ولی مقتول مستحق دیه میان دو نفر مردد می باشد. آیا نحوه پرداخت دیه به اولیای دم چگونه است؟
ج: در فرض سؤال دیه بین اولیای مقتول تنصیف می شود.

س ۸۵۳: آیا عفو ولی کودک از دیه کفایت می کند؟ اگر رضایت کودک هم جلب شود چطور؟ در صورتی که پاسخ پرسشهای بالا منفی باشد در این مورد چطور باید عمل شود؟
ج: خیر، ولی اگر کودک بعد از بلوغ رضایت بدهد مانعی ندارد.

دیه دندان

س ۸۵۴: دندانهاییکه به علت بیماری لثه دچار لقی هستند در اثر کوچکترین ضربه از دهان بیرون می افتد آیا در صورت اصابت ضربه از سوی فردی دیه به آن تعلق می گیرد. و دیه اینگونه دندانها مثل دندان طبیعی است؟
ج: در صورتی که دارای برخی منافع باشد باید دیه کامل یک دندان سالم را بدهد وگرنه یک سوم دیه یک دندان لازم است.

دیه اهل کتاب

س ۸۵۵: با توجه به این که طبق فتوای مشهور فقها، دیه اهل کتاب، کافر ذمی، هشتصد درهم است؛ آیا اقلیت زرتشتی نیز مشمول این حکم خواهند بود؟
ج: بلی مشمول این حکم خواهند بود.

س ۸۵۶: میزان دیه فرد ذمی چقدر است؟ در صورتیکه این میزان کمتر از دیه فرد مسلمان می‌باشد، علت آن را مرقوم فرمائید؟ آیا روایات و احادیث مختلف در خصوص موارد فوق‌الاشاره وارد شده یا خیر؟

ج: روایات وارده در رابطه با دیه ذمی متفاوت است. و مفاد برخی از آنها این است که دیه ذمی با دیه مسلم مساوی است و بنظر ما این مورد از احکام حکومتی اسلام است و تعیین آن با نظر فقیه است.

دیه صدمات متعدد

س ۸۵۷: در صورتی که نیزه یا گلوله و مانند آن در دست یا پا فرو رود، دیه آن یکصد دینار است بنا بر اینکه در اسلحه شکاری که در یک فشنگ آن تقریباً پنجاه عدد ساچمه وجود دارد، چنانچه مثلاً ده عدد آن در دست یا پا فرو رود (در نقاط مختلف یک پا یا یک دست) آیا دیه ناشی از ساچمه‌ها که در دست یا پا فرو رفته، صد دینار است یا خیر؟ بعبارت دیگر جانی باید صد دینار بدهد یا هزار دینار؟
ج: در فرض مذکور دیه متعدّد می‌شود.

س ۸۵۸: آیا ایجاد چند شکستگی در اثر یک یا چند ضربه با هم تفاوتی دارند؟ و اگر علاوه بر شکستگی، مقداری از استخوان (تگّه ای) جدا شود آیا در مورد جدا شدن استخوان، دیه شکستگی استخوان داده می‌شود یا حکم دیگری دارد؟
ج: خیر، و شکستگیهای متعدّد هر یک از آنها یک دیه دارد و جدا شدن استخوان دیه دیگری دارد.

س ۸۵۹: فردی که به دنبال شکستگی ستون فقرات دچار سلس و ریزش ادرار می‌گردد و توانایی جنسی او از بین می‌رود، آیا علاوه بر ديه شکستگی فوق، مستحقّ ديه زوال منافع مذکور نیز می‌باشد؟
ج: بلی ديه سایر نقصهای وارده را نیز باید پرداخت نماید.

مخارج مازاد بر ديه

س ۸۶۰: در خصوص خسارتهای وارده به مصدوم علاوه بر ديه شرعی بیان فرمائید آیا هزینه‌های درمان و دارو و بیمارستان قابل وصول می‌باشد یا خیر؟ چنانچه صدمه شدید باشد و مانع کسب و کار مصدوم گردد آیا اجرت مصدوم در ایام عدم کارآیی وی قابل مطالبه می‌باشد یا خیر؟

ج: علاوه بر ديه، هزینه‌های درمان و ضرر و زیانی که متوجه مصدوم می‌شود نیز باید پرداخت شود و در فرض اخیر در صورتی که توانائی کار کردن ندارد باید ضرر متعارف وی جبران شود.

س ۸۶۱: گرفتن خسارت مازاد بر ديه از صدمه زننده مثل هزینه درمان و دوران نقاهت صدمه دیده، چه حکمی دارد؟
ج: مانعی ندارد.

س ۸۶۲: راننده‌ای که همراه سرنشین دیگری در حال ماموریت بوده در اثر بی احتیاطی و سرعت زیاد اتومبیلش با مانع وسط جاده برخورد کرده، واژگون می‌شود و صدمات عدیده‌ای به شرح ذیل بر سر نشین همراه راننده وارد می‌شود:
۱. شکستگی مهره هفتم گردن و مهره چهارم سینه که منجر به قطع نخاع کامل شده است (ضایعه دائم)

۲. فلج کامل و دائمی هر دو اندام تحتانی (هر دو پا) راست و چپ.

۳. عدم کنترل دائمی ادرار (سلس دائمی بول)

۴. عدم کنترل مدفوع.

۵. عدم توانایی مقاربت بطور کامل.

۶. فلج اندام‌های فوقانی (دست) راست و چپ، حدود هشتاد درصد.

۷. بروز زخم بستر بعلت عدم توانایی حرکت و خوابیدن طولانی مدت در بستر که منجر دو نوبت عمل جراحی شده است (زخمی که در اثر بستری شدن طولانی و عدم تحرک حادث شده است).

۸. بروز عفونت‌های مکرر مجاری ادراری و کلیوی که قابل عود مجدد می‌باشد.

۹. تکرار زخم بستر و عفونت‌های کلیوی و ادراری و عوارض روانی ناشی از بستری شدن طولانی. ضمناً بر اساس اتفاق نظر کارشناسان، راننده خودرو در اثر سرعت غیر مطمئنه و خستگی مقصر شناخته شده، اکنون با توجه به موارد فوق الذکر مستدعیست بفرمایید: الف: آیا بروز زخم که در اثر بستری شدن در بیمارستان و عدم توانایی حرکت و خوابیدن طویل‌المدت حادث شده، دارای ارش جدایی از دیات معین شرعی در جنایات نقص اعضا دارد یا بعلت اینکه در اثر همان بیماری‌های عارضی اصلی است ارش مجزا ندارد؟ ب: آیا عفونت‌هایی ادراری و کلیوی که بصورت مکرر در اثر صدمات وارده بوجود می‌آید دارای ارش جدایی است؟ ج: در فرضی که ضربه واحد یا حادثه واقعه موصوف، باعث عدم کنترل ادرار و مدفوع بصورت دائمی شده است آیا هر کدام دیه و ارش جدایی دارد؟ د: آیا قطع نخاع که نوعاً منجر به فلج قسمتی از اعضا می‌شود و سبب دیه کامل انسان مسلمان است (مثل فلج اندام‌های تحتانی و فقدان کنترل ادرار و...) هر کدام دیه مستقل دارد؟ ه: در صورت تداخل، هر کدام را به تفکیک بیان نمایید.

ج: جواب الف: باید هزینه‌هایی که در این رابطه متحمل شده، پرداخت شود.

جواب ب: خیر، فقط باید هزینه‌ها را پرداخت نماید. جواب ج و د: فقط بابت

قطع نخاع دیه لازم است و هزینه‌های صدمات وارده را نیز باید پرداخت

نماید.

س ۸۶۳: دیه مجازات است یا دین؟ و آیا مخارج مازاد بر دیه که مجنی علیه، به سبب جنایت جانی متحمل شده، قابل مطالبه می‌باشد یا خیر؟
ج: دیه، دین است و مخارج مازاد بر دیه قابل مطالبه است.

دیه جنایت بر میت

س ۸۶۴: آیا پرداخت دیه جنایت بر میت به صورت حال است یا مؤجل؟ در صورت تأجیل، مهلت پرداخت آن چقدر است؟
ج: بصورت حال است.

س ۸۶۵: چنانچه جنایت وارده فاقد دیه مقدره باشد آیا ارزش آن چگونه محاسبه می‌گردد؟

ج: به سبب نقصی که بین صحیح و معیب ایجاد شده و با توجه به اینکه دیه کامل میت صد دینار است ارزش محاسبه می‌شود.

س ۸۶۶: در خصوص جنایت بر میت بفرمائید: الف) آیا سوزاندن کامل بدن میت دیه دارد؟
ج: بلی.

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، میزان آن چقدر است؟
ج: یکصد دینار، یکصد مثقال شرعی طلا که هر مثقال ۱۸ نخود است.

ج) در فرض فوق، آیا جانی علاوه بر دیه، تعزیر نیز می‌شود؟
ج: خیر.

د) در مورد وجوب دیه، آیا بین عمدی و غیر عمدی بودن جنایت تفاوتی هست؟
ج: خیر.

ه) در مقدار دیه، آیا بین میت زن و مرد تفاوتی وجود دارد؟
ج: خیر.

عاقله

س ۸۶۷: چنانچه عاقله با داشتن توانایی از پرداخت دیه امتناع نماید، می‌توان او را حبس نمود تا دیه را بپردازد یا خیر؟
 ج: حاکم شرع او را مجبور به پرداخت دیه می‌کند و اگر راهی برای پرداخت نباشد جز حبس می‌تواند در حدّ ضرورت او را زندانی کند.

ارش

س ۸۶۸: بفرمائید استخوانهای کف دست (حد فاصل مچ تا ابتدای انگشتان) یا کف پا چنانچه دچار شکستگی شوند دارای دیه هستند یا اینکه باید برای هر شکستگی ارش تعیین شود و اصولاً آیا استخوانهای مذکور ملحق به استخوانهای دست یا پا هستند یا خیر؟

ج: در شکستگی کف دیه نیست بلکه ارش ثابت می‌باشد.

س ۸۶۹: در مورد ارش بفرمائید: الف) آیا پرداخت ارش همانند پرداخت دیه مؤجل است یا فوری؟ ب) در صورت تأجیل مهلت پرداخت، در موارد عمد، شبه عمد و خطای محض چگونه است؟

ج: الف: پرداخت ارش نیز مؤجل است. ب: در عمد تا یکسال در شبه عمد تا دو سال و در خطا تا سه سال می‌باشد.

س ۸۷۰: در خصوص ارش البکاره با دو فرض بلوغ و عدم بلوغ زانیه، بفرمایید:

۱. آیا زانیه در موارد ذیل مستحق ارش البکاره می‌باشد؟ الف) زنا با رضایت و میل وی انجام شود. ب) زنا در اثر اکراه یا عنف واقع شود. ج) زنا با فریب وی مبنی بر وعده قطعی ازدواج و... واقع شود.

ج: الف: فقط مستحق ارش البکاره می‌باشد.

ب: علاوه بر ارش البکاره مستحق مهر المثل نیز می‌باشد.

ج: مانند پاسخ ب می‌باشد.

د) اگر ازاله بکارت دختر با انگشت یا شئی صورت گیرد، حکم ارش البکاره چیست؟ آیا رضایت یا عدم رضایت وی در حکم تأثیری دارد؟

ج: همانند پاسخ ب می‌باشد و فرقی بین رضایت و عدم رضایت نمی‌باشد. و از پاسخهای بالا روشن شد در تمام موارد فوق فرقی بین بلوغ و عدم بلوغ زانیه نیست.

کسانی که از دیه ارث نمی‌برند

س ۸۷۱: بیمه مبلغی به عنوان دیه به خانواده مقتول پرداخت نموده که زن میّت و دخترش و مادرش هر کدام طبق قانون بیمه سهم خود را دریافت نمودند. آیا مبلغی را که بیمه به مادر مرحوم داده است جزء ما ترک میّت محسوب می‌شود یا خیر؟

ج: دیه حکم ما ترک میّت را دارد و فقط کسانی که از طرف مادر خود با میّت قرابت و ارتباط دارند از دیه ارث نمی‌برند.

فاضل دیه

س ۸۷۲: در مواردی که ولی دم می‌بایست فاضل دیه را بپردازد بعد قصاص کند اگر قبل از پرداخت فاضل دیه قاتل را بکشد چه حکمی دارد؟

ج: فاضل دیه از وی گرفته می‌شود و حاکم شرع او را تعزیر می‌کند.

س ۸۷۳: اگر ولی دم فاضل دیه را بپردازد و از طرفی از قصاص هم صرفنظر نکرده و حقّ خود را هم به دیه تبدیل ننموده باشد، آیا می‌توان قاتل را بلاقید آزاد نمود؟ ج: خیر، مگر با گرفتن وثیقه معتبر.

س ۸۷۴: چنانچه ولی دم به علت عدم تمکن مالی فاضل دیه را نتواند بپردازد تا

قصاص اجرا شود و حقّ خود را هم به دیه تبدیل نکرده و از حقّ قصاص نیز صرفنظر ننموده باشد تکلیف چیست؟

ج: باید جانی را با گرفتن وثیقه معتبر آزاد کرد تا اولیای دم تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند.

احکام سقط جنین

س ۸۷۵: حیات انسانی برای جنین از چه زمانی آغاز می‌شود؟ و مجازات قاتل

جنین (حمل) در جنایات عمدی چه می‌باشد؟

ج: معمولاً بعد از چهار ماهگی روح در جنین دمیده می‌شود که اگر بعد از آن

سقط شود بر قاتل لازم است که یک دیه کامل یعنی یک هزار مثقال طلا اگر

پسر باشد و پانصد مثقال طلا اگر دختر باشد پرداخت نماید.

س ۸۷۶: در موارد مجاز یا غیر مجاز سقط جنین آیا کفاره واجب می‌گردد یا نه؟

در صورت وجوب بر عهده سبب است یا مباشر؟

ج: سقط جنین جایز نیست، و اگر سقط جنینی انجام شود، دیه به عهده

مباشر است.

س ۸۷۷: اگر ادامه حاملگی موجب شدت یافتن و یا طولانی شدن بیماری مادر

گردد، مانند بیماریهای کلیوی، قلبی و عصبی آیا سقط جنین را تجویز می‌فرمائید؟

ج: خیر.

س ۸۷۸: آیا در موارد زیر قبل از ولوج روح می‌توان سقط درمانی انجام داد؟ پس

از ولوج چگونه خواهد بود؟ الف: بیماریهایی که می‌دانیم مسلماً جنین پس از تولد

خواهد مرد. ب: بیماریهای ژنتیکی. ج: ناهنجاریهای نوزادان، مثل آنانسفالی (عدم

وجود مغز)

ج: در تمام موارد مذکور جایز نیست.

س ۸۷۹: در زن حامله که مبتلا به سرطان رحم شده است و درمان آن به اشعه

درمانی نیاز دارد و دادن اشعه هم باعث ناقص الخلقه شدن جنین می‌شود آیا

می‌توان قبل از اشعه درمانی سقط درمانی کرد؟ در صورت جواز چند درصد

احتمال ایجاد ناهنجاری در مصرف دارو، اشعه درمانی و شیمی درمانی موجب تجویز سقط جنین می‌باشد؟

ج: بدون سقط جنین زن بیمار را معالجه نمایند.

س ۸۸۰: آیا در زن مبتلا به سرطان رحم که حامله است می‌توان قبل از دادن اشعه، سقط درمانی کرد؟

ج: جایز نیست.

س ۸۸۱: سقط درمانی برای حفظ جان مادر در بیماریهای مختلف که در کتب علمی معتبر و متخصصین مورد وثوق اعلام می‌نمایند چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که جان مادر در خطر است مادر می‌تواند جنین را ساقط نماید ولی برای دیگران جایز نیست.

س ۸۸۲: اگر تشخیص داده شود جنین در حال حاضر یا در صورت رشد و تولد ناقص الخلقه بوده یا خواهد بود آیا می‌توان قبل از دمیده شدن یا پس از دمیده شدن روح در آن، اقدام به سقط جنین کرد؟

ج: خیر، جایز نیست.

احکام اهل کتاب

س ۸۸۳: غیبت کردن چه کسانی را اسلام اجازه داده است؟ مثلاً کافر، نصاری، یهودی، شارب خمر و قمار باز و... آیا جایز است؟

ج: غیبت غیر مسلمان جایز است و همچنین مسلمان معصیت کار هم غیبت او با شرائطی جایز است.

س ۸۸۴: اهل کتاب چه کسانی هستند؟ آیا زرتشتیان جزء اهل کتاب می‌باشند؟ حکم کلی در خصوص ابزار و ادوات و مواد خوراکی و دارائی ایشان و استفاده از لباس و ظروف و... اهل کتاب چیست؟

ج: منظور از اهل کتاب یهود و نصاری و مجوس می‌باشد و زرتشتیان که همان مجوس باشند جزء اهل کتابند و ذاتاً پاک و ابزار و ادوات و استفاده از لباس آنان اگر از راه دیگر نجس نشده باشد پاک است.

س ۸۸۵: درمان بیماری اهل کتاب و استفاده از خدمات درمانی و بهداشتی آنان چه حکمی دارد؟

ج: مانعی ندارد.

س ۸۸۶: دعوت کفار به مساجد جهت آشنائی با معارف اسلامی چه حکمی دارد؟ در صورت منع چنانچه خودشان بیایند، آیا جلوگیری واجب است؟

ج: دعوت جائز نیست ولی اگر خودشان بیایند در صورتی که هتک احترام مسجد نباشد بیرون کردن آنها واجب نیست.

س ۸۸۷: آیا کشندگان اهل کتاب در جنگ شهید محسوب می‌شوند؟

ج: اگر در راه دفاع از حق و جلوگیری از ظلم و باطل کشته شوند ثواب شهید دارند.

س ۸۸۸: آیا اموال اهل کتاب احترام دارد یا نه؟

ج: در صورتی که محارب نباشند اموال آنان مورد احترام است.

س ۸۸۹: ورود اهل کتاب به اماکن مقدسه (مشاهد مشرفه، مساجد، مکه مکرمه و

مدینه منوره) و دفن ایشان در بلاد اسلامی و قبرستان مسلمانان چه حکمی دارد؟

ج: در بلاد مسلمین اگر به شرائط ذمه عمل نمایند و زیر سیطره حاکم

اسلامی باشند با نظر او جایز است ولی دفن آنها در قبرستان مسلمین جایز

نیست.

احکام پزشکی

س ۸۹۰: آیا بر طبیبی که بیماری لاعلاج و زمان مرگ مریض خود را می‌داند واجب است آن را به او اعلام نماید (جهت انجام امور ضروری چون وصیت و غیره....)؟
ج: واجب نیست.

تشریح

س ۸۹۱: در موارد جواز تشریح مرده مسلمان، آیا دیه باید پرداخت گردد؟ در صورت جواب مثبت، این پرداخت بعهده چه کسی است؟ سبب یا مباشر؟ و این دیه متعلق به کیست؟

ج: اگر خود در حال حیات وصیت کرده باشد، بعید نیست که دیه ساقط باشد، و اگر وصیت نکرده این کار جایز نیست، و اگر انجام دهند، دیه به عهده مباشر است و باید آن را در راه خدا مصرف نمود و ثواب آن به میت می‌رسد.

س ۸۹۲: در مورد آموزش در صورت عدم دستیابی، مشکلات تهیه و گرانی اجساد غیر مسلمان آیا می‌توان از جسد مسلمان برای آموزش دانشجویان استفاده کرد؟
ج: در صورتی که امکان نداشته باشد، که از اجساد کفار استفاده شود، در حد ضرورت می‌توان از اجساد مسلمان استفاده نمود ولی باید از اهانت نسبت به بدن آنها اجتناب شود.

س ۸۹۳: برای یادگیری دقیق رشته پزشکی تشریح، اجتناب ناپذیر است نظر مبارک در این باره چیست؟

ج: در صورتی که حفظ و نجات حال مسلمانان بر آن متوقف باشد لازم است، اگر ممکن است این عمل در اجساد کفار و در صورت عدم امکان در اجساد مسلمین انجام گیرد و سعی شود به مقدار لازم اکتفا کنند و از اهانت به بدن مسلمانان اجتناب نمایند.

س ۸۹۴: تشریح بدن اهل کتاب آیا جایز است؟

ج: در صورت نیاز و ضرورت اشکال ندارد.

س ۸۹۵: تشریح جسد مؤمن یا مؤمنه را در چه صورت جایز می‌دانید و در صورت جایز دانستن آیا دیه به آن تعلق می‌گیرد؟ و در صورت داشتن وصیت مسئله چگونه است؟

ج: اگر حفظ و نجات جان مسلمان متوقف بر آن باشد و جسد کافر برای تشریح وجود نداشته باشد و میت هم وصیت کرده باشد در حد ضرورت اشکال ندارد و دیه هم ندارد.

س ۸۹۶: با توجه به توسعه شهرها و تخریب قبرستانهای قدیمی آیا می‌توان از استخوانهای مکشوفه در امر آموزش استفاده کرد؟

ج: با حفظ احترام و دفن آنها پس از انجام آموزش مورد نظر، اشکال ندارد.

س ۸۹۷: آیا تشریح جسد جنین با انسان کامل از نظر (کار تخصصی و علمی) از لحاظ حکم تشریح متفاوت است؟

ج: جسد جنین کامل با غیر جنین از نظر تشریح و احکام آن تفاوتی ندارد.

پیوند اعضا

س ۸۹۸: خرید و فروش اعضا برای پیوند چه حکمی دارد؟

ج: در بعضی موارد مانند کلیه جایز است.

س ۸۹۹: پیوند اعضا اهل کتاب به مؤمن و بر عکس چه حکمی دارد؟

ج: پیوند اعضاء آنان به مؤمن در صورت نیاز و ضرورت جایز و پیوند اعضای مسلمانان به آنها تابع نظر فقیه است.

س ۹۰۰: پیوند اعضای قطع شده ناشی از مجازات حدود و قصاص چه حکمی دارد؟

ج: اشکالی ندارد اگر با نظر حاکم شرع انجام گیرد.

س ۹۰۱: پیوند عضو میت مسلمان به غیرمسلمان مجاز است یا خیر؟

ج: پیوند عضو میت مسلمان به غیرمسلمان جایز نیست.

س ۹۰۲: پیوند قسمتی از بدن مرده به انسان زنده از لحاظ طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که جزء بدن انسان زنده شده باشد طاهر است.

تلقیح

س ۹۰۳: کودکانی که در دستگاه مصنوعی یا دستگاه آزمایشگاهی به وجود آیند، از نظر شرعی چه ارتباطی با صاحبان نطفه و تخمک دارند؟ (صاحب نطفه و صاحب تخمک زن و شوهر باشند یا نباشند)

ج: در صورتی که زن و شوهر باشند بچه بوجود آمده فرزند صاحبان نطفه و تخمک می‌باشند و تمام احکام پدر و مادری و فرزندگی بر آنان مترتب است و در صورتی که از غیر زن و شوهر باشند صاحبان نطفه و تخمک بمنزله پدر و مادر فرزند به وجود آمده می‌باشند، مگر مسأله توارث که از یکدیگر ارث نمی‌برند.

س ۹۰۴: آیا تخمدان زن نامحرم را به زن عقیم با عمل جراحی پیوند زدن و با اسپرم شوهر زن عقیم به منظور بچه دار شدن تلقیح نمودن اشکال دارد؟

ج: در صورتی که ضمن عمل جراحی مرتکب حرامی نشوند اشکال ندارد.

س ۹۰۵: با توجه به این که از نظر علمی هر گاه مردی فوت نماید، تا مدت

محدودی می‌توان نطفه او را به رحم زن منتقل کرد و وی را باردار نمود؛ بفرمائید:

الف: انتقال نطفه زوج پس از مرگ به رحم زوجه چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که مستلزم کار حرامی نباشد جایز است.

س ۹۰۶: عده‌ای از بیماران زن به علت اشکال در تخمدان‌ها و یا موارد مربوط به

آن قادر به تخمک‌سازی و یا آزاد نمودن تخمک جهت لقاح نیستند و در نتیجه

نازا می‌باشند، در حالی که رحم آنها اشکالی ندارد و می‌توانند جنین نگهداری

نمایند آیا همسر این زن می‌تواند زنی را صیغه کند و تخمکش را با اسپرم خودش

ممزوج کند و جنین حاصله را به رحم زن دائمی منتقل کند؟

ج: اگر همراه با کار حرامی نباشد اشکال ندارد.

س ۹۰۷: دکتر متخصص تشخیص داده است؛ نطفه زنی ضعیف است و باید با

نطفه زن دیگر تقویت شود تا بچه دار شود آیا این عمل جایز است و اگر بچه ای به

دنیا بیاید به کدامیک از دو زن ملحق است؟

ج: اگر شوهر هر دو زن یکی باشد در صورتی که همراه کار حرامی نباشد

اشکال ندارد و در این مورد اگر روشن شود که منشأ خلقت جنین، نطفه مرد

و نطفه زن اولی است، جنین ملحق به آن دو می‌شود.

س ۹۰۸: اگر مرکزی وجود داشته باشد برای نگهداری اسپرم مردها و در صورت

نیاز اگر مردی نازا باشد این اسپرمها را به همسر او تزریق کنند تا صاحب فرزند

شود از نظر اسلام چه حکمی دارد؟ و اگر فرزندی متولد شد متعلق به کیست؟ و از

چه کسی ارث می‌برد؟

ج: تزریق نطفه مرد اجنبی به زن دیگر جایز نیست.

س ۹۰۹: تلقیح نطفه یا اسپرم زوج در رحم زوجه از طریق شوهر یا پزشک معالج

جایز است یا خیر؟

ج: از طریق شوهر اشکال ندارد.

س ۹۱۰: اگر نطفه مردی (زوج) با تخمک زوجه بعد از ترکیب در رحم اجاره یا

عاریه‌ای (زن دیگری غیر از صاحب تخمک) پیوند شود و جنینی در رحم اجاره‌ای یا عاریه‌ای رشد کند و متولد شود، شرعاً جایز است یا خیر؟ و چه رابطه‌ای از نظر نسبت و آثار حقوقی و شرعی با صاحب اسپرم و تخمک و صاحب رحم اجاره‌ای یا عاریه‌ای و فرزندان وی و یا شوهرش دارند؟

ج: در صورتی که این عمل توسط شوهر و در رحم زن دوّمش انجام شود اشکال ندارد و در این صورت اگر ثابت شود که نطفه زن و مرد موجب تکوّن فرزند شده باشد فرزند ملحق به آن دو است و تمام احکام ارث و غیره بر آنان مترتب می‌باشد.

س ۹۱۱: آیا بارور کردن مصنوعی زن یا وارد کردن منی مرد غریب (نامحرم) به داخل رحم زنی که همسرش مرد نازا است، بطریق تزریق یا طرق دیگر جایز است؟ ج: جایز نیست.

س ۹۱۲: بر فرض اینکه تلقیح مصنوعی انجام شد و زن آبستن گردید و بچه دار شد آیا این بچه مال شوهر این زن است؟

ج: اگر از نطفه شوهرش باشد بچه متعلق به آن زن و شوهر است و در صورتی که از نطفه نا محرم باشد و هر دو عالم باشند، بچه متعلق به هیچ کدام نمی‌باشد.

س ۹۱۳: نوزادی که به واسطه تلقیح بوجود می‌آید از لحاظ نسبت چه حکمی خواهد داشت؟ و آیا احکام ارث بر آنها جاری خواهد شد؟

ج: از جواب سؤال بالا روشن شد.

س ۹۱۴: در جایی که این عمل بطور شبهه صورت گرفته باشد مثل جایی که زن گمان کرده نطفه از شوهر خودش بوده و مرد گمان می‌کرد که زنی که نطفه وارد رحم او شده، همسر واقعی او می‌باشد در حالیکه اینطور نبوده در این فرض آیا احکام اولادی بر فرزندی که به دنیا خواهد آمد، جاری می‌شود؟

ج: حکم وطی به شبهه را دارد و فرزند متعلق به آنان است و تمام احکام

فرزندی بر آن مترتب است.

س ۹۱۵: اگر فرض شود علم در آینده آنقدر پیشرفت کند که اسپرم مرد را بگیرند و در رحم مصنوعی (دستگاه تولید نوزاد) پرورش دهند در این صورت حکم آن چه صورتی خواهد داشت؟

ج: این فرزند متعلق به پدر است.

س ۹۱۶: اگر علم تا آنجا پیشرفت کند که اسپرم و نطفه را از دانه ها و محصولات نباتی و مانند آن بگیرند و به زن تلقیح کنند و نوزاد مصنوعی به عمل آورند در اینصورت کودک به چه کسی متعلق می شود؟

ج: این فرزند متعلق به مادر است.

س ۹۱۷: اگر نطفه و اسپرم را از فرآورده های نباتی تهیه کنند و آن را در رحم مصنوعی پرورش دهند و از آن کودکی بعمل آورند چنانچه فرض شود بشر موفق به چنین تولیدی گردد نوزاد به چه کسی ملحق می شود؟

ج: متعلق به هیچ کس نمی باشد.

س ۹۱۸: نسبت کودکان مصنوعی به یکدیگر چگونه است؟ وضعیت تزویج آنها با یکدیگر و ارث بری آنها چگونه است؟ الف: نسبت یک دختر و یک پسر که از اسپرم مرد در رحم مصنوعی پدید آیند؟

ج: آن دو برادر و خواهر پدری می باشند و از یک دیگر ارث می برند و با یکدیگر نمی توانند ازدواج نمایند.

ب) نسبت یک دختر و یک پسر که از نطفه مصنوعی در رحم زن کشت شده است؟

ج: برادر و خواهر مادری هستند و احکام آن از جواب قبل معلوم شد.

ج) اگر یک دختر و یک پسر از نطفه مصنوعی و در رحم مصنوعی پدید آیند؟

ج: هیچ نسبتی بهم ندارند و می توانند با یکدیگر ازدواج نمایند.

شبیه سازی

س ۹۱۹: آیا مشابه سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روشهای پیشرفته علمی (کلونار) جایز است؟ (گرفتن سلول انسان و ایجاد انسانی با همان خصوصیات قبلی)؟

ج: در صورت تطبیق با احکام اسلامی، اشکال ندارد.

س ۹۲۰: آیا مشابه سازی حیوان زنده توسط تکثیر سلولهای وی (کلوناز) جایز است؟ (سلولی از حیوان زنده اخذ می شود و با تکثیر آن سلول از طریق اطلاعات DNA، حیوانی با همان خصوصیات قبلی ایجاد می کنند)

ج: در غیر انسان جایز است.

جلوگیری از حاملگی

س ۹۲۱: احتراماً به عرض می رسانم با توجه به بحث هایی که در جهت کنترل جمعیت و بالا بردن سطح کیفی زندگی امروزه مطرح می گردد و با توجه به اینکه وزارت بهداشت کشور راههای جلوگیری از حاملگی را در سطح جامعه گسترش می دهد جهت روشن کردن مسائل شرعی مربوط به روشهای جلوگیری از حاملگی به کمک و مساعدت آن مقام عالیقدر نیازمندم: نظر شرع در رابطه با مصرف قرصهای جلوگیری از حاملگی؛ در رابطه با استفاده از نورپلنت؛ در رابطه با استفاده از کاندوم؛ در رابطه با استفاده از عمل توبکتومی (بستن لوله در زنان)؛ در رابطه با انجام عمل وازکتومی (بستن لوله منی در مرد)؛ در رابطه با انجام عمل انزال منقطع (عزل) جهت جلوگیری از حاملگی را مبذول فرمائید؟

ج: بطور کلی استفاده از قرص های ضد حاملگی اگر موجب ضرر نباشد اشکال ندارد و استفاده از سایر طرق در صورتی که موجب عقیم شدن دائمی گردد اشکال دارد و بستن لوله رحم اگر مستلزم ارتکاب عمل حرامی نشود

و موجب عقیم شدن دائمی هم نباشد اشکال ندارد.

س ۹۲۲: بعضی اوقات به طور ناخواسته بعد از انزال مرد منی وی داخل رحم زن وارد شده و احتمال حاملگی می‌رود آیا جایز است در این صورت با مصرف قرص ضد بارداری از انعقاد نطفه و بارداری جلوگیری نمود؟

ج: در صورتی که یقین به حاملگی ندارد جایز است.

س ۹۲۳: آیا عزل در اسلام جایز است؟

ج: در صورت رضایت زن جایز است.

س ۹۲۴: زن و شوهری فرض می‌گردد که هر دو قادر به تولید ماده حیاتی نطفه هستند و لقاح هم در رحم زن انجام می‌گیرد اما رحم زن بدلالی قادر به نگهداری و پرورش نطفه نمی‌باشد و به همین خاطر این زن و شوهر با زن دیگری قرار داد می‌بندد مبنی بر اینکه جنین در همان مراحل اولیه از رحم مادر اصلی به رحم زن بیگانه (مادر جانشین) انتقال یافته و مسیر رشد و تکامل را طی کند و بعد از تولد به مادر و پدر اصلی برگردانده شود. الف: آیا این قرار داد یا رابطه مشروع است؟ آیا مجرد و متأهل بودن زن بیگانه، عالم یا جاهل بودن او، و نسبت قرابتی که او با مرد دارد و همچنین مجانی یا غیر مجانی بودن قرار داد نقشی در مشروعیت آن دارد؟ ج: در صورتی که ثابت شود که طفل از نطفه زن و مرد اولی (زوج و زوجه) بوجود آمده ملحق به آن دو می‌باشد و تمام احکام محرمیت و ارث بر آن مترتب است. ب: تکلیف فرزند متولد شده از زن ثانی (مادر جانشین) در رابطه با نسب، محرمیت و ارث چگونه است؟

ج: این طفل با مادر ثانی (جانشین) محرم نیست و از او ارث نمی‌برد.

تغییر جنسیت

س ۹۲۵: آیا کسی که جنسیتش محرز است به هر دلیلی می‌تواند جنسیت خود را تغییر دهد؟ و چنانچه جایز باشد و این کار انجام شود روابط او با خویشان و

محارمش چگونه است؟

ج: با نبودن زمینه خلقتی جایز نیست.

س ۹۲۶: اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد حکم ازدواج و مهریه او چگونه است؟

ج: ازدواج بهم می خورد و تمام مهر را لازم است بپردازد.

س ۶۲۷: اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت بدهد حکم ازدواج و مهریه همسر او چگونه است؟

ج: ازدواج بهم می خورد و تمام مهریه بعهدده اوست.

س ۹۲۸: اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند اگر تغییر جنسیت آندو با هم و در یک زمان باشد حکم ازدواجشان چگونه است؟

ج: در فرض سؤال بعید نیست که ازدواج آندو باقی باشد و در حال فعلی زوج، زوجه و زوجه، زوج می شود.

عقیم کردن

س ۹۲۹: آیا بستن لوله های منی بر مردان (جهت کنترل جمعیت در جامعه یا خانواده) جایز است؟ (واژکتومی)

ج: اگر موجب عقیم شدن باشد، جایز نیست.

س ۹۳۰: آیا زن و شوهری که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی توانایی تربیت صحیح اولاد را با توجه به شرائط محیط خود ندارند، می توانند از بچه دار شدن موقتاً یا دائماً اجتناب نمایند؟

ج: اگر موجب عقیم شدن زن یا مرد نشود اشکال ندارد.

س ۹۳۱: آیا حضرت تعالی بستن لوله را تجویز می فرماید؟

ج: اگر بستن لوله موجب عقیم شدن دائم گردد اشکال دارد و جائز نیست.

احکام متفرقه

س ۹۳۲: با توجه به اینکه جوانی ۱۹ ساله هستم غریزه جنسی مرا اذیت می‌کند یعنی بیشتر بر من غلبه دارد به نظر شما راه مقابله با آن چیست؟
ج: با خواندن نماز شب و گرفتن روزه واجب یا مستحب و از همه مهمتر توجه به خداوند متعال و استعانت از حضرتش انشاء الله مورد عنایت خداوند قرار خواهید گرفت.

س ۹۳۳: نظرتان را در مورد پوسترهایی که از امامان درست می‌کنند چیست؟
ج: اگر منظورتان از «پوستر» عکسهایی است که از آنان پخش می‌کنند اشکال ندارد.

س ۹۳۴: با توجه به آیه ۱۳ سوره مبارکه کهف به نظر حضرت عالی بیان فرمائید آیا اصحاب کهف از نظر سنّی جوان بوده‌اند یا پیر؟
ج: از آیه مذکور نه جوان بودن آنها و نه پیر بودنشان استفاده نمیشود و منظور از (فَتِيَّةً) یعنی جوانمردان.

س ۹۳۵: حکم عطسه کردن چیست؟ چون بعضی اعتقاد دارند که در موقع عطسه باید صبر کرد و اگر انسان توجه نکند گرفتار بلائی می‌شود. در این مورد کمی توضیح فرمائید.

ج: مستحب است بعد از عطسه انسان بگوید الحمد لله رب العالمین و آنچه گفته شده که صبر نماید، مستندی ندارد.

س ۹۳۶: آیا گرفتن غذاهای اضافی در پروازهای هوایی برای خدمه و غیره در صورتیکه امکان نگهداری برای پرواز بعد و یا جهت تحویل به کترینگ وجود دارد و غذا فاسد نمیشود چه صورت دارد؟

ج: باید طبق ضوابطی که در این مورد مقرر شده است عمل شود و برای

بدست آوردن این ضوابط از مسئولین رده بالاتر سؤال شود.

س ۹۳۷: خصوصیات یک مراسم عروسی اسلامی در نظام مقدس جمهوری اسلامی را بیان فرمائید؟

ج: در چنین مراسمی مناسب است مداحان اهل بیت علیهم السلام دعوت شوند تا با خواندن اشعار مناسب و صحیح مجلس عروسی را رونق بخشند.

س ۹۳۸: نشانه و علامت و داغ گذاری با آهنی که روی آتش می گذارند و بر پشت یا گردن گوسفند و گاو و مرغ می زنند، چه اینکه آزار و اذیت باشد یا غیر آن حکمش چیست؟

ج: در صورتی که موجب اذیت و آزار حیوان شود اشکال دارد.

س ۹۳۹: در مدارس معمولاً اولیاء دانش آموزان تمایل دارند در نوبت صبح ثبت نام کنند و تمایل کمتری به ثبت نام در نوبت بعد از ظهر می باشد. آیا این کار که معمولاً در مدارس راهنمایی و دبیرستان پیش می آید شرعاً اشکال دارد؟

ج: اگر طبق مقررات باشد اشکال ندارد.

س ۹۴۰: گاه مشاهده می شود غیر از سرایدار افرادی چه معلّمین و غیره که محل سکونت ندارند در مدرسه اسکان می یابند و از امکانات دولتی آن مدرسه استفاده می کنند آیا اشکال دارد یا خیر؟

ج: در صورتی که طبق مقررات باشد مانعی ندارد.

س ۹۴۱: آیا سفره هفت سین اشکال دارد و گذاشتن قرآن بر سر سفره هفت سین عید نوروز چه حکمی دارد؟

ج: سفره هفت سین، اگر همراه با کارهای حرامی نباشد، به عنوان یک رسم ملّی نه شرعی مانعی ندارد، همچنین قرآن گذاشتن هم اشکال ندارد.

س ۹۴۲: برداشتن آب در ظرف کوچک و بزرگ از قنات بدون احراز رضایت صاحبان آن و آوردن به منزل برای خوردن و غیره جایز است؟ (با محدود بودن آب در منطقه)

ج: در صورتی که قنات ملک شخصی است برداشتن آب از آن بدون احراز رضایت صاحبش جایز نیست.

س ۹۴۳: فرق بین ایقاع و عقد چیست؟

ج: در ایقاع ایجاب کافی است و در عقد ایجاب و قبول هر دو لازم است.

س ۹۴۴: انتظار درست و صحیح برای آقا امام زمان علیه السلام چه انتظاری است؟ و آیا گناه کردن شخص، انسان را از حالت انتظار ساقط می‌کند یا خیر؟

ج: هدف از انتظار صحیح آن است که انسان با تزکیه نفس و خودسازی و انجام واجبات و ترک محرّمات و پیروی از روش صالحان و امر به معروف و نهی از منکر در ساختن جامعه ای اسلامی و متناسب با حضور حضرت ولی عصر عجل... تعالی فرجه الشریف زمینه ظهور آن حضرت را فراهم نماید، بر این اساس انجام گناه باعث می‌شود که انسان از منتظران واقعی آن حضرت به حساب نیاید.

